شرح احادیث

محمد شفیع بن محمد صالح

مولف مصباح الجنان

Muḥammad Shafīʿ ibn Muḥammad Ṣāliḥ

Sharḥ-i Aḥādīs.

شرح احادیث

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله الجواد الکریم وصلی الله علی عباده الذین اصطفی محمد وال محمد الرؤف الرحیم ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون ما یاتیهم من
ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون اما بعد خامه سیه نامه ناصح وخائف طالح
محمد شفیع بن محمد صالح رحمهما الله بفضله الراجح الواضح بر صفایح قلوب اولاد واخوان امجاد و
رفیقان سفر پر خطر معاد مینکارد که در مبشرهٔ مبنهای خدای مهربان که برای بیداری و هدایت غافلان و ایتمام
حجت حاسدان مشاهده مینماید که روز عالم سوز قیامت وان هنکام حسرت وندامت اشکار گشته وشفیع
روز جزا محمد مصطفی صلعم با کمال ملال ووحشت تمام اهتمام ودهشت بر اوج منبر رفیع در خطبه بودند و
بر معدودی از خواص فرقهٔ ناجیه که در پای منبر ان سرور بودند بیان عقبات پر عقوبات ان روز غم اندوز نموده
منبر مودند که علماء عقبات ومواقف پر حسرات ان روز را تمام با امت بیان نکردند در حال این مقال حبیب
ذو الجلال با کمال سرعت استعجال روی خورشید مثال ونظر شفقت واقبال بسوی این ذرهٔ بیمقدار سرا
احوال کردانیده بیک نکاه بدو معنی تعرض واستنباط تلمیح واشاره فرمودند حسب الامر الاعلی در مواقف ومقامات
متعلقه در خطب جمعات ومواعظ جماعات بتفصیل مواقف وعقوبات هنجاه کانه قیامت پرداخت واین رساله
زبدهٔ فواید احادیث برای انکه همیشه در نظر باشد در طول مدت شدید دهر وعرض بعید عمر از مطولات
عدیده ومختصرات متفرقهٔ مدیده جمع نموده ام وابن جمعه تعزیات در تنضا عیغه مطالب لیعنی تمام مندرج نمود پس از
برکت مصطفوی صلعم بمجمع معارف ومخزن عوارف نام شد که ناظر عارف فراهم نظری از ان راهیست واضح بسوی معرفت
الله وانکشت شهادت بنسبت باعتراف توصیف کمالات ان جل جلاله وعم نواله وعظم شانه واین رساله نیز فریب الی الله در

شرح

شرح احادیث مرتبه بر روضات کتاب مفتاح الجنان ملحق و بجهت عموم نفع خاص و عام بفارسی مترجم درساخت
و چون بعلت اشفتگی زمان و اختلال احوال این حیران و فقدان اسباب و اعوان و خوف فوت فرصت تمام
آن بکمال سرعت و استعجال طی این طریق پر عمیق که مانند عقبات قیامت بعضها صعب و مضبوط است
مینماید امید از جناب قدس من اظهر الجمیل و ستر القبیح اینکه نقایص این ابتدائیه بصلاح رقم کاملان
دور و از نظر عیب جویان مستور دارد و بخاطر فیض مآثر منتفعان القا نماید که مؤلف غریب کشته را در
حال تیره خسته دستان از اعمال خیر گسسته بفاتحه و دعائی یاد و شاد نموده ثواب خود را مضاعف
سازند و از این روضه که خروج طراوتش از آب دیده اهل بصیرت میبود بعضا خامه دوازده عین منفجر
نمود عین اول در نقد بکلماتی چند از مواعظ عین دویم از شدت سکرات موت و اهوال قبر و احوال
عالم برزخ تا هنگامه محشر عین سیم در ذکر اعمالی که باعث آسانی و سهولت قبض روح و شدائد قبر میشود
عین چهارم در مجملی از وقایع و فتنهائی که پیش از نفخه ثانیه و حشر خلایق در این عالم سانح میشود
عین پنجم در ذکر اول عقبات قیامت و هول خروج خلایق بان صحرا پر وحشت و ندامت اشاره
نجات از آن عقبه پر حسرت و ندامت عین ششم در اجرای عقبه اول و دویم و سیم و جمع کردن مردم
از اطراف عالم بمحشر و حال تباه پر اختلال کنه کاران و سیاه دلان در دشت پر شور حشر عین هفتم
در ذکر اعمالی که توتبوا امداد در این ایام فرصت موجب ایمنی از فزع اکبر و نجات از عقبات در محاسبه محشر میگردد
و جمعی که بیحساب ببهشت خواهند رفت عین هشتم در تفصیل سرادقات حسنات و سؤال ده کلمه با اختصار آن
عین نهم در خلاصه سؤال پر ملال بر بیان نامهای اعمال و سؤال در هر یک از مواقف پانزده کانه اصحاب یمین
و شمال و خواندن کتب نامها شوره در عرض صراط عین دهم در بیان معنی میزان و مواقف دوازده کانه آن
عین یازدهم بیان جهنم پر سوز و عذاب و تفصیل عقبات صعبات و حسنات و مواقف هفت کانه آن محل و هول پر دهشت
و وحشت اضمار آن و اشعار ببعض اعمال حسنه که تقدیم آنها در این اوقات فارغه مهلت اعانت بر خلاص از اهوال
این عقبات سراسر عقوبات مینماید عین دوازدهم در آنچه جاری شود بزبان قلم شکسته رقم شمه از طیبات
اهل نعیم و نفخه از عقوبات اهل جحیم اعاذنا الله الرحیم منها و من کل هول بفضله العظیم والحمد لله الموفق الجواد
و منه لا ... والسداد فی المبدء والمعاد عین اول ای ... بچشم بصیرت نظر کن و از خواب غفلت و حسرت
بیدار شو و بگوش هوش بشنو ای غافل از سبب هستی بایجاد خود و بیخبر از عاقبت حال و عقبات مآل

عین یازدهم
عین سیم

وتنها خود وتفکری در کار خود کن و بدانکه پروردگار حکیم تورا از کتم عدم بمعرکهٔ وجود خبر نموده متوجه
و بانواع نعمتهای سابقه و منتهای بی منتهای بالغه تورا بنواخت و اعلام حکمتهای واضحه و مطلبهای عظیمه راجحه که
درخور بزرگواری صاحب مطلب تواند بود بافرینش تو برافراخت پس اسباب هدایت و آلات تحصیل معرفت از عقل
و حواس و اعضا بالتمام بتو داد و در اداب کسب سعادات ابد و فوز بجنت خود قران و حکمت و رسول بسوی
تو فرستاد و فرمود وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِیَعْبُدُوْنِ یعنی نیافریدم جن و انس را مگر برای معرفت و اطاعت
خودم و بجای دیگر فرموده لِیَبْلُوَکُمْ اَیُّکُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا تا بیازماید شما را که کدام یک بهتراست در عمل و فرموده اَیَحْسَبُ
الْاِنْسَانُ اَنْ یُتْرَکَ سُدًی آیا میپندارند انسان که مهمل گذارند او را و مهمل و بحساب عمل او نخواهند رسید پس
بابان بسیار از پیغمبر مختار پیغام داد و خبر کرد تو را که برای دنیا و لهو و لعب نیافریدیم بلکه برای امر عظیم و مطلب جسیم
چند روزی بجهة تکلیف و امتحان تو را بدنیا فرستادم تا بتحصیل معرفت و عمل بطاعت من خود را قابل درگاه عزت
و لایق درگاه رحمت و عنایت من ساخته از عقبات جهالت و ضلالت بوعده گاه سعادت و کرامت من برسانی
پس بعد از تذکر و ادعای این معنی که لازمهٔ ایمان است تاخیر در تدارک بغیر سفاهت و شقاوت چه جهت دارد یا گمان
داری که تا کارسازی خود را هر وقت که باشد بکنی نخواهی مرد و حال انکه زیر زمین پر است از حسرت و ناله امثال تو
که باراده تدارک بطول امل در عبادت و عمل تاخیر کردند و از حسرت و ندامت فایده از نوی رجوع بدنیا میکنند
چنانکه در ایات و احادیث وارد شده یا توهم میکنی که توشهٔ این سفر محنت اثر برای بعضی بدون سعی خود مهیا میشو
شد و حال انکه خود تو میفرماید لَیْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰی نیست از برای آدمی در اخرت مگر همانکه در دنیا سعی و کوشش
کرده باشد وَمَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ جزا داده نخواهید شد مگر انچه در دنیا بعمل اورده اید
و از این مضمون کلام الهی مشحون است کیست از خدا راستگوتر و کدام خبر صحیح تر معارض [illegible] تواند بود که خود
جمع کرده ایا باین مغرور شده که بمحض اسم بی مسمای شیعه و محب اهل بیت بودن علی الرسم بر خود گذشته نجات
نخواهی یافت از جهنمی که مهیا نشده مگر از برای مثال تو از گنه کاران نواز شد ابد مرتب و غیر [illegible] و عقوبات
قیامت که فکر آن روز و ذکر آن هول جهان سوز شفیع قیامت و فخر مسند رسالت را پیر کرده و آنحضرت و اهل
بیت او و شیعیان واقعی ایشان شب و روز از هول عاقبت کار و خشیت عقوبت پروردگار محزون و متفکر و
بیهوش و بسیار مضطرب و مدهوش شدند چنانکه حدیث ابو الدرداء و غیر آن براین معنی شاهد است حضرار
گوید دیدم امشب که امیر المؤمنین صلوات الله علیه را میدیدم در تاریکی شبها در محراب ایستاده نزد پروردگار

خود

خود مضطرب و مشغول میشدند مانند شخصی که مار او را گزیده باشد و میگریست مثل کسیکه مصیبت عظیمی باو
رسیده باشد و گویا در گوش منست که مکرر میفرمودند آه از کمی توشه و طول سفر و وحشت تنهائی راه
و عظمت مشقتها و اهوالیکه ناچار وارد آنها باید شد و احوال ائمه و سایر انبیا در السنه و کتب اخبار مشهور
و مسطورست و خلاصه آنها در مفتاح الجنان مذکور است پس تو خود را از ایشان عزیزتر و نزد خدا گرامی تر میدانی
از خدا بترس و بر خود رحم کن و جزم بدانکه اگر راستی از شیعه ایشان میبودی بفرموده ایشان و اجتناب از کردار
دشمنان ایشان مینمودی چون امروز اسم دوستی ایشانرا از اسرار بافعال شنیعه و شرکت دشمنان ایشان در اعمال
ضایع باز نداشتی پس در حفظ از چنان فزع اکبر و هول کبری روز محشر بی نفاقت و شراکت عاصیان ایشان در جزا که
لازمه هر علتیست چگونه خواطر جمع میتوان شد و از این جهه حضرت امام محمد باقر ع میفرماید ای جابر همین بس است
کسی را که تشیع بر خود میبندد و دعوای محبت ما اهل بیت مینماید والله که شیعه ما نیست مگر کسیکه اطاعت خدا کند
و پرهیزکار باشد ای جابر پیشتر شیعیان ما را نمی شناختند مگر بتواضع و بسیاری یاد خدا و نماز و روزه و وارسی نمودن
همسایگان و فقرا و قرض الحسنه دادن بمؤمنان و وارسی نمودن ای جابر قرض داران و یتیمان و راستی گفتار و
تلاوت قرآن و زبان بستن از غیر نیکی مردم با این خیالها از راه در مرو و همین بس است مگر که گوید علی را دوست میدارم
اگر گوید رسول خدا را دوست میدارم که بهتر است از حضرت امیرالمؤمنین ع و باعمال آنحضرت عمل ننماید و پیروی سنت
او ننماید آن محبت هیچ بکار او نمی آید پس از خدا بترسید و کاری بکنید که ثواب الهی را دریابید بدرستیکه میان خدا
و احدی از خلق خویشی و قومی نیست گرامی ترین نزد خدا کسی است که پرهیزکارتر و عملش بطاعت از همه افزون است ای جابر
بخدا نمیتوان جست مگر بطاعت و ما برات آزادی نداریم از جهنم برای شما و هیچکس را
بر حق تعالی حجتی نیست هر که مطیع خدا است ولی و دوست ماست هر که معصیت خدا را کند و دشمن ماست و بولایت
و دوستی ما نمیتوان رسید مگر بپرهیزکاری و عمل نیکو و قریب بهمین معنی از حضرت صادق ع منقولست و باین مضمون
احادیث بسیار است و بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که هر که ما را دوست میدارد میباید باعمال ما عمل نماید و
استعانت جوید بورع که بهترین معینها است بر امر دنیا و آخرت و بحضرت امام جعفر صادق ع عرض کردند که جمعی از شیعیان
شما هستند که گناهان میکنند و میگویند که ما امید برحمت خدا داریم و همچنین هستند تا مرگ ایشانرا دریابد
فرمودند که دروغ میگویند ایشان شیعه ما نیستند بآرزوهای نفس خود مایل شده اند و گمان میکنند که امید
دارند هر که امید چیزی دارد برای تحصیل آن سعی میکند و هر که از چیزی میترسد از آن میگریزد و این مثل از امی

که امید بزراعتش ندارد و زراعت میکند و اگر میداند که باقی ضایع شده باشد هرگز زراعت نکند پس امید باعث
زیادتی شوق عمل و سعی او میباشد نه مانع از آن و از همین جهت امید در شرع ممدوح است اما هرگاه زراعتی نکرده
باشد و گوید امیدوارم از کرم خدا که زمین من خرمن شود آرزوی ابلهانه و سفاهت بوده نه امید و نیز فهمیده معنی
کرم خدا را و اشتباه کرده بمعجزه که برای اثبات نبوت و امامت میشد بر ظاهر میشود یا کرم خدا را بیش از این میخواهد که
تخم و آب و زمین قابل و اسباب و وقوف زراعت و فرصت داده که باندک سعی در چند روزی یک حبه هفت خوشه و از
هر خوشه صد دانه بر دارد و خدا در عمل صالح زیاده بر یکی هفتصد میدهد بقدر سعی و اخلاص و هم آنحضرت فرمود
نیست شیعه جعفر مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام به عفت دارد و کوشش او در عبادت شدید باشد و برای آفریدگار
خود کار کند و امید ثواب و خوف عقاب داشته باشد پس اگر چنین جماعتی را ببینید شیعه ایشانند و فرمود که بر شما
باد ورع از حرام و شبهه و آن دینی است که ما همیشه ملازم آن و بآن خدا را عبادت میکنیم و از او میخواهیم از موالیان
و شیعیان خود پس ما را بتعب میندازید در شفاعت خود و از حضرت امام رضا مرویست که اگر در مقام تمیز شیعه
در آئیم نیابیم ایشان را مگر وصف کنندگان بزبان و اگر امتحان کنیم ایشان را نیابیم مگر مرتدان و اگر خلاصه و زبده کنیم
ایشان را از هزار یکی خالص نباشند تا آنکه فرمود تکیه میکنند بر مسندها پس میگویند که ما شیعه علی هستیم نیست
شیعه علی مگر کسی که فعلش قولش را تصدیق کند و از حضرت امام حسن عسکری ع از پدران کرام خود منقول است
که برسول خدا عرض شد که فلان نگاه میکند بخانه همسایه و از نامحرم دیدن هم مضایقه ندارد آنحضرت غضبناک
شد فرمود بیارید او را کسی گفت یا رسول الله از شیعه شما است و اعتقاد بولایت شما و ولایت علی دارد [illegible]
شما بیزارم بگوید فرمود مگو آن شیعه ما است پس بتحقیق که آن دروغ است [illegible]
متابعت ما کنند در اعمال ما و آنچه تو ذکر کردی از اعمال ما نیست و در حدیثی است که روز قیامت [illegible] از همه
خواست که ما را معاف دارید از شفاعت خود که ما در دنیا بشما اعلام کردیم و مبالغه و سفارش در ترک
امر و نمودیم و اما نه در این باب بسیار است و بدون رضا بلکه بی اذن حق تعالی کسی جرأت بسفارش شفاعت
نمیتواند کرد پس بعد از ملاحظه کلام خدا و حجتهای خدا فریب نفس خود و شیطان مخور و فرصت غنیمت شمرده بزودی
از خواب غفلت بیدار شو حجتی که ولایت ایشان بر خود بسته و آرزوی شفاعتشان داری با خود دشمنی مکن وای
بر حال کسی که شفیعان او خصمهای او باشند در روز قیامت بسبب دریدن پردههای محارم خدا [illegible] غیور و
شریعت ایشان و حبس خمس ذریه و اطفال ایشان و زکوة و حقوق فقراء و مساکین و ایتام که خدا [illegible] خود

نامیده پس چه عظیم است حسرت و عقوبت بد بخت غافلی که سرمایهٔ عمر خود را که برای کسب سعادت ابدی باو داده بودند
صرف اسباب خسارات و شقاوت ساخته تا غلبهٔ کاهلی از تدارک توشهٔ آخرت در این اوقات فرصت که باندک سعی
بدرجه عالیات میتوان رسید خود را بحسرت عذاب سرمدی انداخته باشد صریح قرآنست که منکر و شک کننده در
آن کافر است فَاَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِینُهُ فَاُمُّهُ هَاوِیَةٌ هر که میزان عملش سبک باشد جایش در جهنم است وَمَنْ یَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ هر که بقدر ذرهٔ کار بد کند وبال و انتقام او را می بیند و قرآن از این مضمون پر است اِنَّ
الْاَبْرَارَ لَفِی نَعِیمٍ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِیمٍ بتحقیق و یقین که خوبان در بهشتند و گنه کاران تا ج در جهنم هیچ جا نفرموده
که بکفار جو بدکاران در نعیم است تا تو مغرور شوی که شاید تو باشی بلکه ممکن است که فجار بزودی پشیمان و پیش
از آن که بشوی تا آخر توبه از زنگ قساوت تمام دلشان سیاه شود توبه نموده خود را قابل رحمت و لایق شفاعت
سازند که اوقات مهلتی یا برابرند و تا کثافات سیئات و ناپاکی و نجاسات بالموی معصیت که بمراتب بدتر از نجاسات
ظاهر است باب توبه و اشک ندامت پاک نسازند لایق نعیم و هم نشین نیکان و پاکان نمیشوند چنانکه حضرت
امام محمد باقر علیه السلام میفرماید که داخل بهشت نمیشود مگر پاک و طریق پاک شدن و اهتمام تمام در تعجیل آن و بکیفیات
وعقوبات تاخیر آن بتفصیل در کتاب توبه و عقبهٔ جها مسطور است در توریة مذکور است یا ایها الناس تا چند تاخیر می
کنید توبه و چند از آن خود را روز بروز تا شما را اجل در رسیده از مرگ یا برائت از آتش جهنم بدست یا جزم به بهشت نموده ابد
نعمت شما را غافل کرده و طول امل شما را بخدا مغرور ساخته ای بندگان دنیا را شما آفریدم مگر برای آنکه روزی مرا اطاعت
کنید که بهتر در آن بکار برید پس [illegible] اگر فقیر بود و زر یا گذاشته یعنی عمل نکرده بود دنیا اگر فقیر بالای
خود کرده تبدیل کرده بد خانه های خود را و پس کرده بد خانه های مرا و بخانه های خود را تن کرده و از خانه های من و
نمود بد پس شما بندگان نیستید بلکه آزادگان بندید سماها بیک اسم از اسمهای من مسمی شده رهوا بپستون
و دلهای شما بهزار موعظه از کتابهای من مستفیض نمیشود چنانکه سنگ آب نمیشود موعظه هم در دلها با قساوت تاثیر
نمیکند ای پسر آدم مهیا شو برای مرگ پیش از آنکه اجل بتو برسد من اگر دنیا را وا میگذاشتم هر آینه برای پیغمبران می گذاشتم
که بندگان مرا بطاعت میخوانند بدرستی که بعضی بندگان من هستند که میمیرند پس اندم پشیمان میشود و سؤال می کنند
که برگرد بدنیا تا تدارک کنی و عمل صالحی بجا آرند پس خدا میفرماید ای احمق تو از آنجا می آئی ای پسر آدم ببر دل حب دنیا را
از دلها خود را که جمع نمیکنم محبت خود را با محبت دنیا در یک دل مانند آب و آتش در جمع روزی که مقسوم و مرزوق منست
خوش مدار که روزی تو را دیگری نخواهد خورد ای پسر آدم هیچ حرف همه نمیزنی و نگاهی نمیکنی و قدمی بر نمیداری

مگر آنکه دو ملک با او هستند که مینویسند خوب و بد ترا فریب ندهد شما را عافیت و سلامتی که ایام عمر شما
محدود و معلوم است و عدد نفسهای شما معدود و محسوس است پس از خدا بترسید ای صاحبان عقل شاید که نجات
یابید پیش بفرستید المنجیه در دست [illegible] بدید برای هول روزی که در پیش دارید و رسول خدا میفرماید که یا اباذر
زنهار که تاخیر مکن در کارهای خود در طول امل که بعد از این خواهم بود و خواهم نمود چه بسیار منتظر فردائی
که بفردا نرسیدند ای اباذر اگر ببینی اجل خود را و سرعت و تندی آمدنش بسوی تو البته دشمن داری آرزوهای
خود را و فریب ترا بود پرسیدند که کدام یک از مؤمنان زیرکترند فرمود آنکه یاد مرگ بیشتر میکند و تهیه او را
بهتر ساز د و احمق عاجز مشغول شهوات خود میباشد و بر خدا آرزوها میکند ای اباذر چون نور در دل در آمد وسیع
و گشاده میشود یعنی برای قبول حقایق و معارف و تفکر و اذعان و توطین نفس و حکم یعنی اذعان بر صبر و زهد پس
اباذر پرسید که علامت آن نور چیست فرمود که میل و رجوع بسوی امور آخرت که خانهٔ جاوید است و پهلو
خالی نمودن از دنیا که خانهٔ فریب است و مستعد شدن برای مرگ پیش از رسیدن یا اباذر در قدر عمر خود بدان و بدان
بخیل تر باش از مال خود که تلف و ضایع نشود یا اباذر باش در دنیا مثل غریبی که در دنیا وطن نپندارد
و خود را از اهل قبور شمارد و قبر را منزل خود دان و سعی نما در تعمیر آن و بگیر توشه از صحت خود پیش از بیماری و از زندگی
خود پیش از مرگ چه میدانی که فردا هستی یا نه حذر کن مبادا که از پا در آئی در غفلت که ممکن نیست رجوعی که تدارک نمائی
ای اباذر کسی که تاخیر کند در تدارک یا انتظار میکشند مگر توانگری را که او را طاغی کند یا فقیری را که از خدا فراموش
آرد یا بیماری را که شکسته [illegible] یا پیری را که از کارش باز دارد یا مرگی که بناگاه در رسد و مهلت ندهد یا فتنهٔ دجال
بدترین چیزها است که غایب است و آشکار خواهد شد یا قیامت [illegible] تلخ تر [illegible]
مثلا اگر بکمال مبالغه و تاکید بغلام خود فرموده باشد البته فردا مهیا شو که برای مهم عظیمی بخیر [illegible] خواهم طلبید
و بداند که قاصد او یکدم دیگر میرسد یا روز دیگر یا سال دیگر البته باید که اصلا و سهل انگاری و تاخیر و نافرمانی
ننماید که انتظار هر چه بود و فرمان مولای خود هر چه خشیت و مقدم دارد جرات و خطا کرده که چیزی بهم [illegible]
نداده و اعتنا بشان او ننموده تهیه و تدارک بلکه تاخیر خود را بعرض تقصیر و غضب داشته اگر مولای او غیرت و قدر
دارد هر وقت که مصلحت داند و خواهد متوجه سیاست و انتقام او خواهد شد پس ای عزیز با تهیه بیا و بر خود رحم
کن و همین دم میل و رغبت قلبی بهم رسان بتدارک روز آخرت خود مبادرت نما و توبه و انابه کن بسوی خدا [illegible]
معا که بدون آن نجات محال است و از حقوق خلق و خدا بقدر مقدور ادا و قضا کن و عزم کن که تتمه را بعد [illegible]

بلغ

نبادی و دیگر نافرمانی خدا ننمائی و یقین بدانکه بهشت سعید بلکه محبوب الهی گشته اگرچه شقی بودی مردی آگاه که
بتوفیق الهی که بعد از این شامل حال تو خواهد شد شب و روز بی آرام باشی در تحصیل ذخیرهٔ مثوبات ابدیه از درجات
بهشت برای خود و در شکر این نعمت عظمی کوشیدی که پیش از توفیق خود باین مراتب فرصت را از تو نگرفته بودند
بخلاف جمعی که باعتقاد روز جزا و ارادهٔ توبه و تدارک الحال بشوی تا آخر و اندک کاهلی و تقصیر در زیر مبین بحسرت
ابدیه و عقوبتی که ابد الاباد تدارک آن ممکن نشد گرفتار شدند زنهار زنهار مباد تا آخر نمائی که ناگاه وقت مهلت بسر آید
وهنگام فرصت بگذرد و یکبار قهرمان اجل بتازیانه قهر در کورت فکند و از خواب غفلت بیدار و از مستی و حیرت هشیارت
کنند و فی خبر شوی که در سکرات موت باشی و فزع عظیم بر تو غالب شود و از معاینهٔ آثار شقاوه که برای مصلحت تکلیف
مخفی بود جزع الیم بر تو ظاهر و عقلت مشوش و پریشان و از هول مطلع و دهشت صد هزار عقوبت که پی هم روی بتو
می آورد مضطرب حیران و دوستان لباس ماتم در بر و اطفال خاک یتیمی بر سر و وارثان که بر کم کردن جیفهٔ بدنت طالب
کورت هم اهند در فکر حالت شیطان که زیاده بر همه اوقات سعی در گمراهی تو مبذول دارد با آن حال پر اختلال در سلب ایمان
و بستان از ضعف ایقان و خذلان ملائکه رحمن دانم برغم مؤمنان از وسوسه حفظ نمایند تو مسکین بی ایمان
از دنیا رفته نعوذ بالله هرگز از جهنم در دنیا پس چون بکشند روح تو را بشدت و قهر از قالب بی بدل شود نالهٔ حسرتت
تو بصد هزار الم در دنیا و مردم بیند بند غم و محنت شد تا از رنت ساکن شد نه والله بلکه حواله بعالم باطن شد پس بکشند
تو را از خانهٔ عزت بجا کذا خاک و مذلت غربت و پریشان و از هرچه عوض دین خود سعیها در تحصیل آن نموده بودی فرو بسته
در گور تنگ بی سفر پر خطر بی پایان [illegible] تو بشیر [illegible] از حسرت مفارقت دنیا که بجای نیکی کرده و با یاد عالم آشنا
کرده بودی [illegible] تاسف و [illegible] و از [illegible] اعمال صالحه و نماز شب و تلاوت قران و غیرآن که همه منهدم و مونس تو بودند
تنها و غریب و حیران و حسرت بالهزار شدت و محنت خسته و دست و پا بریسمان محکم بسته و از هیبت و مخافت منکر و نکیر
شرمنده عاجز و شکسته [illegible] باشی و در وحشت باد قبر و دهشت باد خاک سیاه حسرت و بره بمجی بر سر باحسرت
و تضرع و استغاثه پای آثر و الحق نا الملاتب رحم نکردن و گریها و عذرها نشنیدی که خبر خود ندانستی و قدر عمر
شریف و وقت فرصت ندانستی و غنیمت نشمردی حیات خود را پیش از مرگ و صحت خود را پیش از بیماری و فراغت خود را
پیش از عجز و فراق خود را پیش از شغل پس هکث نمائی در گور مولحش از اعمال زشت خود و منضر از مارها و
عقارب [illegible] خوی در زشت خود چه گور ظلمت بادی که از نور نماز شب چراغ نفرستادی و حلاوت بادی که از عنایت
خانعه و تلاوت چیزی ابتنی برای خود مهیا نکردی و خراب بادی که بر بساط از گوهر خیرات فرش بادی نکستر ابدی حسرت

اباد که بروح المسبّح نسیم الطاف سحرگاهی نفحه رحمتی متوجه انها ساختی پس ای عزیز در این موحش بی جا و چنین تنگ تاریک
تور و مار در بیدت ساکن در آمدی و از عفونت هوام روز بروز تنگی بجسدت طاری از چرک و خون و زرداب اعضا کرم و
حشرات مسکون در سر و صورت جاری بعفونتهای اعمال خود گرفتار بصدمات ادخاری و زادی تا انکه گوشت بدنت لقمه
حشرات زیر زمین شود و استخوانت از سپیدی همه دیده کور گردد تا مشاهده فزع اکبر روز محشر و هول قیامت
هنگام حسرت و ندامت ناگاه مشاهده کنی قیامتی که جمیع شدتهای گذشته را فراموش نمائی و آرزو کنی
که باز بگور پنهان باشی پس از ملاحظه ارتفاع غبار و حشت زلزله و جوش زمین و زمان و استماع صدای
شیون و دهشت و ولوله و خروش اهل آسمانها سراسیمه مدهوش و هراسان و از هول انتقام حاکم عادل این روز هول
و ترسان از شدت حسرت و ندامت و پشیمانیهای بیفایده نالان و دلتنگ و با نفس شوم بیعاقبت خود در مجادله
و جدال از فکر جواب پروردگار حیران در موافقت حساب عجز و اضطرار از عرق خجلت و رسوائی قبایح اعمال و فضایح افعال
کدام کم از حرارت آتش جهنم نیست در پیچ و تاب از عقاب و عفو با پناه کاینکه متعاقب خواهی رسید مدهوش و
با خود در ملامت و عتاب از حسرت آتش خوف و رنج که امروز تو بکوشش نخواهی داشت که مال کار فجار هم اینجاست درون
وکدام از حسرت تقصیر در تحصیل قابلیت رحمت خدای نبوده توازد در مصیبت و ندامت دود دارا نعوذ بالله الرحیم
من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا بخدا قسم که اگر شقاوت و سفاهت نباشد بعد از توفیق تذکر این مراتب بکردن خود
غافل و کاهل نشاید و از همین دم شروع و بخلاص نفس عزیز از درکات و به بسوی درجات عالیه پردازی و نداری کل هوس
ببلند همتی و عزم و جزم منهوا اگر باز حالا که مدت اختیار است امروز و دیگر که اختیار تو نیست [illegible]
ولا قوة الا بالله العلی العظیم عین کدوم دزد کرد شهر از [illegible] رصیبت
نوابه یاد مرگ و احوال بعد از آن بسیار است که باعث زهد میشود از دنیا که منشا جمیع گناهان و عقوبتها است
رسول خدا بسیار وصیت میفرمودند بیاد مرگ و میفرمودند که آن شکننده لذات [illegible] است شما و خواهشهای
نفسانی و فرمودند که اگر حیوانات نامید از مرگ انچه که شما میدانید گوشت فربهی نمییافتند [illegible] که مرگ
یاد کنید که مرگ را چاره نیست [illegible] برسد بار راحت برای انها که برای بهشت سعی کردند و با شقاوت عذاب ابد برای انها
که فریب خوردند و برای دنیا سعی کردند پس بتحقیق که کسیکه دوست خداست و سعادت ابدی برای او لازم شده اجلش مبادا چشم و
دارد و دنیا به پشت سر او و فرمودند زیرک ترین مردم کسی است که فراموش نکند قبرها و پوسیدن جسدها را و ترک کند زینت
دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی و خود را در سلک اهل قبور شمارد در حدیث معراج فرمود دیدم ملک الموت

وگفت که روح همه را من میگیرم مگر تو و علی که خدا قبض میکند و تمام دنیا در بهشت تو گسترده نیست خواهند که ملک
هر روز پنج بار ادمیان را ملاحظه میکنم و یک یک را میشناسم و چون بر میتی گریه میکنند میگویم که مگریید که مرا عودی بعد از عود است
بشما است تا یکی از انکه ادم گفتم مرگ کافی است برای اندوه و درهم شکستن ادمی پیر تحمل کنند تا بعد مرگ اسباب بدتر است از مرگ
و بروایتی فرمود که هر که را یاد مرگ گران گردد میباید قبر خود را روضه از روضهای بهشت و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
مرگ دنیا را رسوا کرده و برای عاقل در دنیا فرح و شادی نگذاشته است و فرمود بسیار یاد کنید مرگ را و بیرون امدن از
قبرها و ایستادن نزد خدا در موقف حساب تا مصیبتهای دنیا و اسباب آن بر شما سهل شود و هر که قبرها را از عمر حساب کند صحبت
نیکو نکرده است مرگ را و فرمود نیست میان شما و بهشت یا دوزخ مگر مرگ و در مشایعت جنازه شنید و گفت گویا
مرگ در این دنیا بر غیر ما نوشته شده است و گویا حق الهی بر غیر ما واجب شده و گویا این مردها که میبینیم مسافرانند
که اندک زمانی بسوی ما مراجعت میکنند خود ایشان را در قبرها جا میدهیم و میراث ایشان را میخوریم و گمان میکنیم
که همیشه بعد از ایشان خواهیم بود فراموش کرده ایم هر واعظ و پند گوئی را با انکه هر بلیه و مصیبتی گرفتار شده ایم
خوشا حال کسی که نفس خود را ذلیل شمارد و کسبش حلال باشد و باطنش شایسته و خلقش نیکو و زیادتی مالش
صرف نماید بخیر و زیادتی سخنش را نگاه دارد و فرمود بقیه عمر قیمت ندارد و تدارک میشود بان انچه فوت شده
و زنده میشود بان انچه مرده است و روزی داخل قبرستان شد و خطاب فرمود که ای اهل تربت و یا اهل غربت اما
خانهای شما پس دیگران ساکن شدند و زنان شما را دیگران نکاح کردند و مالهای شما را قسمت کردند این است
خبری که در نزد ما است پس کاش میدانستیم نزد شما چه خبر است انگاه باصحاب متوجه شد و فرمود اگر رخصت جواب ایشان را اذن
برسد میگفتند که ان خیر الزاد التقوی تحقیق که بهترین توشهها این راه پرخطر متاع تقوی و پرهیزکاری است که
در این بازار هیچ در کار است و در حدیث دیگر ما یکی بر انحضرت از مقابر سؤال کرد و گفت خبر نزد ما اینکه هر چه از
اعمال کرده بودیم جزای او را دیدیم و از مال انچه را پیش فرستاده بودیم بما رسید و انچه جا گذاشته بودیم خسران
کردیم انگاه التفات باصحاب فرمود که شنیدید گفتند بلی فرمود که پس توشه بردارید که بهترین توشهها است تقوی و
پرهیزکاری بستان از فرمان خدا و فرمود که ایها الناس هر که بر روی زمین راه میرود پس البته بشکم زمین خواهد
رفت شب و روز بسرعت میبنمایند در هدم عمرها و برای هر که روزی مقرر داشته و نوروزی طعمه مرگ و هر که
روزگار را غنیمت شمارد غافل نمیشود و از اشغال او تدارک بعد مرگ و کسی که خیر خود را از شر تمیز نمیکند بمنزله بهائم
است بهائم را موعظه و ترک تدارک نمیکند مگر بعلت گناهها که دارد در هنگام رحلت وصیت فرمود ای فرزندان

ابدان و روحهای خود را که پاک کنید و مرگ خود را بسیار یاد کنید بدرستیکه شما در گرو مرگ هستید و بشیعیان نوشت که ای بندگان
خدا از مرگ نجات نمی یابید پس حذر کنید پیش از آنکه برسد بشما و تدارک درست کنید که بر همه احاطه نموده است و اگر
می ایستید شما را میگیرد و اگر میگریزید شما را می یابد و از سایه شما بشما نزدیکتر است و بر پیشانیهای شما بسته شده و دنیا از پی شما
می پیچید و عنقریب تمام شده و هرگاه نفسهای شما با شما منازعه کند بسیار یاد کنید مرگ را و مرگ برای وعظ و پند کافیست
و شیخ مفید بسند صحیح روایت کرده و بسند خود از حضرت باقر علیه السلام که خلاصه مضمون آن این است که چون خدا خواهد که
روح کافر را قبض کند امر میفرماید بملک الموت که برو با اعوان خود بسوی دشمن من که انعام کردم بر او انواع نعمتها
و دعوت نمودم او را بدار السلام بهشت انشا و نمود و کفران نعمت من کرد روح پلیدش را بگیر و در جهنم انداز پس ملک
الموت با روی زشت مهیب چون شب تار و نفس چون زبانه نار آتش بار و دیده مانند برق درخشنده و صدایش مانند رعد شکننده
سر در آسمان و پایها در هوا یکی در مشرق و یکی در مغرب پیچیده که شعلهای آتش از دهان او بلند است با پانصد ملک با تازیانها
مشتعل و پلاسهای سیاه و اخگرهای جهنم بر سر او بایستند پس سیطائیل که از خازنان جهنم است او را بدر و شربتی از جهنم در
کام او بریزد که بوی تندش تا داخل دوزخ شود پس چون نظر آن شقی بر ملک الموت افتد دیده اش باز ماند و عقلش
پرواز کند و استغاثه نماید که مرا بدنیا برگردانید جواب بشنود که کلا انها کلمة هو قائلها این نخواهد شد پس زبانه جحیم را
و روحش را بآن جذب کنند از بند پایهای او و چون روح او بزانوهای او برسد که نتواند جنبید امر کنند که آن تازیانه آتش بار را
بر او فرود آورند پس سکرات موت شدتها را با او چنان کنند که گویا هزار شمشیر بر او میزنند و چنان بسیج روح او را
بکشند مانند سیخ پر شعبه از پشم تر که پیوسته بچسبد در بدن او بکشند که شعبهای جان او را از جمیع رگها و بندها و اعضا
در آورند و چون جان بگلوی او برسد ملائکه تازیانها زنند بر رو و پشت او چنانچه حق تعالی فرموده که بر رو و پشتهای ایشان میزنند
در قرآنست و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون
بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق و کنتم عن آیاته تستکبرون یعنی اگر ببینی ستمکاران را بر خود یاد بکنی در سکرات موت و ملائکه دستها گشوده
بقبض ارواح ایشان و گویند بیرون کنید جانهای خود را که امروز جزا داده میشود بشما عذاب خواری بسبب آنکه
میگفتید بر خدا غیر حق و تکبر میکردید از قبول کردن آیات خدا و چون روحش را در آورند بدنش را میان مطرقه
و سندان در هم شکنند از سر انگشتان تا دهن و پس کند بر او که تمام اهل آسمانها منادی شوند و خدا و
جمیع لعنت کنندگان بر او لعنت کنند و چون روح او را بآسمان برند درهای آسمانها را بر او نبندند چنانکه در قرآنست
لا تفتح لهم ابواب السماء پس ندا رسد که برگردانید این روح پلید را بزمین که ایشان را از زمین آفریدم و باز برمیگردانم

بزمین و بر فرق مبارکم بار دیگر چون باده را در تابوت گذارند شیاطین جنازهٔ او را بردارند و چون نزدیک قبرش رسانند
بقعه‌های زمین بفریاد آیند و بخدا استغاثه نمایند از او تا در کودالی که برای او ساخته‌اند دفن کنند و زمین او را خطاب کند که لا مرحبا
بک خوش آمدی ای دشمن خدا و بر پشت من که راه میرفتی نزد دشمن میداشتم امروز که در شکم من آمدی ترا بشناسی دشمنی مبداءم
بعزت پروردگار که بر تو مجاورت بد کنم و بر تو تنگ و موحش گردانم و کودالی شوم از جهنم پس منکر و نکیر در آیند بار و بهای
سیاه و چشمهای کبود و دندانهای مانند بیل سرخ چون برق لامع شکافند بنیشهای خود قبر او را و در و بهای خود
راه روند و باواز رعد آسا بانگ بر او زنند که جانش بحنجره آید و بپرسند از خدا و دین و پیغمبر و امام گوید نمیدانم
گویند دردی نباشد داشتی در اینجا هم شک داری هر گز ندانی و هدایت نیابی آنگاه گرزی بر او زنند که بغیر از جن و انس
آنچه در مشرق و مغرب عالم است همه بشنوند و ماهیان و وحشیان همه رم کنند و خدا مسلط کند بر او ماری سیاه ابلق
که روزی سیصد و پنج و سی و شش مرتبه او را عذاب نماید بسبب آنکه کارهای بد را از مردم پنهان و از خدا پنهان و پروا نمیکرده پس
ملائکه دیگر را بر او مسلط کرداند تا او را عذاب کنند و پیوسته گرزهای آهنین بر او زنند تا روز قیامت و تتمهٔ
این حدیث در عقبات آینده که کاران مذکور خواهد شد و منقولست از حضرت ابراهیم خلیل ع که بملک الموت فرمود
که میتوانی خود را بصورتی که قبض روح مؤمن مینمائی بمن نمائی گفت بلی روی خود را بگردان پس جوانی دید خوش صورت
و جامه و شمایل و بوی خوش فرموده گفت اگر مؤمن بنبیند حسن و جمال ترا بس است و را پس خواهش کرد دیدن
صورتی را که فاجر را قبض روح می‌کند گفت تاب دیدن آن نداری فرمود دارم گفت پس رو بگردان پس نظر کرد
مردی دید سیاه مو همارست ایستاده نهایت بد بوی با جامهای سیاه و از دهان و سوراخهای بینی آتش و دود بیرون میآمد
حضرت بیهوش شد چون بهوش آمد ملک الموت بصورت اول برگشته بود فرمود که اگر فاجر نبیند ترا با این صورت
کافیست برای این عذاب حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که چون آدمی بروز آخر دنیا و اول آخرت میرسد مشتمل میشود برا و
مال و اعمال و اهل او پس رو میکند بمال که و الله که من حریص بودم بر جمع کردن تو و بخیل بودم در صرف کردن تو حال
مرا چه مدد میکنی جواب میدهد که کفن خود را از من بگیر پس بفرزندان التفات کند و گوید و الله که شما را دوست میداشتم
و حمایت بکردم امروز برای من چه دارید گویند ترا تا قبر میرسانیم پس رو بعمل خود آورده گوید و الله که خواهان تو
نبودم و بر من گران بودی امروز چه مدد مینمائی گوید قرین توام در قبر و حشر تا من و ترا بر خدا عرض کنند پس اگر دوست
خدا باشد نزد او آید شخصی از همه کس خوشروتر و خوشبوتر با جامهای فاخر و گوید بشارت باد ترا به نسیم و گلهای بهشت و نعیم
ابدی خوش آمدی گوید تو کیستی جواب دهد که من عمل صالح توام و چون از دنیا روی بتو در بهشت است و چون مرده غسل

میشناسد و رحم میکنند بر آورندهٔ جنازه اش اگر مؤمن است و بدتر است پس در قبر دو ملک سیاه بیایند که موهای خود را بر
زمین میکشند و بپا زمین را میشکافند و صدا مانند رعد دارند و چشمها مانند برق بیبارد و شنیدن از خدا و دین
و نبی و امام چون نتواند گفت گویند ثابت بدار تو را خدا در آنچه میخواهی پس قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و دری از
از بهشت بقبرش کشایند و گویند بخواب با فرح و شادی و راحت پس اگر دشمن خدا باشد شخصی زشت رو و بد در غایت زشتی
و بد بوئی گوید بشارت باد تو را بجهنم و غسل دهنده اش را میشناسد و قسم میدهد حاملانش اگر او را ببرند و نبرند
پس چون داخل قبرش کنند دو ملک مذکور آیند از خدا و پیغمبر و امام و دین پرسند گوید نمیدانم گویند نمیدانستی و هدایت نیافتی
پس گرزی باو زنند که هیچ جانوری نیست که صدای او را نشنود و نترسد مگر جن و انس و دری از جهنم بقبرش کشایند و گویند
بخواب بدترین حالی و قبر چنان تنگ شود و فشاری دهد که مغز سرش از ناخن پایش بیرون آید و بر او مسلط گردانند مارها
و عقربها و حشرات زمین را که تا روز قیامت او را گزند و از شدت آن روز قیامت کنند و از حضرت رسول صلعم منقولست که
ببعضی از اصحاب فرمود که چگونه خواهی بود وقتی که در آید بر تو از ملائکه دو ملک درشت غلیظ با صدا مانند رعد عاصف
و برق خاطف دو موی خود را رو کنند به بنشها زمین را درند پس سؤال نمایند از تو پرسید که من در آن وقت با این حال
خواهم بود یعنی در هوش و معرفت و اعتقاد درست فرمود بلی گفت پس کفایت ایشان خواهم کرد و فرمود بروایت حفص
امام محمد باقر ع که چون در قبرش بهیبت ندا میکند حاملان خود را که آیا میشنوید شکایت میکند برادر شقی شما از شیطان
جن و انس که بفریب ابتلا انداخت و دوستان که با مید ابطال ایشان بسیم امروز از من بیزاری جستند و از فرزندان که بر جا خود اختیار
کردم مالهای خود را که امروز او را گذاشتند و از شما که بخل کردم در راه خدا و بالش بر من ماند و از خوانه که مایه خود را اصلی
کردم و تعمیر کردم دیگران نشستند و ازین شما مانند در قبری که نداند سکنا هم خوانه که در آن کریم میشود و خوانه ظلمت
و وحشت و تنگی آیا میشنوید ای برادران و شما حذر کنید از آنچه من مبتلا شدم که مرا بشارت داده اند بر آتش و خاری
و مذلت ابد و غضب جبار و احسرتا بر تقصیر طاعت خدا و دوستان و چه نالها از که پیش مرمی شفیع نه دوستی کاش
مرا برمیگردانیدند بدنیا تا داخل مؤمنان میشدم و حضرت امام محمد باقر ع که این حدیث را ذکر میفرمود گریه میکرد
و آنحضرت با جنازه بود چون بقبر رسید نفد ذکر نسبت که ریش و رخت مبارکش تر شده بعد از آن فرمود ای برادران
برای مثل امروز باید آماده و مستعد شوید و فرمود قبر اول منزل آخرت است از منازل آخرت اگر از آن نجات یافتی بعد از آن
آسانتر است و الا بعد از آن شدیدتر است و الحق هو اکه این اول باشد چاره انها را پیش از ورود باید کرد و لازم است
و بدانکه این آخرش باشد زهد از انها منجیم و فرمود بیرون نمیرود کسی از دنیا تا اند جا خود را در بهشت یا دوزخ

مضمون اخبار در طرف عامه و خاصه بسیار است و مستفیض و متواتر است و از حضرت امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع
مرویست که حرام است بر هر روحی که از جسد خود مفارقت کند تا آنکه ببیند پنج نفر را محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله
علیهم اجمعین بنحوی که خوشحال شود یا بدحال و مشهور است حدیث نبوی ص من مات فقد قامت قیامته یعنی هر که مرد پس بتحقیق
که قیامتش برپا شد بعد از این فرمود که آدمی ببیند وقت در دفن ده حشر جزای هر چه از پیش فرستاده و بروایتی فرمود که چون
بکی را در رسد او کویند که چه طور دیدی دنیا را کویند بسیار مکر کننده و فریبنده پس خلق کند خدا دنیا را بصورت عجوزه و کوید
که ای عاصی شرمنده نمیشوی تو کناه کردی بر من و منع نکردی نفس خود را از معاصی تو طلب من کردی نه من طلب تو و کمان کردی که
مفارقت نخواهی کرد از دنیا پس بتحقیق که من بیزارم از تو و عمل تو پس ملک کوید ای عاصی کسب کردی مرا بغیر حق و تصدق نکردی
بر فقرا امروز افتاده ام بدست دیکری و منازعه اهل دوزخ با ابلیس چنانکه برای تنبیه و تحسر در قران مسطور است از این
معلوم است که شدت سکرات موت برای غیر مؤمن صالح بسیار عظیم و الیم خواهد بود حتی نسبت ببعضی مثل شدن اره
کشیدن و بمقراض بریدن و بسنک کوبیدن و کزیدن افعیها و کشیدن اسبها در حلقه و در رفتن از سوراخ سوزن تو
کندن واقع شده و لیکن بر آنکه شیعه عاصی مثل کفار نیست بلکه بقدر شدت معصیت شدت میکشند برای تطهیر کناهان
او هر کاه بی توبه مرده مظالم و مفاسد در دنیا پاک نشده باشد و در صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا ص از جناب اقدس
الهی ذکر فرموده که هیچ بنده نیست خواهم او را ببهشت برم مکر آنکه مبتلا سازم او را در جسد او و اکر کفاره کناهانش
نشد مسلط کنم بر او سلطانی یعنی دفع شر او نکنم اکر باز کفاره کناهانش نشد روزیش را تنک کنم و اکر پاک نشد شدید
کنم بر او وقت مرک را تا بیاید مرا بیکناه داخل بهشت کنم او را و هیچ بنده نیست که خواهم داخل آتش کنم مکر آنکه او را تندرست
و اکر از طلبش تا مانده و با نعمت در دنیا باشد و عیش و حش امنا و از جناب حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نیست
از شیعه مکر آنکه بمیرد پاک شود از کناهان ببلای در مالش و فرزندش و جانش پس اکر بماند چیزی مرک بر او شدید شود
و از حضرت باقر ع منقول است که عیسی ع و چند از علمای بنی اسرائیل در سیاحت بقبر مهتری رسیده برای اطلاع شدن موت دعا کردند
که صاحب قبر زنده شود زنده شد و سر از قبر بیرون آورد موی سفید و خاک از سرش فرو میریخت و دیده باز کرد بسمت آسمان
پرسید که چه ایستاده اید گفتند که دعا کردیم کفت نود و نه سالست که در این قبرم و هنوز الم و غم موت از من
بر طرف نشده و تلخی جان کندن از کلوی من بدر نرفته است و چون حالا مودم مزوج شدیم و خاکها در بدنهایم جمع شد
باد هشت این سرعت بیشتر آمدم از هول تو هم در دعا من موی سر و ریشم سفید شد و از کلام قدسی است که کسی که یقین
بمرک دارد بخندد و در بعض روایات چنین است فرمود که عجب دارم بکسی که یقین دارد بمرک چکونه شاد میکردد و کسی

که خدا بران مطلع است چگونه معصیت میکنند و کسی که میداند خواهد مرد و داخل در قبر میشود تنها و حساب کشیده
خواهد شد چگونه انس میگیرد بمردم که هیچ یک از ایشان اعانت باو نمیتوانند کرد بلکه باید بخدا انس و عمل صالح داشته باشد و در
فکر و ذکر آن باشد که در همه جا همراه و همدم او و حاضر و ناصر باشد و حضرت سلمان حسب الفرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله با مرده متکلم
شد و از احوال مرگ و قبر خبر داد و گفت ای سلمان جدا کردن بمقراض و بریدن با ارّه ها آسانتر است بر من از یک غصه از غصه های
موت و من از اهل خیر و عبادت بودم آمد شخصی بزرگ جثه مهیب منظر میان آسمان و زمین پس اشاره کرد بچشم و گوش و زبان من
که کور و کر و گنگ شدم و در این حال اهل من گریستند و خبر من فاش شد پس گفتم که تو کیستی که مشغول ساختی مرا از اهل و
مال خود گفت من ملک الموتم آمدم جان ترا بگیرم و منتقل دهم ترا از دنیا باخرت که اجلت بسر آمده در این مخاطبه دو شخص به
نیکوترین صورتی آمد یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ نشستند و بر من سلام کردند و گفتند که نامه عمل صالح تو را آورده ایم
بهبین پس آن دو ملکیم که در دنیا با تو بودیم رقیب که حسنات نوشت و عتید که سیئات می نوشت پس دیدم کتاب رقیب را خوشحال
شدم و دیدم کتاب عتید را گریان شدم پس ملک الموت گفت بشارت باد ترا که از اهل خیری نزدیک من آمده و کشید روح
را پس هر جزئی بجای هر شدتی بود که از آسمان بزمین رسیده پس همچنین با من معامله میبود و چون روح میشود تا رسید بسینه
من و بعد از آن بیک جذبه که اگر بر کوهها گذاشته شود البته گداخته شود قبض روح من کرد از نوک بینی من چون بلند
شد شیون و نوحه اهل من پس ملتفت شد بخشم و گفت ایها الناس چیست گریه شما و الله که ظلمی نکردیم براو که گریه کنید
و نه تعدی که شکوه کنید غیر این نیست که ما و شما همه بنده پروردگاریم و اگر بشما امری میفرمود بما امتثال
میکردید بدانید اگر صبر کنید اجر یابید و اگر جزع کنید گناه دارید و چه بازگشتها که بسوی شما دارم برای بردن پسران
و دختران و پدران و مادران پس برگشت با روح من ملک دیگر رسید و گرفت روح مرا و گذاشت بر حبیب ...
او ... باسمان در کمتر از چشم زدن چون رسید بنزد سؤال پروردگار پرسید از گناه کوچک و بزرگ از نماز
... [illegible] ... بعض از تسبیح و تلاوت و نماز شب که مردم در خواب بودند و بر سوال الدین و قتل مردم
و روزه و خمس و زکوت ... گفت داد از خدا روح بسوی زمین پس که آمدم و بر بستند اسنانم
و مال یتیم و مظالم و حقوق ناس همانند اینها پس ... اگر بدن من که ضعیف است بجد اسم که بر
... [illegible] ...
و شروع بغسل نمود پس ... از ... [illegible]
نیامدم از ذکری مگر آنکه بریده و شکافته شد و نماز عضوی مگر آنکه برهم کوبید و شکسته پس بیرون رفتم که گوش بدهید
این را غسال کسی که غسل میداد پس مرا بکفن پیچید و اولاد مرا تعزیه داد و گفت بیائید و وداع کنید چون فارغ شدند
برداشتند مرا در تابوت و روح در پیش روی میرفت و میگفت ای اهل و اولاد من باز نبیند شما را دنیا مثل من که

پس من جمع کرده بودم از حلال و حرام و اکنون گذاشتم و حذر کنید از چیزی که می بینید در آن مرا پس نماز بر من کرده بر داشتند

و روح من باز و کفن بود چون نزدیک قبر رسیدم هول عظیمی مشاهده کردم باسمان بدانکه چون بقبر گذاشته شدم

خیال آنکه از آسمان بر زمین افتادم و بر من خشت چیدند و خاک ریختند بر من عظیم نمود و چون ندای مراجعت احد روح

من ببوی من برگشتند مرا پشیمانی گرفت و حسرت بسیار کشیدم و گفتم ای کاش از ایشان بودم که برگشتند پس از گوشه قبر

قائلی در جواب این آیه را خواند کَلَّا اِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ در جواب جمعی که بدین

از دنیا رفته اند از مشاهده عقوبت و انتقام الهی واز روی واسند عا رجوع کنید خدا میفرماید ممکن نیست

رجوع این حرفیست که او میگوید یا بر فرض رجوع عهد من وقوع ندارد و از پس ایشان برزخ خواهد بود تا روزی

که محشور شوید گفتم تو کیستی گفت که مرا خدا موکل داشته است بر آگاه کردن خلق بر کردار ایشان تا بنویسند همه را برابر خدای

عز و جل پس کشید مرا و نشاند گفتم نمی توانم شمرد گفت نشنیده قول خدای خود را که اَحْصَاهُ اللّٰهُ وَنَسُوهُ یعنی شمرده

و ضبط نموده است آنرا خدا و خود فراموش کرده اند بنویس من املا میکنم گفت کاغذ بگیر پارچه از کفن خود را پس ناگاه ورقی

شد گفتم قلم کجا گفت انگشت شهادت گفتم مرکب کجا گفت آب دهنت پس املا کرد بر من آنچه را که گفته بودم و کرده بودم چنانکه

در قرآنست یَقُولُونَ یَا وَیْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْکِتَابِ لَا یُغَادِرُ صَغِیرَةً وَلَا کَبِیرَةً اِلَّا اَحْصٰیهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا

وَلَا یَظْلِمُ رَبُّکَ اَحَدًا یعنی خواهند گفت گناهکاران وقتی که نامه عمل خود را ببینند که وای بر ما چیست این نامه را

که وانگذاشته است هیچ عمل کوچک و بزرگ را مگر شمرده و بیابند هرچه عمل کرده بودند حاضر و ظلم نمیکند پروردگار

تو هیچکس را پس گرفت کتاب را و مهر کرده بمن داد و بر من طوق ساخت پس چنان دیدم که کوههای دنیا بر گردن من انداخت گفتم

با من چرا چنین کردی گفت مگر نشنیده قول خویش وَکُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِی عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ کِتَابًا

یَلْقٰیهُ مَنْشُورًا یعنی هر کس را لازم کردانیده ایم در گردنش نامه عملش اگر روز قیامت می برد و بدستش میدهد نامه

و بیرون خواهیم آورد برای او در روز قیامت کتابی که ببیند آنرا باز کرده شده و او شهادت دهد بر نفس خود پس رفت

و من ماندم که با چه و جزدم از حسرت دنیا که کاش عمل خیر یک بر من نوشته میشد ناگاه آمد ملکی منکر با کمال عظمت و

هیبت منظر با نهایت دهشت در رسید مانند کوه بزرگی اعوذ بالله از آنچه که همه جن و انس نمیتوانستند جنبید پس

قصد بکردم مرا بجزع و فزع افکند گرفت دست مرا و برداشت بیشتر مرا و بنشاند صیحه بر من زد که اگر میشنیدند تمام

اهل زمین مثل صیحه رعد و گفت ای بنده خدا خبر ده مرا که کیست پروردگار تو و کیست پیغمبر تو و کیست امام تو و چیست دین تو

و چیست آئین عمل تو و بر چه اعتقاد و با چه کار بودی در خانه دنیا پس زبانم بند آمد از ترس و متحیر ماندم که چگویم و زبان

بر جسم مگر آنکه منافقی کرد و از فزع آنگاه دریافتم مراد همین از حق تعالی شده که دلم را نگاه داشته پس چشمم قوی شد و هوشم برگشت
و زبانم و اشد گفتم میدانم که الله تعالی پروردگار من است و محمد مصطفی پیغمبر من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و کعبه قبله
من و علی بن ابی طالب ع امام من و ائمه طاهرین پیشوایان من و مؤمنان برادران من و جمیع آنچه رسول خدا خبر داده تمام حق است
و قیامت خواهد آمد و خداوند عالمیان بیرون خواهد آورد هر که را در قبرها است گفت نجات یافتی الا بشارت باد تو را ای بنده
رفت پس آمد نکیر و از او شد بدتر از آنچه از آن شدم و بلطف الله که الهام حجت من نمود جواب با صواب گفتم گفت بشارت باد ترا به بهشت
ابدی و خوابانید مرا و گفت خواب کن مثل داماد پس گشود از بالای سرم دری از بهشت و از پایین پای من دری از جهنم
پس گفت نجات یافتی مگر بمعرفت پروردگار خود و پیغمبر خود و امامان خود پس بست آنچه من در آنش را و داخل شد از در بهشت
نسیم و نعیم پس چراغی افروخته شد که من روشن تر از آفتاب بیرون رفت این است احوال مؤمن و بشهادت مطلبم خدا که بدرستیکه
تلخی موت در گلوی من است تا قیامت پس با خبر باش با خبر باش ای سؤال کنند و بترس از آن هول که اطلاع یافتی و آنچه ذکر کردیم احوال صالح
مؤمن بود اما غیر صالح پس منکر و نکیر بخواهند از او میگویند تو کیست پروردگار من پس گویند دروغ گفتی ای دشمن خدا و رسول
پس بزنند ضربتی که جدا شود از هم اعضای او پس نکیر هم ضربتی بزند که برسد تا هفتم طبقه زمین و با کفار در آتش دوزخ باشد
نعوذ بالله من النار و من عمل الفجار و بحدیث نبوی ص اول ملکی که داخل شود بقبر پیش از منکر و نکیر رومان است که
میدرخشد روی او مثل آفتاب و میت را می نشاند و میگوید بنویس آنچه کرده پس چون برسد به سیئات او از شرم ماند که
حیا میکند که بنویسید رومان گوید ای خطا کار چرا حیا نکردی در آن دنیا و در این وقت از من حیا میکنی و بردابی
میزند و را ضربتی بمطرقه و حربه خود و چون تمام شد بنا خاتم مهر نمود و بگردنش میاندازند این است قول خدا
و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه تا آخر و حضرت من حمد گوید که ظاهر کتابی که در قیامت محشر ببینند دو جیب میدهند
وا مرمیخوانند ان میکنند همین باشد و الله اعلم و حضرت امام محمد باقر مبعوثم ما بدانم پیغمبری که پیش از نبوت
میجا ابدم و نیست پیغمبری مگر گو مفند چرا ابدم پس گاهی میدیدم همه بسبب خائف از چیزی از مهما ندند و اخر از
جبرئیل پرسیدم گفت کافر را در قبر ضربتی میزنند که غیر از جن و انس که مکلفند همه خلق میشنوند و میترسند
و قیس نامی از حضرت رسول استدعا موعظه کرد که در دنیا با نها میبا شیم و کر بخدمت شما میرسیم فرمود یا قیس با هر عزت
دنیا ذلتی هست و با هر زندگی مرگی و با دنیا آخرت و با هر چیز حسابی کنند و گواهی است هر حسنه را ثوابی و هر گناهی
را عقابی و هر اجلی را قدری است و بدانکه البته قرینی خواهد بود که با تو دفن میشود زنده و تو مرده باشی و آن عمل تست پس
اگر کرامی و نیکوست ترا گرامی دارد و اگر لئیم و بد است ترا خواهد گذاشت و بدانکه آن با تو محشور میشود و از تو پرسیده

مگر از آن پس قبر خود را بعمل صالح گردان تا انیس آن داشته باشی و اگر صالح نباشد وحشت نداری مگر آنکه از
شما او بترسید فرمود که هیچ بنده مسلمانی نیست که بگذرد بعضی از مقابر مسلمانان مگر آنکه اهل قبور باو گویند که ای غافل
اگر میدانستی آنچه ما میدانیم البته میگداخت گوشت بر جسد تو و از حضرت صادق ع منقولست که قبر هر روز ندا میکند
که منم خانه غربت منم خانه تنهائی و وحشت منم خانه تاریکی و ظلمت و منم خانه مار و عقرب و کرم و حشرات و منم قبر که باغی
از باغهای بهشتم و گودالی از گودالهای دوزخ برادر بنی آدم ز باش هست که چه چیز برای تو مهیا کرده ام و روایتست از بعض زوجات
حضرت رسول صلعم که داخل شد بخانه مقدس بر من خواستم برخیزم از برای او چنانکه عادت من بود فرمود باش پس خوابید بر
پشت و سر مبارک خود را بر دامن من گذاشت پس جستم سفیدی محاسن شریف را نوزده دانه موی سفید پس فکر کردم پیشی در بیرون
رفتن رحمت خدا را از دنیا پس گریستم و قطره از اشکم بر رخسار مبارکش چکید بیدار شد و فکر بر سبیل چون عرض
کردم فرمود کدام حال بر میت شدید تر است گفتم یا رسول الله تو بهتر میدانی فرمود وقتی که بقبرش گذاشتند و برگشتند و او
بجا ماند تنها در تنگی و وحشت قبر با عملش گفتم پس چه چیز سخت تر است وقتی که از خانه اش بیرون آرند و شیون و فریاد کنند زوجه
و اهل و عیالش فرمود شدید است لیکن این شد شدید تر است پس فرمود که چون غسال داخل شود که لباسش را بکند و
عمامه اش را بردارند ندا میکند روحش برجسدش بصدائی که همه خلایق بشنوند بغیر از جن و انس که بخدا قسم میدهم
که مدارا کنی و هموار باش بجسد من که در این ساعت از جلد من بیرون آمده و عضو عضو مجروحست از نزع روح پس چون خواهد
که بکفنش بپیچد باز ندا دهد که سر مرا مپیچ تا باز ببینم اهل و دوستان خود را که دیدار آخر است و چون
از خانه اش بیرون آورند ندا کند که ای جماعت مسلمانان تعجیل مکنید تا وداع کنم اهل خود را که واگذاشتم
زن خود را بیوه و بینوا پس آزارش مکنید که اولاد و اطفال خود را واگذاشتم یتیم پس با ایشان احسان کنید بخدا
تعجیل مکنید تا بشنوم صدای ایشان پس سه قدم میبرند که ندائی میکند که جمیع خلایق میشنوند بغیر از جن و انس
بشنوند که ای یاران قریب بند چند شمار دنیا بمثل من چنانکه مغرور شده است اگر درو عبرت بگیرید از من که بجا گذاشتم
هر چه را جمع کرده بودم بر امیرشان خواهد که هیچ گناهی از من متحمل نمیشود پس چون نزدیک قبر رسد گوید ای برادرا
میدانستم که مرا ضایع خواهید گذاشت در تاریکی قبر با قبر چنین نوحه دارم که فراموشم مکنید از دعا و صدقه
و احسان و در حدیث دیگر فرمود که چون سه روز از میت بگذرد روح او گوید پروردگارا امر رخصت کن تا رفته جسد
خود را ببینم پس اذن یافته میرود بسوی قبر نظر مینماید بر پیکر خود در حالتی که آب دماغ او از دو منخر بیرون می آید
و از دهان و گوشش و سیلان نموده باشد پس بگرید بسیار و گوید ای بدن بیچاره من یاد داری خواطر داری ایام حیات

دنیا را این است منزل وحشت و بلا و پوسیدن و جای غم و پشیمانی و عنا پس مهر و سبق است ایشان و بعد پنج روز سنت مجید بدان
نموده بدیدن بدن می آید ناگاه ببیند که چرک و زرداب از بینی و دهانها و گوشهای او سر کرده و سیلان نموده پس بگرید بر او
گریستن شدیدی و گوید ای بدن بیچاره من آیا هیچ یاد میکنی زندگانی دنیا را آیا یاد میکنی اینجا این منزل محنت و شدت
که نداد کار برای اینجا پیش فرستی بعد از هفت روز دیگر اذن یابند که جسد خود را ببینند ناگاه مشاهده کنند
که سیلان خون و چرک از دماغ و دهانها و گوش روان و کرم افتاده پس بگریند زار زار هرچه تمام تر و گویند که این منزل جای
محنت و غربها است و خوردن کرمها گوشت ترا و از هم دریدن پوست ترا و اعضای ترا بجو اطراف او را بام حبابهای خود را
اهل بیت و دوستان خود را که بعضی خواسته باشد از لذت محنتی دعا و گریه برای ایشان مکر رند مؤلف گوید که جمعی از عباد و
زهاد بوده‌اند که بعضی از این اخبار مهیا نموده که در اوقات استنباط افسانه قلبی ایشان در عبادات و ریاضت خود داخل در آن
شده احوال پراختلال و اهوال اسرار مال خود را در قبر مثل کرده بشدند و بعد عبادات خود مشغول شده‌اند بعد از
طلب مهلت از قبر پرسش عبادات خود بر می کشند و حضرت صادق ع فرموده که مباد دنیا و آخرت هزار عقبه است که سهل ترین
ایشان از انعام کشت پرسیدند از ابو بصیر که ای ابا محمد وی غمگین و متألم نمی‌شوی کف بلی والله فرمود اندم یاد کن مرگ را و تنها
ماندن خود را در قبر و ریختن دو حدقهای خود را بر هر دو عارض خود و جدا شدن بندها و خوردن کرمها گوشت ترا و
پوسیدن و منقطع شدن استخوان ترا اینجا کفایت میکند باعث عمل و مانع حرص دنیا و طول امل میشود که هر وقت که جنازه
بردند چنان باش که گویا در میان جنازه و از خدا میطلبی که ترا به دنیا بر گرداند تا اندک شتها نمائی و خدا قبول کرد
و بر گرداند پس در اینحال چه خواهی کرد حالا چنین خیال کن و تدارک خود را بعد از آن عجب تر از مردم که
جمعی از ایشان را بردند و برگرداندند و ندا کوچ با مانده از ایشان زدند که مهیا باشند رفتن باز مشغول لهو و لعب اند
مؤلف گوید که امام ع تعجب میفرمایند از لهو و بازی و بی حالی غافلی که مشغول معصیتها باشند و در ظلم بر خود
و بندگان خدا و حبس حقوق مردم و ... و فقرا جرأت مینمایند و بدتر از ایشان بدبختی جاهلی که به بطالت و ترک تحصیل
معرفت و مسائل دین خود که اهم و اعظم واجبات است تمام عمر عزیز خود را که بهتر از ... است صرف ... و ... غفلت
ابد برای خود تحصیل نموده اند که دو حسرت ... شقاوت ابدی و درکات ... دوزخ و حسرت دائمی میکند خدا
همه را از خواب غفلت بیدار کند و بدانکه باجماع مؤمنین ثابت و احادیث زنده شدن در قبر و سؤال ملائکه و فشار
و عقوبات عاصیان حق است و هر که انکار کند کافر و مرتد است و عدم احساس ما احوال قبر و مار و عقرب ... بعضی
این است که جزئیات احوال ... بر آنست که غیر حس الهی در دنیا احوال ان عالم مبتنی است مثل نزول ملائکه و غیر ان

همان دم که میت را دفن نمایند روح در همین بدن بر میگردد و بحدیث حضرت صادق علیه السلام بعد از طی سؤال و جواب ارواح
مؤمنان خالص ببدنهای مثالی که بعینه مانند بدنهای جسمانی است و قالب نورانی که در برزخ میان کثافت جسمانی و لطافت روحانی
است متعلق و متنعم میباشند و هر شام از قبرهای خود بیرون میآیند بسوی بهشتی بنا کرده در مغرب سیر و تعیش میکنند
و از میوههای آن میخورند و چون صبح شود در هوا طیران میکنند و در هر جا که خواهند تفرج مینمایند و بسر قبرها و خانه
خود نیز میآیند و بزیارت کنندگان خود مطلع میشوند و در وادی السلام یعنی نجف اشرف که بقعه ایست از جنات عدن
حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر ملاقات و آشنائی مینمایند پس هرگاه روحی تازه میرسد میگویند بگذارید او را مهلت دهید که از هولهای
عظیم رها شده بعد از آن میپرسند از یاران خود پس اگر زنده اند امید میدارند که شاید نزد ایشان رود و اگر مرده
گویند هوی هوی یعنی بزیر رفت بجهنم واصل شده و بحدیث دیگر ارواح مؤمنان در حجرهای بهشت از طعام و شراب بهشت
میخورند و میگویند خدایا قیامت را آشکارا کن و آنچه بما کرامت و وعده فرموده بودی کرامت فرما و مؤمنان که مانده اند
بما ملحق گردان و اخبار در این باب بسیار است و ارواح اشقیا و بدکاران در بدنهای مثالی در حسرت و ندامت و تاسف میباشند
و شبها در دوزخ دنیا که مشرق است در عذابند چون صبح میشود ایشان را بوادی برهوت که در یمن است میبرند و عقوبتها میکشند
بدتر از آتش و باز شب میگردانند بسوی آتش و در این حالند تا هنگام قیامت و از هنگام اعظم پر حسرت پر وحشت ترند
که باصل جزای عمل خود میرسند و اکثر خلق که در ایمان و شقاوت خالص نیستند متعرض احوال ایشان نمیشوند بلکه موقوف اند
حدیث صحیح سؤال هم نمیکنند تا روز قیامت که بحساب ایشان برسند و مرتبه ثواب و عقاب هر یک را معین نمایند و در بعضی
احادیث هست که بعضی شیعیان مبتلا هستند در عالم برزخ است که بسبب اهوال عظیم دارند تا وقتی که روز قیامت نجات میابند و حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که مؤمن گناهکار را اگر بهم بعقوبت ما خدا عزوجل او را با دشمنان ما نمیسازد نمیخواهد کرد و بیرون
خواهد آورد ایشان را از آتش دوزخ بسبب طاعت کنید تا عملهای بد شما بخاطر جمع نباشید بایمانها و شفاعت ما و بحق و کرم
میپندارید بعفو خدا را پس بترسید سخت که از مسرفین و گناهکاران مباشید و نمیرسند بشفاعت ما مگر بعد از عذاب
الهی بسیصد سالها و بروایتی سیصد هزار سال و در باب گناهکاران مسلمانان که پاک نشده اند در دنیا بتوبه و حسنات و شدائد
و آلام و نه در سکرات موت و نه در تنگی و وحشت و ظلمت قبر و عالم برزخ و نه در عقبات عفو و تا قیامت احادیث بسیار است
که چون قابل شفاعت و لایق رحمت خواهند بود مگر بعد از تطهیر با آتش جهنم بیرون آمده داخل بهشت خواهند شد
هرگاه از کثرت شوم معاصی ایمان از او سلب نشده باشد چنانکه در عین دوازدهم خواهد آمد انشاء الله تعالی کسیکه در ذکر بعضی
از اعمال صالحه که تفصیل آنها در این باب فرصت باعث نجات و خلاصی از شدت سکرات موت و حسرات قبر میگردد بدانکه احکام

در بار ستمکاری و بیجا کامل و ایمنی از جمیع شدائد و اهوال تا داخل بهشت شدن تحصیل ایمان خالص و متابعت امر الهی و تقوی
از کل معاصی و مناهی است چنانکه در قرآن مجید فرموده که إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
یعنی بتحقیق که آنها که میگویند پروردگار ما الله است یعنی ایمان بحق تعالی آورده اند پس مستقیم و ثابت باشند بر لوازم این
قول تا با طاعت پروردگار اند تا اینکه فوت شوند پس نیکو عمل بدان نمایند نیست ترسی برایشان و نه غمی إِنَّ الْمُتَّقِينَ
فِي مَقَامٍ أَمِينٍ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ یعنی
پرهیزکاران و دوستان خدا و هرکه تابع هدایت الهی باشد که همه یک معنی است هیچ ولی نخواهد بود و ایات این
معنی بسیار است و در قرآن خود تم سوگند یاد کرده و فرموده که همه مردم در زیانکاری و خسرانند مگر جمعی که جامع چند خصلت
باشند اول ایمان دوم عمل صالح سیم وصلت و معاونت یکدیگر با تحصیل اعتقاد حقه و صبر یعنی بر عبادات و از معصیت و در
مصیبت و ایمان عبارت است از کسب معرفت و اذعان بخدا و آنچه فرموده بنحویکه در عین یقین مذکور میشود هرچند شبهه نعوام
باشند از علما که بعد از تامل و فهم اعتقاد ثابت بهم رسانند و خالص بودن ایمان که جزو علت نجاتست از جمیع معاصی
میشود که جوهر پاکیزهٔ ایمان را بکثافات سیئات ملوث نگردانی و بعد از کسب ایمان خالص هرگز غبار خوف و ملال بدامان
عزت و امنیت و راحت تو نخواهد رسید دیگر بیادی معرفت و عبادت و فکر و ذکر و تصفیه باطن و تهذیب اخلاق
درجات بهشت و عز بلند باد میشود و بالحاجت متواتره ملائکه مقربین مومن طبع جبر بسیار بسوی بهشت و مثل کندن جا
هر لت و کثافت علها و بندها سنگین سراپا افت در تطهیر بدن و پوشیدن فاخرترین جامها بخوشبوترین بوها و رکو
بخوشبوترین مرکبها و ساکن شدن با خوشترین منزلها و دراحات معنویه میفرمایند که بشیعیان بگوئید که مشقت شما
در دنیا است تا هنگامیکه جان شما باینجا رسد و اشاره بگلوی مبارک فرمودند که آنوقت اول راحت و لذت و چشم روشنی شما
خواهد بود و حضرت امام زین العابدین ع از رسول خدا ص ذکر فرموده که اگر بر مومن مثل گناهان زمین باشد که بکفاره
انها مرگ کافی است و حضرت صادق ع در تفسیر آیه فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ میفرمایند که در انحال مومن را بدهشت جائی
او را باو مینمایند پس میگوید برگردانید مرا تا خبر دهم اهل خود را بآنچه میبینم گفته شود که هیچ راهی بسوی برگشتن نیست
ملک الموت چون پیش مومن آید و او گریه و جزع نماید گوید که ای دوست خدا بیتابی مکن بحق آن خدا که محمد ص را فرستاده که
من بتو مهربانترم از پدر و مادر تو چشم بگشا و ببین پس متمثل شود برای او چهارده معصوم ع نگاه کو بلکه در رفیق ایشان
خواهی بود و بعد بگیرا و شناتا ندیه بکر پنبند منادی الهی که میگوید یَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ
رَاضِيَةً الخ پس مومن را هیچ چیز محبوبتر از قبض روح او نیست که در خدمت آنحضرات بهشت و در مجلس نبوی ملحق

می نشینند بر دو ناچشم او کار کنند ملائکه با بشارت و گویند یا جنت نگاه گوید که اخرجی یا ایتها النفس المطمئنة
ارجعی الی ربک راضیة مرضیة پس چون ختم منبر ملک فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی پس بکمال نشاط و خوشی بیرون رود
و با اهل حرم اسما که بر سند و او را تهنیت کنند و گویند که چه خوش بوی است تو و چه بسیار گرامی است بوی که روزگار تو بود
عمل تو تا با سما هفتم پس ملائکه سفره بنویسند کتاب عمل او را در علیین و بر کوه دانند او را بسوی جسدش و این است
معنی قول تم که ان کتاب الابرار لفی علیین تا اخر حدیث که مشتمل است بر خلاصه دین هر شقی و بر روایت صدوق فرموده ملک
الموت می ایستد نزد قبض روح مومن چون بنده ذلیل نزد مولای خود با اصحاب خویش و عمر وند همه با کرام و بشارت
بهشت می دهند و شیخ مفید ره و ابابا بسعی رحمه ایستند خوی از حضرت صادق ع روایت نموده حدیثی که خلاصه ترجمه
آن این است که چون حق تعالی اراده قبض روح مومن نماید خطاب فرماید بملک الموت که برو با اعوان خود بسوی بنده
من که در دار دنیا تعب بسیار کشیده در عبادت من روح او را بنزد من آر تا راحت بخشم او را در جوار رحمت خود
پس ملک الموت اید خوشرو و خوشبو با جامهای نیکو و بر در خانه او ایستد بانکه پرده بر دارد و باد یگر بشکند
با خود دارد دو دسته از ریحان بهشت جنت انگاه ندا کند او را که سلام الهی بر تو باد ای دوست خدا بشارت
باد که پروردگارت سلام میرساند و از تو راضی است بشارت باد ترا بروح و ریحان بهشت جاودانی که روح راحت
از نعمتهای دنیا است و ریحان جمیع خوشبوهای بهشت است و بهار ابدی او که اشته شمیم انها بمشام جانش میرسد و در
راحت و لذت است تا روح مفارقت میکند پس رضوان با خازنان بهشت نزد او می ایند و شربتی از بهشت بکام او
که هرگز در قبر و قیامت تشنه نمیشود پس شتا گوید بروح او بر بدن که خدا جزای خیر دهد ترا که بطاعت الهی مساعدت
نمودی و از نافرمانی او گریزان بودی بر تو باد سلام خدا تا روز جزا و همچنین بدن با روح همه او وداع کنند انگاه ملک
الموت گوید ای روح پاکیزه خوشبو بیرون رو از دنیا با ایمان مرحوم خوشحال پس ملائکه روح و را بالا میبرند
و جمیع شداید از او زایل میشود و جمیع موارد بر او اسان کرده و همه با زندگی جاوید گشته و چون تم ملائکه او بکر
منبر رسند که ری و صفی ایستند از خوانندگان قبر او و طلب امرزش و شفاعت برای او میکنند و ملک الموت او را
ولد ادی مینمایند و مشغول میکردانند دای جانب خدای که هیچ بخبر و کرامت و با نواع ملاطفت او را تسلی میفرمایند چون کسی
که طفلی را بازی دهد تا انکه با ساعت قبض روح او را بکنند و چون جانب کلوی او رسد دو ملک که با او بودند گویند
بملک الموت که رفق و مدارا کن بصاحب ما و بر او رحم نما که او نیکو برادری و هم نشینی بود ما هرگز از او نشنیدیم حرفی که
موجب غضب الهی شود و چون روح از بدنش مفارقت کند در میان مشک و ریاحین و حریر سفید بپیچد ما باسمان او را

برند درهای آسمانها گشوده شود ملائکه که بر درها موکلند گویند نجیب خدا بر بدنی که این روح در او ساکن بوده پیوسته
عمل و شایسته او بر ما میگذشت و می شنیدیم صدای تلاوت قرآن او و بر فوت او بگریند و دعا کنند که خدا یا
برانگیز نیکان او بنده که شنوانیدیم آنچه او میشنوانید ایشان را بالا برند و جمیع ملائکه آسمانها او را مرحبا و شفاعت و استغفار
نمایند پس خدای کریم و رحیم فرماید رحمت من بر او باد و ارواح مؤمنان باستقبال او و شتابند پس ندا رسد که برگردانید او را
بسوی بدن که ایشان را از زمین آفریدم و بزمین برمیگردانم و باز از زمین زنده میکنم در قیامت پس چون او را در تابوت
گذارند ملائکه نعش او را برداشته نسیم عنبر تمام برند و شیاطین از دو طرف صف کشیده از دور بحسرت نگرند و جرات
قرب او نکنند و چون نزد قبر رسد بقعهای آنجا همه گویند خدایا او در شکم ما ساکن گردان و چون در لحدی که خدا مقدر او
دفن کنند متمثل شوند بر او اهل او پس بحسرت نظر بر ایشان کنند و داند که از ایشان یاری باو نمیرسد پس صورت بسیار زیبائی
بنظرش آید پرسد که تو کیستی گوید من عمل توام که امروز حصار و سپر توام از هر ضرری گوید ای اسم اگر میدانستم که در این
محل بکار من می آئی البته زیاده بر آنچه سعی کردم جهد میکردم و فریب اهل و مال را نمیخوردم گوید ای دوست خدا بشارت
باد ترا بر نیکیها و بخدا قسم چون قبر او را پر کرده برگردند میشنود صدای پاها و دستهای مردم که خاک بر او می افشانند
زیرا که روح او بر بدنش برگشته آنگاه زمین او را ندا میکند که مرحبا خوش آمدی ای دوست خدا والله که بر من وقتی که راه میرفتی
ترا دوست میداشتم امروز که بشکم من درآمدی دوستتر میدارم و با تو نیکو مجاورت مینمایم و برای تو باغی باشم از بهشت پس ملکی
قبر او را از هر جانب از چهار طرف چهل فرسخ گشاده بکند بیالا خود و بر هر طرف چهل مشعل نور برافروزد آنگاه نکیر و منکر
بر او داخل شوند که بدندانهای خود زمین بشکافند و در موی خود راه روند و حدقهای ایشان چون دو دیگ مس سرخ باشد
با صدای رعد آسا سؤال کنند از خدا و پیغمبر و امام و دین و کتاب او پس مؤمن بتوفیق خدا بجرأت و توکل بخدا
جواب با صواب گوید که پروردگار من و شما و کل اشیای خدای یگانه بی همتاست و پیغمبر من و شما محمد مصطفی پیغمبر آخر الزمان است
و دین من اسلام است که خدا غیر از آن قبول نمیکند و کتاب من قرآن است که شاهد و مصدق جمیع کتابهاست پس امامهای
خود را یکایک شمارد پس آن دو ملک گویند راست گفتی و توفیق یافتی خدا ترا هدایت کرده بدین حق نظر کن جانب پای
خود چون نظر کند بیند دری از جهنم گوید اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْن پس گوید این مکان ندانستم که پروردگار
عالم اندوه و غم مرا زائل سازد دوست خدا شاد باش که این جای تو نیست خواستیم که بنمائیم ترا که از چه عذاب نجات یافتی بالطف
گویند اینک بنگر بجانب سر آنگاه دری بیند از بهشت با حور و قصور که برای او مهیا شده اراده نماید که بر جهد و بجانب آن
معانقه کند آن دو ملک گویند ای دوست خدا تا قیامت برپا نشود داخل بهشت نتوان شد بخواب بشادی و داماد فرشتگان بهشت نشسته اند

ودر لحد

در لحد او را بنحوی باشند که هیچ طفلی در گهواره راحت ندیده است در مهر مادر و نخوابیده و نبوده و در از شمیم و نعیم بهشت بر روی
او بگشایند بسوی قبرش تا قیامت و پیوسته مشتاق قیامت و لقای الهی باشد و تتمهٔ این خبر در محل دیگر خواهد آمد
شیخ و حدیث دیگر از حضرت باقر علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت فرموده در احوال قبض روح فجار و فساق که همهٔ احوال ایشان
بر خلاف احوال مؤمنان است که مذکور شد و حضرت صادق علیه السلام فرمایند که چون روز جمعه یا عید فطر یا عید اضحی میشود حق تعالی
رضوان را امر فرماید که ندا کند ارواح مؤمنان و دوستان را که در غرفه‌های بهشت ساکنند که خدا شما را مرخص فرموده که
بروید بزیارت اهل و دوستان خود از اهل دنیا بامر الهی برای هر روحی ناقه از بهشت حاضر سازند که بران قبه‌ها باشد
از زبرجد سبز و پردهٔ از یاقوت زرد با حله‌ها بر تن‌ها از سندس و استبرق پس از آن ارواح طیبه بر آنها سوار و حله‌های
بهشتی در بر و تاجها از مروارید بر سر که نور آنها ساطع باشد مانند نور زهره از نزدیک پس در عرصهٔ بهشت روانه شده
و امر کنند جبرئیل را با ملائکه آسمان که ایشان را استقبال کنند و ملائکه هر آسمانی تا آسمان دیگر ایشان را مشایعت نمایند پس در صحرای
نجف اشرف فرود آیند و از آنجا هر یک بشهر و دیار خود متوجه شوند و یاران خود را زیارت کنند و چون اهل دنیا
از نماز جمعه و عیدها فارغ و بخوابگاهای خود روند جبرئیل ندای رحیل نماید که روحها بمنازل رفیعهٔ خود برگردند پس
مردی از اهل مجلس گفت فدای تو گردم بیان فرمودید حال مؤمنان حال کافران چگونه است فرمود بدن‌های ایشان
ملعونست در زیر خاک و ارواح خبیثهٔ ایشان معذبست در وادی برهوت تا قائم آل محمد ظهور کند پس ارواح خبیثه
با ابدان ملعونه رد می‌کنند در رجعت و کردن ایشان را می‌برند نگاه بجهنم میبرند و ابد الآباد معذب خواهند بود و اخبار
بسیار وارد شده که محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بر بالین شیعیان و محبان خود می‌آیند و بملک الموت سفارش ایشان مینمایند در نهایت
سهولت و آسانی قبض روح او را میکنند و حضرت صادق علیه السلام که نمی‌بینی اشکت و [illegible] که معانی [illegible] رسول خدا
پس شادی میشود و اشک از چشم او ظاهر میشود و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام که بنشینند نزد سر او محمد
و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم نزد پاها او و جمعی از خواص و دوستان ایشان که شاد شدند پس رسول خدا
بملک الموت میفرماید عمل کن بوصیت و سفارش خوب در حق محب و خادم ما پس ملک الموت گوید ای گوینده این بود که حق تعالی
مرا امر فرموده که بنعیم ابدی و ثواب جاویدی [illegible] البته قبض روح او را بکنم و لیکن خادم
و محب تو باید [illegible] و بشادی ایشان اولیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اینک برادر ما [illegible] خوب عمل کن بوصیت
بحدیث حضرت صادق علیه السلام بعد از آن با الامر [illegible] با آن جمیع بسوی [illegible] جنان و کشف حجب شد آن بیمار گوید با ملک الموت نزد
بر [illegible] روح مرا [illegible] مکن که دیگر صبر ندارم و ملحق کن مرا با ایشان پس در آن وقت اذن داد روح را همواره [illegible]

ونشانه کشیدن مو از رو و چنانچه می‌باید که در شدت مادر شادی و لذت شوند چون داخل در قبر شد باید جماعت مادر
آنجا و نکیر و منکر که بیایند گویند با ایشان که این محمد مصطفی و علی مرتضی و حسنین صلوات الله و سلامه علیهم و اصحاب ایشاند حضور ما بند
باید با ادب بخدمت ایشان برسیم پس چون سلام و تحیت عرض کنند که دانستیم یا رسول الله زیارت شفقت شما را برای خود
دوستان خود را اگرنه این بود که خدا میخواهد اظهار کند فضیلت ایشان را بر ملائکه هر اینه سؤال نمیکردیم از او و لیکن امر خدا را
از امتثال چاره نیست پس می‌پرسند از پروردگار و دین و نبی و امام و قبله و برادرانش چون جواب گفت او را دعا کرده مرخص
میشوند و در بعضی اخبار هست که اگر از آن روز دهشت زبانش بجواب مساعدت نکند حضرت از قبل او جواب گویند و شهادت
بحقیقت اعتقاد او دهند و بعضی آیات قرآنی هم بتفسیر اهل بیت علیهم السلام در این باب نازل شده و در مفتاح الجنان
مذکور است و در حدیث حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که گفتم یا رسول الله صلعم شیعیان ما را در وقت مردن چه ثواب خواهد بود
فرمود و الهم [illegible] ایشان مردن و زنده مانده و ملک الموت را امر میکنند که او را اطاعت کنند و اعتقاد محبت ما را بشنوند
قبض روح ایشان مثل آنست که تشنه در روز گرم آب سرد بیاشامد که دلش را خنک کند و شیعیان ما چنین از دنیا
بیرون روند که کسی با نهایت استراحت در رختخواب بخوابد و چون دیده اش را روشن کرده و بروایت رسول خدا صلعم
ابن عباس میفرماید بتحقیق که هول روز قیامت شدید است پس هر که خواهد خلاص شود از آن و از شدائد روز قیامت باید
که دوست علی را دوست دارد و حضرت صادق ع میفرمایند که چون مؤمن از زبان افتاد رسول خدا صلعم هر کس را که خدا خواهد مدد و
در چپ و راست او بنشینند و رسول خدا میفرماید که [illegible] بتحقیق که این شخص
پس دری از بهشت بروی او گشاده شود و گوید این است جای تو در بهشت پس اگر خواهی باز گردانیم ترا بدنیا و نبود طلا و
نقره بسیار هم گوید مرا بدنیا حاجتی نیست و در حدیث طولانی ابن عمیر میفرماید که محب علی بیرون نمیرود از دنیا تا از کوثر
بیاشامد و از میوه‌های طوبی بخورد و جای خود را در بهشت نبیند و اینها میکند حق تعالی برای سکرات موت و میفرستد
ملک الموت را بسوی او برفق و مدارا و دفع کند از او هول منکر و نکیر و قبرش را منور و روضهٔ از ریاض بهشت گرداند
روز قیامت با صدیقان و شهداء در زیر سایه عرش الهی جا دهند و در پیش مثل بدر و تاج کرامت بر سر و حلهٔ سعادت در بر و بیحساب
از دیوان و میزان داخل بهشت شود از هر در که خواهد و سه مرتبه فرمود که هر که بمیرد با محبت محمد و آل محمد صلعم ضامنم برای
در بهشت و در حدیث دیگر بعد از بیان [illegible] فضیلت محبت علی ع بتحقیق که ملک الموت رحم مینماید بر مؤمنان مثل رحمت پیغمبر
در قبض روح ایشان و حضرت صادق ع از آباء کرام خود از رسول خدا صلعم روایت میفرماید که محبت اهل بیت من نفع میکند در هفت
که اهوال آنها عظیم است یکی هنگام مردن و دیگر در قبر و در حشر از قبر و در وقت پریدن نامه‌ها از دست راست و چپ و [illegible]

ملع

ملع

حسنات و نزد میزان و نزد صراط پس هر که اینها خواهد در این هفت جا و خواهد خدا را راضی ملاقات کند باید موالات علی و اولاد او
نماید و بروایت ابن بابویه فرمود که قتال خواهی کرد یا علی با ناکثین و قاسطین و مارقین و بتحقیق که تو بزرگی از ایشان
است در صد هزار از شیعه خود و تجدید بکنفس علی در شیعه اش کافی است جمیع خصال محبت این حضرت بود صحیح خبرت شهادتی
ورها که سلمان گفت روزی نشسته بودم نزد رسول خدا که رو کرد بعلی و فرمود یا علی بشارت دهم ترا از اخبار
حبیب من جبرئیل گفت بلی فرمود خبر میدهد مرا از جانب خدای جلیل بدرستی که مخصوص کرده عطا کرده بمحبان و شیعیان تو هفت خصلت
رفق و مدارا در هنگام مردن و انس نزد وحشت قبر و نور در ظلمت قبر و امنیت در فزع و نصب میزان و گذشتن
از صراط و داخل شدن به بهشت پیش از سایر مردم از امتها بهشتاد سال و امیرالمؤمنین فرمود بحارث همدانی که وقتی
که جانت بگلو برسد مرا خواهی دید چنانکه دوست داری و چون بر بینی که بر پل صراط میگذرم و علم حمد بدست من است
و در پیش روی رسول خدا میروم چنان خواهی دید که شاد و مشعوف شوی و اخبار در این معنی متواتر است از طرق
شیعه و سنی بدانکه محبت و ولایت اهل بیت که باعث این فوز عظیم میباشد نه باده بر قدر متعارف میان عامه شیعه است که خوب
حاصل میشود بعد از تتبع شامل و تفکر و تامل کامل در احوال ایشان و استقصای آیات و روایات واقعه در اسرار و فضا
و فضایل ایشان و نذکر چهار اسباب محبت که جمیع اینها بر وجه اتم در ایشان موجود است چنانکه مفتاح سیم این کتاب
بر خلاصه جمیع اینها مشتمل است پس پرسیدند از رسول خدا که علی افضل است یا ملائکه فرمود که ملائکه شرف نیافتند
مگر بمحبت محمد و علی و قبول ولایت ایشان و هر محب علی که دلش را از غش و حسد و گناه پاک کند افضل است از ملائکه
و در این حدیث شریف اشاره است باخبار معتبره که در تفسیر الست بربکم و محمد نبیکم و علی امامکم و الائمة هداتکم در عالم
ذر بخطاب شد وارد شده که محبت و ولایت اهل بیت عصمت و رسالت عرض شد بر اهل آسمان و زمین همه قبول
کردند پس هر که سبقت گرفت و مبادرت نمود بقبول آن از انبیا اولوا العزم شد و از ملائکه مقرب شد و بر این مضمون
مشحون کتب موافق و مخالف و کتب مناقب مشحون است و متواتر است از طریق شیعه و اهل سنت از رسول خدا منقول است
که داخل بهشت نمیشود کسی مگر با برات علی و در حدیث معراج فرمود که بهیچ گروهی از ملائکه نگذشتم مگر آنکه پرسیدند از
شان علی تا آنکه گمان کردم که در آسمانها نام علی از نام من مشهورتر است و بهیچ آسمانی نگذشتم مگر آنکه ملائکه از حال علی
پرسیدند و میگفتند که علی و شیعیان علی را از ما دعا و سلام برسان و در زیر عرش نگاه کردم دیدم که علی ایستاده گفتم
پیش از من آمده جبرئیل گفت این ملکیست بصورت علی که خلق شده چون ما گروه ملائکه مشتاق او بودیم که او را زیارت
کنیم بکرامت علی نزد خدا و در کافی حدیث جلیلی است در جلالت و شان علی و شیعیان او نجبا و ضبط ملائکه اعمال

حدیث ۱

احوال ایشان بود خواندن نامه مشتمل بر اسماء ایشان هر شب جمعه در بیت المعمور و احاطه انوار ارواح شیعیان در عرش حیات الله

منهم بحرمة محمد و علی و اولادهما الطیبین صلوات الله علیهم اجمعین روایت است از پیغمبر ص که می نوشند از حوض کوثر شش

طایفه پیش از قبض روح ایشان اول کسی که صبح و شام نزد علما باشد و علم اخذ کند و کسیکه فرزند خود را تعلیم دهد و کسیکه

مسلمانان از قرض الحسنه دهد بی منت و کسیکه پدر و مادر از او خشنود باشد و کسیکه زن خود را گوید که سایلرا

از در خانه محروم مکن و زنی که عزت شوهر خود را خوب بدارد در روایت است از ابوذر که بمسجد مدینه نشسته بودیم

نزد رسول خدا یکی آمد مقابل حلقه نشست و یکی آمد عقب صفها نشست و یکی برگشت پس بعد از فراغ جبرئیل نازل

شد و گفت او که در مقابل حلقه نشست حق تعالی او را در مقابل بهشت جا داد و آنکه پشت صفها نشست امر نیکو کرد و آنکه برگشت

از رحمت خدا نومید گردید و حضرت صادق ع از آباء کرام خود روایت میفرماید که رسول خدا آمد عبا را نانه پوشیده

بود و پرسید که این کسا را که بتو پوشانید فرمود حبیب من و صفی و برگزیده و خاصه و خلاصه من و اداکننده دین

از جانب من و وصی من و وارث و برادر من و اول مؤمنان در اسلام خالص ترین ایشان در ایمان و سخی ترین و جوانمردترین

مردم در عطا سید ایشان بعد از من پیشوای پیشوایان و دستگیر روسفیدان امام اهل دین علی بن ابی طالب پنهان را میفرمود و او

کمال شوق بجنا و لا امابکر به میکرد و چنان گریست که ریگهای زمین تر شد از اشک دیده های آن حبیب رب العالمین تا آنکه

شد نعبت و غلبه موت و اشتیاق بسوی آن حضرت علی اقدسه بغیر شناسد که هر کس خویش را بهتر شناسد و میفرمود که علی

مرا بمنزله سر است از بدن و در شیعه از زلال اسرار اخبار در عین هفتم و دهم بصحت جریان خواهد زیر فیت و اعمال و خصال

دیگر در روایات صحیحه وارد شده که توفیق آنها دادن اوقات مهلت مؤمن و شیعه عمر خالص و هم باعث نجات از سکرات موت

و عفو با قبر میشود و از الجمله تحصیل علم دین و تعلم و تعلیم مسائل شرع مبین و فضایل این شغل که بعد از ایمان اعلی از افضل

ترتیبت در مفتاح اول مذکور شد و خلاصه آنها در عین دهم همین رساله مسطور است و منقول است از روح موسی که باذکر

خدا و یاد ده پس بتحقیقکه نورانی میکنم قبرها معلمان و متعلمان را تا وحشت نگیرند از جای خود و از رسول خدا ص در حدیث

طولانی که طالب علم از دنیا بیرون نمیرود و قبض روح نمیشود تا از کوثر سیراب شود و از میوه بهشت تناول کند و جسد او در قبر

کرم نمیخورد و خوشا بحال طالب علم و بعد از فضائل بسیار فرمود اینها همه تحت این آیه است که یرفع الله الذین آمنوا والذین اوتوا

العلم درجات و فرمود که عالم عامل و امیر عادل چون بمیرند زمین گوشت ایشان را نمیخورد و استخوان ایشان نمیپوسد بلکه

تازه میمانند تا قیامت مشهور است که در شیشه برای تجربه صحت این حدیث قبر نوشیروان که پیغمبر ص از عدالت او خبر داده بود شکافت

و صحیح یافت و نقل کرده اند که بعضی قبر سید مرتضی ره را شکافته جسدش تازه بود و مشهور است که مولانا عبدالله شوشتری را

وقت نقل تازه یافتند مگر جای انگشتری که از اهل دنیا بعد به قبول نموده بود و از پیغمبر منقولست که هر که در مجلس علم بنشیند
و شنوانده یاد گیرد حق تعالی ده چیز با او عطا کند ثواب عالمان و حفظ از گناه و نزول رحمت و ثبت حسنات در نامه او و محو سیئات
و محفوظ بودن از شیطان و مجالست ملائکه و شفاعت اعزان قوم او و رغبت بعلم و بی رغبتی بمعصیت و از آنجمله زیارت و گریستن و
گریانیدن و سعی نمودن در مصیبتهای اهل بیت رسالت خصوص سید الشهدا حسین که فخر رسالت و افتخار بر قبیله شهادت است و هدیه برای ایشان
و نماز و صلوات فرستادن چنانکه حضرت صادق ع فرمود بسمع کریم که گریه میکرد بر امام حسین ع که نبود باشد که هیچ فرشته نیست که بیدار
حاضر شوند نزد تو و سفارش کنند ملک الموت را برای تو و بشارت دهند ترا که دیده تو روشن شود و شاد گردی و ملک الموت
بر تو مهربانتر باشد از مادر مهربان مشفق نسبت بحضرت گرسنه و من گریستم بعد از آن فرمود که هر که گریان شود برای رحم بر ما اهل البیت
رحمت خود را شامل حال او گرداند پیش از آنکه اشک از دیده او بیرون آید و چون آب دیده بر روی او جاری شود اگر قطره از اشک او
در جهنم بریزند حرارت آن را فرو نشاند و هر که دلش برای ما بدرد آید روزی که مرگش در آید ما را ببیند شاد شود و آن شادی
از دلش بیرون نشود تا در حوض کوثر بر ما وارد شود و کوثر شاد شود از آمدن او و بنوشاند او را از طعامها بکام دوستان ما برسد که نخواهند از آنجا
برگردند و جمیع بوهای خوش بمشام او برسد و میگوید که من راضیم که مرا در اینجا بگذارند و نعمت دیگر نمیطلبم و هر کس که محبت
ما دارد لذت آن را از آن آب بیابد و بروایتی قطرات آن اشک را ضبط در سلک اعمال او کشند و قیمت آن را در روز جزا
ظاهر خواهد شد و ابن قولویه فرموده که حضرت امام حسین ع نظر میکند بسوی زیارت کنندگان خود و ایشان را بهتر میشناسد از کسی که
فرزندان خود را و بسوی گریه کنندگان اگر است طلب آمرزش میکند برای ایشان و از پدران خود نیز سوال میکند که هر گناه
که کرده باشد برای او استغفار کنند و گوید ای گریه کننده بر من اگر بدانی که آنچه خدا برای تو مهیا کرده است از ثواب البته
شادی تو زیاده بر اندوه تو خواهد بود و از خدا سوال میکند که هر گناهی که او کرده باشد بیامرزد و فرموده که اگر گریه کنی بر حسین
تا اشک تو جاری شود خدا جمیع گناهان ترا بیامرزد از صغیره و کبیره کم باشد یا بسیار و اگر خواهی خدا را ملاقات کنی پاک پس زیارت
کن حسین ع را و اگر خواهی در غرفات بهشت با ما باشی پس لعن کن بر قاتلان امام حسین ع و اگر خواهی مثل ثواب شهدای کربلا
داشته باشی هر گاه مصیبت آن حضرت را یاد کنی بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما و ثواب هدیه بارواح ایشان
ثواب عظیم است و ابن طاوس رح باسناد خود در جمال الاسبوع از ائمه طاهرین روایت فرموده که هنگام مرگ پیش از آنکه روح
بیرون رود با او گویند یا فلان رسید هدیه تو بما و الطاف تو برای ما پس امروز روز تلافی و مکافات ما است پس دل خوش دار
و چشم روشن باش بسبب این چیزی که خدا برای تو مهیا کرده و آدمی گوید که از کجا این هدیه رسید فرموده که نماز شب را هدیه
میکند بر او و رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین و اگر تواند بر نماز پنجگانه زیاد کند اگر چه دو رکعت باشد

و عمل بروایت شیخ در مصباح بهتر است و احادیث صلوات مذکور خواهد شد و از آنجمله دفن در نجف اشرف و جریده و
تلقین و بروایتی یکی از خواص عین چهار مین نماز الله است سقوط سؤال قبر باخبار صحیحه از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین و از آنجمله نماز شب و اشتغال باستغفار و گریه های شب باید که اکمل علامات ایمان و نور و افضل اسباب
بهجت و شادی و ضیاء قبر مؤمنانست چنانکه در عین دوازدهم و در دوازدهم مذکور خواهد شد و در حدیث نبوی
نماز شب چراغ است در ظلمت قبر و از آنجمله ادخال سرور بر مؤمن و اعانت و قضای حاجت او و در صحیح حضرت صادق
میفرماید که هرگاه بر مؤمنی سروری داخل کند حق تعالی از آن سرور خلقی بیافریند که هنگام موت ورا استقبال
و گوید ای ولی خدا بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و رضوان پس همیشه با او هست تا داخل قبر شود و باز چنین
بشارت میدهد چون از قبر محشور شود بشارت میدهد پیوسته با او هست و از وحشت تسکین میدهد هر هولی که باو برسد
باین بشارت و در امر میدهد میکند تا آنکه میپرسد تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سروری که داخل کردی بر فلان
و بحدیث نبوی همه اعمال خیر نسبت بادخال سرور بر دل مؤمن مثل ذره ایست در جنب عرش الهی و احادیث در این معنی
بسیار است که سروری که بمؤمنی یا اهل خود اسکنا برسانی مثالی از او ارزید و در هر شدتی انیس و مبشر او در لحد مونس
و در قبر او و در قیامت معین و شفیع اوست تا بهشت و همچنین در قضای حوائج و اعانت و دفع کرب او و فرموده اند
که هر که بپوشاند برهنه مؤمنی را بپوشاند از ثیاب سندس و استبرق بهشت و در حفظ و ضمان خداست تا از آن باقی است
و حق لازم است بر خدا که آسان کند بر او سکرات موت را و توسعه دهد ورا در قبر او و ملائکه استقبال کنند با بشارت
وقتی که از قبر برآید و این است معنی کلام خدا و تتلقیهم الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون یعنی استقبال
میکنند ملائکه ایشان را که این است روز شما که در دنیا بشما وعده میدادیم و در اخبار متواتر است که عبادتی نزد خدا
محبوبتر و دوستتر از ادخال سرور بر مؤمن و در حدیث صحیح اگر چه یک لقمه خرما باشد و حضرت سجاد فرمود
که هر که یک حاجت مؤمن را روا کند اول بحاجت خدا ابتدا پرداخته و حاجت خدا را روا کرده و خدا صد حاجت او را
روا کند که یکی از آنها بهشت باشد و هر که زنی با او تزویج کند که با او انس گیرد خدا در قبر او مونسی کرامت
فرماید که با او انس گیرد بصورت دوستترین اهلش بخدا قسم که برآوردن حاجت مؤمن دوستتر است نزد خدا از
روزه دو ماه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در مسجد الحرام و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که هر که خواهد که تخفیف
دهد خدا از او سکرات موت را پس باید که صله رحم و بر والدین بجا آورد و از رسول خدا صلعم منقولست که سه
کس حق تعالی عذاب قبر را از ایشان بردارد و حشرشان با فاطمه زهرا خواهد بود صبر کنندگان بر غیرت شوهر و زنی که

خلقی او ببخشند و مهربان باشد بر شوهر خود و از جمله فضیلت مسجد و جماعت چنانکه بسند معتبر از رسول خدا
مرویست که هر که بسوی مسجد رود برای نماز جماعت بهر قدمی که بر میدارد هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه دارد و اگر بر این
مداومت کند تا بمیرد خدا هفتاد هزار ملک موکل کند که در قبر او عیادت کنند و در تنهایی قبر مونس او باشند و برای او
استغفار نمایند تا مبعوث شود و فرمود هر که جماعت را ترک کند بدوازده بلا گرفتار شود اول بی برکتی رزق دوم بی
نوری و سیم بغض خلق چهارم صعوبت موت پنجم گرسنه و تشنه مردن ششم زبان بسته شدن بجواب منکر و نکیر هفتم
ظلمت و ضیق قبر هشتم نرسیدن دعا باجابت نهم صعوبت حساب دهم عقوبت شدید یازدهم دشوار جان کندن او
عقوبت مانند کفار و فرمود هر که اوقات نماز را تفحص و ملاحظه و ضبط نماید ملک الموت با او در هنگام قبض روح
تلقین و شهادتین نماید و از او شیاطین را دور کند و فرمود خدا سه نفر را از عذاب قبر حفظ فرماید مؤذن
و شهید را و کسی که شب جمعه فوت شود و از پیغمبر منقول است که هر که توفیق ربانی شامل حال او باشد پنج وقت نماز را
بجماعت دریابد حق تعالی ده خصلت را کرامت فرماید اول برکت عمر باقی ماند او دوم در مال او سیم عصمت
اطفال او چهارم نام بد بسته است او پنجم معرفت ششم آسان نزع هفتم نور قبر هشتم توفیق طاعت نهم
نجات از دوزخ دهم کرامت بهشت و ایضا فرموده تارک نماز جماعت ملعون است در تورات و ملعون است در انجیل
و ملعون است در زبور و ملعون است در فرقان و ملعون است بزبان جبرئیل و ملعون است بزبان عزرائیل و ملعون است
بزبان محمد و هم از ابن عباس مرویست از آنحضرت که هر که نماز صبح را بجماعت در مسجد حاضر شود حق تعالی فرماید
نظر کنید ای ملائکه بسوی این بنده مؤمن که مرا اختیار کرد از خواب و فریضه مرا بجماعت ادا نمود بعزت و جلال خودم سوگند
که نسوزانم او را باتش ای ملائکه بیافریدم خلقی را که دوست دارند نماز صبح را بجماعت و هر جا خوب قرار گیرند تا آنکه
برابر دام زرش خواهند برای ایشان مرغان هوا و ماهیان دریا و در حدیث معراج میفرماید که دیدم بر در آسمان
ششم نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و هر که توسعت قبر خواهد باید که مساجد بسازد
و هر که دوست دارد که کرم او را نخورد باید در زمین مساجد ساکن شود و هر که خواهد تازه بماند در زیر زمین و
نپوسد باید مسجد را فرش نماید و در حدیث دیگر فرموده که هر که مسجد را روشن کند خدا قبر او را روشن سازد تا چراغ
در مصلی روشن است ملائکه برای او استغفار کنند و بروایت ابو الدردا فرموده هر که بعد از نماز صبح بنشیند
در مصلی بتعقیب تا آفتاب برآید خداوند ده چیز باو عطا کند از آنجمله با اثمار بانو بهر دو وسعت قبر و بیجنها چون برق
از صراط بسوی بهشت رفتن و در صحیح از حضرت صادق ع مرویست میفرماید که هر که رکوع را تمام بجا آورد وحشت قبر نبیند

وایضاً حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون مؤمن را داخل قبر میکنند نمازش از دست راست وی ایستد و زکوتش
از دست چپ و نیکی و احسان بپدر و مادر و غیر ایشان بر سر او مشرف میشود و صبر یعنی روزه یا صبری که در راه خدا کرده باشد
بطرف عبادت یا صبر بر معصیت یا در مصیبت که سر ایمان است یکنار می ایستد پس چون منکر و نکیر داخل در قبرش میشوند
صبر با سه نماز و زکوة میگوید مدد کنید صاحب خود را اگر عاجز شوید من او را در یابم و در روایتی چون در قبر عذاب متوجه او شود
هر کدام از نماز بسته بود و سوره السجده و ملک و سوره ملک نزد او ایستاده مانع شود و سوره الم گوید یا این تمام شفاعت
پروردگار عالم را با وی دهم پس عذاب از جانب راست و پیش کند و نماز حایل شود و زکوة از طرف چپ حایل شود و صبر از گوشه
صدا زند که شما انس او را دور کنید من مهیا شدم برای یاری او و نیز در میزان و صراط و عرض اعمال در رنج ابوذر ره
نزد کعبه ایستاده مردم را بسوی موعظه خود خواند و بتوشه سفر آخرت تحریص مینمود پرسیدند از توشه این سفر فرمود یکی با
روزه در روز بسیار گرمی برای روز نشور و حج بکن جهت امور عظام و دو رکعت نماز بکذار در تاریکی شبها برای وحشت قبر و کلمه
خیری بگو و از شر ساکت باش و صدقه بمساکین بده شاید که نجات یابی ای مسکین از آن روز عسیر و دنیا را دو درهم
قرار داده یکی را نفقه عیال خود کن و یکی را برای آخرت بفرست درهم سیم را مخواه که ضرر میکند و فایده ندارد
و در حرف یکو یکی در طلب حلال و دیگری برای آخرت و سیم را مخواه که ضرر دارد و نفع ندارد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که
هر که حج اسلام بجا آورد فشار قبر باو نرسد و چون بمیرد خدا حجهای او را در احسن صورتها که توانند بود مصور گرداند
که در میان قبر او نماز کنند تا حشر که از قبر بیرون آید ثواب آنها از او باشد و احادیث در مطلق حج واقع شده که مانع
عذاب قبر است و در صحیح وارد شده که میت در قبر حسرت آنها میبرد که کاش بعوض کل دنیا حجی داشتم بجهت آنکه انچه مشاهده
میکند از نعمتها و راحتها که برای حاج اماده شده و از انجمله حفظ قرآن و کثرت تلاوت آن با قواعد و آداب
و ارکان خصوصاً در نماز شب چنانکه بتفصیل خواهد آمد خصوص مواظبت بعض سورها که باخبار صحیحه دفع شدت
سکرات موت و عقوبات قبر میشود علی الخصوص سوره النساء و یس و زخرف و دخان و محمد ص و ق و الذاریات
ملک و النازعات و قیامت و زلزله و الهیکم و ملک و جمله توحید بشروحی که در اخبار هر یک در فضلش و صفت چهار
مرقوم است و حضرت باقر علیه السلام منبر فرمود هر مؤمنی بخواند این کلمات را من ضامنم برای او در دنیا و آخرت اما در دنیا
پس ملک الموت او را بشارت میدهد هنگام مردن و اما در آخرت پس بعد از مرگش خوشتر در بهشت خانه باو کرامت
فرماید این است یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین
و مناسبت بعد از سوره مذکوره در هر حال خصوصاً در سجده یا کوبیر و حالکه شیخ ره در مصباح روایت کرده الله

ملع

بارك لي في الموت اللهم اعني على غمرات الموت اللهم اعني على سكرات الموت اللهم اعني على غم القبر اللهم اعني

على ضيق القبر اللهم اعني على ظلمة القبر اللهم اعني على وحشة القبر اللهم اعني على اهوال يوم القيمة اللهم

بارك لي في طول يوم القيمة اللهم زوجني الحور العين و مبرد انما بد منتجب خود از رسول خدا ص روايت كرده كه

هر كه ابد عارا با شنا و سهولت قبض روح او شود كه بدانند نجاداده باخوابد اللهم يا ما الرؤف الرحيم طيبني للموت و

اسلني قبل الموت وارحمني عند الموت وهون علي سكرات الموت ولا تعذبني بعد الموت وارضني الى ملك الموت

يا فاطر السموات والارض انت وليي في الدنيا والآخرة توفني مسلما والحقني بالصالحين و در تضاعيف ادعيه وارد

بخواند

بو متعدد در این باب بسیار است خصوصاً تسبیح حضرت زهرا علیها السلام که در معنی تمام است لکن بخصوص دفع شدائد قبر

واهوال عالم برزخ و حشر بلکه برای فزع اکبر محشر نیز بسیار مناسب است زمینا امیر المؤمنین ع است که در تهجد

بعد از تهجد که سنت مؤکد است میفرمود که عنقریب بلحد خواهی خوابید مثل تمثال خاک و اختلال خود را به نظر عبرت

بصیرت متمثل داشته با کمال تضرع و زاری و نوحه بیقراری بخواند الهي كأني بنفسي وقد اضجعت في حفرتها وانصرف

عنها المشيعون من جيرانها وبكى الغريب عليها لغربتها وجاد بالدموع عليها المشفقون من عشيرتها وناداها من

شفير القبر ذووا مودتها ورحمها المعادي لها في الحياة عند صرعتها ولم يخف على الناظرين اليها عند ذلك ضر فاقتها

ولا على من راها قد توسدت الثرى عجز حيلتها فقلت ملائكتي فريد ناء عنه الاقربون ووحيد جفاه الاهلون

نزل بي قريبا واصبح في اللحد غريبا وقد كان لي في الدنيا داعيا ولنظري اليه في هذا المقام راجيا فتحسن عند ذلك ضيافتي

وتكون ارحم بي من اهلي وقرابتي الهي كيف يا من من حسن نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في ايام حياتي فصار

على مجيد الموار حتى صرعها على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل على يا سيدي بتفقيني صالحا جئتني ونحن على محمولا

قد تناولني الاقرباء اطراف جنازتي وجدت على شمولا فذرك لي بي وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد

غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي انك ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي بمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع

ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجاء ان لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت

فضلك يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا ارجوك الهي حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا

منزلة الا بين من خيري فر يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه

بالعمل الصالح لضجعتي مالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة

الموت فمالي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي ابكي

لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شان غير شاني

الهی ما تشفع انفسنا من النقلة عن الدیار ان لم توحشنا هنالك من مرافقة الابرار الهی ارحمنا غرباء اذا تضمنتنا بطون لحودنا وعمیت باللبن سقوف بیوتنا واضجعنا مساکین علی الایمان فی قبورنا وخلفنا فرادی فی اضیق المضاجع وصرعتنا المنایا فی اعجب المصارع وصرنا فی دیار قوم کانها ماهولة وهی منهم بلاقع الهی اذا جئناك عراة حفاة مغبرة من ثری الاجداث رؤسنا وشاحبة من تراب الملاحید وجوهنا وخاشعة من افزاع القیمة ابصارنا وذابلة من شدة العطش شفاهنا وجائعة لطول المقام بطوننا وبادیة هنالك العیون سواتنا وموقرة من ثقل الاوزار ظهورنا ومشغولین بما قد دهانا عن اهالینا واولادنا فلا تضعف المصائب علینا باعراض وجهك الکریم عنا وسلب عائدة ما مثله الرجاء منا الهی للنار ربیتنی ای قلبتها لم تربی ام للشقاء ولدتنی لیتها لم تلدنی الهی انهملت عبراتی حین ذکرت عثراتی وما لها لا تنهمل ولا ادری الی ما یکون مصیری ماذا یهجم عند البلاغ مسیری واری نفسی تخاتلنی وایامی تخادعنی وقد خفقت عند راسی اجنحة الموت ورمقتنی عن قرب اعین الفوت وما عذری فقد حشی مسامعی رافع الصوت الهی لقد رجوت من البسنی بین الاحیاء ثوب عافیته ان یعرینی منه بین الاموات بجود رافته ولقد رجوت ممن تولانی فی حیوتی باحسانه ان یشفعه لی عند وفاتی بغفرانه یا انیس کل غریب انس فی القبر غربتی ویا ثانی کل وحید ارحم فی القبر وحدتی ویا عالم السر والنجوی ویا کاشف الضر والبلوی کیف نظرك الی بین سکان الثری وکیف صنیعك لی فی دار الوحشة والبلاء فقد کنت بی لطیفا ایام حیوة الدنیا یا اجود من دعاه داع وافضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل الیك وبحرمة القران اعتمد الیك وبحق محمد وآله اتقرب الیك فصل علی محمد وآل محمد واعرف ذمتی التی رجوت بها قضاء حاجتی برحمتك یا ارحم الراحمین والحمد لله وحده ولایت ماب بعد از این مناجات خطاب بنفس نفیس خود مینمود و در آخر تدارك این سفر پر خطر و قول بعمل عنایتی میفرمود که در عقبه سؤال از جمله مذکور است و بدانکه بعضی از اعمال مثل ما که موافق باب و روایات بر مؤمن هم باعث شدت سکرات موت و اهوال قبر میشود مثل فساد و نفاق و درشتی با مردم و تندخوئی خصوصا با اهل خود و انس گرفتن بزخارف دنیا و غیبت و دروغ و تهمت که بحدیث نبوی عمده عذاب قبر از این سه امر است و دیگر نفس شارب که در روایتی فرموده که یا علی هر که موی لب را نگیرد از ما نیست و شفاعت ما او را نمیرسد و هر که شارب گذارد مستوجب لعنت خدا و ملائکه باشد و دعایش مستجاب نمیشود و قبض روحش مشکل باشد و عذاب قبرش شدید باشد و بهر موئی ماری و عقربی بر او مسلط باشد و در عذاب باشد تا قیامت و چون از قبر برخیزد بر پیشانی او نوشته اهل آتش یا علی هر که شارب بگیرد بهر موئی ثواب صد شهید و هر طلا دارد که هر منی هفتاد رطل و هر رطلی هفتاد مد و هر مدی چون کوه احد و بحدیث نبوی که نکیر و منکر غضبناک بر او وارد خواهند شد و بعضی گفته اند باعث ظلمت قبر است و روایتی خنده در

باعث ظلمت قبر است و نومیدان کردیدن مومن در حاجت و کنه بحدیث صحیح ماثر عظیم در قبر همنشین او را خواهد کرد بدنام در خبر
و بی احتیاطی در طهارت و بی باکی از نجاست خصوصاً بول و غیر آنها بتفصیلی که در عیون عقبات سمت چهارم خواهد یافت و
تفرع عین اول ... در اجزای شجره از طوفان و سوانح دین آخر الزمان که پیش از نفخه ثانیه در این عالم واقع خواهد شد که
سبب الحاد و انتشار و تجربه تمام در تنبیه غافلان از حسرت و خذلان دارد بدانکه وقایع موحشه آخر الزمان باسباب آنست
و ما بذکر غرایب مناسب آنها بعرض کتاب که از اخبار متواتره و آثار معتبره مرتبطه اکتفای کنیم تا موجب عبرت صاحبان
بصیرت گردد و عیش از رودان احوال هایله در این اوقات فارغ فکری نداد که براهین ندکانی و راحت جاوید
خویش مهیا سازد و انها نظر با بلیه کلیه هایله است که عموم خلایق را واقع میشود از خروج دجال
و یاجوج و ماجوج و سایر مفسدین و برطرف شدن دو ثلث مردم بموت احمر و ابیض و اسود و ظهور انواع بلیات
هایله آسمانی و خروج آقای ما قائم آل محمد ص و نزول حضرت عیسی ع و ظهور دابة الارض و دخان و امدن ماه
در چهل شبانه روز برای ترسیدن اهل قبور و قیامت صغری که رجعت مردگانست بقتل رسیدن ... حضرت امیر
با شیطان ملعون که هر گز چنان محاربه واقع نگردیده و کیفیت نوع واقعه هایله دمی امر و فزع اکبر و نفخه اولی
و ثانیه تا هنگام حشر و مجاری حالات مذکوره نیز نبیهی مختصر بشیع و از اخبار متفرقه و آثار متعدده جمع
نموده در سه جدول سمت چهارم پذیرفت جدول اول در اشاره بوقایعی که پیش از ظهور حضرت خاتم الاوصیا
صورت ظهور خواهد نمود جدول دوم در مجمل کیفیت ظهور آنحضرت و کلیات وقایع سلطنت آنحضرت که
باعث عبرت و تنبیه ناظران گردد جدول سیم در ذکر سوانح بعد از آن تا قیام قیامت کبری جدول اول
در وقایع متقدمه بر قیام قائم آل محمد ص از انجمله خروج جمع کثیر بطلب سلطنت از خراسان و یمن و غیره و دیگر سفیانی
بر ایشان بدانکه پیش از ظهور خورشید برج امامت و ولایت بجز خروج مفسدین و ملحدین ظلمت فتنه و بلا
محنت و ابتلا عالم را فرو خواهد گرفت و بحدیث حضرت امیر المؤمنین و حضرت ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
اول کسی که خروج می کند از اصحاب فتنه یعنی در مقدمه ظهور قایم اصهب ... مبتلا باشد از بلاد
جزیره با شدت و شوکت عظیم پس جرهمی از شام و خطائی ... و جمع دیگر پس ... ظلم و فتنه
ولایت ایشان را انگاه خروج کند بر ایشان سه نفر یکی از خراسان با علم سیاه و سفیانی از اولاد عنبسه ابی سفیان از شام
باعلم سرخ بند بیرق ... و باش و همان روز خروج او و یمانی خروج کند از یمن با علم سفید مانند دو اسب که
بکرفتارند پس سفیانی بر خطا و اصهب و جرهمی غالب در اطراف مبالغه در قتل و فساد و بدفع خراسانی ...

شده نصرت ابوبکر دیهن فصل نما نموده بعد از محاربات منهزم کرده واخو عمانی اورا با پسرش حسنه بعد از ان بند جدا
کنند و با ثبات سید حسنی از انتها بلاد مشرق خروج کنند و چین و هند و ترک و خراسان را بقهر بگیرد بن بلم یعنی کیلانی
و طالقان و قزوین اجابت و نمایند و او کوفه را اباد و بصره را خراب خواهد کرد و چون مقارن قیام قائم شود جهاد سفیانی
شهید می شوند با ثبات و قائم ال محمد رجعت نماید و چون ثبات و پسرش بانتظار ال محمد برجعت روند دجال و سفیانی دیگر خروج
کنند و مبالغه در انواع اضلال خلق نمایند تا انکه قائم بعد از ظهور او را و دو کوه لشکرها شهرها متصرف شاد و برای وی
عمال دجال او خلاصه کیفیت دجال بدهکال که اشد فتنه است در پیغمبران و او ضیاء شراب نوع خوش منبرها بنشیند بمخالفت او صبر
میکردند و ظاهر سفیانی ثانی همان است بحسب بعضی علما که روایت بهم خلط کرده اند دا نظم دیدن در خبر این است که عن
اوست اما با او و امیر لشکر اوست بهر حال خروج میکند و با قیام قائم ال محمد و بحسب حدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر عدد
یک سال خواهد بود روایت کرده اند که مردم در سه سال پیش از این بقحط عظیم مبتلا شوند سال اول هیچ باران نبارد و
شده با نصف محصولات شادیم دو ثلث سال سیم بر همه قحط و غلا استعلاء یابد حیوانات و اکثر مردم برطرف شوند
در چنین شدت دجال علیه اللعنه خروج کند با اطعمه و الات تعیش فراوان و بمنافع معیشت شتابند خلق بسجده بی [illegible]
خدا انها گردانند که او ساحر است باطل است و در محل خروج او اختلاف نقل شده که از مشرق یعنی خراسان و میان شام
و عراق و با صح روایات خاصه از اصفهان بیرون می اید یک چشم دارد پر خون در میان چون ستاره صبح و میان دو چشم
نوشته کافر کافر تا کرم هر عالم بخوانند و از ضمیر خبر دهد و عجایب بسیار نماید از اوردن [illegible] با بندی کباها و اظهار کنجهای
زمین و زنده نمودن کشتگان و نمودن بهشت و دوزخ اما هیچ مومنی و عاقلی با بها فریفته نشوند و با این شبهات
نمیلغزند و چون افعال اظهار میکند بر طبق دعوی الوهیت اینها باطل است و خدا جسم و مرئی و کور نیست و محتاج
نیست پس حق تعالی باید که بولایت اهل بیت عصمت متمسک و صبر کنند بر تنگی چند ماه که اوقات ایشان [illegible] ظاهر خواهد
شد و بعد از استقرار فلک ازمنه [illegible] بحسب حضرت صادق ع از هشت ماه یکروز بیشتر نخواهد بود که بدعقبه
شام سه ساعت [illegible] روز یکشنبه یوم جمعه قائم ال محمد او را خواهد کشت و ان می شوم چون خروج کند بر سر کوه نشسته
نعره ها بلند زند که [illegible] برسد و بحسب حضرت صادق هر که میان مشرق و مغرب است از جن و انس همه بشنوند
و گوید که با بیایید دوستان من خالق [illegible] دکار [illegible] پس خلق عالم رو بسوی او ارند و اوند و [illegible] خروج
او هفتاد هزار یهود و نصاری و بادیه نشینان و زنان و اولاد زنا و اهل شراب و قمار و غنا متابعت و نماید
و سحره جن و انس او را [illegible] شوند و با او باشند [illegible] شیاطین [illegible] هر که دا [illegible] یکی از شیاطین مصوت

او خود را بنماید شبیه باین نوع و انما بدبیر دم که من میکشم و زنده میکردانم و کمراه می کند مردم را باشد کمراهی و مبتلا
میکنند هر حرامی بر مردم که باز نهادو با پسرها در کوچها و دامها علانیه و عریان زنا کنند و کوشت خوک شراب
خورند و اقسام سازها نوازند و اکثر لشکر او اولاد زنا و صالحان کلاههای سبز خواهند بود در آن زمان بگذرند
و تمامی بلاد را سواره بر الاغی کلکون که هر کامش بحدیث علوی ثلثه فرسخ و بحدیث نبوی کوشش یک میل و تا اعضا
از این فراد و تسخیر نماید همه آفاق و زمین را بغیر مکه و مدینه و عراق که ائمه و بعضی ولایت که کفار شرقی افند زلزله بکوه
دمشق پیدا اید و خلق اطراف بدام آن کافر جام اعتقاد دهر بند کردند سفیانی لشکری بسوی مدینه فرستد که سردار یکی
از بنی امیه خزیمه نام که بر چشمهای او ناخنک باشد و بروایتی یکچشم او کور باشد پس مدینه را تاراج و غارت کند و صد
پنجاه هزار نفر بکوفه فرستد پس شصت هزار کس از اهالی اهل کوفه مجوس باشند بعد عبدی و امیر ایشان حباس لحوبی باشد
و سید علوی که نفس زکیه است با هفتاد هزار نفر از صلحاء از نجف اشرف بیرون ایند حضرت صادق ع میفرماید که
کویا نظر میکنم نیزه‌ها و شمشیرها و مناقبها ایشان که او یکجا برد بوادی نجف اشرف روز دوشنبه و شهید خواهد شد
روز چهارشنبه و کویا میبینم سردار لشکر سفیانی را که در رحبه منادی او ندا کند که هر که یکسر از شیعه علی را بیاورد هزار
درهم جایزه یابد پس همسایه سر همسایه خود را آورده جایزه گیرد و کویا میبینم نقاب درآید اما و بد احوال او میشناسید او تمام
و شما او را می شناسید پس سفیانی یکی شما را نشان میدهد نسبت و مکر و ولد الزنا و آتش فتنه بالا کرده و مبا
کوفه و حیره بلکه تا کربلا و در یکساعت روز در کوفه چند هزار نفر کشته شوند بعد یکه مردم تا سه روز از آب فرات
نفر کنند از شدت خون و کند جسدها و خوشا حال کسی که از فرات عبور نماید و در کوفه و دهها باشند و برای
وی امر مکه بغیر بلادها است و او وی پرسید که چه باید کرد حضرت صادق ع فرمود مردان رو پنهان کنند و بر عبا
باکی نیست تا آنکه سفیانی دجال با شرار در بلاد شام مشغول شود پس یکو چند بسوی صاحب خود یعنی قائم ع کر البته
خروج کنند و بحدیث نبوی ع پیشتر در درد شهر ملعون بغداد شوند و قتل مردان و اسیر زنان کنند پس بکوفه فرود
ایند و حواله ... اکرده متوجه شام شدند آنکه علم هدایت از کوفه برای ایشان تا شهر یکی را دعا کنند
و اسرا و غنایم را برکردانند و لشکری که آن ملعون بمدینه فرستد بعد از غارت مدینه بعزم خرابی با کرفتن
کربلا بعضی رو بمکه روند تا بزمین بیدا فرو روند و بحدیث علوی بیرون اید آن بغداد سرداری با پنج هزار
سلح و کشته خواهند شد بر سر جسر هفتاد هزار نفر بعد یکه سه روز از فرات نفر کنند و هفتاد هزار دو بکر از کوفه
ظاهر یعنی از بغداد و احوالی کوفه اسیر شوند و دست زده بمحملها کذاشته ببرند و آخر از کوفه صد هزار نفر مشرک

و سفیانی بدمشق حرکت کند پس یمانی که از مشرق خروج نموده و حضرت باقر ع میفرماید که گنجهای طالقان اطاعت او کنند
و کوههای دیلم عصا سرخی برهنه با دوازده هزار نفر از فرات عبور کنند و همین که شنیدند بشتابید بسوی او اگرچه بدست
و پای برهنه و برهنه باشد و شاید همان اول باشد با خراسانیان وارد کوفه شوند بطلب خون کشتگان و پدران و برادران
رفته عباس شرقی و مغربی سه هزار کشته شوند پس در شب جمعه و بیست سیم ماه رمضان ندای آسمانی شنیده میشود و قرص آفتاب
نیزه دیده میگردد و منبر حضرت قائم ع خروج میکند و شک نکنید که آن صدا جبرئیل است و از جمله مصیبت و قحط
و خوف شدید که اموال و تجارات مردم و محصولات باغات ملخ و غیر آن چنانکه در احادیث معتبره با تفسیر آیه
شده وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ و ابو بصیر از حضرت صادق ع
روایت کرده که ناچار است که پیش از قائم ع برسد بمردم گرسنگی و خوف شدید پس این آیه است وارد و بشارت در آیه
بتعجیل فرج که متعاقب خواهد شد جابر گوید که حضرت صادق ع فرمود که جوع عظیم در کوفه مخصوص دشمنان آل محمد
که هلاک کشتان خواهد کرد و در شام عام خواهد بود که جوع و خوف عظیم خواهد شد که هرگز نشده و جوع پیش از قیام
قایم آل محمد ع خواهد بود و خوف بعد از آن و بروایت ابو بصیر در آیه سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ
لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ فرمود که خواهد بود در نفسهای ایشان مسخ در آفاق کمی اطفال دانند که خروج آل محمد ع خواهد است و بحدیث
حضرت صادق ع آیات انفس خسف و مسخ و قذف است و فرو رفتن مردم بزمین در مشرق و مغرب پیدا خواهد شد و فرمود
که در معنی عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ که یا ابا بصیر کدام رسوائی از این شدیدتر که مردم در خلوت خانه
خود باشند با عیالش که ناگاه اهلش گریبان چاک زنند و فریاد کنند که فلان حالا مسخ گشت و این پیش از قیام قائم آل
محمد ع خواهد بود و از جمله بر طرف شدن دو ثلث مردم بسبب موت احمر و ابیض و اسود و موت احمر شمشیر ظالمان و ابیض قحط
و غلا و اسود بطاعون عظیم و وبا که بحدیث حضرت صادق ع پنج سبع مردم تلف میشوند و از جمله ظهور بادی سیاه
در بغداد پس زلزله شود که اکثر زمین فرو رود و از جمله آیات اشهر فانی ظهور کوکب بنا الدار از مشرق که چون ماه روشنی
دهد و بروایتی حضرت امیر المؤمنین ع میفرماید که چون او را ببینید توبه کنید و از آنجمله سرخی از طرف آسمان و انتشار او
بر دلها از مشرق تا چند روز و ابن عباس گفته است که در دنیا منتظر خواهد شد و مردم را بسوی محشر خواهند راند که حضرت باقر ع
میفرماید که در آن وقت متوقع فرج آل محمد باشید و از آنجمله گرفتن آفتاب است در نصف ماه رمضان و در آخر آن بعکس
عادت نجوم و طلوع آفتاب از مغرب بعد از حبس سه شبانه روز در کره زمین و اجتماع آن با ماه و این عجب علامات قیامت
و مجملا این قضیه عجیبه بحدیث ابن عباس چنان است که هر شام که آفتاب بزمین سرعود میکند زیر عرش با اذن جدید طلوع

مبنما بدو بمضمون وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا بتفسیر چند شب نوبت که حالش بر این مجری بجا رسیده که ظلمت صبح معا از اول
وافاهی شارع وتود امر معروف و ترحم بهم ونهی منکر مختل وضایع کرده چون آفتاب دو شب معمود عرض سجود واستیذان
نماید هیچ جواب شرف خطاب نیابد تا ماه با نهم رسیده هر دو در عقدهٔ توقف بمانند تا مقدار سه شبانه روز وطوی
ان شب را متهجدان دانند که اهل قلیل باشد وچشم انتظار همیشه بر رهگذر نسیم اسحار وفیض عواطف اسرار وانوار مبارک
که بعد از اوراد خود مترقب صبح امید باشند چون طول کشد بیرون شتابند ونظر باسمان نمایند کوکب را بمحل مبدی
صبح یابند پس در ذکر بخوابند وچون بیدار شده بیرون آیند شب را بجا خود ملاحظه نمایند متفکر متوجه نماز ومناجات
کشته شوهم تخفیف در از کار با قیام پیش از وقت قرار دهند بخواب روند چون بیدار شوند بمقام اول شب ببینند
در وحشت ودهشت عظیم بمانند وغافلان بی ذکر امت محروم تا فیض سعادت در فراش غفلت سر بستی بی
نوری وحسرت از پهلو به پهلو منقلب معطل بسیارند وعارفان دانند که همان شبی است که همیشه از آن ترسان وهراسان
می بودند وبامید فضل الهی وبشارت بشر المشائین الی المساجد بالظلم بالنور الساطع یوم القیامة بمساجد شتافته
مشغول تضرع وزاری باشند پس فرمان الهی بجبرئیل ع رسد که آفتاب وماه را از زیر عرش بیار وطالع
کرانید پس ماه وافتاب چندان بگریند وچندان از خوف قرب فنا متلرزان ونالان کردند که تمامی اهل اسمانها
وانجم در اوساط سرادقات عرش بگریه ابتها کریان شوند پس آفتاب تاب وماه سیاه مکور ومکدر از شق افق مغرب
در آمده هر دو بمضمون وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ باهم برفعت مسابقت نمایند وچون این امر عظیم مهیب خبر بهابلند
واقعهٔ غریب نصب العین مردم کرده شود ولوله وغوغا وشور در دنیا بنی ادم بلکه تمامی ذی روح عالم از زمین وزمان
بلکه کافه ساکنان هفت اسمان استیلا یابد که از مهابت ودهشت چون روز عالم سوز قیامت بر پا شده
ووحشت کسی از اضطراب بحال خود وفکر خود وخواب ومکالمهٔ احباب نپردازد وهمه بنوحه وناله وزاری مشغول
دعا وتوبه وانابه وگریه وبیقراری باشند ولیکن باحادیث نبوی ص از هر ذکر وتوبه فایده ندارد ومجال کسیکه
با وجود مواعظ ونصایح واهتمام حجت بیشتر بکسب معرفت واطاعت امر خیر ایمان برای خود تحصیل نکرده باشد
پس چون آفتاب وماه بمیان اسمان رسند جبرئیل بفرمان خدا جلیل فرو هر دو را گرفته باز بمغرب فرو برده اورده اما
از غروب باب توبه در این حال پرسید کسی که یا رسول الله باب توبه کدام است فرمود که خلق تعالی دری از پس بر پشت
مغرب مصراعش از طلا مرصع بجواهر فتا هر دو تا چهل سال راه است پس این در باز است تا صبح آن شب پس
هیچ کس توبه نصوح نکرده تا از روز مکر هان توبه او داخل آن باب شده باشد وآن روز بسته مشهود برسند که باز آن را

و به نصوح کدام است فرمود پشیمانی از گناه و عذر و انابه بسوی الله که دیگر بر نگردد بسوی گناه چنانکه شیر
به پستان بر نمیگردد پرسیدند که بعد از آن حال آفتاب سه ماه بهمین منوال قرار خواهد گرفت فرمود بحال پیشتر باز
گردد مردم باصلاح امور دنیا و زراعت دنیا پردازند و با حادیث این واقعه بیش از نه ماه عمل نکنند و بعد از خروج دابه مذکور
شد و همچنین طلوع و طومار دخان قال الله فارتقب یوم تاتی السماء بدخان مبین شیعه و سنی نقل کرده اند از حضرت
رسول و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب که در عالم دودی پیدا خواهد شد که در گوش و دماغ کفار داخل شود و سرشان
مانند سر بریان کرده باشد و بحدیث نبوی مانند مستان و پر کند میان مشرق و مغرب تا چهل روز و شب و میان
آسمان و زمین چون خانه بی روزنی باشد که آتش در آن افروخته باشند و دود از سوراخهای گوش و بینی وارد
برون نمی آید و مؤمنان از مثل زکامی عارض شود و مردم بتضرع و زاری در آمده عهد کنند که خدایا این عذاب را
از ما کشف کن که ما مؤمن میشویم و آخر باز بر گناهان اصرار کنند و حق تعالی بعد از ذکر این مراتب میفرماید انی
لهم الذکری وقد جاءهم رسول مبین یعنی کجا متنبه و متذکر میشوند از این حالت و حال آنکه اعظم موجبات تنبه
و تذکر پیغمبر آشکار با آیات بینات و مواعظ بیشمار بسوی ایشان آمده اطاعت نکردند و این علامات و لوازم
قیامت است و از آنجمله دیگر استماع صداها از آسمان چنانکه بروایت صدوق و شیخ از حضرت امام رضا منقول
که ناچار است شیعیان را از فتنه عظیمی که در آن فتنه بسیاری از شیعیان خواص از دین برگردند و انوقتی است که سیم
فرزندان من وفات یابند و بعد از او امام ایشان غایب شد و اهل آسمان و زمین برای او بگریند و چه بسیار
از مؤمنان که بر او دلسوز و محزون باشند و منبع چشمه امامت از ایشان مخفی باشد و چون ظهور او نزدیک
شود در ماه رجب سه آواز از آسمان بایشان برسد که همه بشنوند اول الا لعنة الله علی الظالمین یعنی آگاه باشید
که لعنت خدا ثابت است بر ستمکاران دوم ازفت الآزفة یعنی نزدیک شد امری که روز بروز و دم بدم نزدیک میرسید
سیم بدنی پیش قرص آفتاب ظاهر شود و ندا رسد که این است امیرالمؤمنین ع که بدنیا برگشته است برای هلاک کردن
ستمکاران پس آنوقت فرج مؤمنان رسد و مرهمها از روی جنون کنند بروایت بسیار از حضرت باقر و صادق ع اول
روز خروج حضرت قائم ع ملکی ندا کند که بتحقیق که حق با علی بن ابی طالب و شیعیان اوست و آخر روز شیطان ندا کند
که حق با عثمان و شیعه اوست و مظلوم کشته شد پس اهل باطل که بتحصیل معرفت یقین بهم نرسیده باشند بشک و
شبهه مبتلا شوند نعوذ بالله و حضرت صادق ع میفرماید که می آید زمانی که امام غایب شود از خوف کشتن و خدا ابتلای
شیعیان امتحان فرموده و شک خواهند کرد اهل ضلالت و بطالت و کمتر ثواب جمع که ثابت بمانند بر اعتقاد حق

دو که

و دلالت اهل غیبت بسالت این است که خدا ندا کند ایشان را که ای بندگان من که ایمان آورده اید بپنهان من در غیبت
من بشارت باد شما را بثواب نیکو از جانب من بتحقیق که شما بحق و راستی بندگان و کنیزان منید از شما قبول عمل
و عفو میکنم و بسبب شما باران و رحمت میفرستم و دفع بلاها میکنم راوی پرسید یابن رسول الله در آن زمان
چه عمل بهتر است فرمود زبان نگاه داشتن و ملازم خانها بودن و بروایت زراره اگر آن زمان را در یابی
مداومت نما باین دعا اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم
تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی و ابن
بابویه از حضرت صادق ع روایت کرده که خواهد رسید شما را شبهه که بی علم و هدایت و امام آشکار خواهید
ماند و نجات نخواهد یافت احدی از شما مگر آنکه این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن
یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک و حضرت سجاد ع میفرماید که طول خواهد کشید غیبت امام
دوازدهم بدرستی که اهل زمان که قائل بامامت او و ظهور او باشند بهترین اهل هر زمانی خواهند بود زیرا
که خدای تعالی بایشان داده از عقل و فهم آنقدر که غیبت نزد ایشان بمنزله مشاهده است و ایشان از ثواب کسی باشند
که در پیش روی رسول خدا جهاد میکرده اند ایشانند صاحبان اخلاص بحقیقت و شیعیان ما براستی و خوانندگان
مردم بدین الهی در پنهان و آشکار و انتظار فرج کشیدن بهترین فرجهاست و باحادیث معتبره هر که اعتقاد بامامت
حضرت صاحب الامر ع دارد و انتظار فرج آنحضرت کشد بمنزله کسی است که در زیر علم آنحضرت بلکه مثل خیمه آنحضرت
بلکه در خون خود در جهاد دست و پا زده باشد و باحادیث معتبره هنگام ظهور آنحضرت است که جبرئیل بکیپای(?) مکه
و دیگری بر بیت المقدس باواز فصیح چنان ندا کند که همه مردم بشنوند اتی امر الله فلا تستعجلوه آمد امر الهی پس
شتاب مکنید و بروایتی بنام و نسب آنحضرت چنان صدا زند که هر که در خواب باشد بیدار شود و هر که نشسته باشد
برخیزد و هر که ایستاده از دهشت بنشیند و بعضی نداها دیگر از دابة الارض و ابن ادر حلش(?) خواهی شنید بروایت
بسیاری علامات پیش از ظهور آنحضرت ظاهر شود و صدای آسمان و خروج سفیانی و فرو رفتن لشکرش میان مکه و مدینه
و قتل نفس زکیه از سادات حسنی با هفتاد نفر از صلحا در نجف که در اسم خود و پدر مسمی بحضرت قائم ع است
و بروایتی بعد از پانزده روز از شهادت او حضرت قائم خروج کند و در حدیث وارد شده که هر قومی را دولتی است
و دولت پیغمبر شما در آخر الزمان است پس ملازم خانهای خود باشید تا علامات دولت ما را به بینید و نزدیکترین
علامات ما بخروج قتل نفس زکیه و غلبه سفیانی است بر ولایت شام و حضرت صادق ع میفرماید که در آن وقت بکوچید(?)

اللهم عرفنی رسولک

بلغ

بشود ما چیزها در علامات خروج مهدی صلوات الله علیه با احادیث معتبره بیان شد است شاید بعض از آنها واقع شده باشد
و از آنجمله خروج خوارج از بحر فارس و بنی خالد از شرف و قتل بسیار مابین دو طایفه عجم و عرب و علم سیاه از خراسان از
نماند بکوفه و خروج غریب بر شاه عجم و توطن ایشان در خراسان و استیلای ایشان بر شهرها و آبادی کوفه و قتل سفیانیان شعبه
دوران و خرابی دیوار مسجد او مسجد دمشق و خرابی و فتنه در شام و مصر و اختلاف سر ایشان در هر باب و مخالفت ترک
و روم و خرابی بسیار بلاد بغداد و قتل عام و زلزله در ری و واسط و طوس و هفت مداین عراق و عرب و قحطی
و بای عظیم مکرر در بصره و روم و نزول روم در رمله و انقراض حکام قسطنطنیه و آبادانی کثرت در یای نجف
و ساوه و اجتماع هفت ستاره سیاره و بعض اینها محتوم است و بعض احتمال تغییر دارد و بحدیث نبوی که
حضرت سجاد ع میفرماید که چون هنگام خروج قائم ع میشود و علم آنحضرت بی سببی کشوده بلند شود و ندا کند
آنحضرت را که بیرون بیا یا ولی الله بکش دشمنان خدا را و شمشیر آنحضرت از غلاف بیرون می آید و ندا میکند
که خروج کن که جایز نیست توقف نشستن از جهاد دشمنان خدا و بعضی احادیث دلالت میکند بر اینکه زود ظاهر می
شد گناهان ما باعث تاخیر شد و در توقیعی که آنحضرت بشیخ مفید رحمه الله نوشته در فتنهای آخر الزمان میفرماید که
هرگاه شیعیان ما جمع میشدند بوفای عهد تاخیر نمیشد از ایشان شرف خدمت سعادت ملاقات با برکات ما
پس ما را حبس نکرده از ایشان مگر آنچه میرسد بما چیزی چند از ایشان که ناخوش داریم و فرمود هر یک از شما شیعیان
باید عمل نماید بچیزی که او را بمحبت ما مقرب سازد و اجتناب کند از هر چه او را بغضب و کراهت ما نزدیک میکند
که شیعیان امر ظهور ما بیخبر ناگاه میرسد وقتی که فایده نخواهد داشت توبه و نجات نخواهد داد از عقوبت
و بیان احادیث و تفصیل در اجرای رشحه از خلاصه احادیث کیفیت ظهور آن خلاصه کاینات و فخر موجودات
و قبله اهل ایمان آنکافه ساکنان ارض و سموات و استیلای آنحضرت بر کل اهل زمین و دشمنان دین و ممالک ربع مسکون
زمین جعلنا الله بعزته الکاملة وقدرته الشاملة من خدامه المخلصین و انصاره المتقین بحق محمد و اله الانقیا
صلوات الله علیه و علیهم ما دامت الارض والسماء بدانکه وقتی برای ظهور آنحضرت معین نشده و بخبر ظاهر
میشود که حضرت صادق ع هر که تعیین وقت نماید خود را در علم غیب با خدا شریک کرده و روی بسند اکثر معتبر
معلوم میشود که آنحضرت است فرمود ظاهر و آشکارا خواهد شد امر او بنحوی که حجت تمام شود بر عالم و بر وفق
اخبار متفرقه و بر طبق آثار معتبره اخبار و لا یتفاوت بعد از الهام الهی بامر خروج در سال طاق از هجرت روز جمعه
یا روز شنبه دهم محرم داخل مکه معظمه شود تنها بصورت جوانی کامل چهل ساله با کمر عمامه زرد بر سر لباس رسول

خدام در بر و نعلین آنحضرت در پا عصای آنجناب در ید بیضاء بزرکی چند در پیش انداخته کسی آنحضرت را نشناسد تا
بنزد کعبه آید و تنها داخل حرم شود پس چون شب در آید همه بخواب روند نازل شوند از جانب حق تعالی بر آنحضرت جبرئیل
و میکائیل و صف صف از ملائکه پس جبرئیل با آنحضرت عرض کند که ای آقای من قول تو مقبول و فرمان تو جایز است آنگاه
دست مبارک بر روی خود کشد و فرماید الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوء من الجنة حیث نشاء
فنعم اجر العاملین آنگاه میان رکن و مقام ایستاده فریاد کند و نقبای خود را طلبد پس سیصد و سیزده مؤمن
از محراب نماز و فراش خود خوابیده باشند از همه بلاد متفرقه بغیر پیش جمع شوند و بعضی شب از رختخواب خود
ناپیدا شوند و بعضی علانیه سوار ابر شده و صبح بطی الارض در برابر آنحضرت ایستاده باشند و مؤول است این
کلام الهی اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر و حضرت سیصد و سیزده شمشیر که از آسمان
بنام هر یک و پدرش آمده و با ایشان قسمت کند و عمود نوری تا آسمان ممدود شود که هر جا مؤمنی باشد آن نور
فرح یابد و چون صبح شود پشت بکعبه ید بیضا بلند نماید و فرماید این دست خدا و از خدا و بامر خدا است
این آیه را بخواند ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله پس اول کسی که دست مقدس آنجناب بوسد و بیعت نماید
ببیعت مشرف می‌شود جبرئیل ع باشد بعد از آن ملائکه و نجبای جن و نقبا و آنگاه اهل مکه فریاد بر آورند که
ایشان کیستند و این شخص علامتی بود که مثل آن ندیده بودیم چون نظر کنند بغیر از چهار نفر از مدینه کسی را نشناسند
و چون آفتاب بلند شود از پیش قرص خورشید منادی ندا کند بزبان فصیح که بشنوند اهل آسمانها و زمینها
که ای گروه خلایق این است مهدی آل محمد ع و بنام و نسب و کنیت و جد و پدر نسب او را ذکر کنند تا علی بن ابی طالب
بیعت و اطاعت نمایید تا هدایت یابید و مخالفت مکنید که گمراه شوید پس صاحب گوشی در عالم نماند
مگر آنکه این صدا را بشنود و شعبان رو میکنند و هجوم می‌آورند از شهرها و صحراها و دریاها و از هم
خبران ندا را میگیرند و نزد غروب شیطان از مغرب ندا کند که ای خلایق پروردگار شما سفیانی در وادی
الیابس زمین فلسطین ظاهر شده بروید و متابعت او نمائید پس هر صاحب شکی و منافقی ندای آخر که گمراه
شود و حضرت قائم ع همچنان پشت بکعبه ایستاده و میفرماید که ای خلایق آگاه باشید که هر که خواهد نظر کند
بآدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسمعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون نظر نماید بسوی محمد و علی و حسن
و حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم پس من نظر کنید که علامات کمالات همه در من است و سؤال کنید از من
تا خبر دهم با آنچه ایشان خبر داده اند و هر که کتب آسمانی و صحف انبیا را خواهد از من بشنود آنگاه شروع فرماید بصحف

آدم و شیث و نوح و ابرهیم و توریة و انجیل و زبور و فرقان و بیرون آورد و فرماید که همه اهل ملل تصدیق نمایند
که آنچه تغییر و نقصان از آنها فوت شده بود همه را خواند آنگاه قریش رو بفرار گذاشته ... حضرت عرض کنند که منم بشیر
امر کرده مرا ملکی که بشارت هلاک لشکر سفیانی را بحضرت تو برسانم حضرت فرماید که قصه خود را برای مردم نقل
کن گوید که من و برادرم با لشکر سفیانی بودیم و بعد از خراب کردن بنا از دمشق تا بغداد و کوفه و مدینه بعزم قتل اهل مکه
و خانه کعبه و مسجد خراب کردن مدینه را به بیدا آمدیم که صیحه از آسمان آمد که هلاک کن ستمکاران را ناگاه زمین
شکافته شد و تمامی لشکر را با اسب و اسباب چنان فرو برد که چیزی و کسی را نگذاشت بغیر از من و برادرم پس ناگاه
ملکی روی ما را به پشت گردانید و گفت تو ای نذیر برو بدمشق و نذیر باش سفیانی ملعون را بهلاک لشکر و ظهور
مهدی آل محمد و من گفته شد که برو نزد حضرت مهدی علیه السلام در مکه و او را بشارت ده بهلاک ستمکاران و توبه کن بدست
آنحضرت که قبول توبه تو خواهد فرمود پس بدست مبارک روی او را درست کنند پس حضرت اهل مکه را موعظه
هدایت کنند و مسجد و کعبه را باساس قدیم بنا کنند و دستهای بنی شیبه را که کلید داران بودند ببرند و بکعبه آویزند
و در مکه اقامت نموده بعد از تعیین خلیفه از اهل خود با ده نفر از ملائکه و جن و نقبا بسوی مدینه توجه فرماید
پس اهل مکه خلیفه را بکشند چون آنحضرت بسوی ایشان برگردد و بتضرع پیش آیند پس بعد از تعیین خلیفه از خود شان
تعیین فرموده و متوجه مدینه شود و آن خلیفه را هم بکشند پس آنحضرت جن و نقبا را برگرداند تا بکشند هر که
ایمان نیاورده و از صد هزار یکی ایمان نمی آورد و چون حضرت مدینه را بنور خود منور فرماید گوید
این قبر جد من است و اینها کیستند گویند این دو خلیفه و پدر زنان پیغمبر اند فرماید شاید غیر اینها
باشند یا هر کسی از شما ایشان را میشناسد گویند بصفت بلی پس بعد از سه روز فرماید که هر دو را از قبر بیرون آورند
و چون شروع بکندن دیوار کنند بحکم حضرت صاحب الامر خدا برای امتحان بادی شدید و صاعقه و رعد بفرستد تا
اهل شک گویند که اینها از جهة این بلا دیدند پس اصحاب حضرت همه متفرق شوند و حضرت کلنگ را بدست مبارک
خود گرفته مشغول کندن شود تا آنکه اصحاب باز گردند و هر کدام که افضل باشند زود و زیرک ... بود را خراب کرده
هر دو را از قبر در آورند با بدن تازه و تر پس حضرت بفرماید تا از کفن عریان و لعن نموده و بر درخت خشک بسته بیاویزند
در حال درخت سبز گشته و از ما بقی مردم سبز شود آنگاه سنیان گویند بالله شرف ثابت که این دو نفر را دید
بتحقیق که ما رستگاریم بمحبت ایشان و اظهار ولایت ایشان کنند هر که ذره ایمان خود را پنهان کرده
روی اخلاص و اقبال بسوی اینها آورند و خود را بزیارت ایشان حاضر نمایند آنگاه منادی حضرت ندا کند که هر که

این بود و مصاحب پیغمبر را دوست داده و شیعه طرف ایشند پس خلق دو فرقه شوند فرقه که دوست قائمند حضرت تکلیف
کنند که از ایشان بیزاری جویند و گویند وقتی که تند نشنیدیم این منزلت را دارند از ایشان بیزار نشدیم حالا بیزار میشویم
بلکه بیزاریم از تو و هر که بتو ایمان می آورد و دو باره ایشان ایمان بیاورده و این خاری با ایشان رسانیده پس امر فرماید باد سیاه
را که همه را هلاک کند بیابان و ملعون را بیرون آورده و حضرت عم ایشان را بقدرت الهی زنده کرده اند و امر فرماید
که خلایق جمع شوند پس هر ظلم و کفری که از اول عالم تا انقراض آدم شده گناهانش بر ایشان لازم آرند از زدن
سلمان و سوختن در خانه اهل بیت رسالت از جرم سخن تا مرحوم و شکستن دست مظلومه صابره و اسقاط
طفل معصوم آن طاهره و زهر دادن حضرت امام حسن و شهید کردن حضرت امام حسین ع و بریدن سر اطفال و جوانان
و باور و اسیر کردن اهل بیت رسول خدا و ریختن خونهای ایشان و هر خونی به ناحق و مال حرامی که واقع شده بر ایشان
بشمارد و اعتراف کنند که همه بسبب غصب حق خلیفه خدا واقع شده آنگاه امر فرماید که شیعیان هر که حاضر باشد از
ایشان قصاص کنند پس ایشان را بر آن درخت کشیده باتش امر فرماید که از زمین بیرون آمده که هر دو را با درخت
بسوزاند و باد را امر فرماید که خاکستر نحس ایشان را بدریا پاشد پس مردی از اصحاب خود را بمدینه حاکم کند و متوجه
کوفه شود آنگاه نامه سفیانی بمدینه رسد که اگر حضرت را پناه دهند میکشد مردهای شمارا کشته و زنان و ذریه شمارا
اسیر خواهم کرد پس عامل آنحضرت را میکشند خبر بحضرت رسد مراجعت نماید و قتال ایشان از مدینه خصوصا
از قریش میکند پس حاکم دیگر تعیین فرموده و بر میگردد بنجف اشرف و حضرت باقر ع میفرماید که گویا نظر میکنم بان حضرت
که بنجف کوفه بالا میرود با سیصد و ده نفر که دلهای ایشان مانند پاره آهن است جبرئیل از راست آنحضرت و
میکائیل از چپ آنحضرت و رعب پیش او و پشت سر او بکماهه راه مومنین را فرماید خدا او را با پنج هزار ملک و چون بنجف
برآیند با اصحاب خود فرماید که امشب عبادت کنید پس مشغول طاعت و عبادت و تضرع باشند تا صبح روز
از راه نجف بمسجد ابراهیم ع رسیده حضرت دو رکعت نماز بجا آورده و از کوفه که خندق محکمی کرده بیرون
آیند ایشان و جمعی ایشان از لشکر سفیانی پس با اصحاب خود میفرماید که پیش بشتابید و ایشان را پیش کشید که
بحصار و خندق و ... رسید بعد از آن برگردید بسر ایشان پس حضرت باقر ع فرماید که والله بکبرای ماخوذ
کنایت که از خندق گذشته ایشان خبر رسد پس بکوفه هجوم آرند و سفیانی اول از در تسلیم و بیعت در آید و تجدید
حضرت صادق ع سفیانی از کوفه بیرون آمده و گوید ابن عم من بیرون آمد پس بعد از مکالمه با حضرت بیعت کنند
و قوم او بنی کلب او را توبیخ نموده و بمحاربه حضرت باز دارند پس بعزم کارزار روز چهارشنبه بیرون آیند حضرت

حضرت...

با ایشان

ایشان را نصیحت کنند و حقیقت مظلومیت خود را بشناسانند و گویند ای زنان راه که آمده برگردید ای پیرزالهای که مادر

بتو حاجتی نیست پس از روزی چند ایشان منصرف شوند و روز جمعه بجنگ بیرون آیند و بسیاری از مسلمانان از لشکر آن

حضرت بکشند پس در آن وقت زنند است علم رسالت پناهی را باز کنند و نازل شوند ملائکه جنگ بدر پس

آنحضرت با اصحاب حمله کرده و لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند و بقیة السیف بکوفه التجا نمایند چون

داخل کنند حضرت ایشان را میکشند ایشان را تا بازارهای شهر که یکی از اولاد آنحضرت که بعد از حضرت از آن شجاعتر و قوی‌تر نیست

گویا همان حسین است که بحدیث حضرت ع با دوازده نفر از طالقان بکوفه آید و بحضرت ملحق شده گوید چرا اینقدر

میکشی با عهدی از رسول خدا داری آنگاه یکی از موالیان آن حضرت بار گوید ساکت شو یا گردنت را بزنم پس

حضرت عهدنامه از رسول خدا باو بنماید پس و تجدید بیعت نماید پس حضرت بدست خود امیر لشکر سفیانی را که

اسیر شده در زیر درخت جبر طرف شام ذبح کند و کافری در کوفه نگذارد و هر سنگ و درختی که دشمنی بآن پناه

برده از او نشان داده و سباع و وحوش و طیور از گوشت کفار سیر شوند پس حضرت بنجف اشرف فرود آیند با چهل

شش هزار ملک و مثل آن از جن و سیصد و سیزده مؤمن در خدمت آنحضرت باشند و ملائکه که بودند با نوح

در کشتی و با ابرهیم در آتش و با موسی در شق دریا و با عیسی در عروج آسمان چهار هزار مسومین و هزار مردفین و

جمعی که در جنگ بدر بر رسول خدا نازل شدند و چهار هزار که بر حضرت امام حسین ع نازل شده رخصت جنگ

نیافتند همه در نوبت ملائکه و جن با مردم الفت و معاشرت میکنند و از پشت کوفه هفتاد هزار نفر صدیق خدا

مبعوث کنند که اصحاب و انصار آنحضرت باشند و گنجها و معدنهای زمین بر آنحضرت ظاهر گردد و انواع بادها مسخر

آنحضرت گردد و حضرت را شوکتی باشد که هر جا توجه نماید یکماهه راه [illegible] رعب بدلها افتد خون داشته باشد که زره کرد آن

درختان را از ریشه بر کند گرد دست اندازد و آنحضرت را هیبتی باشد که هر گاه در میان کوهها صدا بزند همه از هم فرو ریزد

و او را فراستی باشد که هر کس را ببیند بسیما بشناسد که مؤمن است یا منافق نیکوکردار است یا بدکردار و خود

بیاید [illegible] و هر جا ابر بر سر او سایه کند و صدا فصیح از ابر آید که این مهدی آل محمد است و زمین برای آنحضرت

ولشکرش پیچیده شود و با او باشد آثار انبیا از جمله عصای موسی که هر چه را ببیند اژدها شود که میان

دو کامش چهل گز باشد و هر چه را فرو برد و دو سنگ داشته باشد آنحضرت که بار شتر است از مکه بار کند

که کسی تشنه نماند و دو این سنگ را نصب کنند و هر منزلی دوازده چشمه از آن جاری شود و طعام و علف بیرون آید

و چون ساکن بنجف شود پیوسته نهر از آن جاری باشد تا پشت کوفه خواهد بود و محل غنائم در مسجد سهله

وخلق بیش

لوش نجف اشرف مؤمنی نماند مگر در کوفه یا حوالی کوفه یا مایل کوفه باشد و قیمت جای اسبی بدو هزار درهم باشد
ام ادو کنند که شبری از آن زمین را بخرند بشبری از طلا و وسعت کوفه به پنج و ده فرسخ برسد و قصرهای او متصل شود
بلا که پوشیده محل نزد ملائکه باشد و مؤمنان و شان عظیمی خواهد داشت و انقدر برکت در اینجا باشد که اگر مؤمنی
را بنجا دعا کند خدای تعالی صد هزار برابر دنیا عطا کند پس در این مقام جناب حضرت صادق آهی کشید و فرمود که
عیها از مین بهم تفاخر کردند پس کعبه بکربلا تفاخر کرد پس حق تعالی وحی فرمود بکعبه که ساکت شو و فخر مکن بر کربلا و فرمود
بر شیعیان ما خیر و برکت در اینجا مهیا است تا قیام نماید قایم ما و بروایتی از پشت قبر حضرت امام حسین ع نهری بسوی
نجف جاری شود که بدریای نجف بریزد و در میانش پلها و آسیاها ساخته شود و حضرت فرمود که گویا می‌بینم که ضعیفه
بر سر مهبر بر نهر کربلا که اسیا کند بکرایه چنانا منت بهم رسد که صبا ضرر مجبور آزار رسانند پس حضرت مهدی ع
جمیع بدعتها را برطرف کند و قرآن را تمام و سنتها که متروک و معطل مانده برپا دارد و بغیر اسلام راضی نشود
توبه و نفاق نپذیرد و زانی محصن را سنگسار کند و هر که زکوة نداده باشد گردن زند و بعلم خود عمل کند و بینات
از دل کسی که در خدمت آنحضرت ایستاده امری بر او ظاهر شده فرماید و گردن بزنند و بروایت دیگر متعرض عفو
آنچه پیش از ظهور واقع شده نخواهد شد چنانکه رسول خدا از زمان جاهلیت عفو فرمود پس بغیر زکوة و زنا
خواهد بود و دست مبارک خود بر سر مؤمنان کشد که عقلشان کامل شود و هر شیعه را قوت چهل مرد باشد و دلها محکم
تر از قطعه آهن و همین که اگر خواهند کوه را از جا بکنند و همه اشیا اطاعت ایشان را بکنند حتی درندگان زمین و
فخر کنند که یکی از اصحاب حضرت قایم ع پا بدان بگذارد و گوش و چشم ایشان نورانی باشد که در هر جا که باشند بخاطب
آنحضرت مشرف شوند و جمیع امراض و کینها و سینه‌ها ببرکت آنحضرت از ایشان برطرف شود و در بعض شیعیان اگر مرده اند
ادا کنند حتی آنکه خردل و برکت عظیم در مال و عمر و اولاد ایشان بهم رسد و فقیر بهمی از کوم بهم رسد و مرده‌های مؤمنان
یکدیگر را زیارت کنند و بظهور آنحضرت ایشان را بشارت دهند از خلص ایشان زنده شود و بخدمت آنحضرت آیند
چنانکه در جدول سیم مذکور خواهد شد و چون حاکمی بجانبی فرستند فرماید کتاب در کف دست تو است آنچه
ببینی عمل کن پس از کوفه لشکری بفرستند و بروایتی خود تشریف میاورد بر سر سفیانی که همانا امیر الامرای لشکر
دجال است و بنی کلب در انوقت در وادی رمله است چون تلاقی دو لشکر شود جوی نهر طرف بدیگری ملحق
شوند و از این جهت در احادیث آن روز را روز ابدال گفته اند و چون جنگ کنند و کریم سفیانی و لشکرش چنان کشته
شوند که کسی نماند که خبر برای دجال ببرد و آنحضرت بعد از نزول عیسی ع بر دجال غالب شود و او را در شام و بر زمین

برج صخرهٔ بیت المقدس بقتل رسانند و بعد از ملی کار رسیده و دجال لشکرها باطراف فرستد و هر یک از سیصد
سیزده نفر را دو لاهی و الی کرده اند و ایشان احکام الهی در زمین بر خلق او و حضرت صادق ع فرماید که کو یا می بینم قائم
را در نجف اشرف و کوفه در زره رسول خدا را در بر و بر اسب ابلق سوار که پیشانی او سفید باشد و از حرکتی دهد که
با عجاز آنحضرت اهل هر شهری پندارند که آنحضرت با ایشان است پس بگشاید علم رسول خدا را که چوبش از عمود عرش و باقی
اجزای آن همه بنصرت و ظفر باشد و از هر جا متوجه هر جا نماید خدا اهل انجا را هلاک نماید و لشکری با سفینه فرستد و چون بخلیج
رسند چیزی بر پاها خود نوشته بر روی آب عبور نمایند و اهل شهرها مشاهده آن در دروازها کشوده اطاعت نمایند و
قوم مبغوضان فرار کنند و چون نصرانی شوند و چلیپا بگردن اندازند اهل غرنات ایشان را راه دهند و لشکر قائم
ایشان را تعاقب کرده و نصارای امان طلبند و اصحاب قائم ع بشرطی امان دهند که کودکها و فتنه همه را کرهیب بزنند و
بلاد فتح شود و تمام کفر و زنادقه از روی زمین بر طرف شود و احادیث در قلّهٔ سلطنت آنحضرت مختلف است قلیله مکث
اصحاب کهف سیصد و نه سال وارد شده است و چهل و هفت سال و هفتاد سال وارد شده است و شاید قبل بعد از فتح کل بلاد
روی زمین باشد والله تعالی یعلم و عاقبت حال شعار مال آن برکت آنحضرت منعقد در مجاری جداول سیم جاری
شد اثر ثمر جد نسیم و رحمت ماجرای وقایع غریبهٔ ما بعد از ظهور آنحضرت در عهد آنحضرت یا بعد از آن
ما وقوع بلیهٔ عظمی و قیامت کبری و از آنجمله نزول حضرت عیسی از طارم اعلا و استعانت انجناب از اقبال شعاع
اقتداء و متابعت خاتم الاوصیاء صلوات الله و سلامه علیهما بحدیث نبوی ص اعانت آنحضرت بر امر قتل و دفع دجال
شقاوت نشان و قلع و قمع عساکر خذلان مآثر بحدیث و احوال الاشقی الاشقیاء • و بر بیت المقدس که
همانجا پای پاک از مرکز خاک بمعراج افلاک نهاده نزول نماید با تمکین تر و جلوهٔ رنگین و جواهرات قطرات
عرق بر جبین مبین و دستها بر جناح و ملک امین کو بند چون موج نور او از دریچهٔ سماء صفحهٔ غبرا را ضیاء
و خلق کل آفاق و انفس و هر کس نظر نفرح نور الهی باستقبال روح الهی متوجه شده و تمامی مؤمنان از رایحهٔ دم عیسی
پر بر سو هر کافری جاحد فوراً بمیرد و حربه برای حرب جان باو باشد از مروارید سفید کبری ع مانند شهاب
ثاقب و چشم دبود جا کرده بیت المقدس بقتل و فساد اشتغال دارد از نور جمال آن رسول باعزم ذو الجلال گجره شده
از فرصت جبنت فرار و حرکت نموده کرده بس بکبر عیسوی چندان سیلاب خون از پیکران روسیاه ملعون روان
شود که صحرای بیت المقدس سرخ رو گردد و شاید این معنی بنا باشد باحادیث صدق و قتل ملعون از حضرت قائم
و چون حضرت روح الله خدمت خیرت برگزیدهٔ الهی ارشاد علم قدس ساز دوستان ظل الهی برشرف اقبال اخبار آنکه

حضرت یاور بتکلیف امامت عالم وقرها بدان عارف معارف لولاک و در آن مرتبت ولادت بر رسالت تصدیق ادراک
پاک باذن الهی دست جناب ارفع اقدس ید اللهی گرفته بر خود مقدم و بشرف متابعت و اهتمام بان حضرت مشرف
و مکرم میباشد و این بکیفیت از دلایل جزم بر فضیلت اهل بیت رسالت از پیغمبران اولو العزم والحمد لله پس آن دو بکار
آفاق خوف و نفاق باتفاق نایرهٔ فتنه و فساد اهل شقاق را باید که زمان با شمشیر فرو نشانند پس حضرت روح
الله مخدومه از اهل بیت ولایت بحبالهٔ عقد خود در آورد و بعد از طی واقعهٔ مقابلهٔ یاجوج و ماجوج احرام حج الاسلام
بسته بجدیت علوی پیش از وصول بمکه در سجده طرفی فردوس بیش کبیر و بجد بیت نبوی بشرف دفن در پناه آن
حبیب الله فایز گردید و اما قصهٔ یاجوج و ماجوج که در قرآن مجید است پس بحسب حضرت صادق ع ایشان اکثر مخلوق اند

بلغ

بعد از ملائکه و هیچیک نمیرند تا هزار فرزند از صلب ایشان بهم رسد و در آخر الزمان سد خراب شود و بیرون آیند
و مردم را بخورند و مرویست که هر یک از ایشان و گروه چهار صد هزار امت اند که بهم مشابهت ندارند و بروایتی
چهار صد فرقه اند و هر فرقه چهار صد برابر امت محمد اند و چون وعدهٔ الهی بخروج ایشان رسد سد را شکسته چهار گروه
شوند و بروایتی گروه اول طولانی نام که هر چه زبدهٔ اشجار و اثمار و زلال انهار و آب خوشگوار باشد تمام کنند دوم
آن جمع که بهمرسد با غاتل زد باچین و نبات مانده با بحار انهار تلخ و شور فانی نمایند جمع سیم ساقه که از درخت و دشت
و کوه و نباتات و انچه از جانوران و خس و خاشاک در مغاره و مغاک یابند بحکم بربایند بحدیکه بچهرهٔ زمین برگاهی و
ذرهٔ گیاهی و قطرهٔ آبی نماند مگر انکه ریشه از آب برنیاید چهارم طارون که از بی نوشکی چون کرکس گرسنه و سگ
تشنه دوانند و هر طرف بلایی که از آفاق زیر و بحر باشد تلف نمایند و چنان محیط زمین را احاطه کنند که یک گز
زمین از ایشان خالی نماند و چون بکوه بیت المقدس بر آیند تیرها طغیانی بکمان تسخیر انکمان کین با آسمان اندازند
بزعم فضای ان خلایق بی ثبات چشم آفتاب بینا و خبر نموده و فرض از اهل خدمت کفران سازند و کوشش چنان
مهارت در تیر اندازی دارند که تیر از دیبت سی شصت تا شراهصد فرسنگ راه ببکوه بنالد و چون ظلم و جفا
انبیا بر تنهٔ علیا بر سد و یکدیگر مختلط و قتال مبا مومنان که در خدمت حضرت خاتم الانبیا و حضرت عیسی علیهما السلام
باذن الهی در کوه طور و بروایتی در پناه شهید محصور میباشند عاقبت بدعای مستجاب جناب ولایت مآب همه
بطاعون بات بشکست از کینه کوچک زکه عرب از بنفکوشند و از گوش و بینی و جوف ایشان بیرون و واصل جحیم شوند
از گندان پلیدان عالم تنگ که جا نبری از آن خالی باشد متعفن گردد تا انکه بامر فراش باد مراد و سقای ابر رحمت جواد
عرصهٔ بلاد را از دنس اجسام ایشان پاک نموده و مومنان بفراغ بال بشکر ذو الجلال اشتغال دارند و مرویست که مومنان

منتقم از ایشان نمود و کمانهای اهل بیت را آتش بسوزانند و مدت تسلط ایشان چهل سال برابر دجال نکرده شد و بعد از چند سال
مؤمنان بر همین عمل میرسند مگر بدان که تا ما بر ایشان قیام کند و از آنجمله قیامت صغری یعنی رجعت ائمه هدی و خلص شیعیان
ایشان در عهد قائم و بعد از آن شاد بدیدن ایشان روشن شود بدولت و سلطنت ائمه خود و مقرر بعضی از جزای اعمال حسنه
و با انتقام از ظالمان و دشمنان خود که همه را نمیخواهند برای عقوبت فی الجمله بین معظم جماعت امامیه و همیشه چون شمس
این بوده از راه نقل متواتر معنی شهرت یافته و آیات بسیار که نقر بیا ببینید اینها متواتر شمرده و روایات متواتره در این معنی بسیار
وارد شده و در حدیث طولانی و غیر آن مفضل گوید که عرض کردم بخدمت حضرت صادق که جمعی از شیعیان و دوستان
شما قائل برجعت شما بر دنیا نیستند فرمود مگر نشنیده‌اند فلان این را و فلان این را و احادیث ما و جد ما رسول خدا خبر
داده ایم و جمیع رسناخت‌ها تفسیر کرده اند رجعت بمعنی عود سلطنت بقا بهم مای گویند وای بر ایشان که پادشاهی
دنیا و دین را از ما که گرفته تا بما برگردد و اگر نه برغایند شیعیان ما در قرآن البته در فضیلت ما شک نکنند و نه کتب
مشایخ شیعه روایت کرده اند از سلمان فارسی که روزی داخل شدم بر رسول خدا چون مرا دید فرمود بتحقیق که خدا هیچ
نفرستاد مگر آنکه دوازده نقیب برای او قرار داده گفتم این را دانسته‌ام از اهل کتاب فرمود آیا دانسته نقبای دوازده
گانه ما را که خدا ایشان را برگزیده است بامامت بعد از من گفتم پدر و مادرم فدای تو باد چه تو ایست عارف بودن بایشان
را فرمود که یا سلمان هر که ایشان را بشناسد البته خود را شناخته ... اکند بایشان و دوستان دارد ایشان را و دوست
دارد دوستان ایشان را و دشمن ایشان را دشمن دارد پس بخدا سوگند یاد میکنم که او از ما ست و وارد خواهد شد هر جا
که ما وارد شویم و ساکن میشود هر جا که ما ساکن شویم گفتم پس آیا ایمان بایشان بی شناختن نام و نسب ایشان درست
میشود فرمود نه گفتم تا حسین را شناخته‌ام فرمود بعد از او سید العابدین علی بن الحسین تا آخر ائمه علیهم السلام
یکان یکان فرمودند پس من گریستم و گفتم ای وای که سلمان ادراک صحبت ایشان فرمود یا سلمان ادراک ایشان خواهی
کرد تو و امثال تو که با حق معرفت بایشان پیروی کرده باشید گفتم عمر من تا زمان ایشان میرسد این آیه را خواندند ثم
رددنا لکم الکرة که در باب رجعت بدنیا نازل شده پس گریه شوق من شدید شد گفتم در زمان تو خواهد شد
فرمود بلی یا ابن خدای که محمد را برسالت فرستاده که خواهیم بود من و علی و فاطمه و یازده امام و هر که از ما باشد و از
برای ما ظلم کشیده باشد بعد از آن البته حاضر خواهد شد شیطان لعین با لشکرش و هر که ایمان خالص داشته باشد
یا کفر خالص تا قصاصها کرده شود سلمان گوید پس از خدمت رسول الله برخواستم و پروا نداشتم هر وقت که بمیرم و حضرت
صادق در حدیث سابق منقول است که بعد از قیام قائم و قتل سفیانی حضرت امام حسین با هفتاد و دو تن شهدای کربلا

دوازده هزار صدیق و بروایتی هفتاد و پنجهزار و بعد از آن صدیق اکبر امیر المؤمنین ع بیرون آید و برای او قبه
در نجف بر پا میشود که یک رکنش در نجف و یک رکن در هجر و یک رکن در صفا و رکن چهارم در مدینه و گویا می بینم که قندیلها
و چراغها که روشنی آن آسمان و زمین ماننده آفتاب و ماه بعد از آن سید اکبر محمد مصطفی ص با هر مؤمن از مهاجرین و انصار
و شهدا با او بیرون آیند میکند هر که تکذیب و دشمنی آنحضرت کرده باشد تا در دنیا هم بجزای خود برسند و همچنین
بر میگردانند یک یک از ائمه تا صاحب الامر ع با یاوران ایشان تا خوشحال شوند و معاندان ایشان تا معذب و خوار شوند
و گویا می بینم آن روز را که ما گروه ائمه نزد جد امجد خود ایستاده شکوه کنیم از آنچه بر ما واقع شده از امت جفا
کار و چون رسول خدا ص نظر بر مظلوم کربلا افکند که بخون خود آغشته است بگرید که اهل آسمانها و زمینها بگریه آنحضرت
گریه کنند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها نعره زند که زمین از نعره او بلرزه در آید و بگریه بیاید و ملائکه آسمانهای هفت گانه
و عرش الهی و هر که در دنیا و تحت الثری باشد بجز وحش ابند پس نماند احدی از کشندگان و ظالمان ما و راضی نگردیم از ایشان
مگر آنکه از هر یک هزار مرتبه کشته شوند تا فرمود که پس بر خیزد حمزه و ملائکه از دور ایستاده باشند با جامه رسول
خدا ص که در جنگ احد از زخم پیشانی و دندان آنحضرت بخون آلوده شده بود و گوید مرا وصف کردی بر امت و نام
و نسب با انکار من و خون من کردند و گفتند که متولد نشده یا مرده و اگر میبود اینقدر غیبت نمینمود پس صبر کردم
تا باذن الهی ظاهر شدم و فرمود که رسول خدا ص و امیر المؤمنین با صاحب الزمان البته کل روی زمین را خواهند گشت
پشت کوه قاف و ظلمات و جمیع دریاها تا نماند جائی مگر آنکه دین خدا را بر پا دارند و بر همه دینها غالب گردانند و
حضرت امام حسین ع در خطبه که بجهت با فرقه که پیش از شهادت بر اصحاب خود خواند میفرمود که اول کسی که زمین
شکافته بیرون خواهد آمد من باشم و موافق باشد بیرون آمدن من حضرت امیر المؤمنین ع و ظهور قائم اهل بیت
و نازل شوند بر من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکری چند از ملائکه و ائمه پس رسول خدا ص علم و شمشیر خود را
بقائم ع دهد پس ما بعد از آن آنقدر در زمین بمانیم که خدا خواهد پس امیر المؤمنین ع بمن دهد شمشیر رسول خدا ص را
و بفرستد مرا بمشرق و مغرب تا جمیع دشمنان خدا را بکشم و بتها را بسوزانم و کل هند را فتح کنم و حضرت یوشع و دانیال
زنده شده بخدمت حضرت امیر المؤمنین آیند و گویند راست گفت خدا و رسول خدا ص آنچه بشارت و عده داده بودند
و حضرت ایشان را با لشکری به بصره فرستد که دشمنان را بکشند و شیعه نماند مگر آنکه ملکی را فرستند که غبار بدست
از روی او پاک کند و زنان و منزلش را باو بنماید و از برکت ما مبتلائی و ننگی در زمین نماند و بروایتی دیگر حضرت
امام حسین ع آنقدر پادشاهی کند که موهای ابرویش بچشم مبارکش افتد و چون معرفت حضرت امام حسین ع در دلها مستقر

مستقر گردد حضرت قائم ع رحلت فرماید و حضرت امام حسین ع او را غسل و کفن و نماز و دفن نماید و

از حضرت صادق ع منقولست که گویا می بینم حضرت امام حسین ع را بر تختی از نور و قبه از یاقوت سرخ مرصع

بانواع در و جواهر و بر دور آن نور هزار قبه سبز باشد و مؤمنان فوج فوج بدیدن آنحضرت آیند و سلام

کنند و از جانب خداوند عالمیان بایشان ندا رسد که ای دوستان من آنچه خواهید از حاجات بطلبید و از خوشنان من بطلبید

آزار کشیدید که ظلم و خواری بسیار کشیده اید و ایت طعام بهشت برای ایشان آید و بروایتی آنحضرت بعد از حضرت صاحب

الامر ع سیصد و نه سال پادشاهی کند بعد از آن نوبت سلطنت امیرالمؤمنین ع باشد و در خطبه مخزون که

از حقایق معرفت و معارف رجعت مشحونست میفرماید که روح بصیرت بجوئید که نفعی ندارد ایمان

بعد از آن نافع بود که باید هر کس آماده کند توشه خود را و مهیا شود مگر بسبب بصیرت و تحصیل معرفت و تسلیم و

اطاعت و صدق و نیت که شک و معصیت در آنست نسبت بما و نه برای ما و نه بسوی ما نافع و کرسیان

باد شما را ای جعفیه که از ما اهل بیت عونی خواهد بود خالص از کفر که خدا نعمت خود را بر آن کامل خواهد نمود

نافرمود که بدرستی که کار ما بسیار صعب و دشوار است تحمل آن نتوانند شد مگر ملک مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده

که خدا دل او را بایمان امتحان فرموده باشد پس مکرر فرمود یا عجبا کل العجب بین جمادی و رجب پرسیدند که چه

امر است که این همه تعجب از آن میفرمائی فرمود که کدام عجب عجیب تر است از مردها که خواهند زد بر فرق زنده ها سوگند

بآن خدائی که دانه را شکافته و انسان را آفریده که گویا می بینم مردگان را که داخل کوچه های کوفه شده اند و تیغها برهنه

بر دوش نهاده منتظر باشند بر دشمن خدا از اولین تا آخرین پس شروع فرمود بتفصیل و کیفیت خروج قائم

و علامات آن و بروایت حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حق تعالی فرد و منفرد و یگانه متفرد است و از اول آفرینش کلمه

فرمودند آن نوری شد و از آن حضرت رسالت پناه ص و ما را خلق نمود پیش از کل خلایق پس عهد و پیمان گرفت

از کل ارواح انبیا که ایمان آورند و ما را یاری نمایند و اینست معنی وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ النَّبِيّٖنَ تا

لَتُؤْمِنُنَّ بِهٖ وَلَتَنْصُرُنَّهٗ یعنی ایمان بمحمد ص بیاورید و وصی او را یاری کنید و عنقریب همه وصی پیغمبر را یاری خواهند

نمود یعنی که خدا پیمان را با پیغمبران گرفت که همه را یاری کنیم و من و نائبی دم و برادر آنحضرت و دشمنان او را کشتیم

و احدی از پیغمبران هنوز یاری من نکرده اند که پیش از من رحلت کرده اند بعد از این خواهند کرد و نازل نمی کنیم کل

عالم از من باشد و خدا همه پیغمبران از آدم تا محمد ص زنده گرداند در پیش روی من جهاد خواهند کرد و شمشیرها

بر سر کفار خواهند زد از زنده و مرده و در آن مرحبا و چگونه تعجب نکنم از مردها که زنده شوند فوج فوج آیند و صد

بلابیه

نا بیستلیند نمایند که لبیک یا داعی الله یعنی اجابت کردیم و در خدمت تو ایستاده‌ایم و در کوچه و بازارها
شمشیرها بر جباران اولین و آخرین بزنند بجنبش فکر راست نداده شده‌اند مکرر و منم صاحب رجعتهای بسیار و منم صاحب
انتقامها بیشمار و منم صاحب صولتهای عجیب و منم صاحب دولتهای عجیب منم بندهٔ خدا و برادر رسول خدا منم امین خدا
و خازن علم سر خدا منم اسماء حسنی منم امثال علیا و آیات کبری منم صاحب بهشت و دوزخ و با منست تزویج اهل
جنان و سوی منست بازگشت خلق در قیامت و حساب ایشان منم مؤذن در اعراف منم ظاهر در آخر الزمان در پیش چشمهٔ
آفتاب با عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان که نشان کنم بپیشانی مؤمن و کافر با آنکه نقش کند مؤمن حقا و کافر
حقا منم امیر المؤمنان و خاتم اوصیا پیغمبر آخر الزمان منم آنکه خدا مسخر من ساخته ابرها و رعد و برق و نور و ظلمت
و بادها و کوهها و صحراها و دریاها و آفتاب و ماه و ستارگان را و بتحقیق حضرت ضامن دو عالم چون شیطان مهلت
خواست تا روز قیامت و خدا تا وقت معلوم مهلتش داد پس از ظهور ظاهر میشود با جمیع لشکرها و تابعان از خلق آدم
تا آن روز و حضرت امیر المؤمنین ع برگردد با اصحاب خود و این آخر جنگها آنحضرت است و این مجادله‌ها ملاقات
نمایند در روحا کنار فرات نزدیک کوفه پس جنگی کنند که هرگز از اول خلق عالم تا آن زمان نشده باشد و گویا می‌بینم
اصحاب حضرت ع را که شکست خورند و صد قدم پس نشستند و گویا می‌بینم که پاهای بعضی داخل فرات شود و آنگاه
خداوند جبار ابری فرستد پر از ملائکه و حضرت محمد مصطفی ص پیشاپیش ابر با حربه‌ای از نور چون شهاب ثاقب و چون
نظر شیطان بر آنحضرت افتد بر عقب برگردد و گوید الحال که ظفر یافتی یکجا میروی گوید می‌بینم چیزی را که شما نمی‌بینید
و من میترسم از عقاب پروردگار عالمیان تا آنکه رسول خدا ص در رسد و نیزه چنان در میان دو کتفش زند که
بهم ابکند او و جمیع اصحابش هلاک شوند و بعد از آن عبادت الهی خالص از شرک و کفر در زمین کرده شود
حضرت امیر المؤمنین ع چهل و چهار هزار سال پادشاهی کند و از هر شیعه هزار پسر بهم رسد و در هر سال یک پسر
و دو باغ سبز که خدا مدهامتان در سورهٔ الرحمن فرموده در مسجد کوفه بهم رسد تا وقتی که خدا خواهد و در حدیث دیگر
فرمود که آنحضرت با حضرت امام حسین ع بکر جعت فرمایند و از معاویه و تبعه‌اش انتقام می‌کشند و در همان صفین
بعد از آنکه سی هزار از یاران آنحضرت و هفتاد هزار از یاوران دیگر زنده شوند و معاویه و اصحابش زنده شوند
و همه را بکشند و باز ایشان را با فرعون بیدار کنند عذابی معاقب گردانند و بار دیگر آنحضرت با رسول خدا برگردد
و جمیع پیغمبران ظاهر شوند رسول خدا ع علم خود را بآنحضرت دهد و همه انبیا در زیر علم آنحضرت باشند و سایر
امامان عمال و نواب او باشند در اطراف عالم و حق تعالی بر پیغمبر شرع عطا فرماید چندان برابر پادشاهی جمیع اهل

دنیا را و بروایتی دیگر فرمود پنجاه هزار سال و در تفسیر آیهٔ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ
فرمود والله که دنیا منقضی نشود تا رسول خدا و امیر المؤمنین ع بدنیا برگردند و در نجف یکدیگر را ملاقات فرمایند
و در آنجا مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته باشد و در بعضی احادیث معراج مذکور است که وحی شد
که علی آخر کسی است که قبض روح او خواهم فرمود از امامان و اوست دابة الارض که با مردم سخن خواهد گفت و ابن
عباس روایت کرده که عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار از مردم است و هشتاد هزار سال ملک اهل بیت محمد
است و بروایتی چون قائم ع خروج کند از پشت کوفه بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده یاوران و حکام آنحضرت
باشند در شهرها و پانزده نفر از قوم موسی که مردم را هدایت و بحق دلالت میکنند و اصحاب کهف و حضرت یوشع
و سلمان و ابو دجانه و مقداد و مالک اشتر و بروایت دیگر چون آنحضرت ظاهر شود ملکی بقبر هر مؤمنی آمده گوید
امام تو ظاهر شده اگر خواهی ترا زنده کنم تا بآن ملحق شوی و الا در نعیم پروردگار خود بمانی تا قیامت و بروایتی نزدیک
ظهور آنحضرت در دهه ماه رجب و اول جمادی الاخر بارانی آید که ندیده باشند و بدان گوشتهای بدن مؤمنان بروید
و گویا میبینم ایشان را که بیرون می آیند و خاک از قبرها ایشان میریزد و در بعض اخبار معتبره هر که رجعت کند
دو بار خواهد مرد و در تفسیر آیهٔ وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ احادیث معتبره وارد شده که هر که را مرگ
و قتلی هست یکی پیش از رجعت و دیگری بعد از رجعت و بروایت بسیار رجعت نخواهد کرد مگر کسی که ایمان خالص و کفر
خالص داشته باشد و از آنجمله خروج دابة الارض چنانکه قرآن با آن ناطق است و مشهور خروج او در مسجد الحرام
یا کوه صفا است بعد از نزول حضرت عیسی ع و قتل دجال و قامت آن شصت ذرع و بروایتی سر او برابر ابر و الوان مختلف
در بدن او باشد و هر عضوی از او بمشابه عضو حیوانی باشد و چهره او چون برف درخشان باشد و جبین او
چون آفتاب تابان و پیکرش چون کوه راسخ و میان دو قرن او یک فرسخ و محاسن علو سه گز متصل بیرون آید که تمام
نبینند و هنوز ثلث او بیرون نیامده باشد و بروایتی سه روز و یا بعد از آن چهار روز بیرون آید از زمین چون
زن طور مودار و چهار دست و پا دارد و هر فصلی از مفاصل قوایم او دوازده گز بذرع آدم ع و در تفسیر ملا فتح الله
مذکور است که حضرت موسی ع خواست که دابة الارض را ببیند پس سه شبانه روز بیرون می آید از زمین بهوا
با خلقت مهیب موسی ترسیده دعا کرد تا بقعر خود برگشت بدانکه حق تعالی از برای منتها خوب ازبدان بیرون آورد که
بزبان فصیح بمؤمن با مؤمن خطاب کند و بکافر با کافر تکلم کند بزبان بلیغ که إِنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ
و گویند که گوید أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ و عصای کلیم الله بدستی و انگشتر سلیمان بن داود بدستی دیگر و بتابان

دوچشم

دو چشم کافر و مؤمن نقش میکند باذن الله سبحانه و روی مؤمن نورانی و نوشته میشود میان دو چشمش که مؤمن
بالله و روی کافر و منافق ظلمانی گشته در میان دو ابروانش نوشته میشود که هذا کافر بالله و بر روایتی مؤمن را
بخاتم و کافر را بعصا نشان میکند و گوید یا فلان تو از اهل بهشتی و یا فلان تو از اهل دوزخی پس بعد از آن
مردم را بنام نخوانند بلکه روسفید را بهشتی و روسیاه را دوزخی خطاب نمایند و باحادیث متواتره شیعه
دابة الارض بجناب مقدس صاحب سید الاوصیا امیر المؤمنین مراد است و از جمله نفخ صور است دو بار باشد بار اول
بر روایتی که صور شاخیست بسیار عظیم بیست و یک و بر روایتی هفتاد دایره دارد هر یک بوسعت دنیا مشتمل
بارواح اصناف موجودات و از آنها شعبه است بجهت سوراخها و شکافها دارد بعدد ارواح اهل آسمان و زمین
و اسرافیل در زیر عرش بدم کردن منتظر فرمان است مضمون آیه ما ینظرون الا صیحة واحدة تاخذهم
وهم یخصمون در حالتی که مردم با هم در معامله و مخاصمه و مجادله باشند چیزی بخاطرشان نمیرسد امر فنای
دنیا است ناگاه باذن الله بدمد باشدتی که جمیع از وحشت و فزع دهشت همه انسان و مدهوش و مضطرب
بیهوش شوند و کسی نداند که این چه بود و چه حادثه ها بلند روی نمود و بفرمان خدا در نفخ اول که ما لها من
فواق پس کوهها از هم بپاشند و زمین بمثابه کشتی در طوفان چهار موج لرزان باشد و شیاطین و مردان بد
بعزم فرار اقطار انتشار یافته بضرب ملائکه در آفاق متفرق کردند و همین نفخه تا نفخه دوم از صولت و هیبت
مهیب اسرافیل که باشمامات مغلق و زمینها مطبق بجده و ذرات سمت بلا شئ بزیرند و کل خلایق را
عدم پیش گیرند که از عرش مجید تا فرش مهید زنده نمانند و حضرت سجاد در کیفیت نفخه صور میفرماید
که اول بامر الهی اسرافیل بزمین می آید با صور دوان دو شعبه دارد میان هر دو طرف پایین آسمان و زمین
چون ملائکه اهل زمین بر بینند که اسرافیل بزمین آید گویند که فرمان خدا شده که اهل آسمان و زمین
همگی بمیرند پس در بیت المقدس رو بکعبه یکمرتبه چنان میدمد که بجهت شعبه طرف آسمان اهل آسمان
و از صدا شعبه زمین اهل زمین جمیعا بمیرند پس خدا باسرافیل فرماید بمیر پس باینحال بماند آنقدر
که خدا خواهد آنگاه فرماید آسمانها را که از هم بپاشند و کوهها روان و ریزه ریزه شوند و زمین را بدل
کند بزمینی که معصیت الهی نشده باشد و گشاده باشد و بلندی و گیاهی بر آن نباشد چنانکه روز
اول بود و عرش او بر روی آب بقدرت خود قرار دهد آنگاه از صدا بارگاه الصمدی لمن الملک الیوم
صدور یابد پس هیچکس نباشد که جواب گوید پس خود فرماید لله الواحد القهار منم یکتا که جمیع خلق

بیدا کند خود را فرمایم و بنشیند خود و بفرماید هر را معدوم کردانیدم و بعد منفخه زنده میکردانم
پس باذن الهی صدا از آن صور برآید که اهل آسمانها زنده شوند و اسرافیل هم تا اهل زمین بشنوند
و حاملان عرش عرش را برداشته ملایکه بهشت و دوزخ را حاضر میگردانند و خلایق محشور میشوند برای حساب چون
حضرت تا اینجا فرمود شروع بگریستن نمود و مشغول گریه شد عجب حضرت صادق آل محمد فرمودند ان
رحمت لبا سطعه چنان ببارد که ان تموجات اجزای متفرقه و قوالب اموات از مشرق و مغرب عالم جلبند الیتام
پوشند و مرتب دیگر اول جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را زنده نموده بر بهشت فرستند تا برای محمد
و آل محمد و شیعیان ایشان زینت و آرایش دهند و براق را با لوای حمد و حله و تاج برای سلطان سریر لولاک
لما خلقت الافلاک با هفتاد هزار ملک مقرب متوجه تقبیل مرقد منور خیر البشر و شفیع یوم محشر کردند و هیبته
هموم انوار که از قبر احمد مختار تا فلک دوار کشیده بتربت مقدس رسیده جبرئیل قطرات عبرات بر آن جناب
باشد کردن که مبد ملائکه سؤال نموده جواب گوید که الحال این زمین... منعا از مطلع مرقد مطهر معطر بمجرد
مرا زنور جمال خورشید مثال خود منور ساز داو الحال آنا من خود سؤال عن هلاء مود ندانم جواب صواب
با بجناب حکم تو هر بار بعد از عرض سلام ندای خروج نتند بر او حضار زمحل و عرض فضل فضا که ناگاه
قبر شکافته و آنجناب رسالتمآب جلوس اجلال فرماید و لحوظه تا طفه اش با ابن حمد سراید که الحمد لله الذی احیانا
بعد ما اماتنا و الیه النشور پس مکشوف شود دو براحضرت بجنابخت الثری و در یجانب بالا تا منازل
اسرار ورحجا اسرار بر بینند پس خطاب فرماید که ای جبرئیل ای یوم هذا جبرئیل گوید در هنگام قیامت است
و هنگام ندامت و حسرت فرماید مرا بشارت ده گوید یا رسول الله لوای حمد را با تحضر و هدیها آرزو آورده ام
فرماید از این نمی پرسم گوید بتحقیق بهشت برای قدوم میمنت لزوم تو گشوده ام و ابواب دوزخ بسته همان جواب
فرماید گوید ملایکه انتظار شرف حضور موفور السرور تو میکشند همان خطاب فرماید گوید ای...
کسیکه شفیع و قبول الشفاعه فرماید یا جبرئیل خبر مرا از حال امت من که جواد کریم با ایشان چه کرده
از حال امت گنه کار خود گوید هنوز نفخه صور اخری بصور نزدمیده و کسی محشور نکردیده و در ابی ان هم
وفادار امت جفاکار رعایت مبارک باز بر خاک مرقد آورده فرماید من امت خود را در خاک تو خود را بیرون
نخواهم فرمان الهی رسد که ای حبیب من تو سر بر دامن و کشا دعرصه قیامت باید که بیشتر بخبر آتو ختمت
در بر نهاج شاهنشاهی بر سر و براق سوار و بر سر بر عید آورده و در پا عرش سر بسجده کذارده بپنج... از حضرت

عزت نداکنند که با جمیع امروز روز نوع و جمیع نیست روز حساب است و ثواب نیکوکاران و عقاب بدکرداران
حرث وند امتعا صحاب فجار پس مر پیدا بعد سوال کن تا پروردگار عطا کنند انچه خواهی عرض نماکه پروردگارا
بموعده شفاعت امت عطا فرموده بود خطاب مستطاب رسد لاعطینک ما ترضی پس بفرمان جبار فالجنة اوعیا
از اماکن بیاورند بتفاوت احوال بجمیع اعمال از صلحاء متو بیفگند نور عملی که متحمل بوده و نور عملی که بجا
آورده باشند و از ظالمان مکر و ها بشان جو نادر صور دارند انگاه خطاب با سرافیل رسد که نفخه حشر دمد
که ناگاه دفعة جمیع ارواح که در صور متمکن باشند از مثاقب بطلبیعو لبخود مبادرت نمایند و ارواح
اولین و اخرین بمثابه زنبور عسل میان اسمان و زمین پر باشند و بخاک دان گرد ایند و از مرحبا بهم با جساد
درمیم در ایند بموجب آیه ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ بدنها که از ابتداء عالم تا انقراض بنی ادم
بتراب نقاب کشیده اند دفعة سراز روا پای لحد دارند سراسیمه و عریان و مدهوش و حیران از شدت گرسنگی
نالان و صدای تشنگی زبان از دهنها او بیرون و بها خاک الوده و تبدیلها بجای لحد فرسوده مباز مین
اسمان پر شورش و غوغا خلایق از شرم و بال و جزای اعمال خود پی برده و رسوا مگر کسیکه در دنیا هتک ستر
مسلمان ننموده و پرده محارم پروردگار خود را چون عرض خود ندیده باشد که مستور و با خاطر مسرور محشور
شود و اعمال صالحش مجسم شده همراه و مونس او و از هول نجات و ثواب الهی بشارت دهد
حدیث نبوی اگر خواهی روز قیامت مثل موی پوشیده باشی زبان و فرج خود را نگاه دار و در روایت جمیع ملائکه
بسر قبر مومنان ایند بصورت انبیاء را از خاک پاک کنند مگر بهشیان که پاک شود و ند بعد که این
از حالت قبر بهشت بلکه از زاهیم [illegible] بجود معبود است و اگر [illegible] بلکه از صراط گذشته داخل بهشت شود
و هر که به بیند داند که ایشان خدام [illegible] که امند و بموجب یوم نطوی السماء اسمان نورد بده شود تا بهشت
[illegible] بالای اسمانها است [illegible] سدرة المنتهی اشکار گردد و همچنین زمینها از مبارز [illegible] تا دوزخ که زیر طبقات
نمایان شود و زمینی از نقره خام که بهشت بران فراگیرد بدید اید و این زمین که بران معصیت رب العالمین
واقع نشده سفر جهنم گردد که اتش دوزخ بران اشتعال نپذیرد پس عبور بهشت که پل صراط است از روی جهنم
میشود بهشت کشیده شروع بحساب خلایق شود بعضی از هول حساب از نه خلاص نخواهند شد تا امروز نفکر
و توبه نمایند [illegible] بود حساب خود را پاک نکنی و لا حول و لا قوة الا بالله عن [illegible] در ماجراء قبر او
از تیها عقبه روز عالم سود نماید [illegible] جای شمار [illegible] از طوفان اموال نشود و خروج خلایق از قبور تا بدنشد

پر دهشت و وحشت و ملامت و اشاره بپناه راه نجات از آن فزع اکبر و چنان عقبه پر حسرت و ندامت بد انگیز
کلینی ره و ابن بابویه بسند معتبر باسناد خود از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع روایت کرده که فرمود که خود حساب خود را
بکنید پیش از آنکه حساب کرده شوید پس بتحقیق که در روز قیامت پنجاه موقف با غلها و زنجیرها و محل باز ایستادنست که
موقفی هزار سال بمقدار حساب اعمال خلایق باز خواهند داشت پس آن حضرت خواند این آیه را فی یوم کان مقداره
خمسین الف سنة یعنی در روزی که پنجاه هزار سال است و در وصیت رسول خدا ص است که یا اباذر محاسبه نفس خود را
با نفس خود بکن قبل از آنکه بحساب تو برسند که این آسانتر است برای حساب تو از فردای قیامت و بسنج نفس خود را
پیش از آنکه سنجیده شوی و مهیا شو و تدارک توشه خود کن برای عرض اکبر و فزع محشر در روزی که عرض کرده خواهی
شد بر خدا قهاری که پوشیده نیست بر او از تو هیچ پنهانی و حق تعالی میفرماید فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا
يَعْمَلُونَ یعنی بحق پروردگار تو یا محمد ص که البته سؤال خواهیم نمود از جمیع ایشان از آنچه در دنیا میکردند و میفرماید
وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ یعنی اظهار نمائید آنچه در دلهای شما است یا پنهان کنید
آنرا برای جزای همه آنها شما را حساب خواهد فرمود و حضرت کاظم ع میفرماید که نیست از ما هر که حساب خود را
با نفس خود نکند در هر روز پس اگر عمل خیر کرده از خدا طلب توفیق زیادتی کند و اگر بدی کرده استغفار کند
از آن و توبه و بازگشت نماید بسوی جناب قدس الهی مؤلف گوید که این حقیر عقبات مذکوره را بترتیب روایت
عبد الله بن مسعود از جناب ولایت مآب امیر المؤمنین ع در حدیثی که مبسوط تر از آن بنظر نرسیده متفرق و شروع باخبار
صحیحه معتمده علیها ایراد مینماید بلا حول و لا قوة الا بالله موقف اول وقتی که خلایق بر سر قبرها سر از پای برهنه گرسنه و تشنه
و ژولیده حیران و خاک آلوده و ترسان و محزون و گریان و از شدت دهشت با آواز صور اسرافیل مدهوش و اسیر
هراسان و از مشاهده غبار وحشت و خروش از زمین و زمان بیهوش و دیده ها حیران باز مانده بسوی آسمان و
از متابعت غضب صاحب برهان و انتقام جبار عادل دیان بهر طرف نگرانند و از اعمال خود متأسف و متحسر و متحیر و پشیمان
قال الله تعالی يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ
وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ یعنی ای گروه مردمان
بترسید از پروردگار خود بتحقیق که زلزله و جنبش هنگامه روز قیامت چیز عظیمی است روزی که از هراس
و شدت و دهشت و حیرت آنروز غافل خواهد شد هر شیر دهنده از طفل خود غافل شود که هر چه پیش شاید
با این همه شفقت و مرحمت که با و میباید در دلها بیچ تاب در فزع و اضطراب وضع حمل خواهد کرد هر حامله

دست بعضی مردم را که از شدت فزع مدهوش و مستند و حال آنکه مست نیستند ولیکن عذاب الهی شدید است
یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِیْهِ روزی که خواهد گریخت آدمی از برادر و پدر و از زن و از مادر و فرزند خود هر کسی را
شغلی است که با حوال خود مشغول سازد و اصلا بحال دیگری نپردازد اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزَالَهَا یعنی وقتی
جنبش ابدی ریزه زمین بجنبش شد بدرجه که بیرون اندازد آنچه دارد از مردگان و شهادت دهد هر جا هر عملی که
در آن واقع شده بسبب آنکه خدا وحی کرده باز به زلزله بشنا بند مردم مراتب منفرقه بعضی مؤمن و بعضی عاصی تا ببینند
مزد کردار خود را پس هر که ذره خیر یا ذره شر کرده در دنیا خواهد دید اِذَا یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ قُلُوْبٌ
یَّوْمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ اَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ روزی که از زلزله بشکافد زمین با هلش و صیحه عظیم در پی آن باشد و
دلها در این روز بسبب اضطراب برسانند باد بدیها که آبها و جزاها و هراسها اِذَا السَّمَآءُ انْفَطَرَتْ در هنگامی
که آسمانها شق شود و از هم بشکافد از کهکشان بتفسیر علوی آفتاب ستارها سیاه پراکنده شوند و
دریاها بهم باز بهم شوند و بروایتی بکر از نیران و آتش سوزان برافروخته شود و مقبرها و مغلوب زیر و
بالا کرده شوند و چنین هنگامه مثل هر کس هر چه کرده و بجزیت هر عملی که کرده جناسند کر شود که کو با حالا کرده
وَنُفِخَ فِی الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰی رَبِّهِمْ یَنْسِلُوْنَ و دمیده شود در صور دمیدن تا بنسر تعالی ناگاه
ایشان از قبرها بسوی حساب پروردگار خود بشتابند و گویند بخیال ما را از خوابگاه که بیدار کرد ملئکه
که موکلاند بر ایشان جواب دهند این است که خدا وعده فرموده بود در معاد و راست گفتند پیغمبران و بیک
دیگر تا کار جمیع خلایق تدریجا حاضر شوند و امروز کم بخواهد شد جزاء عمل کسی و جز انحو اهد یافت مکر موافق
عمل خود وَامْتَازُوا الْیَوْمَ اَیُّهَا الْمُجْرِمُوْنَ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَیْکُمْ پس خطاب شود در روز قیامت بکنهکاران
که امروز جدا شوید از مؤمنان و صالحان آیا من عهد نکردم در دنیا بشما که اطاعت مکنید شیطان را که
دشمن شما است و طاعت من کنید که راه راست است بشما نمودم بتحقیق که جمع کثیر شما را گمراه نموده آیا هیچ عقلی
نداشتید این جهنم است که شما کنه کار را وعده میدادیم وَتَرَی الظّٰلِمِیْنَ لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ یَقُوْلُوْنَ هَلْ اِلٰی
مَرَدٍّ مِّنْ سَبِیْلٍ و خواهی دید ظلم کنندگان را بر خود بسبب معصیت الهی یا بر دیگران که دیدند عذاب را گویند آیا
مفری یا راه برگشتن هست که توبه کنند دیگر بجا آریم و خواهی دید ایشان را در معرض عذاب خشوع کننده و از
خواری و ذلت که از هراس بزیر چشم نگاه کنند اَلْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا اَدْرٰکَ مَا الْقَارِعَةُ یَوْمَ یَکُوْنُ
النَّاسُ کَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوْثِ وَتَکُوْنُ الْجِبَالُ کَالْعِهْنِ الْمَنْفُوْشِ یعنی قیامت که از شدت هول همکو بدکمنه کار

چه میدانی با قهر چنانکه از عذاب روز که طفل از ترس وحشت و مذلت و دهشت مانند پیران منکسر و حیران و

مضطرب و سرگردان شوند و کوهها در آن فزع اکبر مثل پشم های الوان متلاشی شده و در هوا و آفاق پران گشته فکیف تتقون

إن كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا السماء منفطر به كان وعده مفعولا إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ

إلى ربه سبيلا پس چگونه متقی میشوید اگر کافر بمانید از روزی که هم و غم و شدت بیم و الم کودکان را پیر خواهد

کرد آنجا و در آن روز آسمانها خواهد شکافت وعده الهی شدنیست پس بتحقیق این تنبیه و یادآوری است شما را

پس هر که خواهد بدرستی بگیرد برای خود در این ایام مهلت بسوی پروردگار خود راه نجات بتوبه و عمل ألا يظن أولئك

أنهم مبعوثون ليوم عظيم آیا گمان نمیکنند ایشان که جزای معصیت الهی میبینند که برانگیخته خواهند شد برای

روزی که بسیار بزرگست آن روزی که ایستاده خواهند شد جهت حساب برای پروردگار خود أيحسب الإنسان ألن

نجمع عظامه آیا می‌پندارند انسان که ما جمع نخواهیم نمود استخوانهای او را بلى قادرين على أن نسوي بنانه

بلی قادریم بر ساختن نوک انگشتان او بل يريد الإنسان ليفجر أمامه بلکه میخواهد انسان که فجور و خطا کاری را

پیش اندازد و توبه بعد کند این روز خطا سوز را بعید برو زبان انکار باز کرده يسئل أيان يوم القيمة

فإذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر يقول الإنسان يومئذ أين المفر میپرسند از قیامت

روز قیامت پس هنگامی که در شدت هراس حیران بماند و دیده‌ها تاریک شود و ماه و آفتاب بی ضیا بی حرارت

و شدت بی تاب بی سر گناه کاران پر اضطراب باز ایستند خواهد گفت در آن هنگام این روز که کو مفرها کلا

مفری باشد هیچ پناه جز رحمت الهی برای کسی که خود را پیش از این ساخته باشد ينبؤا الإنسان يومئذ بما

قدم وأخر بل الإنسان على نفسه بصيرة ولو ألقى معاذيره خبر داده خواهد شد در آن روز با هر فرموده

از خیر و شر بلکه خود ش بینا است کردار خود را امید ... اگر چه از بیم عذرها ناموجه ... صبر ... استجيبوا

لربكم من قبل أن يأتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجإ يومئذ وما لكم من نكير اطاعت و اجابت

کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که دیگر مفری از خدا نخواهد بود و پناهی در آن روز

انکار نتوانید کرد که زمین و اعضا شهادت خواهند داد إن يوم الفصل ميقاتهم أجمعين بدرستیکه

روز جزا وعدگاه همه آنها است که از دنیا فاسد کار رفته و باری ندارد مگر آنکه خدا او را رحم کند که در دنیا با عمل نیک

و توبه خود را مستحق رحمت الهی کرده باشد وأنذرهم يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين

من حميم ولا شفيع يطاع بترسان یا محمد ایشان را از روز نزدیک آنگاه که دلهای گناه کاران از شدت ترس و هول در حنجره

بند میشود و بیشتر ایشان از روز قیامت که روز بروز و ساعت بساعت نزدیک میشود و غفلت کرده اند
و جایها کنه کاران بی توبه و ندامت را یاری نه شفاعت کننده که قبول شود وَ یَوْمَ نُسَیِّرُ الْجِبَالَ وَ تَرَی
الْاَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ اَحَدًا وَ عُرِضُوا عَلٰی رَبِّکَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا کَمَا خَلَقْنَاکُمْ اَوَّلَ
مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَجْعَلَ لَکُمْ مَوْعِدًا یعنی روزیکه پراکنده و بهر طرف خواهیم کرد کوهها را و زمین را خواهی
دید هویدا و حشر کنیم مردم را پس فرو نگذاریم از ایشان یکی را و عرض شوند همه بر پروردگار تو صف کشیده
البته و بتحقیق آمده باشند چنانکه خلق کرده بودیم اول بار شما را برهنه و عاری از هر چه دارید بلکه ابدا
که برای حشر شما را وعده نداده بودیم اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ لَیْسَ لَهَا مِنْ دُوْنِ اللهِ کَاشِفَةٌ اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِیْثِ تَعْجَبُوْنَ
وَ تَضْحَکُوْنَ وَ لَا تَبْکُوْنَ نزدیک شد قیامت که نزدیک شدن موصوفست کسی که بغیر حق تعالی کشف شدت او را
نمیتواند نمود آیا از این حدیث شما عجب دارید و میخندید و بر حال خود گریه نمیکنید یَوْمَ تَاْتِیْ کُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ
عَنْ نَفْسِهَا وَ تُوَفّٰی کُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُوْنَ روزیکه خواهد آمد هر کسی مجادله و سعی کنان از
طرف خود که نفس خود را خلاص سازد و اصلا بدیگری نپردازد و از دهشت اهوال و خواهد یافت هر کسی
جزای آنچه کرده بنا کرده باشد بی کم و زیاد وَ مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُکِّرَ بِاٰیَاتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا نیست نفس بر خود ظلم کننده
تر از کسی که یاد آورده شود بآیات پروردگارش و بفکر آخرت خود افتد و از خواب غفلت بیدار گردد و پس اعراض
از آیات الهی و قبول نکند نصایح او را فَذَرْهُمْ یَخُوْضُوْا وَ یَلْعَبُوْا حَتّٰی یُلَاقُوْا یَوْمَهُمُ الَّذِیْ یُوْعَدُوْنَ یَوْمَ یَخْرُجُوْنَ
مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا کَاَنَّهُمْ اِلٰی نُصُبٍ یُوْفِضُوْنَ خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذٰلِکَ الْیَوْمُ الَّذِیْ کَانُوْا
یُوْعَدُوْنَ پس واگذار یا محمد ایشان را که بموعظه متنبه و منتفع نمی شوند در لهو و لعب باشند تا روزی که
که از قبرها بیرون آیند بسوی حساب جزای خود بتعجیل بدهان ترسان و خوار شده فکر کنند باشد ایشان را آن
روز وعده و بروایت شیخ مفید ره ابتدا از آنکه شروع غفلت در دنیا صد هزار سال محنت و عناد دور کرد کشیده
از روی محشر عیش و چنانکه در حدیث وارد است که در آن وقت همه را فراموش و [illegible] کنند که تا شکیب کوه بر
بیم عذاب سال با این حال شقاوت مال باز داشته می شوند تا بعد از آن حکم فرما در حکم و [illegible] بعد بر [illegible] شدت
گرسنگی و تشنگی [illegible] تا سی سال بیکقدم و تحیت [illegible] بیکقدم در لب [illegible] ایستاده از ابر [illegible]
[illegible] که نیست احدی که بیرون آید از قبر مگر آنکه [illegible] دو بازوی او چسبیده کو [illegible] جا نکند
[illegible] کار خود را بسوی حساب و از رسول خدا منقول است که محشور می شوند عریان و ختنه نشده با هر [illegible]

تا خود عصیان کرده و مدت عمر او قطع شده و فرمود با اباذر حق تعالی ملکی چند هست که همیشه ایستاده اند
و از خوف الهی سر بالا نمی کنند تا نفخ صور دمیده شود در آن حال از بیم جبار ملائکه گویند خدایا منزهی ما نپرستیدیم ترا از هر جهت
و از اینکه عبادت ما لایق درگاه تو باشد و از این نعمتها شکر نکردیم و خوب عبادت را بجا نیاوردیم و اگر کسی عمل هفتاد
پیغمبر داشته باشد البته سهل شمارد از شدت هول روز جزا و چون جهنم در صحرای محشر پیدا شود در شر محشر
نماند ملک مقرب و نه پیغمبر مرسلی مگر آنکه بر زانو در افتد و استغاثه کند و از ترس گوید رب نفسی نفسی یعنی ای پروردگار
من مرا نجات ده حتی ابراهیم خلیل الله پسر عزیز خود اسحق را فراموش کند و گوید خدایا من خلیل توام مرا از رحمت
خود فراموش مکن و بحدیث حضرت امام محمد باقر ع که مصطفی ص فریاد بر آورد که امتی امتی یعنی امت مرا نجات ده الهی
پرسیدند یا رسول الله چه چیز نجات می دهد از این هول محشر و چنین فزع اکبر فرمود این نجات می دهد که بنشیند
به دو زانو های خود برابر علما و مسائل دین خود را و اعتقادات شرع مبین را از ایشان تعلیم بگیرد و امیر المؤمنین
بروایت ابن مسعود میفرماید در این موقف الهی هر کس ایمان آورده باشد بر آنچه پیغمبر ص که از جانب خدا آورده
که اصول دین است البته رستگار است و هر که شک در اعتقادات داشته باشد که تحصیل یقین و معرفت بانها
در دنیا نکرده باشد هر آینه بان شدت و حسرت که مذکور شد در عذاب موقف خواهد ماند بدانکه معرفت
اصل همه حقوق تعالی احتیاج با گفتار و گفتگوی بسیار ندارد چه وجود صانع از کل اشیا ظاهر بلکه از کل اشیا ظاهرتر است
و هر که خود را شناخت میداند که نبوده و خود بخود بهم نرسیده و خالقی ورا آفریده و این معنی فطری و جبلی
اوست مثل میل بغذا و از کراهت و از مولم مثل جوع و نوم و سایر حالات نفسانیه که در اطفال بلکه
در حیوانات هم که بکسی عقیده ندارند مشاهده میشود و قطع نظر از احادیث بسیار بلکه متواتر است در این معنی که در
این مقام ذکر آنها مناسب نیست و دلیل عقلی هم بر این معنی تمام است که حق تعالی اول معرفت خود را بدون
سعی و کسب و اختیار به بنده دارد بعد از آن تکلیفش نموده بکسب و تحصیل ایمان و طاعات و الا لازم میاید
که حجت بر خلق تمام نشود چنانکه در کتاب مفتاح الجنات که این رساله قلیلست از افادات وضعیه از رو
مفصلا مذکور است و چون این معنی را اکثر به وجدان تصدیق میکنند بلکه این خالی از طول و غموض نیست
و غیر از دو مه میدانند حتی حکیم افلاطون تا که انصاف داد که خدا را بالهام و اعلام خدا شناختم نه بدلیل
و فلاسفه نمی دانند که شناختم هر چند تامل میکنند ابتداء وقت و کیفیت آن شناخت را نمی دانند از این است
که در اخبار و آیات در خصوص بودن خدا بغیر تنبیهات که آدم را بیدار سازد و بفکر التفات این معنی فطری

انداز د

اند از دوا رد نشده بلکه از راه تعجب فرمایند افی الله شک فاطر السموات والارض یعنی آیا
هست در خدائی که آفریننده آسمانها و زمینها است حضرت امیر المؤمنین ع که تعجب دارم از کسی که شک کند
خالق خود را و حال آنکه می بیند خلق او را و این بمانند اعلام آفتاب برای مدهوش بکسیکه خواب باشد بیدار گردد
او کافیست بلا رکه شد بهمان حالت جلی اینها که خدا بی انتباه باو داده و می بیند که آفتاب است اگر باز
چشم پوشد و انکار کند تمام حجت بر او شده و معاند خواهد بود و از اینجا است که کفار اول بتوحید
و بگفتن لا اله الا الله اسلام گیرند و در این عقیده اولی بایمان بما جاء به النبی ص باعث نجات میشود و اگر
اهل توحید است اعتقاد بوجود خدا داخل ایمان است هر چند لازم ایمان باشد بلی تواند بود که بعضی اهل
تشکیکات شیطانیه با سوء تعلیم معلمان بر اعتقاد معاندان صورت زاد و دهری تعدد و جبر که
بشومی صحبت از علمای اهل بیت سالت که اهل علم و امنی عز ابتاع ینا باشد سلب توفیق الهی و فهم و شعور
فطری از او شده شبهها واهیه ضروری البطلان در نظرش نظری نماید و مثل سوفسطائی و اشعری بلکه
رسوائی که همه کس بدیهی شک بلکه انکار بدیهی کند و دیگر بتجربه رسیده که زیادتی تشکیکات و تفتیش در مسئله
سهل باعث شک و تشویش میشد و از این است که امیر المؤمنین ع میفرماید الا لا ترتابوا و تشکوا فی دین الله
یعنی تشکیک و تفتیش منماید تا شک بهم رسد در دین خدا و بر فرضیکه دلایل حکمیه هم بر اثبات واجب بالذات
و امامت و معاد افاده اطمینان قلب ظاهر بهر کس نمود مما زجمیع ایرادات سالم باشد روز قیامت کسیرا که باین طریق
شرعی شاکر نباید مبکنم ایمان و یقین بهم رسانیده باشد بحث نخواهد کرد که چرا این عقاید را به این دلیلها
دیگر هم نشناختی لیکن بهر حال اسلم و اقرب این طریقه شد که در اثبات حق تعالی که موقوف علیه کل عقاید است
طریق خود را بحجابل و تسلسل ببندند و کرها ز اید سند هر از نافض و مانع و معارض داده خود را بدام
دعوی و سرگردان معطل نسازد و همچنین در سایر مراتب بعد از اثبات نبوت چنانکه بعون الله تعالی در کمال
سهولت میشود اکتفا بقول مخبر صادق نمائی و بعد از تصحیح اعتقادات که موقوف علیه صحت عبادات است
بتحصیل طاعت باخلاص حضور و ذکر و فکر ابواب بادت معرفت و یقین روز بروز بر روی خود بگشائی ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اما اثبات نبوت بدانکه اصل آنهم بدلیل عقل ثابت است قطع نظر
از معجزات و علامات دیگر چنانکه از عقیده سوال از تحصیل علم دین اشاره بآن میشود اما یقین خصوص شخص
نبی بتواتر وقوع معجزات و ظهور خوارق عادات از مدعی آن واقع میشود بجهة آنکه هر گاه معجزه که بعد از آن

حق نیم باعتبار احد سحر و شعبده نمیتواند شد بدست مضری جاری شود و لازم میاید که حق نیم بباطل ملتبس باشد
دیگر هرگاه معجزه بدست کاذب ظاهر شود جزم است که فساد عالم او ظاهر شود خواهد شد پس خدا با اطلاع بر این مفاسد
عظیمه که در مبایند کاذب ضعیف حادث میشود و قوت در دفع شر این مفسد دارد باید اگر دارد و منع نکند لازم
میاید که خدا منع نکند و هیچ پیش از این فاسد نباشد و اگر اطلاع با قوت بر منع آن ندارد و جهل یا عجز خواهد شد
و هر دو بالضروره با خدا و خلق عالم منافی اند با تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا و منها افاق و انفس هم که وجود صانع ظاهر شود
صانع دانای توانا ظاهر میشود و ظهور معجزات انبیا از محمد مصطفی ص بر طبق دعوی نبوت متواتر است مثل شق
قمر و بر کوه و ابدیت انبات شجر و تکلم اموات و سوختن و کرامات و شتر و غاله و سموم حیوانات و اجابت نباتات و جمادات بلکه
الهامت جمیع ذرات کافی است و اخبار از مغیبات که ابتدا که کرامات گذشته باشد که چند چیز از آنها بر صفحه ایام
ظهور پیوسته مثل ظلم بر اهل بیت رسالت و ظهور ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین با اسامی و صفات بتفصیل
و بنی امیه و بنی عباس و ملاحده و ترکان که در کتب گذشته پیش از ظهور ایشان دیده شده و بعثت و قبر و غیرها
که بیشمار و همه تا حال بظهور پیوسته و با وجود کثرت معاندین و معارضین بکسر هم خلاف در هیچ امری از آنها ظاهر
نشده و از آنجمله قرآنست که مجید بن و جز از معجزات مشتمل است و بعضی از آنها بر عوام هم واضح است و معارضه
هم مخفی نیست که بنا بر ثبوت اصل نبوت که تعقل بان اشاره شد بمحض انتفاء نبوت عدم انجاب کم نبوت
نیست نبوت آنحضرت پیش از معجزات هم معین و میتین میشود و با وجود پیغمبر سابق که او دار ایشان معین چون اسباب
نبوت بجهت شده هر یکی فرمایند و اصول و فروع پیش فرموده حق تم است و یقین ثابت که اعتقاد
عباد از مبین است حاصل میشود در امامت و معاد خصوصا با صفا جمال که کمال قدرت و علم و ادراک و
اراده و سمیع و بصیر و ازلی و ابدی بودن نیست و صفات جلال که بتوحید و نفی و ضد و مثل و ترکیب و عجز از آنها است
و بدانکه امامت که مثل نبوت و اعظم ارکان و اصول دین است چنانکه بنص خدا و رسول و امام سابق ثابت
میشود پس در این خصوص هر چند تفکر در حالات و ذکر صفات و احوالات و تتبع طرق تصحیح امامت اهل بیت
رسالت بیشتر باشد معرفت و ولایت ایشان که فخر ملائکه مقربین و مباهات انبیا اولو العزم بالنسبه بیشتر
منتهی و اهتمام که خدا و رسول در خصوص ولایت اهل بیت رسالت فرموده اند در هیچ امری نفرموده اند چنانکه
حضرت امام جعفر صادق ع میفرمایند که صد و بیست مرتبه رسول خدا ص را معراج واقع شد و در هر مرتبه سفارش
و وصیت حضرت امیر علی بن ابی طالب را زیادة از همه امور بیشتر میکرد و در روایت موافق و مخالف رسول خدا میفرمایند که حق

مرا هیچ بار بسوی معراج نبرد و بکلامی نفرمود و هرگز مرا نگه نکرد و فرمود یا محمد علی را از من سلام برسان و بگو بدرستی که
تو آن امامی و پیشوای دوستان منی و نور اهل طاعت منی پس گوارا باد ترا یا علی این کرامت و حضرت امام رضا ع
از آنحضرت ذکر فرموده که هر که ما اهل بیت را دوست دارد ایمن مبعوث شود و فرمود یا علی هر که ترا دوست دارد روز
قیامت با پیغمبران خواهد بود و در بهشت ایشان و اول چیزی که بنده خدا بآن سؤال میشود محبت ما اهل بیت خواهد
بود و اخبار باین معنی متواتر است و در بعض آنها این تتمه هست که پس اگر اقرار بولایت کرده و بر آن مرده نماز و
غیر آن قبول شود والا هیچ عمل او را قبول نمیکنند و موافق کلام الهی مطابق احادیث متواتره بطرق سنی و
شیعه باجماع که اگر کسی میان رکن و مقام کعبه آنقدر عبادت کند که از هم بگسلد و مانند پوست پوسیده شود
با عمل هفتاد پیغمبر داشته باشد مادام که اقرار بولایت و محبت اهل بیت نداشته باشد همه بی فایده است پس
چرا کاهلی میکنی اگر عوض دادن خدا خواست بخل برای چیست و اگر عقوبت خدا را حق میدانی چرا معصیت میکنی
و اگر مهلت خواستی چرا شاد میشوی و اگر عرض اکبر را یقین داری مکر چرا میکنی و اگر صراط را یقین میدانی
عجب چرا داری و اگر چون شیطان دشمن است غافل چرا میشوی و چون فنای دنیا را میبینی اطمینان چرا بآن داری و بر او
عجب است از کسی که یقین دارد بجهنم چرا میخندد و بحساب چرا گناه میکند و نشأه اولی چرا در آخرت شک میکند
و در چند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین ع ذکر فرموده که هیچکس لذت ایمان را نمی یابد تا بداند که آنچه باو رسید
گذشت چه همه بتقدیر خدا میشود و هرچه رسید نمیرسید و در صحیح ابو بکر ابن زیاد هست که بدانند خدا آن
ضار و نافع و رسول خدا از جبرئیل در تفسیر یقین یا ابن زیاد ذکر فرموده که خدا را چنان عبادت کن که گویا او را
بینی پس اگر تو نماز کننده او خدا را نمی بینی خدا او را میبیند و فرمود یا ابا ذر هیچ عملی به از یقین در شب نیست
و نه حسنی از حسن خلق و نه ورعی از ترک حرام و خوف الهی پیش غصه شاوان اسرائیلی نموده فرمود یا ابا ذر یقین
میباید و در صحیح حضرت امام رضا ع از حضرت امام محمد تقی نقل میفرماید که قسمت کرده نشده میان خلق هیچ چیز
کمتر از یقین بوثوق رسید از حد یقین فرمود توکل و تسلیم بخدا و رضا بقضا خدا و تفویض کارها بسوی خدا
و در حسن حضرت صادق ع در حد یقین فرمود آنکه نترسی با وجود خدا از هیچ چیز عیب نشمیم بدر شجره از فضل
رضا بقضا و صبر و قناعت بر داده و کرده حق تعالی که اعظم از همه خلایق ایمان دارد او ثوق و احکم و اسباب مؤمنان
بسوی عالم نور و قرب بیرون برد که کار عالمان چنانکه دلالت میکنند صحیحه محمد بن عذافر از پدرش از آنحضرت امام محمد باقر ع
که رسول خدا ص برخورد بکاروانی در بعضی از سفرها پرسید چه کسانید شما گفتند مؤمنان فرمود چیست حقیقت

شما کفنند رضا بقضا حق تعالی و تسلیم امر خدا و تفویض امور بسوی خدا پس فرمود عالمانند حکیمانند نزدیک بند

که از حکمت پیغمبر باشند انگاه فرمود هر که راستی کوید پس بنا مکنید جائی که بنشینید در انجا ساکن نخواهید

شد و جمع مکنید چیزی که نخواهید خورد و بترسید از خدائی که بسوی او راجع خواهید شد و محشور خواهید شد بدانکه

چاره نیست مؤمن را از سعی و رسیدن باین دو خیر در دار تکلیف که بنای اسلام بر انقیاد و تسلیم است و الا

پیوسته مثل حصول بعد از تمنا و عفا عفی است چنانکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منبر فرمود که وحی شد بداود که تو اراده میکنی

و من اراده میکنم و نمیشود مگر انچه اراده من است پس اگر منقاد و راضی باراده من باشی انچه مراد تو باشد عطا کنم و الا

بتعب اندازم و بسعی مراد خود و اخر نمیشود مگر مراد من و فرمود هر که راضی شد بقسمت بی نیاز است و در صحیح حمزه

منقول است که امام صادق فرمود که داناترین خلق کسی است که بقضای او راضی باشد و سر ایمان صبر بر قضا است از حق تعالی در انچه خواهد

یا نخواهد و هیچ بنده راضی نشود از خدا در انچه خواهد و نخواهد تا انکه همه خیر او باشد و انچه میخواهد است

فرمود وحی شد که صرف نمیکنم از بنده مؤمن چیزی را مگر انکه خیر او است پس باید راضی شود بقضای من و صابر باشد

بر بلای من و شاکر باشد بر نعمتهای من تا بنویسم او را با محمد از صدیقان نزد خود و در صحیح فرمود عجب دارم از مسلم که خدا

هر قضائی بر او کند خیر او است اگر بمقراضها پاره پاره شود و اگر مالک مشرق و مغرب گردد و فرمود علامت

مؤمن که راضی است در انچه باو میرسد از ازار و فرمود خدا اجر راضی را زیاده میکند و خشمناک را قضا جاری میشود

و اجرش برطرف میشود و فرمود که پیغمبر نفرمود که کاش چنین بود دیگری بود چگونه کسی مؤمن باشد که از قسمتهای خدا خود

بخشم اید و منزلت خود را حقیر شمارد و حال انکه اینها از جانب خدا برای او مقرر شده و من ضامنم برای هر که خواهم

بغیر رضا و خوش نبودی از خدا نباید که چون دعا کند مستجاب شود و فرمود که شیطان گفته است که در پنج کس چاره و حیله

نیست و تمه در قبضه منند کسیکه در دست متوکل و متوسل شود بخدا در همه امور و کسیکه در شب و روز یاد

خدا بسیار کند و کسیکه بپسندد برای برادر مؤمنش انچه برای خود می پسندد و کسیکه در مصیبت جزع ننماید و کسیکه

راضی باشد بقسمت و غم روزی نخورد و رسول خدا فرمود که قسمت با اندازه کرده اید پس انچه برای تو مقدر

شده بتو میرسد هر چند ضعیف باشی و انچه از بلا معین شده دفع از او نتوان نمود و هر چه از او فوت شده

قطع امید نماید و راحت و هر که راضی باشد همیشه خوشحال و چشمش روشن است و بسندهای معتبر از ابن

حضرت منقول است که خدا فرمود که هر که رضا بقضا و ایمان بر تقدیر من ندارد پس خدای دیگر طلب نماید و فرمود

که حق تعالی فرموده است که ای پسر آدم اطاعت من در هر چیزی که امر کنم و تعلیم من کن صلاح خود را اگر من الهام میدهم

و فرمود

و فرمود با اباذر مستغنی باش بقضای الهی و قانع شو بداده خدا تا غنی ترین مردم باشی و رسید ام کہ امت
غنای خدا فرمود چاشت بکرو ندو بکشام و جناب امیر المؤمنین ع که هرکه راضی شود باندک از دنیا او را کافیست
هرکه راضی نشود باینچه او را کافی است تمام دنیا او را کافی نیست و در حدیث صحیح که گذشت از حضرت امام رضا ع که
سزاوار است هرکس اگر عاقل باشد از جانب خدا که متهم نکند خود را در قضای او و تعجیل ننماید در رزق
و در خطبه وداع است که هرکه راضی باشد از روزی خود و پهن کند شکوه خود را و صبر ننماید خوش نیست هیچ حسنه
او را قبول نکند و ملاقات کند خدا را و غضبناک بر او باشد و فرمود هرکه صبح کند غمگین بر دنیا صبح کرده
باشد خشمناک بر پروردگار خود را و فرمود خرج باندازه نصف معیشت است و بهترین روزی است که کافی
باشد و فرمود که حق تعالی می فرماید ای پسر آدم من از افزودن تو مانده نشدم اما از کرده تا نی فرستادن مرا نعیب
خواهد ساخت و لقمان پسر خود را گفت ای پسر کسیکه بخدا یقینش ضعیف باشد تفکر نماید و عبرت گیرد که خدا
او را آفریده و در رحم شیرخوار کی و طفلی که چاره نداشت روزی داد پس بداند که در حالت تمام نیز خواهد
داد و او با مشاهده اینها چون بزرگ و عاقل و قادر شد بر کسب و کار دل بر خود تنگ و بدگمان شد به پروردگار
خود و حقوق خدا را در مال خود انکار کرد پس چنین بنده بد بنده ایست بفرزند و حضرت صادق ع منقولست
که من ضامنم برای کسیکه میانه روی کند که محتاج نگردد و اخبار در فضیلت قناعت و کمال و اعانات برام آخرت
بسیار است بمناسبت مقام بهمین قدر از قناعت نموده بعلت بجماعه انام و علاو غطی باد فضل منتجی در حقوق
قناعت نکرده ام از قناعت کیفی است دیر موقعه و ذکر مینمایند اثر تعب و باید دانست که اهم علامات
مهمات رضا و قناعت شکر است که بآیات و اخبار موجب زیادتی نعمت و ترک آن کفران منجر در دنیا و عقبا
باعث حرمان و نعمت است و بقول حضرت صادق ع هرکه توفیق چهار چیز یافت دعا و استغفار و شکر و صبر از چهار
چیز محروم نگردید اجابت و مغفرت و زیادتی نعمت و اجر و فرمود سه چیز است که با آنها هیچ ضرر نمیرساند
دعا در الم و شدت و استغفار بر معصیت و شکر بر نعمت و از رسول خدا ص ذکر فرموده که طعام خورنده
شاکر ثواب روزه دار دارد و سالم شاکر ثواب مبتلای صابر و غنی ثواب فقیر قانع و حضرت سجاد ع فرمود
که خدا دوست میدارد هر دل محزون و هر بنده شکور را و از حضرت صادق ع هرکه بشناسد نعمت را که از خدا است
شکر آن را کرده و فرمود هرکه بگوید الحمد لله شکر نعمت را ادا کرده باشد بزرگ و کوچک بدانکه اصل شکر
صرف آن نعمت است در مصرفی که منعم برای آن داده و مقرر فرموده و الا کفران نموده چنانکه آنحضرت فرموده باید

شکر نعمت اجتناب از معصیت است و تمام شکر قول الحمد لله رب العالمین است و حضرت امیرالمؤمنین ع
بنده باید شکر هر نعمتی ورع از محارم الهی است و هم چنین تفکر در نعمتها و اقرار بعجز از احصا از شکر است و شکر
واسطه هم ضرور است و الا روز قیامت حق تعالی میفرماید شکر مرا نکردی چنانکه حضرت سجاد ع فرموده و فرموده شاکر
ترین شما کسی است که شکر مردم را بیشتر کند اما اعتماد بر خداست که سبب و واسطه را خلق ساخته و الا احدی قادر بر نفع
کسی نیست و از اینجاست که وارد شده است که باید کسی را ملامت نکرد بر چیزی که خدا نداده و قلت جمله سیم
در مذمت نفاق و مجمل شقوق آن و از اخس رذایل و اعم زمان اهل نفاق و نه شقاق چنانکه در موثق حضرت صادق ع
از حضرت رسول صلعم ذکر فرموده که مثل منافق مثل چوبیست که صاحبش هر جا گذارد راست نیاید و آخر میسوزانند
و بدانکه اشد مراتب نفاق با خدا و رسولست باور اصل ایمان که صاحبش اظهار اسلام مینماید و در باطن
کافر است و او بعد از غش و خدعه بدتر از کفار و باز کسانی که بسوی در لسان صفات متصف باید در اخلاص مانند با که شرك
خفی است پس نفاق با مؤمنین مثل غش و ترک نصح بمسلمانان و دروغ و حسد و مجادله و جفا و دو روئی
و خلف وعده و غیبت و تحقیر علما اینها همه نفاق با خدا است باما بواسطه چنانکه در موقف سیم مذکور خواهد
شد و اسباب و علامات نفاق مثل غنا و ملاهی و فحش و حرص بر خوردن و خوابیدن و تکلف در قول بی عمل که بقول
حضرت صادق ع علامت عار نیز بودن هم هست و متأثر نشدن از موعظه و رغبت ننمودن ادای نماز چنانکه
حضرت باقر ع و حضرت سجاد ع از پیغمبر صلی الله علیه نقل نموده اند که منافق در فکر عشا خوردن نیست انکه روزه بود و صبح در فکر خواب
بی انکه شب بخواب کشیده باشد و رسول خدا ع فرموده هر که حقیر شمارد طالب العلم را منافق است در دنیا و غم
و در روایت دیگر فرموده سه نفرند که خفیف نشمارد حق ایشان را مگر منافق امام عادل و عالم و کسیکه موی در اسلام
سفید کرده باشد و از اخس انواع نفاق آنست که ظاهر صلاح و باطن فاسد باشد و بقول حضرت امیرالمؤمنین ع
بروایت ابن مسعود موجب عقوبت عقبه سیم است چنانکه گذشت و بنوف بکالی فرموده که اگر چنین باشی ترا
رسوا خواهد کرد روز قیامت و از رسول خدا منقولست که هر که پنهان کند چیزی را که باعث خوشنودی اوست
و هر که پنهان کند چیزی را که باعث خوشنودی خداست ظاهر کند چیزی را که باعث خواری اوست در روایت دیگر
روز قیامت که خدا ملاقات کند او را در خشم باشد و اخبار در این معنی بسیار است بلکه بهتر بودن ظاهر هم
نفاقست چنانکه حضرت صادق ع از رسول خدا ع نقل فرموده که هر قدر که حسد زیاده بر دل باشد آن نفاق
نزد ما و حضرت باقر ع از پیغمبر صلعم مذکور فرموده که هر که ظاهرش بهتر از باطنش باشد میزان عملش خفیف خواهد بود

روز قیا

در عقبات و باید دانست که بیشتر اخبار ظاهرش موافقت باطن هم بد است بلکه بد را هست چنانکه از ملاقات
صوفیه ظاهر الله شنیده ایم زیرا که مجبور نگردیدن فرمود که مکلفیم چنانکه اشعار باین فرموده و در وصیت ابا ذر
که خوشا حال کسیکه خوب و صالح باشد سر و باطن او و نیکو باشد ظاهر او و بلی اصلاح باطن اهم است چنانکه
فرموده خدا نظر نمیکند بصورتها و اموال شما ولیکن نظر میکند بدلهای شما و اعمال شما بسینه مبارک
اشاره و سه مرتبه فرمود تقوی اینجا میباشد و حضرت امیر المؤمنین ع میفرمایند که هر که باطن خود را اصلاح
کند خدا آشکار او را اصلاح نماید و هر که میان خود و خدا را اصلاح نماید خدا میان او و مردم را نیز از در
شعبها و مفاسد نفاق شوم بیشمار است و از بعضی اخبار ظاهر میشود که منشاء اکثر معاصی در زوایل است
پس ذکر بعضی از آنها در اخبار مراد از آن شعبه خواهد بود بلکه منشاء کل آنها است زیرا که عاصی
که بیقین بر زبان خدا و صدق وعدهای او دارد و لازم این نزاع معصیت است پس لابد اصل زهر
معصیت شقاق و نفاق است و حدیث اسحق که در علامت مذکور میشود دلالت بر این معنی
میکنند عقبه هفتم در ذکر خصال و اعمال نفاق بر اهل آن در این اوقات فرض است شرح خلاصی از عقبات بر عفو
و حسنات اهل معاصی میکرد و ذکر جمعی که بی تحمل حساب و تعب عقاب وارد بهشت خواهند شد جعلنا الله
ثم منهم ببرکة محمد و آله الطاهرین و صلی الله علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین از لا الخصال چند
در جدالی عین سابقه سمت جریان پذیرفته و سابقا مذکور شد که نجات کلی و فوز کامل برای هر که
مطیع و محب اهل بیت رسالت باشد عموما حاصل است و از حضرت صادق ع منقولست که فرمود
پرهیزکاران فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع از رسول خدا ص پرسید از تفسیر یوم نحشر المتقین الی الرحمن
وفدا یعنی روزیکه محشور میگردانیم پرهیزکاران را بسوی خدای رحیم در حالتی که مهمانان وارد بر خدا شوند با سواره
باشند فرمود یا علی ایشان نیستند مگر سواره و جمعی اند که از نافرمانی پرهیز کرده اند بخدا سوگند که از
قبرها بیرون خواهند آمد با رویها چون برف و نورانی و سفید و جامها سفید تر از شیر و کفشها طلا
و ملائکه استقبال ایشان نمایند با ناقهای بهشت ایشان سوار شده بصحرای محشر پرواز کنند تا هر یکی هزار ملک
او را با کمال اکرام و احترام بیارند تا درگاه بزرگ بهشت و از چشمه طهور غسل و شرب نمایند که از
ناخوشی باطن و ظاهر مصفا شوند پس بدر رسند ملائکه که دوستان ما بر بهشت بر در و داخل شما بر خلایق
بکنید که من میبشر از ایشان خوشنود بودم و رحمت من بر ایشان لازم شده پس چون ملائکه حلقه بردن

بهشت زنند و از وی بلند شود که جمیع ایشان شاد شوند و بهم بشارت دهند که آمدند دوستان خدا امیر المؤمنین
فرمود یا رسول الله ایشان چه جماعت اند فرمود که شیعیان خالص تواند و تو امام و پیشوای ایشانی فرمود یا علی
آمدند ایشان در عالم ارواح بمن نمودند و گذشتند بر تو و شیعیانت و استغفار کردم برای شما گفت یا رسول الله
دیگر بفرما از فضایل شیعیان فرمود تو و شیعیانت بیرون آیند از قبرها با رویها چون ماه و جمیع شدتها و
غمها از شما زایل شود و در سایه عرش الهی خواهید بود و مردم بترسند و شما ایمنید و خلایق در حزن و اندوه
و شما مسرور و خوشحال و برای شما خوان نعمت الهی آورند و مردم در حساب باشند و بروایت دیگر فرمود بعلی ع که
شیعیانت بیرون آیند از قبرها و میگفته باشند لا اله الا الله محمد رسول الله علی بن ابی طالب ولی الله و حجة الله
حدیث حضرت سجاد مثل این است و بروایت دیگر گویند الحمد لله والله اکبر و فاجران گویند وا حسرتاه و اثبوراه و ذکر
فرمود از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لوح و قلم از خدای تعالی جل جلاله که ولایت و محبت علی حصار و حصن من است
هر که داخل آن شود ایمن است از عذاب من و مشهور است که فرمود حب علی [illegible] لا یضر معها و باسانید معتبره بطرق
شیعه و سنی از آنحضرت منقول است که اگر مردم بر ولایت و محبت علی بن ابیطالب اتفاق مینمودند البته خدا جهنم را نمی آفرید
فرمود یا علی اگر دوستی میداشتند ترا اهل زمین مثل اهل آسمان البته احدی باتش معذب نمیشد و فرمود حق تعالی
جمعی را مبعوث خواهد نمود با رویها نورانی و جامها بر کرسیها نور در سایه عرش مانند پیغمبران نشینند و منزله
شهدا و هم شهید نباشند پس دست مبارک بر سر علی گذاشته فرمود که این و شیعیانش چنین خواهند بود و ایات
در روایات بطرق عامه و خاصه در این معنی از حد تواتر متجاوز است بمفتاح سیم ابواب خلاصه مفتوح است و امیر المؤمنین
میفرماید که آیا ترا خبر دهم بحسنه که هر که دارد روز قیامت هیچ ضرر نرسیده باشد محبت ما اهل بیت و معنی محبت
ایشان مذکور شد باید متذکر باشی تا فریب نخوری و باسم خالی ولایت و محبت مغرور نشوی و در عین دهم
هم مذکور خواهد شد و حضرت امام رضا ع میفرماید که رسول خدا فرمود که هر که ما اهل بیت را دوست دارد
خدا او را دوست دارد و در روز قیامت ایمن مبعوث گرداند و فرمود که چهار نفرند که روز قیامت شفاعت
ایشان را خواهم کرد اگرچه بیایند با گناهان اهل دنیا یکی آنکه اعانت و یاری نماید ذریه مرا و یکی آنکه دوست
دارد ایشان را بزبان و دل و یکی آنکه سعی نماید در حاجات ایشان در حال اضطرار و یکی آنکه ببخشد مال خود را
با ایشان در هنگام تنگی و بروایت دیگر دفع نماید ضرری از ایشان و حضرت صادق ع میفرماید که چون روز
قیامت شود منادی ندا کند که ای خلایق ساکت باشید که محمد مصطفی ص با شما تکلم مینماید پس آنحضرت بر خیزد

میفرماید یا معشر الخلایق هر که را نزد من نعمتی و منتی باشد برخیزد تا تلافی کنم گویند فدای تو گردیم چه منت
و کدام خوبی و نعمت است کسی را هم از خدا است و رسول او بر جمیع خلایق فرماید بلی هر که جا داده یکی از اهل بیت
مرا یا احسان با ایشان نموده باشد یا برهنه ایشان را پوشیده باشد یا گرسنه ایشان را سیر کرده باشد باید برخیزد
تا من مکافات دهم آنگاه برخیزند جمعی که بعمل آورده اند پس ندا رسد از جانب خدا که یا محمد یا حبیب من بدرستیکه مکافات
ایشان را واگذاشتم بتو هر جا که خواهی در بهشت ایشان را ساکن کن پس جا میدهد ایشان را در وسیله در جائیکه هیچ حجابی
از محمد و اهلبیت او ندا شته باشد و ذکر فرمود از آباء کرام خود از آنحضرت که چون قیام کنند روز قیامت در مقام محمود
که حق تعالی وعده فرمود شفاعت میکنم از اهل کبایر امت خود را پس قبول شفاعت من میفرماید و بخدا سوگند که
شفاعت نخواهم کرد کسی را که آزار ذریه من کرده باشد و منقول است از آنحضرت که مؤمن نمی باشد بنده تا مرا دوست
تر از خود نداشته باشد و اهل مرا از اهل خود و عترت مرا از عترت خود و فرمود که هر که احسان کند بیکی از اولاد
عبد المطلب و او تلافی ننماید من تلافی خواهم کرد فردا که مرا ملاقات کند و فرمود هر که شیعه ابیطالب اگر چه در دنیا
در بار باشد شفاعت او کنم اگر چه با گناهان دنیا باشد و فرمود رعایت صلحا نمایند ایشان از برای خدا است و غیر صالح
برای خود مهمن و در خصوص عبادات و خصال چند هم که باعث رستگاری و نجات در شرع اثبات شده بدوام
و اکتفا میکنم الی آن یتم هدایت و ارشاد مؤمنین بر تبیین علوم دین و تحقیق مسائل شرع مبین بر نهج
چنانکه در احادیث مستفیضه بلکه متواتره از رسول خدا و امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین
واقع شده که عالمی که هدایت و تعلیم شیعیان آل محمد میکند با ما خواهد بود و در رفیق افق اعلا و میاید روز
قیامت بعرصه محشر با تاج شعاع بر سر که روشنی بخشد کل اهل عرصات او با حله کرامتی که یک تار آن بهتر باشد از دنیا
و آنچه در آفتاب بر او تابد هزار هزار بار از دار حق تعالی باو ندا رسد که ای بنده کریم که احسان و مواسات نموده من اولاد
بکرم ای ملائکه بد هید در بهشت بهر حرفی که تعلیم کرده هزار هزار قصر با آنچه مناسب آنها باشد از نعمتها و ندا
فرماید که ای بندگان من این عالم است شاگردان آل محمد و هر که در دنیا باو از جهل بر آمده که هدایت و مواعظ او را
قبول نموده و بگوش هوش شنیده او را در بنود و چنگ زنند تا از ظلمت و حسرت قیامت نجات یافته به بهشت
رسد و بحدیث حضرت کاظم علیه السلام ندا رسد که ای کفیل یتیمان آل محمد که جا مانده بودند از پدران حقیقی و امامان خود
باش تا شفاعت کنی هر که را خواهی که علم از تو اخذ کرده پس شفاعت کنند ده فئام از شاگردان و شاگردان شاگردان ایشان
تا قیامت و هر فئامی صد هزار است و بروایت فاطمه از رسول خدا علما بقدر علم و ارشاد خلق خلعتها اگر افزون پوشند

ایشان کرامت خود بپوشانند قدر علمی که فرا گرفته‌اند و انعام بشاگردان خود خلعت می‌کنند و هیچ چیز نمی‌رسد که
موقوف خلعتها که می‌بخشند مضاعف می‌کنند و در این باب احادیث بسیار است و بسند معتبر حضرت صادق یا کاظم ع که یکی از
ابدال بهتر است از هزار عابد که متوجه نجات خود است و بسند معتبر از هفتاد هزار عابد مثل فضل ماه بر ستارها
بکر از بجا کننده یا که هزار هزار بار و منقولست که بسند معتبر از رسول خدا ص منقول شد که شخصی بعد از نماز فریضه
می‌نشست بتعلیم و دیگری که روزها بروزه و شبها بنماز است فرمود که فضیلت اول بر ثانی مثل فضیلت من است
بر کمترین شما و بحدیث دیگر فرمود که ساعتی تفکر بهتر است از عبادت صد سال که روزها بروزه و شبها در قیام باشد
و بحدیث نبوی طالب علم را شفاعتی هست مثل شفاعت انبیا و فرمود مداد علما در میزان قیامت راجح است بر دماء
شهداء و فرمود بسند صحیح حضرت صادق ع که روز قیامت سه طایفه شفاعت می‌کنند اول پیغمبران دویم علما سیم
شهدا و از آنجمله که بستن بر اهل بیت عصمت و طهارت و رسالت و زیارت و مجاورت و تقبیل عتبات خاندان
نبوت و امامت و عزت و معرفت و اخلاص علی الخصوص مشغول بودن در کربلا و چشیدن زهر غربت و بلا چنانکه
بطون کتب معتبره و متون اخبار از این مضمون مملو و مشحون است لیکن بعضی از آنها صحیح از حضرت امام علی بن موسی الرضا
مرویست که فرمود که هر امامی را عهدیست برگردن شیعیان و بدرستی که از تمام وفا بآن عهد زیارت قبور ایشانست
پس هر که زیارت قبور ایشان نماید برغبت و معرفت شفیع او خواهند بود در روز قیامت و بروایت دیگر گویا
زیارت کرده خدا را در عرش عظمت و جلال و بر کریم لازم است که گرامی دارد زائر خود را و روز قیامت عطا کند
باو آنچه خواهد و در حدیث صادق ع منقولست که پرسید حسن مجتبی از رسول خدا ص از ثواب زیارت او فرمود هر که
زیارت کند ترا یا پدرت یا برادرت را در حیات ما یا بعد از وفات ما بر خود لازم است برمن که نجات دهم او را در
روز قیامت و ابن بابویه از حضرت امام حسین ع روایت نموده که فرمود حق ثابت است برمن که زایر خود را زیارت
کنم روز قیامت و نجات دهم او را و در حدیث امیرالمؤمنین ع فرمود ضامن شدم برای او که روز قیامت خلاص کنم
او را از هولها و شداید آن روز تا آنکه برم او را با خود بدرجه خود در بهشت و در حدیث بسیار صحیح روایت
حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سجاد و زینب خاتون صلوات الله علیهم فرموده‌اند که جبرئیل گفت که ملائکه باذن الله
تمر دیگر او را بمهری از مهرهای عرش الهی نشان می‌کنند تا روز قیامت معروف شود و نورانی و نور آن مهر دیدهای
اهل محشر را خیره کند و گویا می‌بینم ترا یا محمد ص که میان من و میکائیل بروی و تنها نوح و علی پیش روی ما و با ما
از ملائکه باشد که عددها را بغیر از خدا کسی نداند و ما بگردیم میان اهل محشر و هر که اثر آن مهر بروی او هست

زیارت قبر حضرت امام حسین ع فرمود خدا امرزید گناهان گذشته و آینده او را با معرفت و قبول کند شفاعت او را
در حق پنجاه گناهکار و نطلبد حاجتی از خدا مگر آنکه روا شود آنگاه حضرت امام موسی کاظم ع که طفلی بود درآمد
پس او را در دامن خود نشانید و مکرر دو چشم آن نور دیده خود را بوسید و فرمود یا موسی این امام است
بعد از من و از صلب او بیرون آید مردی که اسم او رضا باشد برای خدای عز و جل در آسمان و برای بندگان او در زمین
و کشته خواهد شد بزهر در زمین شما بظلم و عدوان و بدانجا مدفون خواهد شد غریب و تنها آگاه باش که هر که او را
زیارت کند در غربت و داند که امام و واجب الاطاعه است بعد از پدرش از جانب خدا مثل کسی باشد که رسول خدا ص را
زیارت کرده باشد و همین فضیلت وارد شده در زیارت عموم ائمه و در زیارت حضرت کاظم ع و در صحیح حضرت
جواد ع منقول است که هر که در طوس قبر پدرم را زیارت کند بیامرزد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را پس چون روز
قیامت شود نصب شود برای او منبری برابر منبر رسول خدا ص تا خدا از حساب خلایق فارغ شود و روایت نموده کلینی
بسند صحیح از ابن مهزیار ثقه که پرسیدم از حضرت جواد ع که زیارت حضرت امام رضا ع افضل است یا زیارت امام
حسین ع فرمود زیارت پدرم چرا که حضرت ابی عبدالله را همه مردم زیارت می کنند و پدرم را زیارت نمی کنند مگر
خواص شیعه و در صحیح حضرت صادق ع مکرر با در پیش قلیل با یکانه خوبان و مجدت حضرت صادق ع از زیارت امام حسین
مقدم است و زیارت کاظمین ع علیهما السلام جامع زره عظیم است در اجر و ثواب گریستن در مصیبت ایشان در اخبار
متواتره زیاده از حد حصر است از آنجمله روشنی چشمهاست از فزع اکبر در روزی که دیدها حیران و دلها در دهشت
و بیم بوده باشد و بودن ایشان روز قیامت در درجات ایشان و آمرزش گناهان و بسیاری از ثوابهای زیارت مذکوره
و غیر اینها و حضرت صادق ع بزراره فرمود که هیچ دیده نزد خدا محبوبتر نیست از دیده که بر حسین ع بگرید و نیز هیچ
گریه از اشک که بر آنحضرت بریزد و هر که گریه بر او میکند خوبی بحضرت فاطمه علیها السلام نموده و حق ما اهل بیت را ادا کرده
و در قیامت هیچ بنده محشور نمیشود که دیده اش گریان نباشد مگر کسیکه بر جدم حسین مظلوم گریسته باشد که محشور
خواهد شد با دیدهای خندان و بشارت باو میرسد از جانب خدای رحمن و آثار سرور و خوشحالی ظاهر و خلایق همه
در ترس و بیم باشند و گریه کنندگان حسین ع ایمنند و همه را بمقام حساب میبرند و ایشان در زیر عرش الهی نشسته
از حساب ایمن هستند و ملائکه نزد ایشان آیند تکلیف بهشت مینمایند و ایشان ابا میکنند که ما مجالست و صحبت آن
حضرت به بهشت نمیدهیم و لقاء خدمت آنحضرت بهتر از بهشت است باز ملائکه پیغام از زبان ایشان از حوران بهشتیها
ایشان را میآورند و وصف نعمتها و کرامتهای الهی که برای ایشان مهیا شده مینمایند ایشان جواب میگویند که خواهیم

سلام انتم بشما چون جواب ایشان نزدیک حوران و غلمان و خازنان بهشتهای ایشان میرسند و میشنوند و میدیدند
حضرت امام حسین علیه السلام در زیر عرش نشسته اند و شوقشان بملاقات ایشان زیاده میگردد پس هم ایشان بآنحضرت میگویند
حمد و سپاس خداوندی را که فزع اکبر و هول را از ما برداشت و ما را نجات بخشید از آنچه میترسیدیم پس اسبها و شترها
و محملها از بهشت میاورند و ایشان سوار شده مشغول حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد میشوند تا داخل
منازل خود گردند اللهم اجعلنا منهم وصل علی محمد و آله الابرار و از جمله تهجد و نماز شب و ذکر الهی در شب
چنانکه در عین دوازدهم مذکور است و بحدیث نبوی حق تعالی در روز قیامت خلق اولین و آخرین را جمع خواهد
کرد و منادی ندا کند که برخیزند آنها که تجارت و معامله ایشان را از ذکر الهی غافل نمیکرد پس برخیزند و کم باشند
پس ندا رسد که برخیزند آنها که حمد الهی میکردند در خوشحالی و بدحالی پس برخیزند و کم باشند بعد از آن حساب سایر
مردم را خواهند کرد و باحادیث صحاح هر چشمی گریان خواهد بود در روز قیامت مگر چشمی که برای خدا گریان و چشمی که
شب بیداری کشیده و چشمی که از محارم الهی پوشیده باشد و از جمله صبر که راس ایمان و رئیس مکارم و فضایل
مؤمنانست و شعبهای بسیار دارد صبر بر طاعت ایمانست و از محرمات ورع و از شبهات تقوی و از شهوات عفت و در
در طرف مصیبتها و از فضلات دنیا زهد و در غضب حلم بلکه اکثر اخلاق حسنه از فروع این اصلست منقولست
از رسول خدا که صبر بر سه قسمست صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و از معصیت حق تعالی در اول سیصد درجه کرامت می
کند که رفعت هر درجه از زمین تا آسمانست و در ثانی ششصد درجه که هر درجه از انتهای زمین تا عرش باشد
و در سیم نهصد درجه هر درجه از منتهای زمین تا منتهای عرش باشد و فرمود هیچ صبری نزد خدا دوستتر نیست
از دو صبر صبر در مصیبت و غضب و نه قطره از قطرهٔ خون شهید و اشک چشمها در شب ظلمانی و نه قدمی از دو قدم سوی
جماعت و صله رحم و فرمود خدا میفرماید که صابر در مصیبت شرم میدارم که میزان و دیوان و حساب برای
بدارم و فرمود هر که صبر کند در بلا او راست اجر هزار شهید و فرمود که چون مؤمن بیمار شود بملائکه وحی
شد که گناه بنده مرا منویسید تا در بند من است و بنویسید برای او حسنات که مینوشتید و فرمود که اهل عافیت آرزو
خواهند کرد در روز قیامت که کاش پوست بدنشان بریده شده بود بسبب ثوابهای اهل بلا که مشاهده خواهند
نمود و فرمود بتحقیق که حق تعالی محافظت مینماید دوست را به بلا و پرهیز میدهد از دنیا چنانکه بیمار را
از طعام بد و بسبب که مؤمن بمنزلهٔ کفهٔ ترازوست هر قدر ایمانش زیاد میشود بلایش و فرمود بلای دنیا نعمت
آخرتست و نعمت دنیا بلای آخرتست و از حضرت کاظم علیه السلام منقولست که مؤمن نمیخواهد هرگز تا بلا را نعمت

آنحضرت که روز قیامت از جانب رب العزت ندا رسد
بود الا که استقبال ایشان نمایند و کویند چه بود
داده ام ایشان سلام کرده است و کویند اما
این عفو میکردند از بدی و سفاهت
ایشان همسایکی میخیزند که
معرفت ندا میکنند
انبیاء و درجه
... دو دیکر

شما رسید مصیبت که رسید از حضرت باقر ع منقولست که
که جمیع اهل محشر جمع شوند که کجایند اهل صبر آنکاه جمعی خیزند
صبر شما کو بند ما چون جزا بر مشقت عبادت و ترک معصیت صبر
بیحساب به بهشت بروند پس ندا کنند که کجایند اهل فضل کروهی برخیزند
و در راه خدا همسایه بسوی بهشت روند ندا دهد دیکر بار که کجایند همسایه
های خدا باهم دوستی برای خدا میکردند بیحساب به بهشت روند پس حضرت فرمود
خدا بنده مردم مهتر هستند از هول قیامت و ایشان نترسند و هراسان نکنند ایشان
لولا ابن مسعود روایتست که در کتب منزله بر من و انبیاء سابق یافته ام که کسی به بهشت
صابران که جزای ایشان بیحساب است و بدانکه توبه و صبر مخصوص صبر از کناه اکمل و اقدم و افضل و اعظم افراد
و فضایل بسیار سوای فضایل عموم صبر مخصوص و دخل عظیم در نجات از کل عقاب وارد چنانکه منقولست
از حضرت زهرا که چون مؤمن توبه کند یکشب بخدای تعالی بر آید در دنیا و آخرت هزار در رحمت و نور بر
رکعت نافله از ثواب عبادت یکسال و بهر آیه که میخواند نوری بر صراط و شهری در بهشت و بهر روز و شبش را
ثواب شهیدی و بهر کلمه از استغفار و تسبیحش حج و عمره و منور کردن قبرها و روی و او بعدد ستارها
بنده آزاد و بهر تار موئی نوری عطا کند و کوه بزرگ نور طلا تصدق نموده باشد و چون روز قیامت
و در حسب قبر و قبرش روضه باشد از بهشت و وارد شود هر روز بقبرش هزار ملک برای انس او و روز قیامت
با هفتاد حله و تاج رحمت بر سایه عرش با پیغمبران و شهدا بأکل و شرب و بعیش مشغول باشد تا خدا از حساب
مردم فارغ شود و او را به بهشت فرستند و بعض دیگران و احادیث ثابت صحیح تا بحد این است و ظاهر تعبیر توبه و عفو و مغفرت
زحمت و ناخیر او در عقبه چهارم مذکور خواهد شد و از آنجمله اخوت و صحبت با مؤمنانست برای خدا و اعانت
ایشان چنانکه در احادیث بسیار از رسول خدا ص و ائمه هدی وارد شده که ایشان اصفیا و برکزیدکان خدا اند
و روز قیامت بر کرسیهای نور در سایه عرش الهی از طرف راست خواهند بود و بار روی سفید تر از برف و روشن
تر از آفتاب و رشک می برند برایشان هر ملک مقرب و پیغمبر مرسل و حضرت صادق از رسول خدا ص ذکر فرموده که
در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده و بر سر آن هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار غرفه و از برای
جمعی آفریده که بعد دنیا برای خوشی باهم دوستی و مزاورت نمایند و از فضایل دوستی و اعانت و قضای حوایج

برادران مؤمن که در توفیق خود خواهد آمد در این مقام اکتفا کنیم بچند حدیث صحیح حضرت صادق ع فرمود
که هر که رفع کند اندوه مؤمنی نماید یا اعانت او کند در حاجتی که داشته باشد بر خدا حق تعالی واجب و لازم گرداند
بر آن سعادتمند هفتاد و دو رحمت که یکی را بدهد برای او در دنیا باصلاح امور دنیا و هفتاد و یک رحمت بکرد ذخیره
کند برای اهوال و شدتها و فزعهای قیامت و همه خلایق بدرد خود گرفتار باشند و فرمود بیرون آید از قبر
خوشدل و خوشحال و حضرت سجاد ع فرمود که حق تعالی غمهای قیامت از او و برادر بهر جهت رشته که رسیده باشد
و هر که او را سیر کند خدا او را از میوه‌های بهشت محسود کرداند و ملائکه باو فخر و مباهات کنند و رسول خدا
صلعم فرمود که بنده بنشیند سرور داخل گرداند برا اهل خانه دل کنند مگر آنکه خدای تعالی بیافریند از آن سرور خلقی که بنجاتش
او را روز قیامت هرگاه شدتی که رسد گوید که منم آن یدورست خدا و حضرت صادق ع فرمود بیرون آید از قبرش
مثالی و بشارتش دهد بکرامات رب العزت و سرور غمهای او و این مبشر اینست او را از هولی و شدتی که او را باشد
و مونس و با شادی او در هر هول و وحشتی تا او را داخل بهشت کند پس صبر بهشت تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید
منم آن سرور و خوشحالی که داخل برادران و اهل خود می‌نمودی و فرمود که هر که خوشحال کند مؤمنی را خدا او را شاد کند
او را روز قیامت و گفته شود آرزو کن تمنای لازم بر خدای خود اینچه میخواهی بخصیصه که دوست میداشتی در دنیا
که سرور کنی دوستان او را پس هر چه تمنا میکند خدا عطا میفرماید و زیاده بر آنهم از پیش خود عطا کرامت
میکند که بخاطر او خطور نکرده از نعمتهای بهشت که زوال ندارد و فرمود مؤمنی نیست که یاری برادر مؤمنش
کند مگر آنکه خوش تعالی یاری او کند در دنیا و آخرت و نیست مؤمنی که ترک یاری او کند با قدرت مگر آنکه خدا
واگذارد او را در دنیا و آخرت و این مجمله فقرا است چنانکه حضرت صادق ع فرمودند که روز قیامت بر و مؤمن
در مقام حساب باز دارند یکی فقیر و یکی غنی فقیر گوید خدایا بگو چرا باز میدارید مرا در دنیا حکومتی نداده بودی
که عدل یا جور و ظلم کرده باشم یا مالی که حقوق آنرا عطا یا منع کرده باشم همیشه روزی مرا بقدر کفاف میدادی خدا
فرماید بنده من راست گفت بگذارید که به بهشت رود و آن غنی را آنقدر نگهدارند که چهل شتر از عرقش سیراب
شود بعد از آنکه به بهشت رود فقیر از او ملکت و پرسد گوید چرا دیر آمدی حساب و پیمایش سؤال که هر ساعت چیزی بیش
آمد که مشتعل عذاب میشدم و خدای تعالی می‌بخشید و بگر سپرد پسند و میجستند تا خدا مرا برحمت خود بخشید و بتو
کاران ملحق کرداند گفت تو کیستی گوید فقیرم که با تو بودم گوید نعیم بهشت ترا تغیر داده که نشناختم و فرمود
که فقراء مؤمنین باغهای بهشت متنعم میشوند پیش از اغنیا بچهل سال مثل دو کشتی که بر عشار بگذرد

انکه خالیست گویند روانه کنید و برای مشاعر گویند نگهدارید تا ساعتی حساب شما بکشیم و فرمود فقراء سلوک بهشتند

و همه خلق مشتاق بهشتند و بهشت مشتاق فقرا است بوذر گفت شنیدم از رسول خدا که پیشاپیش سابقین بهشت جمعی اند

که باشند در مقام ترس و خشوع باشند و یاد خدا بسیار میکنند و فرمود ولیکن با فقراء مسلمانان اندکی مدارا

برکردن تا اهل محشر گمان نکنند و جمیعهارا اشکار شود و روانه بهشت خواهند شد پس خازنان بهشت گویند باشید تا حساب

شمارا بکنند گویند بچه چیز ما را حساب میکنید سلطنتی نداشتیم که از جور و عدل ما پرسند و نه مال زیادتی داشتیم

که از اسراف و عطا ما پرسند ولیکن بندگی میکردیم تا خدا ما را طلبید و باینمعنی در صحاح وارد شده و بدانکه

آیات و احادیث در تعیین بلفقیر تحصیل آن باخبار که زهد است بسیار است و فقر مذموم احتیاج بخلق برای سنت

و الامیر بقدر حیات دنیا و توفیق و فیض آن سعادتیست عظمی و کرامتیست کبری نجابت خدای مشفق علی اوست

است از آلام و مصائب دنیا و عقبی و افتخار و بست برای انبیا و اولیاء و رسول خدا میفرمایند دو چیز مکروه دارد

است مرگ که راحت مؤمن است و کمی مال که حساب او سبکتر است و در حدیث دیگر باعث قرب و میشود بخدا و فرمود فقر

فخر من است بسایر انبیا و از دعای آنحضرت مرویست که اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمرة

المساکین و فرمود یا اباذر بدرستیکه از خدا سؤال کرده ام که روزی دوستان مرا بقدر کفاف بدهد و دشمنان او را

مال بسیار و اولاد و در حدیث از حضرت سجاد ع و حضرت صادق ع که آنحضرت مکرر این دعا را میکردند در بعضی

ایها این مضمونست که خدایا محمد و آل محمد و اصحاب ایشان را روزی کن عفاف از شبهها و کفاف در روزی برای

کرامتها و آیات بسیار در روایات بیشمار راحت دنیا فانی باعث شدت حساب و عقاب عقبی باقیست و فقر

و صبر بر تعب چند روز باعث دولت و راحت و سعادت ابدیست و مزد عمل مؤمن چون بقا دارد در دار فانی نمیدهند

بخلاف اتباع شیطان چون برای دنیا عمل میکنند مانند پیشوای خود اجر ایشان در دنیا است چون خدا

جمیع عالم را ضایع نمیکند و فرمود که حق تعالی میفرماید اگر نه این بود که شرم میدارم از بنده مؤمن خود هر آینه کهنه

برای او نمیگذاشتم که ستر عورت خود نماید و بنده که ایمانش کامل باشد مبتلااش میکنم به ضعف قوت و کمی روزی

پس هرگاه بسیار دلتنگ شد باو بر میگردانم و اگر صبر نمود باو مباهات میکنم بملائکه خود و فرمود یا علی هیچکس از

اولین و آخرین نیست مگر آنکه آرزو کند در قیامت که کاش زیاده بر قوت از دنیا نداشتم و فرمود که بهره هر که از

دنیا او افزوده باشد در آخرت ناقص شود هرچند گرامی باشد و فرمود تکلم نمود با من پروردگار من که یا محمد

هرگاه بنده را دوست دارم سه چیز باو کرامت کنم دل محزون و بدن بیمار در دنیا و فقر و هرگاه دشمن دارم دلشاد و صحت و ثروت باو دهم

به بهشت که نیز به تو آورده بگو مرحبا بشما ای فقرا و چون توانگری بر تو رو کنند بگو عقوبت گناهیست که در دنیا
بان گرفتار شدم و از رسول خدا منقول است که فرمود خوشا حال مساکین که در فقر صبر نمایند ایشانند که
می بینند ملکوت آسمان و زمین را و فضل ایشان بر امت من مثل نهار است و خنده ایشان عبادت است و مزاح و خوش
طبعی ایشان تسبیح است و خواب ایشان صدقه است و خدا نظر رحمت میکند بسوی ایشان هر روز سه مرتبه و فقر
کلید بهشت و کلید بهشت دوستی فقرا و مساکین است و فرمود دو رکعت نماز مومن فقیر نزد خدا محبوب است از
هفتاد رکعت نماز غنی شکر گذار و فرمود که هر که گرسنه یا محتاج شود و از غیر خدا پنهان کند خواست بر خدا
که روزی یکساله او را برساند از مال حلال و فرمود ای گروه مساکین بفقر راضی و خوشحال باشید که خدا از دل شما
بیابد تا ثواب عظیم بدهد [illegible] الاجر ان [illegible] و هر که باحوال سید المرسلین و ائمه الطاهرین و سایر انبیا
و اولیا صلوات الله علیهم اجمعین بنظر عبرت و بصیرت نظر کند البته با خشیت و ایثار بر فقر اختیار فقر نموده زهد
خواهد ورزید اللهم اعنا علی ذلک بحق محمد و آله و عترته الطاهرین و صلی الله علیه و آله فی الدنیا و الآخرة
دوازدهم حفظ قرآن و مواظبت قرائت آن چنانکه در عقبه سوال از حق تعالی خواهی سید خصوصا سوره
اعراف و طه و یس و فرقان و المسجده و حم سجده و شوری و دخان و واقعه و صف و معارج و مطففین
و [illegible] و لم یکن و عصر و ماعون بشرحی که برای هر یک وارد شده و از اعظم منجیات از اهوال و مهلکات ثبات
و نور و مصابیح آن روز حسرت و ظلمت و ملامت عبادت داب شب و روز جمعه است که بحدیث نبوی
اعمال مهر بر میان قیامت قیام خواهد نمود چنانکه حضرت صادق فرمود [illegible] که هر ثواب و گناهی در این روز مضاعف
شب جمعه و روز قیامت مثل ایام خواهد بود و شهادت خواهد داد برای هر که صلوات فرستاده بر محمد و آل محمد
و شفاعت خواهد کرد و در حدیث حسن فرمود که باید کسی در روز جمعه بغیر عبادت مشغول نشود بتحقیقکه آن
روزیست که آمرزیده میشود گناهان بندگان و نازل میشود رحمت جواد و فرمود در روز جمعه پاکیزه کن و خوشبو و زینت کن و عید
مسلمین و بهتر از عید اضحی و فطر است و زاجر منت عظیم و حق واجب [illegible] است [illegible] نکن و تقصیر منما
در هیچ چیز از عبادات خدا که در این روز مضاعف میشود حسنات و محو سیئات و رفع درجات میفرماید و تقرب بجو باعمال شایسته
و شبش مثل روزش [illegible] اگر توانی احیا داری بنماز و دعا تا صبح پس بکن که حق تعالی ملائکه را برای عزیز کرامت
مومنین باسمان اول میفرستد که حسنات ایشان را زیاد و سیئات ایشان را محو نمایند پس تا توانی در روز و شب خود را بعمل
[illegible] بعمال صالحه [illegible] که خدا فضیلت داده روز جمعه را بر سایر ایام بتحقیقکه بهشتها را

زینت میدهند روز جمعه برای آنها که نماز جمعه میکنند و روز قیامت اهل جمعه سبقت خواهند گرفت بسوی بهشت
بقدر سبقتی که بنماز جمعه کرده اند و روز جمعه درهای آسمانها گشوده میشود برای بالا رفتن اعمال و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که رسول
خدا ذکر میفرمود که هیچکس جمعه را نشناسد مگر آنکه لازم است خدا که او را آزاد کرده باشد خود کرده اند از جهنم و
هیچکس ضایع نمیکند حق و حرمت آنرا که بنماز جمعه حاضر نشود یا مرتکب گناهی شود مگر آنکه توبه کند و از اعظم عبادات
روز جمعه احیای شب آنست که خوابی بجربت حضرت سجاد ع عبادتست هنگامی که زنده دارند آن شب را با اجر و کرامت عظیم
مشاهده خواهند شد و حضرت امام حسن مجتبی ع منقولست که مادرم فاطمه ع را دیدم شب جمعه از اول شب تا صبح در محراب خود مشغول
عبادت خود بود و پیوسته برای مؤمنین و مؤمنات دعا میفرمود و نام میبرد ایشانرا و در حدیث صحیح از حضرت باقر ع منقولست
که خدا امر فرموده که ملکی ندا میفرماید در شب جمعه از بالای عرش از اول شب تا آخر شب که آیا بنده مؤمنی هست که مرا بخواند
برای آخرت و دنیای خود پیش از طلوع فجر تا اجابت کنم آیا مؤمنی نیست که شفا طلبد پیش از طلوع فجر تا او را عافیت
دهم آیا مؤمنی نیست که زیادتی روزی طلب کند تا او را توسعه دهم آیا مؤمنی نیست که رهائی خواهد از حبس تا نجات دهم
آیا مؤمنی نیست که گرفتن مظلمه خود طلبد پیش از فجر تا انتقام و حق او را بگیرم و شبهای دیگر هم بعد از نصف
شب چنین ندا میشود تا صبح و در شب و روز جمعه هیچ عملی بهتر از صلوات نیست بر محمد و آل او و حضرت صادق ع
منقولست که صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در شب جمعه میدرخشد نور او در آسمان تا قیامت و ملائکه
آسمانها و ملائکه که موکلند بر قبر آنحضرت استغفار میکنند و بعضی از آنحضرت ذکر فرموده اند که صلوات بسیار
بر من بفرستید در شب و روز نورانی جمعه فلاگه صد بار تا دو نیاید در قیامت نورانی شود هر قدر زیاد باشد بهتر
و در بعضی روایات زیاده است که هر که روز جمعه صلوات بر من بیشتر بفرستد روز قیامت منزلش عظیم تر و بمن
نزدیکتر خواهد بود و بروایتی دیگر فرمود که هر که شب و روز جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد حق تعالی هشتاد گناه و
بروایتی صد گناه او را بیامرزد و بروایتی صد حاجت او را برآورده و موکل نماید براو ملکی را و روحی که مدفون
شود در قبرش که او را بشارت دهند همانند کسی که هدیها برای کسی ببرد و اگر هزار بار صلوات بفرستد نمیرد
تا جای خود را در بهشت به بیند و بروایتی بشارت دهند او را به بهشت و در حدیث حضرت صادق ع منقولست
که هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات نیست و در حدیث دیگر فرمود که سنت است روز جمعه هزار بار و در روزهای دیگر
صد بار و در روایت صحیح دیگر فرمود که صلوات میان ظهر و عصر جمعه برابر هفتاد حج است و بروایت دیگر هفتاد
نماز و کیفیت صلوات با فضایل بسیار در کتب علما مسطور است و بعض فضایل مطلق صلوات در عین دهم

مذکور است و فرمود که خدا از کرامتها و رحمتها است که مخصوص میگرداند بندگان را بانها در شب و روز جمعه
پس بسیار بتسبیح و تهلیل و حمد و ثنا و صلوات بجا آورید و فرمود هر که بگوید بعد از عصر روز جمعه هفتاد بار استغفر الله
و اتوب الیه گناهان گذشته او آمرزیده شود و خدا او را در بقیه عمر از گناه حفظ نماید و اگر گناه نداشته باشد از
والدینش ببخشد و بروایتی فرمود که لازم است بهر بالغ که روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و خود را خوشبو کند و
غسل جمعه لازم یا واجب ظاهر احادیث مکرر زنان را در سفر بعلت تلف آب کفاره گناهان و طهور است تا جمعه دیگر و حدیث
نبوی هر قطره آب از غسل فرشته خلق شود و استغفار نماید برای او تا روز قیامت و حدیث دیگر هر قطره عوض در بهشت
دارد و هر موئی از بدنش ثوابی دارد و خطاها او برسد تا جمعه دیگر و اگر بمیرد ثواب شهید دارد و بروایتی فرمود زیارت
قبر والدین روز جمعه و حج دارد و حضرت کاظم ع فرمود روز جمعه خدا را هزار نسیم رحمت است که هر بنده را بچه خواهد
عطا میفرماید پس هر که بعد از عصر جمعه صد مرتبه سوره قدر بخواند همه انها را با مضاعف یا و کرامت فرماید و اعمال
مؤکده بسیار و مباح و فضایل آن بیشمار است و از آنجمله نماز مستحبات بجا و محافظت بر نمازهای جماعت رسول خدا ص
میفرماید باد زخوشحال صاحبان علمها در روز قیامت که انفار بر داشته باشند و مردم بیشتر خواهند گرفت
آگاه باشید که ایشان گروهی اند که پیشی میگیرند بسوی مسجدها در سحرها و غیر سحرها با با در ترا در هر نفسی بعد مسجد
ابست محسوب شود و ملائکه از برای او دعا و صلوات میفرستند با با در هر مسجد نشستن لغو است مگر برای سه
چیز قرائت مصلی و ذکر و سؤال علم دین و فرمود مسجد خوانتر بهر بزرگاری و بروایتی فرمود هر که در مسجد حرف دنیا
گوید خدا عمل چهل ساله اش حبط نماید و خنده در مسجد ظلمت قبر هم چنین حدیثی روایت شده و در روایت دیگر
هر که در مسجد بخوابد بعلت ری مبتلا شود بلند کرد و اندر رو اجابت موذن رحمت و ثوابش جنت و کرم
اجابت نماید روز قیامت با و خصم کند و بروایت با ثواب از جبرئیل از رسید از مخلوقات بقعها بسوی خدا
گفت مسجدها و احب بسوی خدا کسی است که زود داخل مسجد شود و دیر بیرون رود و بروایتی امده است فردی از مسجد
و رحمت فرشته ها ... ان قبر فرمود که خدا رحم کرده او را بسبب اغاثه مسجد و مجلسه چون قیامت شود خدا
فرماید کجایند همسایگان من در سر مسجد ملائکه گویند سزاوار این است عمار فرماید مسجد تا سر شب گوید الشاب
همسایگان من و از حضرت محمد ص منقولست که هر که داخل مسجد شود مهمان خدا است تا بر گردد و هم چنین برای مؤمن
و از توریه منقولست که خانهای من در زمین مسجدها است خوشا حال کسی که در خانه خود طهارت کند و مرا در خانه ام
زیارت کند که بر زیارت کننده لازم است که گرامی دارد زایر خود را بشارت ده ای پیغمبران مشتاقان در تاریکی شبها بسوی

ملع

ساطع در قیامت و در حدیث حضرت صادق ع ابن زیاد فرمود هست پس بسیار کنید در آنها نماز و دعا در مساجد
و در جاهای مختلف نماز کنید که هر بقعه روز قیامت برای نماز کننده شهادت خواهد داد و فرمود نمی آید بمسجد
از قبیله اهل بیتم مگر نزدیک و نجیبی از اهل ایشان و فرمود هر که بمسجد رود پا بر هر تر و خشکی که گذارد برای او تسبیح
کنند تا طبقه هفتم و حضرت امیر المؤمنین ع بر منبر فرمود که نیست همسایه مسجد را نمازی مگر در مسجد مگر آنکه بیمار باشد
کیست فرمود هر که بشنود صدای مؤذن را و فرمود یک نماز در مسجد جامع برابر صد نماز است و در مسجد بازار برابر دوازده
برابر و در حدیث نبوی ص هر که قدم بسوی مسجد جماعت نهد تا باشد خدا او را تا قیامت برای او ساکنان ... بهشت
رسانند و در حدیث دیگر هر که یک اربعین ادراک مسجد و جماعت نماید نوشته شود برای او برات از آتش دوزخ
و برات از نفاق و بهر قدم از رفتن و برگشتن ده حسنه محسوب و ده درجه دارد و بروایتی نماز در مسجد بجماعت بهتر
است از نماز خود چهل سال فرمود چون بنده پشت سر پیش نمازی باشد نوشته شود برای او صد و بیست هزار
درجه و در حدیث طولانی ثواب آنها علیم از جبرئیل ذکر شده که یا محمد ص اگر دریاها مداد گردد فضیلت جمعه و جماعت
را نمی‌توان نوشت و حضرت باقر ع از پیغمبر ما ص سه چیز کفاره گناهان است کامل ساختن وضو در صبحهای
سرد و رفتن شب و روز بسوی نمازها بمسجد و محافظت نماز جماعت و حضرت صادق ع فرمود که هر که پنج نماز را
بجماعت دریابد پس باو گمان خوب برید و قبول کنید شهادت او را و از احادیث وارد و ثابت شده که یک نماز
جماعت فرادا برابر بیست و چهار نماز است بوقوع مسجد و بقدر ماموم ثواب مضاعف می‌شود و ماموم که بده
رسید حصر ثواب آن میسر نیست و در حدیث نبوی ص است که صفهای امت من صفهای ملائکه است در آسمان و
که آمد جبرئیل و گفت ... هدیه برای تو فرستاده که برای هیچ پیغمبری نفرستاده گفتم ای
جبرئیل چیست آن هدیه گفت پنج نماز را بجماعت گذاردن گفتم امت را چه ثواب است گفت هرگاه دو نفر باشند
برای هر رکعتی صد و پنجاه نماز است و در سه نفر برای هر رکعتی ششصد نماز و در چهار نفر هزار و دویست و
در پنج نفر دو هزار و چهار صد و در ده نفر هفتصد و دو هزار و هشتصد و چون از ده نفر زیاده شوند جن و
انس ثوابش عاجز باشند یا محمد تکبیری که مؤمن ادراک کند با پیش نماز بهتر از شصت هزار حج است و عمره و غیر
و یک رکعت جماعت بهتر از صد هزار تصدق است و یک سجده جماعت بهتر است از صد عتق و بنده و بر کسی که ترک جماعت
عقاب شدید ... قیامت یا محمد هر که دوست دارد جماعت را خدا و ملائکه او را دوست دارند و فرمود بعثمان بن مظعون
رحمه الله ای ... هر که نماز صبح بجماعت گذارد و بنشیند تا ذکر خدا تا آفتاب برآید برای او خواهد بود در فردوس

بهشت هفتاد درجه که میان هر دو درجه یکساله راه است و هر که نماز ظهر را بجماعت گذارد پنجاه د
عدن دارد و هر که نماز عصر را بجماعت گذارد اجر هشت عتق از فرزندان اسمعیل ع دارد و هر که
گذارد گویا حج و عمره گذارده باشد و اجا کرده ... پیش نماز نماز اندند با وانچه بودانست و گوی
فوت شود بنده آزاد کرده باشد از آنحضرت پرسیدند که ایا ادراک ثواب جماعت کردم فرمودند نه
بوده فرمودند اگر چه نفقه انچه در زمین است بروایت ابن عباس اگر جماعت از تو فوت شده در صبح
نیز دارد و در ظهر تا عصر نماز کند و در عصر ذکر خدا کند تا غروب افتاب و در مغرب نماز کند تا عشا
ان شب احیا کند تا شاید دراک نماز جماعت نماید و از جمله جمعی که بی حساب داخل بهشت شوند مو
کسی است که پنجاه رکعت نماز بجماعت دریابد چنانکه از رسول خدا منقول است کسی که اهل از
چنانکه مذکور خواهد شد و کسی که متحمل ظلم مردم باشد و شهید باشد در بهشت که رسول خدا فرمودند ک
قیامت شود ندا رسد که هر که حق بجا است برخیزد این خلق گویند بملائکه بچه چیز گویند چه را است ک
من شما دوستان ... داخل بهشت شوید که بر شما حساب عقابی نیست پس ملائکه گویند خوشا حال
که ثواب شما از حق ... بسیار و کسی که نفس خود را دشمن دارد و کسی که آب بتشنه گان داده باشد
پیران نموده و کسیکه در سفر کعبه معظمه یا کربلای معلا فوت شده باشد و کسی که در حرم مکه یا مد
مدفون شده باشد و در مطلق حاج و مؤذن هم وارد شده که سواره و ایمن محشور میشود و تا
اندازه هفتاد هزار کس از مجمع اشرف محشور و بی حساب بهشت خواهند رفت و از رسول خدا
که هفت نفرند که در سایه عرش الهی خواهند بود و در روزی که غیر آن سایه نیست یکی پیشنماز عاد
که در عبادت مداوم باشد و کسیکه دلش بمسجد معلق باشد و چون بیرون اید باز گردد و دو ش
با هم برادری نمایند و محبت کنند و کسیکه یاد الهی کند و اشکش فرو ریزد و مردی که زن صاحب جمال او
گوید من از خدا میترسم و فریب نفس و زن را نخورد و شخصی که تصدق فرا پنهان دهد و در صحیح حضرت باقر
فرموده اول انکه عطا کنند بمردم انچه توقع کنند دوم انکه قدمی پیش و پس نگذارد تا انکه خدا را
یعنی محتاط باشد سوم انکه عیب مسلمانان را از خود دور کند و هر عیبی که ... کند
ظاهر شود و کسیکه عیب مردم را ببیند و بخود که او دارد و احمق است و در حدیث دیگر مؤذن حاف
کسی که روز دو بیست ایه هر روز از قران بخواند یا امام محشور است و در حدیث صادق ع تاجر راستگو

و پیشتر از عادل ذکر شده که بجنات بهشت وعده شده در خصوص هر یک از این جماعت فضیلت بسیار وارد شده و مروی است
که هیچکس نیست که واگذارد لهو و لعب را و رو آورد بطاعت الهی مگر آنکه حق تعالی اجر هفتاد صدیق باو عطا
کند و فرماید ای کهنه کننده شباب خود و ترک کننده شهوات خود تو نزد من مثل بعض ملائکه منی و موافق اخبار
بسیار کسیکه ذکر الهی کند با حضور و رقت قلب روز قیامت البته در زیر عرش الهی خواهد بود و بحدیث نبوی
اول کسیکه داخل بهشت خواهد شد سه نفر اند شهید و مملوکی که بندگی او را از طاعت پروردگارش مشغول نساخته باشد
و فقیر عیال بار و اول کسیکه داخل جهنم خواهد شد سه نفر اند حاکم جابر و دولتمندی که حق خدا را نداده باشد
و فقیر فخر کننده از قضا عفت عبادات مدفن اعمال جز ببهشت منجیه از اهوال حشر و فزع اکبر و محنت حساب روز
عنان پر خطر بسیار است خدا طالبان برهانند این و ای برجا عاجز معیوب که مدت عمر خود را با طول فرصت تا آخر مهلت
یکی از این خصال بسیار و اعمال بیشمار را برای خود آماده کرده که در پیش دارد کسب نکرده و تا از وزر و آفات الم
محفوظ باشد و لا حول و لا قوة الا بالله و نیز آنکه چنانکه جمعی به بهشت خواهند رفت گروهی باز بسته
نیکی با و نافرمانی بیش از حسنات روانه جهنم خواهند ساخت چنانکه از رسول خدا منقول است که چون قیامت شود
خدا مسلط گرداند باد را بر دریاها که همه آتش شوند آنگاه گردی از آتش بر آمده و بر سر اهل حشر ایستند
بهشتیان کوشش کردند که در دوزخ باشد پس گوید بندها کسی نتواند جز نعره در دوزخ حسنا ما تا خدا حکم فرماید یا بسوی
بهشت یا بسوی جهنم و هیچکس جرأت نکند مگر من پس آنگاه بسوی من آیند که یا حبیب الله الامان الامان ما بفریاد ما رس
و شفیع ما شو بسوی خدا و بحدیث حضرت عاقبه براهل حشر از شدت قیامت کار چنان تنگ شود که عرق تا دامن
میرسد پس آنگاه گویند نزد آدم روید شاید شفاعت ما کنند چون بیایند گوید من کیستم که کار من نیست بروید بنزد
نوح و هم چنین نزد هر پیغمبری آیند بسوی دیگری حواله شوند تا آنکه حضرت عیسی گوید بنزد حضرت پیغمبر آخر الزمان
روید چون بخدمت حضرت آیند فرماید با من بیائید که بیاورد ایشان را بدر بهشت و رو بدرگاه رحمت سجده
در آید پس ندا رسد که سر بردار که شفاعت تو مقبول است و این است تفسیر عسی ان یبعثک ربک مقاما
محمودا و بروایتی یک سجده می افتد و زیر عرش یک هفته بگرید تا آنگاه ندا رسد که نظر بخواهم کرد
بسوی ایشان تا بیرون روند از میان ایشان سه نفر گویند کیستند ایشان بفرما تا جبرئیل اخراج کند ایشان را پس امر
فرماید جبرئیل را که بیرون کن شیطان را که بنا دوستان و منکران ما آنگاه میاورند دیناردار ابلیس را عمر را و امر کند
زبانه دوزخ که بکشید او را بسوی جهنم دنیا گوید خدایا تو حاکم عادلی و جور نمیکنی بسبب این عمل

شوهران دسنامی این بسپارند باو انگاه می اورند فرعون را با کلام از انش و بیرا هند از قطران بدر ...
سوا بیش کو باشد که کجا هستند کان من و منکبران و جباران و ضبرا با و ملحق سازند وا و بیشوی ا ...
پیرفا ببل رامی اورند بد سنو ندا رسد که کجا بند خاسدا و باو ملحق سازند وا و بیشترو ابشا نست بسوی ...
دوزخ پس اورند کعب بن هنبوده ران و علما ابشارا انکاه ندا کنند که کجا بند ا نها که علم وخوب کنما کر ...
ملحق کنند پس اورند ببعنر بد بشود با استهزا کنند کان وا بو جهل را با پیروان و امرء القیس را با شعرا ک ...
بنکه بخدای و رسول پس بسلمر را بدشو ربا مد عبان و مقربان پس اورند ها مان را باهر که مشغول اند ...
پادشاهان و بسوی ابشاانست بسوی انش دوزخ بعد ازان ندا رسد کجا است بلبس پس مبکشند اورا هفتا ...
بسوی انش جهنم و اورا د مبکند که ای حاکم عادل بسپار بمن و ذر کا مرا که کاهنان و ساحران و موبان ...
و غیره عیب کنند کان و شعبده بازان و خزینه داران که حمله شیا بند و نجار که بربط نوازند و ...
دف طنبور بند و شکار مرا که حربصان انکاه بیرون ابد مار از جهنم که کند کسر و کرد نش هفتاد سا ...
وجمع مبکند جمیع ایشان را بسوی انش دوزخ بعد ازان مبطلبد ابشان را که سایر خلق باشند بسوی حسا ...
منقولست که چون روز قیامت مبشود بیرون ابد از جهنم عقربی که نامش حریش است سرش با سما هفتم ...
هفتم و دو هالش از مشرق تا مغرب کرد اهل محشر کرد و طلب کند شش کروه را تارک نماز و مانع زکوة و ...
و رباخوار و صورت کر و کسیکه در مسجد حسا مال دنیا کنند و زنی کسی که سخن دنیا کوید و هم در ...
را در خیال که در قیامت حاضر نمایند هر بنده را اول سؤال کنند از مال کی از حرام جمع کرده بد و ز ...
واکر از حلال بوده مرتبا ابد که حسابش بکشند عمیر هشتم در تفصیل مراد فانت حسا و سؤاله د ...
مر ضبا پر اضطرا نال الله تعم وقفوهم انهم مسئولون یعنی بازدارید ابشارا ابنجیفکه ابشا سوال ک ...
شسد و لنسئلن عما کنتم تعملون از هر چه در دنیا مبکردند سؤال کرده خواهی شد و لبسند معتبر ...
محمد باقر منقولست که چون روز قیامت شود مردم برای حساب محشور مبکنند مبکنند براهوال ...
حسا مبرسند و در این مقام از کثرت و ازدحام و شدت و مشقت عظیم می کشند و بروایتی فرمود ع بار ...
بر راه محشر انقدر ابشان را بازدارند که عرق از ابشان بر زمین انقدر که نفسها ابشان تنک شود در ملک ...
پس ندا کنند از نزد عرش خدا بنداکه جمیع خلایق بشنوند که کجا است نبی امی پس باز دیگر ندا رسد ...
نبی رحمت محمد بن عبدالله قرشی عربی انکاه ان حضرت برخیزد و در پیش همه خلق روانشود چون او بنجا ...

بدارند پس آنحضرت را با سایر مرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم را می طلبند و در دست راست عرش بر پا میدارند پس
آنحضرت را طلبند و بدست چپ عرش باز میدارند بعد از ایشان آنجا بجای قلم ندا رسد که ای قلم آنچه الهام کردیم در لوح نوشتی گوید بلی
فرماید کی گواه تست گوید خداوندا تو میدانی و گواهی بس از سخن فرماید تمام کردی حجت خود را پس باز دارند لوح را پس بیاورند
آدمی را و بپرسند که آیا قلم ثبت کرد در تو آنچه را که باو وحی کردیم گوید بلی پروردگارا آنچه در من نقش کرد باسرافیل
رسانیدم پس اسرافیل بصورت آدمی با انبیا بایستد ازو سؤال فرماید که لوح بتو رسانید آنچه قلم باو رسانیده بود از وحی گوید
من گوید بلی خداوندا من بجبرئیل رسانیدم پس جبرئیل را طلبند در پهلوی اسرافیل بایستد از او بپرسند که رسانید
تمام وحیها را بتو رسانید گوید بلی پروردگارا من بجمیع پیغمبران رسانیدم و باخر کسی که وحی و رسالت و حکمت و کتاب و علم و کلام
و کتاب و علم را خواندم حبیب تو محمد بن عبد الله بود پس اول کسی که بعد از آدم سؤال طلبند آنحضرت باشد و خدا او را از همه
نزدیکتر گرداند به ایشان بالاتر بدارد و سؤال نماید یا محمد آیا جبرئیل بتو رسانید آنچه را که من وحی کرده بودم بسوی تو
از کتاب و علم و حکمت گوید بلی فرماید همه را بامت رسانیدی گوید همه را رسانیدم و در راه دین تو جهاد کردم و زحمت کشیدم تا خطاب
رسد که کیست که برای تو گواهی دهد گوید پروردگارا تو گواهی و ملائکه و نیکوکاران امت من گواهی تو کافی است پس ملائکه
را طلبند و گواهی بر تبلیغ رسالت دهند پس امت آنحضرت را طلبند و سؤال کنند که محمد بشما رسانید رسالت
مرا و کتاب و علم مرا بر شما خواند همه گواهی دهند آنگاه ندا رسد برسول خدا که کیست از میان خلق که خلیفه کردی
که کتاب و علم مرا ادا کند در آنچه اختلاف کنند حجت من باشد بعد از تو گوید بلی علی بن ابی طالب برادر و وزیر
و وصی من و بهترین امت من بود در حیات خود خلیفه و نصب کردم و مردم را باطاعت او خواندم که پیروی او نمایند پس
علی را طلبند و خدا ندا فرماید که یا محمد او را وصی و خلیفه خود نمودی و بعد از او امر امامت را تمام کردی گوید خداوندا
محمد مرا وصی خود کرده بود پس چون او بجوار رحمت تو رفت انکار امامت من کردند و با من مکر کردند و مرا ضعیف
کردانیدند و نزدیک شد که مرا بکشند و جمعی که سزاوار نبودند بر من مقدم داشتند و سخن مرا نشنیدند پس شمشیر
کشیدم و در راه تو جهاد کردم تا کشته شدم پس خطاب رسد که یا علی خلیفه برای خود نصب کردی که بندگان را بدین من
بخوانند و براه من هدایت نماید گوید بلی حسن که فرزند من و فرزند دختر پیغمبر تو بود نصب کردم و همچنین همه امامان
را طلبند با اهل عالم و جمیع پیغمبران را طلبند تا حجت همه بر ایشان تمام شود پس حق تعالی فرماید هذا یوم ینفع الصادقین
صدقهم یعنی این روزیست که نفع میدهد راستگویان را راستی ایشان و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خلایق برپای
حشر کنند نوح را طلبند و بپرسند که آیا تبلیغ رسالت کردی گوید بلی گواه خواهند گوید یا محمد بن عبد الله و امت آنحضرت که

مگر ورع و ترک گناهان ای اباذر انها که ترک حرام دنیا نموده اند اختیار زهد نموده اند بعفو و راستی اولیا

و دوستان خدا شده اند و هیچ چیز نزد خدا بهتر از ایمان و ترک محارم نیست یا اباذر هر که بسیار بود دنیا مت

سه خصلت پس بتحقیق که زیانکار و خاسر است و بر او ایمن مومن نیست که از خدا نیست ولی و ورعی که او را از محارم

الهی مانع بوده باشد دوم حلمی که بان رد جهل سفیه بجز نموده سیم خلقی که باعث مدارای با خلق گردیده

باشد و فرموده مطیع خدا یاد او بسیار نموده هر چند نماز و روزه و تلاوتش کم باشد و عاصی خدا او را فراموش

کرده هر چند نماز و روزه و تلاوتش بسیار باشد و فرموده در وصیت علی ع که ذکر خدا بهر سبحان الله و

الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست بلکه اینست که چون حرامی رو دهد از خدا بترسند و ترک آن

نمایند و در حدیثی فرموده که در بهشت حوری هست لعبت نام که زنهای بهشت در بارش جشن میکنند از برای هر

از برای شده موافقت کوی بلکه با خبار بیشمار و تجربه هشیار گناه باعث جرات شیطان و سلب توفیق عبادت

و لذت مناجات و ایمان و قساوت قلب و دوری از خدا و مضاعف بلاها و تنگی رزقها حاجات و رد دعوات و طاعات

و منع روزی و منع باران و کمی خیرات و نقص برکات دنیا و اخرت و رسوائی و خجلت روز حسرت و ندامت میگردد

و احادیث بسیار از جماعتی که شکایت میکردند از مصیبتها و آفت و فقر و امراض و انواع بلاها و در همه جا امر باستغفار

می فرمودند و حضرت صادق ع میفرمایند که نیست حرکت رگی و لغزش قدمی مگر بسبب گناهان چنانکه خدا میفرماید

ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر یعنی هر مصیبتی که بشما میرسد بسبب معصیتهای شما است

و عفو میفرماید خدا بسیاری از انها که عقوبت نمیکند و در صحیح فرموده بتحقیق که مومن قصد گناه می کند

پس از روزی محروم می شود و در صحیح موثق فرموده اند که خدا حکم و قضای حتمی فرموده که هیچ نعمتی را سلب نکند

مگر بسبب گناه و در این معنی قران صریح است و در صحیح فرموده که وحی رسید به پیغمبری که بقوم خود بگو بتحقیق که

هیچ قریه نیست که بر طاعت من باشند پس خوشحالی با ایشان رسید نگاه برگشتند از انچه میخواهم بسوی انچه

که ناخوش دارم مگر اینکه من هم بر گردم از انچه دوست دارند بسوی چیزی که نمیخواهند و جمعی که بر نافرمانی باشند پس

بلاها با ایشان رسید پس بر گشتند بعمل از انچه ناخوش دارم بسوی چیزی که دوست دارم مگر انکه من هم بر گردم از انچه

ناخوش دارند بسوی چیزی که خوش دارند و حضرت باقر ع میفرماید که گاه هست که بنده حاجتی میطلبد و نزدیک

است که خدا روا کند گناهی میکند پس بملک وحی میفرماید که حاجتش روا مکن که مستوجب غضب و حرمان گردیده و موقف

گویا باشکار ارتکاب گناه شدن گناه دیگر است و شناعت و عقوبتش در دنیا و عقبی از اصل گناه بیشتر است

و باعث شیوع گناهان و دفع منع ایشان و هتک پرده ناموس شرع شریف خواهد شد و اگر خدا مهربان از کمال شفقت
بان اغماض نشده و معلوم است که تظاهر شدن مردم بنافرمانیها آقای خود باعث زیادتی غضب و شدت عقوبت
او میگردد و اخبار در این باب بسیار است و حضرت امام رضا ع میفرماید که فاش کننده گناه مخذولست و پوشنده آمرزیده
نخواهد و حدیث نبوی هم نیز بمضمون این است و حضرت صادق ع میفرماید که امید نجات ندارم برای احدی از این امت
که حق ما را بشناسند مگر یکی از سه طایفه را سلطان جور کننده و بدعت کننده در دین و فاسقی که علانیه گناه
کند و پروا نکند و فرمود که چهار نفرند که شریک شیطانند که داخل در نطفه ایشان گردد کسیکه پروا نکند که چه
در این خصوص که چه میگوید و چه با او گویند و کسیکه بی پروا باشد از اینکه مردم او را در معصیت خدا ببینند و
که غیبت مؤمنی کند بی عداوتی از او و کسیکه بشهوت زنا و محبت حرام شعف شود و خواهش را رد و در بعضی احادیث
مذکور است که از اینجمله است دشمن اهل بیت ما و سبک دارنده دین و کسیکه از زنی که در حیض باشد نزدیکی کند و بدانکه
توبه کنندۀ از گناه مثل کسی که هرگز گناه نکرده چنانکه در موضعها وارد خواهد شد ان شاء الله تعالی و جلال روی نمود
در اجر سؤال موقف ثانی که از هوی نفسانی نهی خواهد شد چنانکه حق تعالی میفرماید فاذا جاءت الطامة الکبری
تا اینجا که و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی یعنی چون بیاید شدت عظیم که وصف و بیان است مافوق
همه شدتها و بلیتها است و روزی که بیاد می خواهد آمد که هر چه کرده فراموش نموده و نمایان شود دوزخ
هر بیننده را پس هر که نافرمانی کرده و حیات دنیا را اختیار نموده دوزخ است جای او و هر که ترسیده باشد از ایستادن
در پیش پروردگار خود در مقام حساب که یقین یا خوف داشته باشد خدا را که خود بینا و شنوا و دانا است نفس
چون یقین بخدا داشته و منع کرده نفس خود را از هواها و خواهشهای نفسانی پس بهشت جای او است و حضرت صادق
در این آیه میفرمایند این بنده ایست که قادر میشود بر گناهی و ترک میکند از خوف خدا که مکافات او بهشت است
و حضرت کاظم ع میفرمایند که بترسید از هوای خود که سرایت کند بشما و ابو عبدالله ع میفرماید که
نفس را با هوا او مگذارید که خواهش او در هلاکت خود است و منع نفس از خواهش او دوای او است و حضرت امیر المؤمنین
میفرماید که بیشتر بیم بر شما از دو خصلت متابعت هوا و طول امل زیرا فراموش میکند آخرت را و حضرت باقر
میفرماید که حق تعالی فرموده قسم بجلال و عظمت و شأن خودم که هیچ بندۀ اختیار نمیکند خواهش خود را بر خواهش
من مگر آنکه کارش را بر او پریشان و دلش را مشغول دنیا و اکثر اهتمامش را بآن میکنم و نمیرسانم باو مگر همان که مقدر فرموده ام
و بعزت و جلال و بلندی رتبۀ خودم سوگند که هیچ بندۀ ترجیح نمیدهد هوای مرا بر هوای نفس مگر آنکه میگردانم غنا

بسبب ابر و احسان والدین را در کمال مبالغه و تاکید مقرون بتوحید خود نموده و فرموده که اعبدوا الله و لا
تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا و در جای دیگر فرموده لا تقل لهما اف و در صحیح حضرت صادق فرموده
که خدای تعالی اگر چیزی کمتر از اف میدانست از آن نهی میفرمود و نظر بتندی بسوی ایشان عقوق است و در صحیح فرموده که بخشم نگرد
بر ایشان بر او ظلم کرده باشند و صحیح نماز او را خدا قبول نکند و فرموده که چون روز قیامت یکی از پردهای جنت را
بردارند هر جانداری بوی آن از پانصد ساله راه می‌شنود مگر عاق والدین و بحدیث دیگر قاطع رحم و پیر زانی و متکبر
هم نشنود و پیغمبر در عقبات [illegible] فرمود بگو لا اله الا الله نتوانست فرمود بزنی که بالای سر او نشسته بود که
او مادر او را دارد گفت من مادر اویم فرمود آیا از او راضی [illegible] گفت بلی فرمود راضی شو تا خدا راضی شود گفت راضی شدم
برای رضای تو آنگاه فرمود جوان را بتهلیل [illegible] و گفت فرمود چه میبینی گفت مردی سیاه زشت بدبوئی که بلباسهای چرکین
رو کرد گفت بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم
چون گفت گفت حالا چه میبینی گفت مردی سفید خوشبو با جامه‌ها نیکو بطرف من می‌آید و آن میرود فرمود باز بخوان این دعا را
پس پرسید چه میبینی گفت سیاه را نمیبینم و نورانی نزدیک میاید و در آن حال مرد پس فرمود دعا از چند کس مستجاب نیست پدر
برای فرزند نیکوکار و بر نفرین فرزند عاق و مظلوم بر ظالمش [illegible] از او و مومن بر مومن و بر هرکه [illegible]
و از حدیث نبوی است که با علی [illegible] بوی بهشت [illegible] که [illegible] و [illegible] که پدر
مادر خود را بزند پس [illegible] هرچه خواهی کن که داخل دوزخ نخواهی شد هرگز
و بحدیث قدسی [illegible] در صحیح نبوی است که عاق والدین و بد خواه البته در جهنم است و نیکوکار البته در بهشت
و در صحیح [illegible] که او صحبت طلبید بعد از عدالت [illegible] فرمود اطاعت و خوبی کن به پدر و مادر خود زنده باشند یا نه
و اگر امر کنند بیرون رو از اهل و مال [illegible] که این از ایمان است و حق والدین اقدم و اعظم است و بحدیث
نبوی هرکه پای مادرش را ببوسد عتبه بهشت را بوسیده و در روایتی کسی با حضرت گفت که هیچ قبحی نیست که نکردم
آیا مرا توبه هست فرمود پدر و مادر هست گفت پدرم زنده است فرمود با او نیکوئی کن چون برفت فرمود کاش
مادرش زنده بود و فرموده هرکه در باب پدر و مادرش سعی نکند کار زیاده شوم و دور است از رحمت الهی و هم چنین
در سوم ماه رمضان و صلوات [illegible] و حضرت رسالت [illegible] عام است [illegible] و فاجر
امانت و وفا بعهد و بر والدین و صحیح فرموده چهار صفت است هرکه دارد خدا او را ساکن کرد اند [illegible] اعلا علیین
در بالای زمین [illegible] و پناه و تکفل یتیمی چون پدر مهربان [illegible] و اعانت ضعفا و صرف مال به پدر و مادر و مدد

با ایشان ورزیدن و سفاهت به بنده زیردست خود در خدمت او بد و به سند صحیح امر فرموده اند بدعا و نصیحت برای ولد
که مخالفت باشند و در صحیح فرمود به تحقیق که بنده نیکوکار به پدر و مادر می باشد که بعد از مردن ایشان عاق شود به ترک
استغفار و اداء دین ایشان پس حق او را عاق می نویسند و عاقی شد که بعد از موت ادای دین و استغفار برای
ایشان کند او را نیکو می نویسند و در موثق که هر شب جمعه و پنجشنبه دو رکعت نماز با فضائل بسیار وارد شده
و هر روز چهار رکعت وارد شده و حضرت صادق ع فرمود چه مانع است شما را از بر والدین زنده باشند یا مرده
به نماز و تصدق و حج و روزه پس خواهد برای ایشان و مثل آن و زیاده می کند خدا عز و جل به سبب صله و خیر بسیار

فصل چهارم در بیان سوال موقف چهارم از حقوق جمیع که حق تعالی باو تفویض فرموده از اهل و اولاد که با
تعلیم قرآن و شرایع دین و آداب ایشان و تربیت ایشان نموده با ایشان را در صلح و ضایع گذاشته خدا فرموده قوا
انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة یعنی حفظ نمایید خود را و اهل خود را از آتشی که هیزمش
مردم و سنگ کبریت است فرموده ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم واهلیهم یوم القیمة به تحقیق که زیانکار
آنهااند که خود را و اهل خود را افکندند بخسران و زیانکاری روز قیامت و آیات بدین مضمون متعدد است
و از رسول خدا منقولست که لازم بر پدر و مادر برای ولد صالح هر حقی که ایشان را هست برای و نظر کرد
بسوی بعضی اطفال و فرمود وای بر اطفال آخر الزمان از پدران ایشان که تعلیم واجبات با ایشان نخواهند نمود
فرمود من بیزارم از ایشان و ایشان بیزارند از من و یکی از آن گروه که جهنم را در بسته دارند به حدیث نبوی که اهل
خود را امور دنیا آموخته اند و امر آخرت را نیاموخته اند چنانکه در عقبه مظالم عبادت خواهد ... فرمود
ادب و لا ذهبی است از صدقی یک صاع طعام هر روز به فرزند خود نمودن و فرمود که در روز قیامت حلّه کرامت
پوشانند بر مومنی که تعلیم قرآن به فرزند خود نماید گویا ده هزار حج و عمره و عتق و جهاد و اطعام نموده و بهر
حرفی ده حسنه و محو ده سیئه دارد و با او خواهند بود در قبر و میزان و صراط و از او جدا نمی شوند قرآن
تا در محل کرامت و را حاضر شده و افضل آنچه آرزو میکنند و اخبار در فضیلت تعلیم و تادیب و نصیحت
اصلاح و رعایت ایشان و مذمت عقوبت و تضییع و سوء تربیت ایشان بسیار است و می باید با ایشان سلوک
کرد که نرنجیده نشوند چنانکه در حدیث صحیح صادق ع از آباء کرام خود از رسول خدا ص فرمود که خدا رحمت کند
کسی را که اعانت نماید بر برّ و نیکی خود و اولاد خود همچنین والدین و رفیق و همسایه و سلطان و مصاحب خود را
و در احادیث معتبره نبویه منقولست که بهشت را دریست فرح نام داخل آن نمی شود مگر شاد کننده اولاد خود

و فرمود هر که تعلیم
قرآن بفرزند خود
نماید ...

اولاد خود محتاجی است از آتش و نظر بر روی اولاد خود نظر به بهشت و جفا خوردن با ایشان دوری است از آتش
جهنم و گرامی داشتن ایشان باعث گذشتن از صراط و کرامت بهشت است و هر که طفلی را در باید طفل را باو بازی
کند و تحیت گفت باین حضرت که هر که اطفال خود را نه بوسد مانند چون رفت حضرت بیرون فرمود از اهل جهنم است و هر که
به بازار رود و تحفه از برای عیال خود بیاورد مثل عامل صدقه است بسوی فقراء و باید که اول با دختر دهد که
شاد کردن دختر مثل عتق است از فرزندان اسمعیل ع و شاد کردن پسر مثل گریستن از خشیت الله
که مشوق جنت بهشت نعیم است و مبوق بگفت فرزند نهادن بد میراث لیکن نیکوی باشد بدانکه آیات در این معنی
بسیار است که اولاد فتنه اند بلکه دشمن شما بیند از ایشان حذر کنید غرض از نهی از افراط حب شرعیست که سبب ارتکاب
بحرام و شبهه شوند یا از تحصیل معرفت و اسباب سعادت ابدی و تدارک توشه آخرت محروم مانند و شب و روز
سرمایه عمر عزیز را که بهترین ذخائر عالیه و سعادت باقیه برای خود ذخیره باید کرد صرف خرج معیشت ایشان و صرف تو
امور ایشان نموده چون شمع خود را برای دیگران بسوزانند و حفظ حدود در همه باب علامت ایمانست
حضرت سجاد ع میفرماید که حق ولد آنست که بدانی او از تو و منسوب بتو است در دنیا بخیر و شر و بتحقیق
سؤال کرده خواهی شد در آخرت از چیزی که ترا متولی آن کرده اند از حسن ادب و راه نمائی او را بسوی پروردگار
خود و یاری بر طاعت و پس بعمل آورد و عمل کسی را که میداند مثالی است بر خوبی با او و معاقبت بر بدی او و از
احادیث نبویه است که هر که شفاعت مرا خواهد باید دختر خود بفاسق تزویج نکند که هر که چنین کند نازل
شود بر او هر روز هزار لعنت و بالا نمیرود از او هیچ عملی و نه دعا و هر زنی که تزویج فاسقی نمی شود چون از قبر
برخیزد میان دو چشمش نوشته آیس من رحمة الله و مغضوبست در دنیا و آخرت و هر شب و روز هفتاد خطا
و گناه است در حدیث دیگر هر که بشراب تعود دهد همانا او را بزنا داده و در خطبه وداع فرمود که هر که اهل
خود را ضایع گذارد و قطع رحم کند خدا او را ضایع و محروم گرداند روز جزا و هر که دو زن دارد بعدالت
میان ایشان سلوک نکند از خود و مال روز قیامت مغلول کرده آید یکطرف کج تا داخل دوزخ شود و هر که
ظلم کند بر زن در مهر او نزد خدا زنا کار است روز قیامت میفرماید که ای بنده من تزویج کردم کنیز خود را
بتو بعهد من وفا نکردی پس خود بان مطالبه نماید و تمام حسنات او وفا نکند انگاه فرماید او را بسوی
جهنم برند و بعد از آن بنات فرمود زنیکه از شوهر شکایت کند نماز و هیچ عباداتش مقبول نیست تا شوهر را
راضی کند فرمود مثل این عفو نیست بر مرد هر گاه از زن نماید تخفیف که مضاعف بر آن زن چنانکه بر

یتیم و حضرت کاظم ع فرمود که خدا غضب میکند بر چیزی مثل غضبش بر ظلم زنان و طفلان و در حدیث حضرت

باقر ع منقولست از رسول ص فرمود که آیا خبر ندهم به بدترین شما کسیکه بگویند بلی فرمود آنکه تنها باشد تنها میخورد تنها

خوابد و خیر خود را منع کند و فرزند و بنده خود را بزند و ملجا کند عیال خود را بکری بروایت دیگر فرمود که هر که زن خود را

دشنام دهد بناحق بیرون رود از حسنات مانند مار از پوست و بر او هر بدانش گناهی و نازل شود بر او لعنت

الهی و قبول نشود از او هیچ عملی و دشنام نمیدهد زن خود را مگر ملعونی تا آنکه فرمود منافق و فرمود دشنام

مدهید زنان خود را بزنا که مثل طلاق است غیبت میکند که شبیه بکفر است و بدانید که مرا این هر دو خراب

میکند عمل صد ساله را دشنام مدهید زنان خود را که در آن پشیمانی بسیار و عقوبت شدید است و فرمود ملعونست

هر که ثقل خود را بر مردم اندازد و ملعونست هر که عیال خود را ضایع کند و فرمود بهترین شما نزد من در روز

قیامت کسیکه خلقش نیکو و با عیالش بهتر سلوک کند و فرمود هر که زن را بزند بناحق من خصم اویم در قیامت

فرمود عجب دارم از او که خود را نزند سزاوار تر است بلکه بال و پر ایشان کوتاه کنید بترک لباس و زینت و هر که

راضی باشد بزینت و بیرون رفتن زنش از خانه پس او دیوث است نامی شود برای هر کاری که بردارد بخانه دوزخ

و فرمود هر که اطاعت زنش کند خدا او را بجهنم اندازد پرسیدند از اطاعت فرمود مثلا اذن میطلبد که بحمامها

و عروسیها و باغها رود پس مرد قبولی کند و ذکر موقف پنجم سؤال از احسانست بمملوک از غلام

و کنیز بلکه حیوانات و حقوق اینها حضرت سجاد فرمود حق مملوک این است که بدانی و آفریده پروردگار

است مالک او نشده برای آنکه خلقش کرده باشی بلکه از خدا است و مسخر تو نموده و خدمت ترا

دانسته برای نفع تو بتو سپرده پس احسانش کن چنانکه خدا بتو احسان کرده و اگر نخواهی بدل کن و از مخلوق

خدا مکن و در وصیت امیرالمؤمنین است که از خدا بترسید در زنان و مملوکان خود که آخر سخنی که پیغمبر

فرموده این بود که وصیت میکنم شما را بدو ضعیف در حدیث مبالغه شده در احتراز از ظلم

کسیکه پناهی و یاری بغیر خدا ندارد و باید دانست که بمضمون کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته هر کس بر

رعیتی و زیر دستی مقرر شده انسان بر اعضای شاکر و اخوان و رفقا و جوارح و بهایم که رعایت و محافظت

آنها واجبست و هر یک را حقی هست و احادیث بسیار است در حق حیوانات که بر وفق و هموار کنید در بار

و راه بحمل آنها متناسب بود و از منزل نگذرد و بر سوار نشود و در منزل باید ابتدا بعلف نماید و بیجا بر رویش نزنند

و هر که سوار آنها شد این اداب نکند مبادا حکم زیرا بلکه مرحبا نیست و با بار معروف نکند و اجر کشنده عرق خود

ان ملوک با این عنایت و جسد ششم در بیان کردن سؤال موقف ششم پس ندا می شود بسوی سرادقات جنات و از حق همسایه

می پرسید و در قرآن بعد از حق الله مبالغه عظیم در حق همسایه شده و حضرت صادق علیه السلام منقولست که از ما نیست کسیکه همسایگی

نیکو نکند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که حرمت همسایه مثل حرمت مادر است از رسول خدا روایت نموده که

هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد همسایه و مهمان خود را گرامی گرداند یا ساکت باشد و فرمود علی

با سلمان و ابوذر که ندا کردند در مسجد که ایمان ندارد هر که همسایه اش از ضرر او ایمن نباشد پس خود بدست

اشاره کرد بچهل خانه بچهار جانب و بروایتی چهل گز و در خطبه وداع فرموده که هر که از همسایه منع کند

از استعانت خواستن او یا عطیه او ندهد باو که محتاج باشد منع کند خدا احسان خود را در روز قیامت و او را

بخودش و هر که را بخود واگذارد هلاک شود و هیچ عذری از او مقبول نکند و هر که بخواند همسایه را پس

عورت یا چیز ناخوش مردی یا زنی یا چیزی از جسد او ببیند حق و ثابت شد بر خدا که او را داخل دوزخ

کند با منافقان که عیوب مسلمان میجستند و از دنیا بیرون نروند تا خدا ایشان را رسوا کند و در آخرت

عیوبش را بر مردم ظاهر کند و بروایت حضرت باقر علیه السلام فرمود ایمان بمن نیاورده هر که شب سیر بخوابد و همسایه اش

گرسنه باشد و نیست اهل قریه که گرسنه در آن شب بگذارند و خدا نظر کند با ایشان و بروایت دیگر فرمود

آزار مکنید همسایه خود را از روز زدیک خود و فرمود که هر که یک شبر از زمین همسایه خود را خیانت کند

خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوق کند و در گردن او افکند تا روز قیامت و بهمان هیئت بمقام حساب

در آید و فرمود ملعونست هر که آزار رساند بهمسایه اگرچه کافر باشد و حضرت کاظم علیه السلام میفرماید که حق جوار همین

نیست که آزار نرساند بلکه باید صبر بر اذیت همسایه کند و در وصیت علویست که خدا را یاد آورید در حق همسایه

بتحقیق که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب ایشان اینقدر سفارش فرمود که گمان کردیم که میراث برای ایشان مقرر شد

وقف هفتم در اجرای سؤال موقف هفتم از صله ارحام و حقوق ایشان و عقوبت آزار ایشان

از رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم منقولست که قاطع رحم خراب کننده خانها و هلاک کننده جانها و بر

خواننده ها و قطع کننده نسلها است و برطرف کننده عمرها است و در احادیث وارد شده بمجعل

و حالقة الدین یعنی برطرف کننده دین و عملی بهتر از احسان نیست و نیکی که با صله ارحام کند با عشیره

عمر و سعادت دنیا و عقبی است و با احادیث بسیار و حدیث نبویست که بزرگترین صدقات فرمود بخویش اگر

چه دشمن باشد و فرمود صدقه نیست در حالیکه خویش محتاج باشد و فرمود که با علی جزای سخاوت بهشت

ملع

مقدمه جامع

وبکلم

و تکلم بهشت فرمود لا اله الا الله الحی القیوم قد سعد من دخلنی بتحقیق که خوش بخت و رستگار شد هر که
داخل من شد حق تعالی فرمود بعزت و جلالم که داخل تو نخواهد شد شراب خوار و سخن چین و دیوث و مخنث و شرطی
و نباش و قطع کننده رحم و قدری را و بسند صحیح حضرت امام رضا ع گفت پدرم در شب معراج رحم بعرش چسبیده و شکایت مینمود
پرسیدم که چند پشت بهم میرسید گفت بچهل پدر و در موثق حضرت امام محمد باقر ع فرمود که در دو کنار صراط یکی رحم است
و یکی امانت است پس کسی صله رحم و ادای امانت نمود بگذرد بسوی بهشت و چون خاین و قاطع رحم باشد و خواهند
بگذرند در جهنم افتند و هیچ نفعی نمیکند با ایشان عملی و هیچ عبادات و بموثق از حضرت صادق ع که پرسیدند دشمن ترین
عملها بسوی خدا فرمود شرک بخدا بعد از ان فرمود قطع رحم پرسید بعد از ان فرمود ترک امر معروف و نهی از منکر و
بصحیح قران قطع کننده رحم ملعونست **جدول هشتم** بدانکه پرسش موقف هشتم که از حسد خواهد بود و ان اول
معصیتی بود که صادر شد و منشاء اکثر گناهان و ذمایم است چنانکه بانات تامل همه کس میفهمد و اظهار ان از کبایر
و بقول حضرت نبوی که در یا وکبر و حرص این سه اصول کفرند و بحدیث متواتر از انحضرت و حضرت باقر ع میخورد ایمان را
چون اتش هیزم را و افت دین حسد است و عجب و فخر بدانکه حسد خواهش زوال نعمت است از غیر تا باو برسد یا نرسد و
چون نعماء الهی پیوسته بر بندگان متظاهر و متواتر است همیشه حسود از دیده در عذابست چنانکه وارد شده ما نظر
بد خلق که با خلق بلکه با خالق همیشه بنزاع و جدال است و اگر زبان تواند بدل و بحدیث معتبر نبوی حق تعالی بموسی ع
گفت حسد مبر مردم را بر انچه داده ام از فضل خود و نظر بنفس خود زاد در پی انها مکن است که حسود دشمن نعمتها و مانع
قسمتهای من است و من از او نیستم و او از من نیست و لقمن گفت حسود راسه علامت است غیبت کسی بعد غیبت او و
تملق در حضور و شماتت در مصیبت اما غبطه که خواهش مثل انست برای خود ممدوح است و حضرت صادق ع فرمود
که مومن غبطه میکند نه حسد و منافق حسد میبرد و غبطه نمی کند و فرمود حسد و بغی یعنی بالا دستی بر همچو خود برابر
شر کند **جدول نهم** در بیان موقف سوال نهم و هم از مکر یعنی غدر و بیوفائی عهد و از خدعه یعنی فریب
مسلمانان خدا میفرماید و لا یحیق المکر السیء الا باهله ضرر نمیرساند مکر بد مگر بصاحبش و بقول نبوی هر که
عهد بشکند داخل اتش شود و منقولست که کم خطبه میفرمودند که نفرمایند لا ایمان لمن لا امانة له و لا
دین لمن لا عهد له و در بعض روایات این زیادتی هست و لا صلوة لمن لا یتم رکوعها و سجودها و امیر المومنین
میفرمایند مکار و خاین و خدعه در اتش اند و از وحی الهیست که با عیسی باید زبانت در پنهان مثل اشکار باشد و
هم چنین قلبت و حضرت صادق ع فرماید هر که برخورد با مسلمانان دو رو و دو زبان بیاید در قیامت با دو زبان در اتش

ودر حدیثی یکی از فقها باشد و بحدیث نبوی اثری از افقه او مترتب شد تا بجهد او در حفظ آن و بان معرفت شد و در چند
حدیث مرفوع نموده که واجبست بر مؤمن مناصحه و خیرخواهی مؤمن در حضور و غایبانه و در صحیح است که مثل خیرخواهی
خودش و از رسول خدا منقولست فرموده که از ما نیست هر که غش و مکر کند با مسلمانان و مسلمان نیست هر که اهتمام بامور
مسلمانان نداشته باشد و احادیث بمعنی قریب متواترست و بعضی زیادتی دارد و هر که بشنود استغاثه مسلمانی را
و اجابت نکند مسلمان نیست و فرمود بر تو باد بخیرخواهی و نصیحت مسلمانان که ملاقات خدا نخواهی کرد با عملی بهتر از آن
و در چند حدیث باین مضمون وارد شده که فرمود شخصی را ملائکه در قبر زنده کرده نشانیدند گفتند ما صد تازیانه
بتو از عذاب الهی میزنیم گفت طاقت ندارم یکی یکی کم کردند تا گفت طاقت ندارم تا بیکی رسید گفت از یکی دیگر چاره
نیست پرسید بسبب چه گفتند روزی نماز بی وضو کردی و گذشتی بر ضعیفی و یاری او نکردی پس یک تازیانه از عذاب الهی
بر او زدند که قبرش پر از آتش شود و در خطبه وداع است هر که شبی روز کند و غش مسلمانی در دلش باشد در
سخط الهی باشد تا توبه نماید و اگر توبه ننموده بمیرد بر غیر دین اسلام مرده باشد و فرمودند بان خدا که جان محمد در قبضه
قدرت اوست نمیگذارد خدا رحمت خود را مگر بر رحیم کنند گفتند ما همه رحیم دلیم فرمودند رحیم نیست که بر خود و اهل خود
بلکه رحم کنند مسلمانان را و باصحاب گفتند مسلمان کسی است که از دست و زبان او خلق سالم باشند و در حدیث وارد شده
که هر پنجشنبه اعمال امت بر رسول خدا عرض میشود آنحضرت برای همه استغفار میکند مگر دو نفر که باهم قهر باشند که
فرماید بملائکه وا گذارید این دو نفر را تا آشتی کنند و صاف شوند که با شمول رحمت الهی منوط بالفت و محبت
مؤمنانست باهم و لهذا در حدیث وارد است که اصلاح افضل است از عموم عبادات و حضرت صادق فرمودند
که هر که سعی کند در حاجت برادر مؤمن خود و باخلاص خیرخواهی نکند خیانت کرده باشد با خدا و رسول و ائمه
علیهم السلام و باین معنی احادیث متواترست و در بعض آنها هست که خصم او باشد خدا و فرمود هر که در مشورت
بعض خیر نگوید خدا رایش را سلب کند و فرمود هر که کوشش در مطلب برادر جمعی که نخواهند سر بت کوشها او بخته خوره
شد و روز قیامت معذب است و فرمود خدا هیچ پیغمبری نفرستاد مگر آنکه امر کرده مردم را براستی سخن و اداء امانت بخوب
و بد و فرمود نظر مکنید بطول رکوع و سجود مردم که عادت شده و ترک آن وحشت میرساند و لیکن براستی و امانت او
نظر کنید و فرمود هر که امین شمرد او نیست داند را ابیضا حقش رد نماید هفتاد هزار عقده های آتش از گردن خود گشوده
باشد پس مبادرت نمائید بادای امانت بدرستی که امانتی که بکسی می سپارند صد شیطان با وکیل میشوند که
او را وسوسه و گمراه و هلاک کنند مگر کسی که خدا نگهدارد و حضرت سجاد فرمود اگر قاتل پدرم مرا امین کند بشمشیری که

بدتر از آن کشته البته او را در جهنم کنند و در حدیث نبوی است که هر که امانتی را خیانت کند و بصاحبش رد نکند
تا بمیرد در غیر دین من مرده باشد و خدا را که ملاقات کند بر او غضبناک باشد و هر که بخرد چیزی را که خیانتی در آن
باشد بر او هست مثل گناه خیانت کننده و در خطبه وداع است که هر که امین شود بر مالی با حرفی و ادا نکند تا بمیرد
کند خدا بر او غضب کند و در آتش مخلد ماند او را و هرگز بیرون نیاورد و در صحیح حضرت صادق می فرماید عهد
برادر مؤمن نذری است که کفاره ندارد پس اگر خلف آن کند ابتدا بمخالفت خدا کرده و بسخط خدا متعرض شده چنانچه
خدا این آیه را ذکر فرمود کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللهِ اَنْ تَقُوْلُوا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ یعنی بزرگ شد از روی غضب نزد خدا گفتن چیزی را که
نکنی و در صحیح از حضرت رسول صلعم ذکر فرمود که هر که ایمان بخدا و روز جزا دارد باید وفا کند هر وقت که وعده کرده
و در روایت دیگر فرمود وعده دین است عین ذنب در ذکر شی از احوال پریدن نامها اعمال و سؤال موقف
که نه پر شدت و ملال از کردار عباد از ترک و افعال و نامه عمل خوانندن هر یک از اصحاب یمین و شمال قال الله تعالی
وَكُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِيْ عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُوْرًا اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفٰى بِنَفْسِكَ
الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيْبًا و از این چشمه چون چشم ارباب بصیرت انهار البیان منشعب و منفجر میگردد که بسیاری از
اجزای این حال موقف اعمال و سؤال و دانستن عقبه صعب پر خلل و ذلل بروایت شیخ از امیر المؤمنین ع منقولست که بعد
از حساب سرادقات خلایق محشور میشوند بسوی گرفتن نامهای عمل بعد از آن چه چیزی را بخدا سؤالی شوند از
یازده چیز اول صدقات و اینها در مال لازم فرموده از خمس و زکوة و کفارات و اطعام و صله ارحام و عطاء فقرا
و همسایگان و ایتام و غیرهم و چون عمل صدقات در صعوبت عقبات که از فرایض و اعظم مثبتات اسلام که می بینند خوب
امیدوارند این مقام بذکر شمه از عقوبات ترک صدقات غیر مشهوره و حقوق مجهوره لازم در مال و فضیلت قیام آن
کتفا می نماید حضرت صادق ع بمفضل فرمود که حق تعالی فرمود که ایمان نیاورده بمن کسی که سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه
باشد و فرمود هر که از مالش منع کند مؤمن محتاج را نخواهد چشید بخدا سوگند از طعام بهشت و نه از شراب مختوم
هر که بسکنا خوانه او مؤمن محتاج باشد و بند نه حق تعالی فرماید ای ملائکه من بخیل و دریغ کرد این بنده من بر بنده من
سکنای خانه خود قسم بعزت و جلال خودم که ساکن نخواهد شد در بهشت من هرگز و فرمود هر مؤمنی که منع نماید
چیزی از مایحتاج او را و قادر باشد از خود یا غیر از خود باز دارد در حق تعالی او را در روز قیامت رو سیاه و چشم کور
دستها بگردن بسته نگاه نداشود که این است خائنی که خدا و رسول را خیانت کرده پس ماموری میشود بجهنم و
در صحیح فرمود که مبتلا کند خدا او را بقضای حاجت دشمن ما که بر آن هم معذب شد بصحیح دیگر فرمود که مسلط

کند خدا براو ماری از آتش که بگزد او را در قبرش تا روز قیامت که بخشند یا عذاب کند او را و اگر طلب هم کرد
معذب بود و در حالتی بدتر از او نیست و در صحیح فرمود که خرج کن و جزم بعوض داشته باش و این را بدان که هر که خرج
نکند در طاعات الهی مبتلا شود بخرج در معصیت الهی و هر که در حاجتی دوستان خدا براه نرود مبتلا شود باینکه در حاجت
دشمن خدا راه برود و هر که خانه زیادتی داشته باشد و داند مؤمنان محتاج هستند و ندهد ملائکه میفرمایند
و هر که پسر خود را مؤمنی بزد او گرسنه باشد خدا عز و جل میفرماید که ای ملائکه گواه میگیرم شما را که اینها بنده
که من او را امر کردم این نامرت تمام کردم و اطاعت غیر من نمود و اگذاشتم او را بعمل خودش قسم بعزت و جلالم که نیامرزم
هرگز حضرت کاظم ع میفرمایند که رسول خدا ص لعنت نموده سه نفر را آنکه توشه خود را تنها خورد و کسیکه در
بیابان تنها رود و کسی که در خانه خالی تنها بخوابد بسند معتبر در خطبه وداع فرمود که هر که منع کند حاجتی را با قدرت
پس بر او است گناه عشار پرسیدند از گناه عشار فرمود بر او است هر روز لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلق بسند معتبر از حضرت
منقول است که خدا را بندگانی چند هست که ایشان را مخصوص گردانیده است بنعمتها برای نفع بندگان خودش پس اگر منع کنند بندگی
تحویل میکند و فرمود هر که منع کند چیزی را از خوبان بالخیار صرف نماید حق تعالی مال او را با شرار بالسان
و فرمود هر که سائل گرسنه را از در خانه اش رد کند خدا او را در ماه رمضان عذاب کند و فرمود تو مبادا که
خود را اگر غضب کند خدا از او و شمن دارد رد سائل چهار رخصت نیست مانند اور و شدن و فرمود که شب سائل را مرد دارد
کند و فرمود که رد مکن سائل را اگر چه سوار باشد و بر دری هر چند بنفعه حرما باشد و بحدیث حضرت صادق ع
مرویست از آنحضرت پرسیدند که آیا در مال حق هست بغیر از زکوة فرمود آری بر مسلمانان هست طعام گرسنه که هرگاه
سؤال نماید و پوشیدن برهنه هرگاه سؤال کند گفتند میترسیم که دروغ گوید فرمود که آیا نمیترسید که راست گوید
و بحدیث دیگر فرمود اگر نه این بود که دروغ می گویند هم باک نمیشد هر که رد ایشان میکرد و حضرت امام رضا ع
میفرمایند وحی شد بموسی ع که بتحقیق که ملائکه چند هستند که عطا نمایند در این خلق کرده ام تا از او سؤال
میکنند پس نظر کن چگونه خواهی کرد و بحدیث دیگر فرمود که موسی پرسید الهی چیست جزای کسی که مسکینی را اطعام
کند برای رضای خدا خطاب شد که میفرمایم بروز قیامت که منادی ندا کند که او آزاد کرده خداست از آتش جهنم
و فرمود که بلیع بکنید دوست دارم از مقداد و اهل بیت خوان از مسلمانان گرسنه ایشان را سیر گرداند و برهنه
ایشان را بپوشانند و ایشان را از سؤال باز دارند دوست دارم از مقداد و در صحیح حضرت امام محمد باقر ع میفرمایند
که اطعام برادر مؤمن در راه خدا از اطعام صد هزار نفر از مردم و بحدیث دیگر بهتر است از ماننده آن بنده صحیح

وفقیر نمی‌شود و از همه چیز سنگینتر است بر شیطان و حضرت صادق ع میفرماید که اول بدست خدا میرسد پیش از دست
سایل و فرمود تصدق شب محو کبایر و حساب قیامت را آسان میکند و روز عمر و مال را زیادی نماید و خدا بر هر چیز
خازنی مقرر فرموده بغیر تصدق که خدا آنرا میگیرد و حفظ می‌نماید و پدرم چون تصدق میکرد چیزی در کف سایل میگذاشت
پس بر میداشت و می‌بوسید و میبوئید و باز بدست او میگذاشت و از رسول خدا ص منقول است که تصدق پنهان آتش غضب خدا را
فرو می‌نشاند و همیشه از آداب ائمه ما بوده که بعد از ثلث از شبها دوش مبارکشان را پر از نانها و درمها فقرا ظاهر میشد و پنهان
از آن حضرت که کدام صدقه افضل است فرمود آنکه بجهد صادر شود از قلیل پس این آیه را فرمود وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ
لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ فضیلت صدقه پنهان تصدق با فقر در فقر کرده شده و در وصف انصار میفرماید که دیگرانرا بر خود اختیار می‌کنند
هرچند خود احتیاج داشته باشند و در صحیح حسن خود فرمود چرا تصدق نکنند بقوت روزش بتحقیق که سبب مرگ بد را ملک الموت
داده میشود پس تصدق میکند گفتم هرگاه بود باو که پس ده و در موثق از حضرت سجاد ع ذکر فرمود که هیچ کس بر مسکین ضعیفی
تصدق نمیکند پس او دعا میکند مگر آنکه مستجاب شود و در صحیح از آن حضرت ذکر فرمود که اول چیزی که دوزخ قیامت
ابتدای شود با صدقه است و فرمود واسطه خیر مثل خیر کننده است اگر بفرستد دست بدست چهار شود اجر دارند بی نقصان
صاحبش و رسول خدا ص میفرمود هرگز مالی از صدقه کم نشده است و مکرر تجربه شده است و اخبار در این باب متعدد است
و بعضی از این زیادتیهاست هرکه از منع حقوق زیاده نشد و فرمود تصدق کننده اول کسی است که داخل بهشت و وارد میشود
بر من در حوض کوثر و فرمود یک در حیات تصدق کردن بهتر است از هزار اشرفی بعد از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که
یک درهم پیش فرستی بهتر از صد مثقال طلا است که بعد از تو بفرستند و بروایت باز فرمود که صدقه پنج حرف گوید
آنکه مرا باقی کردی و فانی بودم بسیار نمودی و اندک بودم بزرگم ساختی و خورد بودم دوستم کردی و دشمن تو بودم حافظ
خود نمودی و حافظ من بودی و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که پرسیدند از آن حضرت از نماز و نثرانی فرمود نور
باد بصدقه که نور است در صراط گفتم روزه چه طور است فرمود بر تو باد بصدقه پس بتحقیق که آن نور است در دل
گفتم تسبیح چه طور است فرمود بر تو باد بصدقه که مهر حورالعین است گفتم پس نماز شب گفت افضل است از نماز شب
و در حدیث یا علی یک لقمه نان در صدقه بهتر است از هزار رکعت نماز سنت و بروایت دیگر فرمود یا علی تصدق بر پنج قسم است
یکی بر ده تصدق بر فقرا است که سالم باشند و یکی بهفتاد اگر مبتلا باشند و یکی بهفتصد اگر خویش باشند و یکی
بهفت هزار اگر مرد باشند و یکی بهفتاد هزار اگر مرده باشند و بروایتی بصد هزار اگر طالب علم باشند و حضرت صادق ع
میفرماید صله ارحام بکند درهم افضل است از هزار هزار درهم در راه خدا بدهد و فرمود که هر که قادر بر صله ما نباشد صلحا

شیعهٔ ما را صله نمائید که ثواب صلهٔ ما را در یابید و باید دانست که صلهٔ محتاج غیر سائل اهم و افضل است و حضرت
فرمود که امیر المؤمنین ع بشخصی که سؤال نمی کرد از آنحضرت و از هیچکس چیزی سؤال نمی نمود فرستاد کسی عرض کرد که او تو چیزی به
از شما نطلبید بگو تو هم کافی بود فرمود خدا مثل ترا در میان مؤمنان زیاد نکند من عطا میکنم و تو بخل میکنی هرگاه
کسی که امید و توقع از من دارد و بدهم پس اگر بعد از سؤال بدهم نداده باشم مگر قیمت چیزی را که از او گرفته ام آب
ملتجا ساختن او بریختن آبروی خود را که پیش من بر زمین میگذارد برای پروردگار و بعبادات و طلب میکند پس هر که ابرار چنین کند
راست کفته باشد بجد در طلب مغفرت و بهشت برای او که بزبان میگوید اللّهم اغفر للمؤمنین و بعمل آن ضایع نمیکند و
نصیب او نمی کند بخل حطام از مالش و باید دانست که چون سؤال و گدائی حرام است چنانکه مذکور خواهد شد پس
ملتجا ساختن و موقوف نداشتن عطا بر سؤال اعانت بر امر حرام است و موجب بازی اکرام و در صحیح حضرت صادق ع
میفرماید که خدا رحمت کند بنده را که عفت و استغنا ورزد و بسبب تکلیف خود را با استغنا و عفت بدارد و باز البته
از سؤال کردن پس بتحقیق که آن بتعجیل میکند مذلت دنیا و آخرت را و از چیزی هم بی نیاز نمی کند و فرمود که زنهار
سؤال مکنید از خلق که موجب مذلت در دنیا و فقر عاجل و حساب طویل روز قیامت میگردد و فرمود چهار سبب است
طمع و رغبت ذلیل کنندهٔ و اخبار در این معنی بسیار است که بد بنده ایست چنین بنده و در بعض احادیث هست که نیست
از شیعهٔ ما سائل بکف و تمکین دهندهٔ مردان از خود و فرمود طلب حاجت از خلق بر طرف کننده عزت و حیا است
و یاس از آنچه در دست مردم است عزت مؤمن است و طمع فقر بیست حاضر و کسی از رسول خدا عملی خواست که باعث
دوستی خدا و خلق شود فرمود رغبت کن بآنچه نزد خداست تا ترا دوست دارد و آنچه در نزد خلق است بی رغبت شو
تا ترا دوست دارند و از جمله حضرت کاسه و کلیم کهنهٔ سائل را فروخت و بکسب باز داشت و فرمود حلال نیست
تصدق برای غنی و نه صاحب مروت قوی و فرمود که نمی شنود بوی بهشت و نمیخواهد دید مرا فقیری که حاجت خود را
عرض بر اهل دنیا نماید باید با بستند بر در خانهٔ او اگر چه یکساعت باشد و در خطبهٔ وداع فرمود که هر که تعظیم نماید
دنیادار را و دوست دارد او را برای طمع غضب کند بر او خدا و با قارون بدرک اسفل جهنم باشد و فرمود یا
اباذر اگر همهٔ مردم باین آیه یقین و عمل کنند البته همه را کافی است وَمَنْ يَتَّقِ اللهَ الآیه یعنی هر که پرهیزکاری
نماید از نافرمانی خدا برای او راه بدر رفتن از اضطراب و احتیاج کرداند و روزیش میدهد از جائی که گمان نمی
کند و هر که توکل کند بر خدا بس است او را و این مضمون نصف مضمون بسیار است لکن بسبب آنکه ادعای ضرورت
معاش میکنند و جرأت ارتکاب تحصیل بوضعی از امر نامشروع مینمایند حضرت صادق ع فرمود هر مؤمنی

فرمو

که فرمودند نمی‌باید به مقتضای سلطان با مخالف دین جمع شود که طمع دنیا خدا او را خوار کند و دشمن دارد و بر روی خود بیندازد و اگر چیزی به دستش آید برکت ندارد و اگر در راه خدا خرج کند اجر ندارد و بدانکه اکثر طمعها از ضعف توکل و یقین
و امید به خلق داشتن ناشی میشود و هرکه در تحصیل توکل داشته باشد باید که در عظمت و وسعت قدرت الهی و حکمت
و خزاین رحمت نامتناهی او فکر کند و در مذمت خواطر مستغرق و مخلوق در نظرش سهل شود و طمع و التجا بمردم بسبب ایشان ضعیف شود
در این وقت است که سعادت جاوید و کرامت و بهجت اقبال میکند بر او و جمیع صفات ملکی در او جمع میشود
چون امیدش بخدا منحصر شد در هیچ امری از امور متوسل بغیر او نمیشود بلکه باید که در فکر و ذکر او باشد و متعبد به هدی او
که جمیع کتابی کند و متوجه او گردد بکر انچه حق میکند و خواهد و حضرت باقر علیه السلام فرمود که اگر میدانست سؤال کننده
آنچه در سؤال است هرگز سؤال نمی‌کرد و عطا کننده آنچه در عطیه هست هیچکس رد نمیکرد و جماعتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله
بر ضمان بهشت نمودند آنحضرت بعد از ضامن شدن فکر سببا فرمود ضامن شدم که چیزی از کسی نطلبید پس بخدای
اجتنابی کردند که سواره که تازیانه که از دستش می افتاد نمیتافتند که خلق رو به آن تازیانه را نمی طلبیدند که مبادا
کرده باشند خود فرود آمده بر میداشتند و آنکسیکه زیر بکر بود نمیخواستند بلکه خود بر میخواستند و
فرمود که شیعیان ما آن است که چیز بجوب سؤال گدائی و فرمود که از مردم سؤال مکنید اگرچه بند نعلین باشد و حضرت
امیر المؤمنین فرمود ما بعث که فرموده پیغمبر است که فرمود هرکه دری از سؤال بر خود بگشاید خدا دری بر او از فقر
اجتها بگشاید و بر او بی هفتاد در و فرمود یا باذر اگر آدمی بگریزد از روزی خود چنانکه از مرگ میگریزد البته روزی او
بی در کش میرسد ای باذر اگر چیزی طلبی نخدا خوش بطلب اگر باری خواهی از خدا بخواه بتحقیق که قلم قدر جاری
شده با آنچه واقع خواهد شد تا روز قیامت بیمار اگر جمیع خلق جهد نمایند بر سانیدن نفعی که نوشته نشده برای تو
قدرت ندارند پس عملی که تواند برای خدا بکن از رضا و یقین با در غدد الامر کین بر سکر وه که خیر بسیار
و نفع و فرج و یسر با صبر است و بروایت حضرت صادق علیه السلام فرمود یا باذر سؤال مکن و اگر چیزی بتو دهند قبول کن و فرمود
هر که را بی سؤال چیزی بر سد و رد کند بر خدا کرده و بروایت عامه پیغمبر صلی الله علیه و آله هدیه برای عمر فرستاد و او رد کرد آنحضرت
کرم و گفت شنیده ام که فرمودی خوب بعنی است شما کسی است که چیزی از مردم قبول نکند فرمود که آن از روی سؤال است
اما بی سؤال اگر برسد پس آن روزیست که خدا بسوی تو فرستاده و آنحضرت هدیه را قبول میفرمودند و بهتر از آن بدل
مینمودند و باید دانست که گدائی یدا سنت طمع که آنهم گدائی باطنی است هرچند اظهار نکنند نه همین بکفلو
طلبیدن است با خوف بلکه بلت لقمه داشتن است بلکه هراد تو ما از خلق مقت خواستن گدائی و حرام است مگر از انبیا

و ائمه نیز طلب خوب نیست بتجویز بعضی فقها در اضطرار و مسلم نیست که اینجا اضطرار هم معنی ندارد مگر احتیاج و گویا
بعض احادیث مذمت سؤال بعد از احتیاج که ما شد او داشت موهم این جواز است چنانکه ابن عمیر از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سؤال کند از مردم و قوت سه روزه داشته باشد ملاقات کند خدا را روز قیامت در حالتی
که هیچ گوشتی بر روی او نباشد و فرمود هر که سؤال کند بی حاجت بزودی باضطرار محتاج کند او را و بر او
آتش جهنم را برای او ثابت نماید این حدیث دلالت بر شدت حرمت سؤال بی حاجت میکند نه بر جواز با حاجت
بلی حدیث حسنی هست که حلال نیست سؤال مگر کسیکه فقر شدیدی یا دین فضیحی و لیکن بعنوان سند قوتی که اثبات حکم شرعی
نماید معاملا استعانت از غیر خدا در امور غیر ضروریه اگر حرام نباشد کراهت شدید دارد چنانکه در صحیح مفضل از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که فرمود خدا وحی نمود بداود علیه السلام که هر بنده که بر من اعتماد نموده و از خلق ببرد میدانم صدق نیت او را البته
اگر آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست با او در مقام کید در آیند البته که مفری و چاره برای او بسازم و هر بنده که
متوسل باحدی از خلق شود قطع کنم از دست او سببهای آسمانها را و فرو برم زمین را از زیر او که دستش از همه جا
کوتاه شود و پروا نکنم که در کدام وادی هلاک شود و در صحیح عالی فرمود هر که متوجه امری شود که خدا متوجه
البته خدا متوجه امور چند شود که او میخواهد و هر که طلب یاری عصمت نماید او را حفظ میکند و هر که
خدا متوجه حوال و حفظ او باشد پروا نکند اگر آسمان بر زمین افتد یا بلیه از آسمان عالم را فرو گیرد که او
بنعمت از آن بلیه اهل اسلام هر بلیه نمی بینی که خدا میفرماید ان المتقین فی مقام امین و کلینی بسند معتبر از
حسین بن علوان روایت کرده که در مجلسی طلب علم می بودم و خرجی من در بعضی از سفرها آخر شد بعضی از رفقا پرسید
که امید داری بر این پریشانی گفتم فلان را گفت پس گمان دارم حاجت ترا روا نمی شود و بامید نخواهی رسید گفتم
چه شد گفت بحضرت صادق علیه السلام مرا خبر داد که در بعضی کتب خوانده ام که خدا میفرماید بعزت و جلال و مجد و رفعت
شان خود در عرش بزرگواری خودم که قطع می کنم امید هر امیدواری را از غیر خودم و بپوشانم لباس خواری و ذلت
را بر او میپوشانم نزد مردم و از درگاه قرب منزلت فضل و فضل خود دور میگردانم آیا در غم سختی امید بکسی بندد
منزلت غیر مرا امید میدارد و بحلقه فکر خود در گاه دیگر را ای گوید و حال آنکه کلید همه درها بدست من است
همه درها بسته و در بعض الحسنات برای هر که بخواند مرا پس کلام بنده من در بلا و بمن امید دارد که قطع
امید او کرده و کدام بنده من برای مهم عظیمی امیدوار شد که من او را از درگاه خود محروم و نا امید کرده ام
آرزوهای بندگان نزد من محفوظ است که تا هنگام حاجت با بیشان برسانم و دانی نپسندند بحفظ من و آسمانها

بکریم از مملکت که سائل اند و ندانند از عبادت من و امر کرده‌ام که ایشان در عطا فیض و رحمت را به بندگان من
بندگان من پس اعتماد ندارند بعضی من آیا این اندیشه اند که بر او وارد شده (بلا الا من) که هیچ کس دفع آن نمیتوانند کرد غیر من
مگر باذن من پس چرا چنین غافل از خود می بینم عطا نمودم باو محض جود و فیض خود چیزها چند که از من سؤال نکرده
بود و بعد از آن باز گرفتم پس از من طلبید تا رد کنم و سؤال از غیر من نمود آیا می‌بیند که سؤال نکرده بدهم و بعد
از سؤال نخواهم داد بسایل خود مگر بخیلی که بنده من مرا به بخل نسبت می‌دهد آیا جمیع جود و کرم مخصوص من نیست
آیا همه عفو و رحمت از من نیست آیا نیست چنین که من محل کل آرزوها هستم پس کی قطع امید ایشان کرده من تواند کرد
آیا نمیرسند امیدها از غیر من امید میدارند پس اگر اهل آسمانها و زمین همه از من خواهند هر یک در آنچه طلبیده الله
و از ملک من قدر عضو پشه کم نشود و چگونه کم میتواند شد ملکی که من قائمم پس بدا حال ناامید از رحمت
رحمت من و بدا حال کسی که عصیان و نافرمانی من کند و هیچ جبار را از من نکند که کرد و قهر بر او در ملعتر از سؤال عقبه
دو بکه از قول حق و انصاف مطلق در همه حال از حلم و عفو از خلق است و کمال مبالغه تمام و اهتمام بمحافظت این
صفت شده است چنانکه در صحیح حضرت سجاد ع منقولست که رسول خدا ص که در آخر خطبه‌های خود میفرمود که خوشا حال کسیکه
نیکو و خلقش پاکیزه و باطنش صاف و ظاهرش خوب باشد و زیادتی مالش را انفاق کند و زیادتی سخنش را نگاه
دارد و انصاف دهد مردم را از خود و حضرت صادق ع فرمود سید و بزرگ اعمال سه است اول انصاف مردم از خود تا
آنکه نخواهی چیزی برای خود مگر آنکه مثل آن را برای ایشان خواهی و هم مواسات با برادر مؤمن در مال و یاد خدا در همه حال
نه همین گفتن سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ ولیکن اطاعت در امر و نهی که از خدا بشود و در صحیح دیگر فرمود
که مؤمنان شدیدتر از این سه بلا از ما نیز نشده اند و در صحیح دیگر فرمود که این سه شدیدترین فرض الله است و رسول خدا
نیز چنین فرموده و در موثق فرموده سه نفر روز قیامت نزدیکترین خلق‌اند بخدا تا از حساب خلایق فارغ
شود کسی که قدرتش حال غضب باعث جفا بر زیر دستش نشود و کسی که میان دو نفر باشد و ذره میل بیکی نکند
بضرر دیگری و کسیکه حق گوید در هر چه نفع یا ضرر باشد و در صحیح حسن بن محبوب فرموده منصف از خود مردم
و مقبول است حکم او بر غیر او و فرموده هر که بیکی انصاف ندهد بخصم خود که رو که نیکو گر آنکه غلبه کند بر او و در صحیح دیگر آنحضرت
با قرع ذکر فرموده که خدا را بهشتی هست که داخل آن نخواهند شد مگر سه نفر یکی آنکه بحق حکم کند در خود و در خصوص
عفو از خلق و نبودن غضب و مراء و خصومت که اهم لوازم ایمان و اتم و اهم فضایل اهل جنانست آیات بسیار و روایات
بسیار است و حضرت صادق ع ذکر فرموده از رسول ص که جبرئیل در هیچ چیز آنقدر مبالغه و اهتمام ننمود که در کار

اسرار مؤمن و مناصحه ایشان در انجا صحیح تر است که با خبر نیا رسید بعضی به بعضی منتشر شده و از امیر المؤمنین ع که تو به نهار ... مستوق
و مجادله مکنید که دلهارا مشغول میسازد و بر ضیغه ابدا و برادران نفاق میآورد و در کشف عیوب مینماید یا بن مضمون
اخبار بسیار است و فرمود روز قیامت منادی ندا میکند که بر خیزند اهل فضل پس هر که پیشی کنند کان میگویند چیست فضل شما
خواند فمن عفی و اصلح فاجره علی الله و فرمود رسول خدا ص که هر که با سه خصلت خدارا ملاقات نماید داخل
میشود بهشت از هر دری که خواهد حسن خلق و ترس از خدا در پنهان و آشکار و ترک مجادله هرچند که حق با شد و از
که حضرت عیسی ع به یحیی ع وصیت فرمود که هرگاه بدی در حق تو گویند که داری بدانکه گناهی را بیاد تو آورده اند از
استغفار کن و الا بدانکه حسنه برای تو ثوابی نوشته شده و امیر المؤمنین ع میفرماید که هرکس با بدان سرکشی انتقام
نکشند شریف از وضیع و حلیم از سفیه و نیکو از بد و صالح از فاجر پرسیدند از ... فرمود هر که حلیم تر باشد
پرسیدند که کیست حلیم ترین مردم فرمود آنکه هرگز بر غضب نیاید و حضرت صادق ع فرمود در صحیح کیست که ضامن شود
چهار چیز را چهار خانه در بهشت انفاق بی ترس از فقر و افشاء سلام در عالم و ترک مراء در نزاع اگرچه محق باشد و انصاف
دادن مردم از خود و فرمود سه خصلت است که هر که در حق تم او را از حور عین تزویج نماید هر که خواهد خشم
فرو بردن و صبر بر شمشیر در راه خدا زدن و مال حرامی که میسر باشد ترک کردن و فرمود هر که سه چیز دارد خصال ایمان را
در خود کامل داند صبر بر ظلم و فرو خوردن خشم در راه خدا و عفو از تقصیر مردم و خدا او را بی حساب داخل بهشت کند
و شفاعت نماید بمثل ربیعه و مضر و فرمود چون دو نفر نزاع کنند دو ملک نازل شوند و با آنکه سفاهت ورزیده
و هرزه گوئی نموده گویند بگو آنچه گفتی خود سزاوار آنی و عنقریب جزای آنچه گفتی را خواهی یافت و بآن که حلم
کرده گویند حلم و صبر نمودی و بزودی آمرزیده میشوی اگر حلم را بتمام برسانی و اگر او نیز هرزه گوئی جواب داد بالا میروند
و ایشان را بجا میگذارند و در حدیث صحیح فرمود که حواریون پرسیدند از حضرت عیسی ع که چیست شدید تر
چیزها فرمود غضب الهی گفتند بچه چیز از آنجا نجات توان یافت فرمود با آنکه غضب نکند پرسیدند از منشأ غضب فرمود
تکبر و تجبر و حقیر شمردن مردم و در توریت است که یا بن آدم مرا یاد کن وقت غضب تا من ترا یاد کنم وقت غضب و هلاک
نکنم ترا با هالکین و راضی باش بانتقام من که بهتر است از انتقام تست و از رسول خدا ص ذکر فرمود که غضب فاسد میکند
ایمان را چنانکه سرکه عسل را و فرمود که کلید هر شری است و هلاک دل حلیم است و هر که مالک غضبش نباشد مالک
عقلش نیست و فرمود در صحیح که ملکه ابلیس را از خود پند شنید پس عجب ... غضب ... شده گفت خلقتنی من نار
وخلقته من طین هر که غضبش را نگه دارد خدا عیوب او را بپوشد و فرمود اعرابی مکرر پرسید از حضرت امری کامل یعنی ازکار

که جامع خیرها باشد فرمود غضب مکن تا سزاوار نشوی غضب الهی را فرستاد که بپرسد هم از جبرئیل امر فرمود مرا بحذر از عظیم

و در حدیث وارد شده که غضب لشکریست از لشکرهای شیطان و در حدیثی دیگر اخگر شیطانست و بروایتی دیگر شیطان

گفته که غضب کمند و دام شکار منست که بآن خوبان را از راه بهشت برمیگردانم و در مکالمه با نوح ع گوید زنهار از سه

چیز که اول کبر که خود مرا هلاک کرد و حسد که قابیل را و حرص آدم را و غضب که بیشتر فتنه و فساد سبب آن فتن بر آدمی وقت

هنگام غضب اوست و حضرت باقر ع میفرماید هرکه غضبش را باز دارد حق تعالی از او عذاب قیامت را باز دارد و فرمود که

بتحقیق کسی را که غضب میکند راضی نمیشود تا داخل جهنم شود پس هرکه غضبناک گردد و باید بنشیند که برطرف شود از او

وسوسهٔ شیطان و بروایتی دیگر ساکت شود و فرمود هرکه بر خویش خود خشمناک گردد بر بدن او که ساکن شود

فرمود هرکه حلم کند و قادر باشد بر انتقام حق تعالی در قیامت دلش را پر کند از ایمنی و ایمان و رضا و خوشنودی که پشیمانی بر

عفو بهتر و سهلتر است از پشیمانی در عقوبت فرمود خدا دوست دارد حیا و بردباری را و از والد ماجد خود ذکر

فرمود که هیچ چیز موجب خوشحالی و روشنی چشم پدر نمی شود چون جرعه خشمی که عاقبتش صبر است بروایتی دیگر فرمود

که خوش نمی آید مرا از کسی که حلمش هنگام غضب او زایل گردد و یکی آنحضرت را ناسزا گفت چون قصد او نمودند فرمود او را

واگذارید که بدیهای پوشیده زیاده از آنست و دیگری آن حضرت را دشنام داد فرمود ای جوان عقبه لسبابی صعبی

در آخرت پیش داریم اگر آنچه خواهم گذشت برتو از گفته تو بدترم و اگر از آنجا جز آن ماندم بدترم از آنچه تو گفتی

و دیگری هم ناسزا گفت ملتفت نشده گفت ترا میگویم فرمود منهم ترا عفو کردم و گذشتم چنین که غیبتش کردند

فرمود اگر راست میگوید خدا مرا بیامرزد و الا شما را بیامرزد و امیر المؤمنین ع کسی که دید در معامله حیف بر

ضعیفی میکند منع فرمود او نشناخته دستی بر سینهٔ آن سلطان سریر لولاک انداخت آخر یافت با تضرع عفو

استرضا شتافت فرمود چون حق مرا در آزردن از تو راضی شدم و هم قصاص در چنین معامله که دستش برید

بدست خود چون خون از دست سوی خلق بسوی آسمان مکین و عرش مکین روان گردید و لیشد تضرع و بکا

بسرعتی ماهر مدعا بپای عرش اعلا رسید پس آن ناخدای سفینهٔ نجات دریای حلم و سهج روی نرم جبان از دم از

عالم علاج بضد بیشتر هم دست و حسن خلق با عفو بیفشاند دعای او را مستجاب فرموده دستش خون گرفته را

بهم وصل فرموده و همچنین جمیع پیشوایان راه دین با خاص و عام باین طریق سلوک میکردند و تتبع افعال

ایشان و تحصیل این فضیلت نتیجه از کل مهالک قیامت مبرا میشود و حضرت صادق ع میفرماید حلم کافی است

در اعانت که بداری بتکلیف و تتبع خود را بر حلم بدارد و هیچ عفو کننده نیست مگر آنکه حق تعالی عزتش و در دنیا

وآخرت

واخر شده آدمی کند و رسول خدا صلعم میفرماید خدا هرگز کسی را بجهالت عزیز نکرد و هرگز بحلم ذلیل نگردانید
دیگر فرمود اگر حلیم نباشی پس متحلم و متشبه شو بحلیمان پس بدرستی که کم است که کسی متشبه و مانند قومی شود
مگر آنکه عنقریب از ایشان گردد یا نزدیک برتبهٔ ایشان شود ولا حول ولا قوة الا بالله نهم سیئهٔ و چهارم
در رشتهٔ از عقوبات تارک اقسام واجبات امر بمعروف و نهی از منکر و از محرمات است و آیات در مذمتش بسیار
است و حضرت صادق ع از رسول خدا صلعم حدیث فرمود که چون امت من ترک امر بمعروف و نهی از منکر نمایند منتظر
بلا و متوقع عقوبات باشند از حق تعالی و در صحیح برنطی فرمود ظاهر نشد هرگز در قومی عمل شنیعی که فاش و آشکار
کنند مگر آنکه طاعون در ایشان ظاهر شود و دردها چند که پیشتر نبوده و در حدیث دیگر یا بزنادی هست
که اشرار مسلط شوند و دعای اخیار در حق مردم مستجاب نشود و حضرت صادق ع فرمود که بندهٔ هرگاه گناه پنهان
کند و مردم سرزنش و انکار او ننمایند ضررش بجمیع میرسد زیرا که ذلیل مینماید دین خدای عز و جل
را و متابعت آدمی مینمایند دشمنان خدا در گناه و در حدیث نبوی ع تشبیه شده گناه بثقب کشتی که بشکنند منع
همه غرق و هلاک شوند و اگر تابش نکنند ترک رفاقت اهل آن کشتی لازم است و فرمود که حق است مر اگر
مؤاخذه کنم بیگناه شما را بگناه کار چه من نه و حال آنکه شما از شخصی کار قبیحی میبینید پس انکار او را از او
نمی‌بینید تا ترک کند و فرمود هرکه برابر مردمان قومی تا دیدن نمایند بدیها او را عقوبتی که خدا ایشان
را کند کم روزی ایشانست و فرمود هرکه معذور دارد ظلم کننده را و منع ننماید او را بظلم او و خدا مسلط
نماید بر او کسی را که بر او ظلم کند پس چون دعا کند مستجاب نکند و اجر ندهد و بسندهای صحیح از حضرت باقر ع
منقول است که یافتم در کتاب رسول خدا صلعم که چون بعد از من ظاهر شود زنا بسیار شود و مرگ مفاجات و در حدیث
زلزله و کم فروشی بقحط و کمی اجناس مبتلا شوند و در منع زکوة برفع برکت زمین از زرع و میوه‌ها و معادن
بالتمام و در حدیث دیگر بترک مواشی و در جور حکام بمعاونت ظلم و در نقض عهد بتسلط دشمن و در قطع رحم
باتلاف اموال بدست اشرار و در ترک امر بمعروف نهی منکر که متابعت اهل بیت من نکنند بتسلط بدان و دعای
خوبان هم مستجاب نشود و فرمود امت من همیشه در خیرند تا امر بمعروف نهی منکر و یاری هم مینمایند بر خیر
چون ترک کنند باز گرفته شود از ایشان برکتها و بر هم مسلط شوند و ناصری نداشته باشند نه در زمین و نه
در آسمان و فرمود اینها دو خلقند از خلق خدا پس هرکه یار اینها آید نفع او میبرند و لیکن ضرر میکنند آنکه
کاران بسوی دشت و کوه و دریا و بنحوی که خدا عذاب میکند جملهٔ در سوراخش حجین یاران بگناه اهل آن محل

در حالی که همراه در رفتن از میان اهل معصیت باو داده آنگاه فرمود فَاعْتَبِرُوا یَا اُولِی الْاَبْصَار یعنی عبرت گیرید

و متنبه شوید از این کلام ای صاحبان بصیرت بدانکه اقل مراتب انکار قلبی است که رضا بامری که موجب شرکت

در جزا است چنانکه در عقبه مظالم عباد خواهی رسید و بالاتر از آن انکار زبان است که باید کوتاهی نکرد در

طعن و تخویف و توبیخ و دشنام در حضور و غیبت کر ما بده نکند ترک معاشرت واجب است و بالاتر از این تادیب

بزدن و حبس و حاکم شرع را تا قتل جایز یا واجب است در غیر مهلکه ولی که واجب عینی مطلق است یا کفائی شرط

است بعدم ضرر و تجویز تاثیر مگر احتمال عدم اطلاع آن شخص مسئله بود که برای اتمام حجت باید ظاهر او را عالم

خبردار کرده هر چند تجویز تاثیر نباشد و در صحیح مسعدة بن صدقه حضرت صادق ع از رسول خدا ص ذکر فرمود

که خدا دشمن دارد مؤمن ضعیف را که دین کامل ندارد گفتند او کدام است فرمود مؤمنی که منع و نهی منکر

نکند و مسعده گوید سؤال کردند که آیا امر بمعروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است فرمود نه بلکه وجوب مخصوص

جمعیتی که قدرت بر آن داشته باشند و مردم اطاعتشان کنند و دانند معروف و منکر را و دلیل این قول خدا است

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ یعنی باید از شما جماعتی باشند که

بخوانند بسوی خیر و امر بمعروف و نهی از منکر کنند منکم بعض گوید که مراد حضرت از آن خصوصا بعضی صورتهاست که موقوف باشد

اولا بعلم که نیست با جاهل حادث شدن و در صحیح فرمود حسن او را نیست مؤمن را نشستن در مجلسی که در آن معصیت خدا

می شود و نتوانند تغییرش داد و آیات و احادیث در این معنی بسیار است و فرمود که هر که ایمان بخدا و روز

قیامت دارد باید ننشیند در آن مجلس که در آن غیبت امام یا نقص مؤمنی مذکور می شود نهم منجیه در ذکر شرح

عقبه نهم که از حسن خلق است که با صفات و اخلاق نفسانیه خود را بر طبق حکم عقل و تهذیب شارع که برای

تکمیل نفوس انسان خلق شده بهم مکارم اخلاق مبعوث شده بود و تهذیب کند که در عرض مدت

عمر خود در دنیا با نور و خلق خوش متصف باشد که ملکه در نفس خود مستقر شده باشد و آثار بر او مترتب شود

بی تکلف و کسی که آن از تبدیل الحکم نوابش بیشتر است عقلا و نقلا و مخصوص همه ایمنی در معاشرت مردم

هم استعمال شود چون فرد کامل موضوع له است چنانکه از حضرت صادق ع منقول است که حسن خلق آنست

که کسی را از جانب تو آزار نرسد و سختی ننمائی و ملایم نمائی و با برادران بخوشروئی و خوشحالی برخورد نمائی

ابن عباس پرسیدند از رسول خدا ص از افضل اعمال فرمود خلق نیکو دیگر پرسید از سعادت فرمود خلق

نیکو و بر پانی فرمود حق تعالی هر که را خوی خوب بخشیده او را بر جهنم حرام کرده اند و صحبت با فاسق خوش خو دوست

دارم

دارم با عالم بدخو و خلق نیکو طاعتی است که هیچ معصیتی با آن زیان ندارد و خلق بد معصیتی است که هیچ طاعتی
با آن نفعی ندارد و خلق نیکو آنست که با مردم نیکی تازه روئی و بردباری و رنج کش ایشان باشی و مکافات بدی ایشان به نیکی کنی
وکسی پرسید که چیست دین فرمود حسن خلق و از چهار جانب آنحضرت آمده پرسیدند و این جواب شنیدند و در مرتبهٔ
آخر آن فرمود حسن خلق فرمود یا آنکه نفهمی اینکه غضب ننمائی و با خلق درشتی نکنی و باخبار متواترهٔ معتبره حسن
خلق احسن اعمال و احب ایشان است بعد از فرایض بعد و سایر جمیع عیبها و اعظم علامات ایمان و موجب خیر دنیا
عقبی است از رسول خدا منقول است که خوش خوی در بهشت است البته و بدخوی در جهنم است البته و در میزان عمل
هیچ چیز به از حسن خلق نیست و اول عملیست که در میزان خواهد گذاشت و اکثر مؤمنین با تقوی داخل بهشت میشوند
و شبیه ترین شما بمن خوش خلق ترین شماست و در حدیث دیگر فرمود نزدیک ترین شما بمن در قیامت خوش خلق ترین و
ساول ترین شما است با اهلش و از جبرئیل نقل فرمود که بر تو باد ای محمد بحسن خلق که خیر دنیا و آخرت است
و امیرالمؤمنین ع بمنبر فرمود آراسته کنید نفسهای خود را باخلاق حسنه پس بتحقیق که مسلم بالله درجه کسی میرساند
که روزها بروزه و شبها بعبادت باشد و فرمود نمی‌توانید مردم را بمال فرا گرفت پس همه را بخوشروئی دریا
بید و فرمود نیکو کن خلق خود را تا خدا حساب ترا آسان و سبک گرداند و حضرت صادق ع در صحیح حسن
فرموده که حسن خلق گناه را میگدازد چنانکه آفتاب یخ را و فرمود که خدا دین اسلام را برای شما پسندیده
پس نیکو مصاحبت آن نمائید بسخاوت و حسن خلق و فرمود این دو خصلت خانه‌ها را معمور و عمرها را
زیاد می‌کند و فرمود مدارا کن با منافق بزبان و خالص کن دوستی خود را با مؤمن و اگر یهودی با تو
هم نشینی کند نیکو بجا آور و در صحیح فرمود چهار خصلت هر که دارد ایمانش کامل است هر چند از فرق تا قدم
گناه داشته باشد که نقص ندارد راستی و امانت و حیا و حسن خلق و در حدیث نبوی ص شکر بذل
تائیست و فرمود گناه او را بحسنات مبدل می‌کند و فرمود حق تعالی بنده را بحسن خلق ثواب مجاهد فی سبیل الله
می‌دهد و فرمود هیچ عملی بعد از واجبات محبوب تر نیست از فرا گرفتن مردم بخوش خلقی و فرمود بدخلقی البته
تباه میکند عمل را چنانکه سرکه عسل را و این مضمون متواتر است و از رسول خدا منقول است که خدا ابا کرده
از توبهٔ کج خلق که چون از گناهی توبه کند در گناه بزرگتر از آن افتد یعنی بر باطنش مثل منشا باید
تغییر داد و در هیچ حال دست از مجاهده و تهذیب نفس نتوان برداشت و الا بجائی میرسد که آدمی با غیر
المعقول از حیوان و جماد و غیر مقصر کج خلقی میکند نعوذ بالله و فرمودند خلق بد صاحبش را همیشه

در عذاب باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که بهرهٔ از خرق و تندی دارد محجوبست از ایمان و در صحیح فرموده
کاملترین مؤمنان در ایمان خوش خلق‌ترین ایشانست و از رسول خدا ع ذکر فرموده که اگر تندی و درشتی
خلقی بود نمایان زشت‌تر و بدتر از آن خلقی نبود و بروایت دیگر فرموده دو خصلتست که جمع نمیشود
در هیچ مسلمی بخل و کج خلقی و فرموده مؤمن هموار و نرم و ملایم با حسن خلق است و کافر غلیظ و درشت
و زشت‌خو و متکبر است و فرموده یا اباذر بنده همیشه از خدا دور است تا خلقش بد است و سعد بن معاذ با آن
همه کرامتها که رسول خدا بی کفش و ردا بمتابعت ملائکه مشایعت جنازهٔ او نمودند و خود متوجه غسل و دفن
و کفن او بودند فرمود فشار قبری باو رسید چونکه با اهلش کج خلقی مینمود کفیر ششم در اجزاء سئوال نوع
ششم که از جملهٔ ارکان و بعض تحابب و عاصیان برای خود تنهاست که با حادیث صحیحه اعظم شعبهای ایمان و اکمل صفات
مؤمنانست و آیات و روایات متواتر است با تأکید تمام در شدت اهتمام بشأن این امر فسم ام ببیاد و ارد
و در بعضی اینها مبالغه فرموده که ایمان همین است و تارک این خارجست از دین و همچنین در شدت عقوبت
تارک این و لوازم این که در دنیا و عقبی عظیمست از عذاب حسرت و نهایت الیم و مجمل فضایل متحابین فی الله شیفر
ذکر ایمان از فروع اکبر گذشت و تتمه‌ها بعد از حضرت صادق ع منقولست که هر که دوستی و دشمنی و عطا و منع و اینها
باشد ایمانش کامل است و حضرت باقر ع به جابر فرمود اگر خواهی بدانی که خیر در تو هست به بین بدوستی مطیع خدا و دشمنی
عاصی خدا داری پس خیری در تو هست و در حدیث دیگر فرمود که هر چند خلاف واقع باشد و حضرت صادق ع فرمود بدرستیکه
بتحقیق که خدا مؤمنان را از نور عظمت و جلال و کرامت خود آفریده پس هر که طعن بر ایشان یا رد قول ایشان نماید رد بر خدا
کرده و در عرش او فرموده آماده حرب من باشد هر که ذلیل کند بندهٔ مؤمن را و ایمن باشد از غضب من هر که اکرام او
کند و باین معنی متواتر است و در صحیح فرموده که حرمت مؤمن عظیم‌تر از کعبه است و در موثق فرموده که قدر مؤمن را
هیچکس نمی‌تواند دانست و فرموده مؤمن را برای این مؤمن میگویند که امان میدهد از جانب الهی بر خدای برباد
و جمعی در بهشت او صف آسمان و نور ستارها مینمودند فرمود شما این را میگوئید و جماعت ملائکهٔ عظیم جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل چون نظر کنند در زمین بشما و برادران مؤمن شما نور شما در آسمان زیاده از این کواکب می‌بینند
و گویند چه بسیار نورانیند این مؤمنان و در صحیح فرموده سورهٔ مؤمن شفاست از هفتاد درد هر که بیرون از اینجود
خدا ملکی از آن بیافرینند که برای هر دو استغفار کند تا قیامت و در حدیث قدسی است که گنجایش مرا ندارد زمین
و آسمان و دل بندهٔ مؤمن دارد و رسول خدا ع فرمود بتحقیق که مؤمن در آسمانها معروفست مثل اهل آسمانها و گرامی است

ملع

نزد خدا از ملک مقرب و بروایت عامه و خاصه منقولست که ابوذر رضی الله عنه بر آنحضرت که جبرئیل بصورت دحیه کلبی در خدمت
او بود سلام نکرد جبرئیل گفت اگر ابوذر بر ما سلام میکرد جواب او میگفتیم حضرت فرمود او را میشناسی گفت بلی بان
خدائیکه ترا بحق فرستاده که ابوذر در ملکوت هفت آسمان مشهورتر است از زمین فرمود بچه عمل باین منزلت رسید
گفت از زهدش در این دنیای فانی و فرمود مؤمن بنور الهی نظر میکند در اشیا و فرمود مسلمان را هفت حق واجب
است بر مسلمان که ترک هیچیک از آنها نکند مگر آنکه از ولایت و دوستی خدا و طاعت او بدر میرود و او را از خدا نصیبی نیست پس فرمود کمتر حقی
که او راهست بر تو این است که برای مؤمن خواهی آنچه برای خود میخواهی و نخواهی آنچه برای خود نمیخواهی دوم آنکه از آزار
او اعراض نمائی و بخوشنودی او و طاعت او باشی سیم اعانت او کنی بمال و جان و زبان و دست و پای خود
چهارم آنکه دیده و راه نمای او باشی پنجم آنکه سیر نباشی و او گرسنه باشد و پوشیده نباشی و او برهنه باشد ششم آنکه
اگر خادمی داری که او ندارد بفرستی که جامه او را بشوید و طعام او را مهیا نماید و رختخواب او را بگستراند هفتم
آنکه قسمش را راست کنی و دعوتش را قبول نمائی و بیماریش را عیادت کنی و بجنازه اش حاضر شوی و حاجتش را که بدانی
پیش از آنکه سؤال کند روا کنی پس اگر همه اینها را بعمل آوری ولایت و دوستی ایشان تمام بولایت و دوستی خدا خواهد بود
حضرت باقر فرمودند که هیچ مؤمنی وانگذارد برادر مؤمن خود را با قدرت بر نصرت و مگر آنکه خدا او را واگذارد
در دنیا و آخرت و در احادیث معتبره فرموده اند که هر که بنصف کلمه ضرری بمؤمنی رساند خدا را ملاقات کند در قیامت
و نوشته باشد میان دو چشمش که آیس من رحمة الله و هر که نظر تندی بسوی مؤمنی کند که بترساند او را خدا روزی که بغیر سایه
او پناهی نیست هر که حقیر شمارد مؤمنی را خدا او را دشمن و حقیر دارد تا توبه کند و اگر تحقیر بعلت فقر او باشد خدا
او را رسوا کند در روز قیامت در حضور همه خلایق و هر که مسلمانی که او را حاجتی باشد بزیارت او آمده باشد محجوب کند
از خود پیوسته در لعنت خدا باشد تا با او برخورد نیست خیری در صحبت کسی که نه بیند برای تو از حق مثل آنچه تو
برای او می بینی و هر که بترساند مؤمنی را بحاکمی اما بکروهی رساند در آتش جهنم خواهد بود و اگر آزاری برساند با فرعون
باشد و آلهای او در جهنم و هر که تجسس عیوب نماید خدا فضیحت او نماید اگرچه در خانه اش باشد چون قیامت شود
ندا رسد که کجایند مانعان و معاندان دوستان من پس قومی برخیزند که گوشت بر رو ندارند آنگاه گویا شود که
ایشان آنهایند که آزار و عداوت و عنا کردند با مؤمنان در دنیا پس حضرت فرمود که بودند بخدا سوگند قائل
بقول ایشان که بیک مذهب بودند ولیکن حقوق ایشان را حبس و سر ایشان را فاش کردند و فرمود بهیچ مؤمن بر
دیانت فرمود هر که نزد او مؤمن معتبری از برادر مسلمش باشد نیکو بپذیرد و آراست فرمود خدا سوگند بدائد

خود بار نموده که در جوار رحمت خود جا دهد خانه‌ها بین یا کفتند خانه کیست فرمود کسیکه ذخیره کند از مؤمن

درهمی را منع نماید چیزی از چیزهای دنیا کفتند از زیادتی مال خود باو دهد فرمود با زجان و دریغ خود باید

اگر جان خود را بخل کند بر برادر مؤمن خود یعنی عرض و آبروی خود را محافظت نماید و حاجت او را بر آورد

شیطان در نطفهٔ او شریک شده و از رسول خدا منقول است که هر که سرزنش نماید مؤمنی را بچیزی نمیرد تا مرتکب آن

شود و بر اینکه خدا او را ملامت و سرزنش کند در دنیا و آخرت و فرمود نزدیکترین احوال بکفر حفظ

عیوب و لغزشهای برادر خود است که روزی با ایشان ملامت او کند و در خطبهٔ وداع است که هر که غیبت برادر [illegible]

او را در قیامت مانند موی چشم محشور نماید تا داخل دوزخ شود و هر که برادری که باو محتاج شود و قرض خواهد

کند حق تعالی بهشت را بروی که احسان کنندهٔ را جزا خواهد داد و هر که با احسان برادرش منت نهد عملش حبط و باطل

باشد و فرمود هر که مؤمنی را غمگین کند پس دنیا را باو دهد کفارهٔ خون او نشود و اجر ندارد و از او اذیت و آزار

و آزار من آزار خدا است و آزار دهندهٔ خدا ملعون است در همهٔ کتابها مؤلف کوید که چون شد ذکر عقوبات

حقوق مؤمن شد که شنیدم اکنون بیان فضایل رعایت و بشنو حضرت صادق فرمود که خدا خلقی آفریده

برای بر آوردن حاجت فقرای شیعیان تا بیابند آن بهشت را ایشان کرامت نماید پس اگر توانی از ایشان باش و فرمود

ایمنند روز قیامت و فرمود هر که یک حاجت مؤمنی را بر آورد خدا روز قیامت صد هزار حاجت او را بر آورده که

اول آنها بهشت باشد و از جملهٔ آنها شفاعت خویشان و آشنایان که ناصبی نباشند و فرمود که آن بهتر است

عتق هزار بنده و فرستادن هزار اسب با یراق در راه خدا و بحدیث بیست حج و بروایت با در از ده طواف

که هر طوافی شش هزار حسنه و محو شش هزار سیئه و رفع شش هزار درجه و بروایت عماد با فضیلت شش هزار حاجت

و فتح هشت در بهشت و در صحیح ابن محبوب است بهتر است از بیست حج و عمره و در روزهٔ دو ماهی هم که با اعتکاف در بیت الحرام باشد

و اگر بی حاجت بر آورده نشود ثواب یک حج دارد پس غنیمت کنید در خبر دیگر فرمود بهر قدمی حسنه و محو سیئه

دارد باده حسنهٔ دیگر و قضاء ده حاجت و فرمود هر که باو کوید مرحبا خدا مرحبا بر او کوید برای او تا قیامت بحقیقت

که از خصال مؤمنست که خدا را با وی شناسائی است [illegible] اگر چه ندانسته باشند و خیر [illegible] برادر است

خدای تعالی فرموده یُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ایثار مینماید برادران مؤمن را هر چند خود احتیاج داشته باشند

پس فرمود وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ هر که بازداشته شود از حرص و بخل بر نفس خود پس ایشانند

رستکاران و هر که را خدا بفهماند این را دوست دارد و هر که را دوست دارد کار او را [illegible] جزای او را بهشت [illegible]

اسمعیل راوی این حدیث جلیل را روایت کن برادران خود که بدان رغبت بهم رسانند و فرمود هیچ مسلمی از برای رضای خدا برادر دینی خود را
برای خدا زیارت نکرد مگر انکه خداوند ندا کرد که ای زایر پاکیزه شدی و پاکیزه است برای تو بهشت و حاجت او را روا نکرد مگر انکه بنده
کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم بغیر از بهشت و حضرت کاظم ع منقول است که هیچ چیز شیطان و لشکرش را هیچ نمیکند
مانند زیارت مؤمنان یکدیگر را و بتحقیق که دو مؤمن با هم خدا را یاد میکنند پس فضایل ما اهل بیت را گویند گوشت
روی شیطان تمام میریزد و از شدت الم بفریاد آید و ملائکه آسمانها و خازنان بهشت حال او را یافته لعنتش میکنند
در صحیح حضرت باقر ع فرمود که ملکی بدر خانه شخصی دید ایستاده پس از او پرسید گفت آمده ام برادری را سلام کنم گفت
با او نسبتی داری گفت نه بغیر برادری دینی گفت من رسول خدایم بسوی تو خدا سلام میرساند و میفرماید بمن اراده کردی و بقصد
من زیارت کردی بتحقیق که واجب ساختم برای تو بهشت را و معاف داشتم ترا از غضب خود و در خطبه وداع است که هر که بعیادت
بیماری رود بهر گامی که بردارد ثواب صد هزار عتق و بلند صد هزار درجه و محو صد هزار سیئه و ثواب صد هزار حسنه دارد تا
برگردد بخانه خود و هر که سعی کند خدای عز و جل نظر رحمت نماید بسوی او و خواهش او که عذاب نکند او را و هر که او را که
طلبیده باشد اجر هفتاد شهید دارد و فرمود احدی از امت من لطفی نمود برادر خود را اوداده خدا بجز بهشت مگر انکه
خوشنودی بجز منت او بدارد خدا به بهشت او و هر که برخورد بشخصی و بچیزی او را شاد کند بعد مبانت شاد و خرم داخل
بهشت شود و فرمود قرض دادن بمسلمانان بهر درهمی بوزن کوه احد حسنه دارد و اگر در مطالبه قرض با و مدارا کند
بگذرد از صراط مثل برق لامع بی حساب و بی عذاب و هر که تزویج دو مؤمن را بهم او دهد خدا او را در بهشت هزار حوری
تزویج کند هر یک در قصری از در و یاقوت و بهر قدمی و کلمه عبادت سال دارد و هر که کوری را بنماز و یا بمسجد
بهر قدمی ثواب عتقی دارد و ملائکه بر او صلوات و رحمت فرستند تا از او مفارقت نماید و هر که در حاجتی سعی نماید
تا روا کند خدا دو برائت دهد یکی از آتش جهنم و یکی از نفاق و هفتاد هزار حاجتش را در دنیا روا کند
و همیشه در رحمت الهی فرو رفته باشد تا برگردد و اجر ثواب مشغول بعبادت دارد و فرمود اصلاح بهتر است از عامه نماز
و روزه و در صحیح است که صلح میان دو نفر دوست بهتر از تصدقات اندو اشرف است و در روایت دیگر فرمود هیچکس عیادت
بیماری نمیکند مگر انکه بیرون میرود با او هفتاد هزار ملک و استغفار کنند برای او تا برگردد و فرمود خوشنود کند
بنده خدا را و از مناجات موسی ع است که سؤال کرد کدام ملکوتی که در قبر او عبادت کنند تا حشر و غاسل میت را
فرمود از گناهان برادرم مثل روز که از مادر متولد شود و مرد تشییع جنازه مؤمن فرمود ملائکه موکل کردانم که با علمها

در محشر اعداء شماتت نکنند و در تعزیه کفن فرزند مرده فرمود او را در شب عرش جامه دهد روزی که عریان نباشد
و فرمود گاه باشد که بنده را نیز بسوی من بیاورند با حسنه که فرموده‌ام که در بهشت هر جا که خواهد او را دهند و ثواب
برپا داشتن حسنه فرمود در راه رفتن حاجت برادر مؤمن و مجد بیت نبوی که در بیابی و نفع مؤمن داده رود ثواب جهاد
فی سبیل الله دارد و هر که مؤمنی را گرامی دارد خدا را گرامی داشته باشد پس کار کنند که خدا را گرامی دارند خود خواهم
کرد حضرت بجا آورد مرفرماید که هر که یک حاجت او را برآورد او را به حاجت خدا برآورد خداوند صد حاجت او را برآورد که یکی از آن
اوقات بهشت باشد و حضرت صادق فرمود هر که مؤمنی را قرض دهد مهلت دهد مال آن نزد کوه و خود در صلوات
ملائکه است تا ادا کند و فرمود هر که روزه بگذرد از بعد آن ثواب تصدق بلباس نمای دارد و فرمود هیچ مسلمی قرض
بمسلمی دهد برای خدا مگر آنکه بجهت صدقه اجر دارد تا بگیرد و در حدیث فرمود که ثواب قرض یکی به هجده است و اگر
ببرد از کوه محسوس شود و فرمود هر که خواهد در صله ما باشد پس صله نماید به سادات شیعه ما که ثواب صله ما دارد و
در زیارت حسنین فرمود شما را در مصافحه اجر مجاهد است چون دو مؤمن ملاقات نموده مصافحه نمایند حق تعالی نظر
رحمت بایشان کند و گناه ایشان میریزد تا از هم مفارقت نمایند و با سحق عمر فرمود که خدا صد رحمت بسابقت
دو ایشان فرستد نود و نه از برای آنکه بیشتر دوست دارد دیگری را و بدتر رحمت بیشتر از آنکه باقی باشد و چون
معانقه کنند فرو گیرد ایشان را رحمت پس اگر ملائکه بغرض نبوت فرماید که از بدن شد به عمل از سر گیرد
و چون رو به هم آورند پرهیز کنند هر یک را ملائکه دور شوند که شاید سری داشته باشند و در حدیث است
که هر که شما با معانقه صالح نماید بهشت او را واجب شود و مصافحه مؤمن بهتر از مصافحه ملائکه است و در حدیث است
مصافحه کند با محبت علی خلق ایشان زد گناهان او را و بچسبد او و او را داخل بهشت کنند و هر که ابی دست برادر مسلمان
برزیر ثواب عمر اهل دنیا دارد باید دانست که مؤمن به چند معنی در شرع استعمال می‌شود و مؤمنی که محبت و مودت
و ولایت او و اخوت و رعایت او اینهمه فضیلت و ثواب دارد و عداوت و عقوق و ترک اعانت و حقوق
او به تضییع و عقاید او شایع تر از معاصی است که لا اقل باتکلیل حفظ بیحرمت و اساس اسلام و ولایت اهل بیت
عصمت و طهارت و نماز و زکوة با حج و روزه و حج است و عمل به واجبات و اجتناب از محرمات و شرع کمال اسلام
اگر بندگان ما شریعتی از او برون کنند و انفاق کنند از کسب حلال شود فوراً تو بر کنند تا بدانی که در این بنا موقوف دعا
بغیر علما و عاملان و تابعان ایشان بجهت رسیدن و نسام هر چند از تشیع و معرفت دم زنند بلکه با علم و حکمت
به ثلث کافرند با فاسق و بد نکه صحبت و اعانت اهل معصیت دشمنان خدا مانند ترک رعایت و ثنا و دوستان

خداست و بروایت کلینی از حضرت صادق ع منقولست که هر که ببیند کافری را از اکراد شرح حق و لازم است بر خدا
که پر کند شکم او را از زقوم جهنم و با باب و احادیث بسیار هر که نماز صبح نکند ادم در کوه ماتش ند با اهلش
زنا کند و سوالات دو تا خدا بر خود لازم کرداند داخل کافر است و بحدیث علوی هر که با بیمار با اغنیا بسیر خود
کو بامر تکبیت شده قتل چند پیغمبران را و ازنای چند بن بخرم خود را و بحدیث نبوی ص هر که سلم کند با مستا با مغنا کند شر ابخو
خدا عمل چهل ساله او را حبط کند و هر که با او هم نشینی کند روز قیامت کور محشور کردد و آگاه باش که هر که لقمه با شربت با
بخورند بر او مسلط شود در قبرها مارها و عقربها و بجهت آن صد بد بجهنم روز قیامت و هر که یک حاجت او را برآورد
پس بتحقیق اعانت نموده بر خرابی اسلام و کعبه و کشته هزار مومن را و هر که بر او سلام کند لعنت کنند او را هفتاد هزار
ملک و هر که سلام کند با خبثا ظالمین نور ایمان از او بیرون برکرد و هر که دعا کند ببقاء عمر او کو با هفتاد پیغمبر را
کشته و هر که او را اعانت کند بنصفت کلمه از انجمله باشد و مهیا دارد جای خود را در جهنم یا اباذر مصاحب مشو مگر مومن را
و مخوران طعام خود را مگر پرهیزکار و مخور طعام فاسقان را ای اباذر بخوران طعام خود را بکسی که برای خدا او را
دوست میداری و بخور طعام کسی که ترا دوست دارد برای خدا و نهی فرمود از اجابت دعوت فاسقان بطعام ابنا دنیا
مدارا کن که دین خود را از شر او حفظ نمائی و بدانکه دشمن دار فرمود حواریون بعیسی ع گفتند با که هم نشینی کنیم
فرمود با کسی که دیدن او خدا را بیاد شما آورد و سخن او در علم شما افزاید و عمل او شما را راغب بآخرت سازد و فرمود
زنهار حذر کنید از هم نشینی مردگان گفتند کیستند ایشان گفت فرمود اغنیا و بروایت حضرت صادق ع منقول است
معرفند که مجالست ایشان دلها را میمیراند یکی شخص پست و زنان و اغنیا و بروایت ابن عباس فرمود دو کلمه است که رب العزه
پیش از خلق ثبت فرموده که اگر کسی با عبادت اهل زمین با بدان بنشیند روز قیامت با بدان خواهد بود و اگر با کناه
اهل زمین با خوبان نشیند با خوبان خواهد بود و امیر المؤمنین ع در هنگام رحلت فرمود زینهار از جماعتی ملحدند
بپرهیز حذر کنید که هم نشین بد زینت میدهد هم نشین خود را و فرمود هر که خود را در محل تهمت بدارد ملامت نکند
غیر را و در حسن حضرت صادق ع منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد با بدان نبشیند و مغامبدکاین در صحیح فروع
هر کس قرین بد دارد طاعت نکنند مگر خود را و محمد بن مسلم را در جای نامناسبی دید فرمود عمر نیست که لعنتی نازل شود
و همه اهل مجلس را فرو گیرد و حضرت امام رضا ع فرمود ببعض اصحاب خود چرا با فلان نشسته بودی با او مجالست منمای زیرا
ما میگیریم گفت او را چه ضرری دارد اگر بر طریقه او نباشم فرمود که میترسم که بلائی نازل شود و همه شما را فرا گیرد نمیدانی که
کسی را از اصحاب موسی ع که پدرش در لشکر فرعون بود بلشکر فرعون برگشت و اخبار در مذمت و حرمت معاشرت در سوق با فاسقان و کذابان و اهل

و بخیل و بدخو و قاطع رحم و اهل دنیا بسبب آنست پنجم هفتم و ششم سؤال موقف ششم که از مال حرام است که بدل الغذا
تمام ایام و بحدیث صحیح حکمی الهی و معصیت غالب امت در این مقام است و وجوه آن بسببها از دزدی که بحدیث نبوی
دزد بیرون خواهد شد از قبر بهوسها و از ذنب و کرهیجنیم و مزد دیش آتش جهنم است و رشوه که کفر و شرکست بحد او غصب
نصرخیها آن صاحبش در عقبه مظالم عقبا خواهی دید و تجارتی که بمعرفت او است و شرعیه یا بحرام که ما به منسوب بهی
فقرا مثل غوغو و غمزها شد چنانکه بهر موافقت ربا و عبرات خواهی رسید با اصل کسب حرام باشد مانند غنا و نقصه و شعر
و نوشتن کتب ضلال و قمار و شعبده و تعلیم انها ملاذمت اهل ظلم و جور چنانکه حضرت صادق ع در تفسیر فاجتنبوا
الرجس من الاوثان میفرمایند که مراد شطرنجست و مزد بند است و باحادیث نگهداشتن شطرنج کفر است و نرد بلکه
بازی با آنها شرك و تعلیمش کبیره هلاك کننده و نظر بان چون نظر بفرج مادر است و دست بر میان ان کردن چون میان
گوشت خوک است بحدیثی نمازش مقبول نیست دست نشوید و اهل آن مجلس رحمت منوجب لعنت و مضاعی
جایشان در جهنم مهیا دانند و این عیش در قیامت حسرت خواهد بود و نرد چون تا کل گوشت خوک و بازی کردن
گذاشتن دست بخون و گوشت خوک و جایز نیست انگشتر بازی و دیگها و کردو و کبوتر و تخم بازی و امثال
اینها که تمام قمار است باعث غضب ولی و سلام کنند همه در گناه برابرند و هر که گروی حرام است مگر سواری تیراندازی
و تیغ بازی با آداب مقرره و در تفسیر صور مذکور است و نهار چوکان می باشد که شیطان با تو میباید و ملائکه
نفرت میکنند و هرکه در آن حال اسپش بمیرد ابد بمیرد و بجهنم میرود و سحر و جادو در میان اهل سواد متعارف
و متداول است که بعضها نامشروع و نوشتجات نامعلوم و طلسمات و اشکال نامفهوم بعملهای پرداز دو گویا
حرام نمی دانند و حال آنکه بصریح قرآن هیچ بهره از آخرت نخواهد داشت و بفرموده خداوند رسالت بدتر از کفر و
شرک بخدا است و هرگز بخشیده نمی شود حتی از ائمه صلوات الله علیهم منع مطلق وارد شده از خواندن و نوشتن
هر تعبیر که حقیقت آن در معاش معلوم نباشد زیرا که بسیار کلمات کفر آمیز درج می کنند که بتعلیم شیطان هزبه
رسیده بر سر عقب انبیاء خدا باشند رواج دهد الله نعوذ بالله و همچنین هر صنعت حرامی و صورت جوابی مجسمه
ساختن که بحدیث نبوی شدیدترین مردم در عذاب قیامت صورت کسانند و نادانند تلف شده از بی تصبر
و فرض نه بعزم رد کردن و جستن و عزت دادن و انداختن و کدا انکردن چنانکه گذشته اینها همه حرام است
و در احادیث نبوی وارد شده که هرکه لقمه حرام بخورد لعنت کنند خود را تا هضم شود و نمازش مقبول نشود و
مروی است که شخصی از رسول خدا اذن خواست فرمود غیرت بهیشه که مرد فروشی فرمانرا و کفن فروشی که مرگ امت

را خواهد دید مثل آنکه در میان دو سنگ آسیا زده باشد و آنچه در اوست و هر که بیست کرت محتکری هر چه لعنتی حرم منهو زند

مار سیاهی ظاهر شد که لحدش را فرو گرفت آنجماعت باز او را دفن کردند و نبش کفن از کفنهای برون مار بر آمد بعد باشند خانه

منقولست از ابن عباس رضی که گفت اگر تمام زمین را جمع کنند چنانچه شود و اگر در شکم مومنی یک لقمه حرام باشد

هیچ دعای او مستجاب نشود اگر چه پیغمبر باشد هر که حرام خوار باشد لعنت کند او را هر ملکی که در آسمانها است و زمینها

تا از شکم او بیرون نیاید و خدا نظر رحمت بسوی او نمی کند و غضبناک باشد با او و هر چه که از حرام بهم رسانیده باشد هشت

بر او حرام است و فرمود که یا علی ترک یک دانگ حرام از تصدق ده هزار دینار افضل است و ترک یک لقمه حرام دوست تر است

نزد خدا از هزار رکعت نماز و هر که مال حرامی بر خوانچه بگذارد رحمتی و ملکی تا آن خوانچه برداشته نمیشود و هر گاه که گوید یا رب

حق تعالی فرماید لا لبیک با عاصی اگر تو مرا میشناسی البته حرام را از خود دور میکردی و هر روز خطائی بر او نوشته خواهد شد

و هر که در ظرف طلا و نقره چیزی خورد غیر از این نیست که بجنبش آید در شکمش آتش جهنم و از ظرف طلا و نقره بهشت محروم

باشد و هر که زیاده از سیری چیزی خورد پس بتحقیق که حرام خورده و بروایت حضرت کاظم ع از آباء کرام خود فرموده که اکل

بر سیری باعث پیسی میشود و بسند صحیح از باقر ع از رسول خدا ص ذکر فرموده که روح الامین در دل من دمید که هیچکس نمیرد

تا روزی مقدر خود را تمام کند پس از خدا بترسید و در طلب روزی اجمال کنید و سعی مکنید زیاده که باعث دیر رسیدن روزی آن

حرام مطلبید بتحقیق که خدا روزیها را از حلال مقدر فرموده نه حرام پس هر که تقوی ورزد و بر تنگی روزی صبر کند

روزیش از حلال میرسد و هر که پرده ستر الهی را بدرد از غیر حلال معاش کرده تقاص کند خدا از روزی حلال او در روز

قیامت حساب از او مطلبند و حضرت صادق ع فرمود که حفظ کنید دین خود را از حرام و تقویت نمائید او را به

و استغنا بخدا از طلب حوایج از سلطان و حکام و بپرهیزید از چیزی که ثابت و محکم دارد یا آنرا فرموده بپرهیزید از حرام

و از چیزی که بیرون می کند از ایمان فرموده طمع و باید دانست چنانچه تحصیل مال از وجوه حرام باعث عقاب است

کسب روزی از حلال هم موجب عتاب بلکه سخن در حرام عقاب و عذاب است چنانکه حضرت صادق ع در رد بکسی که میگفت

دعا کنید نمی نشینم و بنماز و روزه و عبادت البته روزی من میرسد فرمود یکی از آن سه نفر است که دعای ایشان مستجاب نمیشود

و مباحثات آنحضرت با خدا له صوفیه که از تفقیر و تنبلی با ابن عقیده مشهور و در کافی و غیر آن مذکور است و فرموده

ترک مکن طلب روزی را از حلال که معین است بر دین و بار کن خود را بر بندگان و توکل کن بر خدا و تجدید کن

بگشا بپهن کن بساط خود را و توکل کن بر خدا و فرموده نیست چیزی بر کسی که نخواهد جمع مال از حلال برای حفظ

آبروی و ادای قرض و صله رحم و حضرت باقر ع فرمود که هر که طلب دنیا کند برای غنا از خلق و صرف آن با اهل

ملاقات کنند خدا را در حالتی که رویش مثل بدر تابان باشد و در حدیث قدسی فرموده یا احمد عبادت ده جزو است
افضل آنها طلب حلال است چون طعام و شراب خود را طیب و پاکیزه کردی در حفظ و کنف حمایت من باشی و در [illegible]
داود علیه السلام مذکور است که خوب بنده هستی ولیکن معاش تو از بیت المال است پس گریست آنحضرت تا چهل روز تا زره
سازی تعلیم او شد و در احادیث نبویه هست که طلب حلال فرض است بر هر مسلمان و زن مسلمه و هر که از کسب
خود حلال خورد از هر دری که خواهد داخل بهشت خواهد شد و روز قیامت در صف انبیا باشد و هر که حلال نباشد
میکنند فرشتها از برای او استغفار میکنند تا فارغ شوند و کاسب دوست خداست بتحقیق که خدا دوست دارد
مؤمن پیشه ور صالح را و دشمن میدارد بیکار را سالم را که نه در کار دنیا و نه بکار آخرت و بطالت و فساد
غالب باشد و در روایت ابن عباس آنحضرت چون از کسی خوشش آمده می پرسید که پیشه اش چیست اگر میگفتند کسبی ندارد
میفرمودند از نظرم افتاد زیرا که مؤمن چون کسبی ندارد ناچار بدین خود مدار میکند و در روایت حضرت صادق آمده
میفرمودند بهترین عملها در روی زمین سه کار است طلب علم و جهاد و طلب حلال و طالب علم حبیب خداست و غازی ولی
خداست و کاسب خلیل خداست و در اخبار متعلقه واقع شده که روزی و برکت ده جزو است نه جزو در تجارت است و یک
جزو در گوسفند و در خصوص ثواب زراعت که بهترین تجارتها و کیمیای اکبر وارد شده احادیث بسیار است از آن جمله در
مدح مطلق تجارت هم احادیث واقع شده و در حدیث است که عقل را زیاد میکند اما در همه باب و تمام این اسباب
غافل نشوی که ترتب ثواب مشروطست بچند شرط اول به نیت صحیح در کسب تا عبادت گردد و از علامات آن اجتناب
از خلاف شرعست و الا حرف شرع و دنیا دار هم این است که کسب و زی برای عیال فرموده است دوم اکتفا
بقدر کفاف و الا انمخل بمواظبت ورد و سنن مؤکده که فراغ برای آنها اصل این فرض است نشود سیم
آنکه اعتماد بفضل و برکت رب الارباب باشد چنانکه در احادیث گذشت بتحصیل اکتفا که سبب روزیست
چنانکه هر عبادتی مفید و وسیله نجاتست و امید بمحض فضل و رحمت الهیست چه بسیار کاسبی هست که از دست
پریشانیها بستوه آمده و بسا عابد که روزی بسیار از رزق بی منتها نجات هلاکت و لا حول و لا قوة الا بالله هشتم
در اجرای شعر از طوفان لجه ماجرا شراب است که در عقبه هشتم جیگر را بتاب آتش خبیث میشوم با صوا از عجب
جواب سؤال این حساب و هول و بیم آن دشت پرشور و شر است دل آشنا از سراب آن تاب آتش حسرت
و اضطراب کتاب در قرآن مجید از کثرت فتنه آن نام خبائث و محرمات شده و حرمت تمام آن زاده بجنون و سر
فسادات هجده عدد از آیات کلام الله تعالی ما شده و در حدیث نبوی وارد شده که شرابخوار مثل بت پرستست آن خدا

که مرا بحق فرستاده است شراب خوار با غلها در قبر با بت پرستان از دهانش کنده برایند که اهل محشر از بوی بد
شکوه نمایند و به پرستش در قبر با بت پرستان و محشور شود با بت پرستان فریاد کنند و العطش العطش انگاه آبی بیاورند
مانند مس گداخته و از دو بدوی او را سیاه کنند چنانکه در ایه واقع شده و هر که در دلش ذره باخره از قرآن باشد شراب
برای ریزد شراب خصم دوست و زنقبا منت شراب اصل خبائث و مجمع گناهان و کلید همه شرها است قسم یاد کرده پروردگار
من بعزت و جلال خود که البته با شامانم از چرک اهل جهنم مثل آنچه جرعه نموده تا آخر بیمار زدم بانزده هر کس آن
زن من زیارت کند بچشانم او را از شراب خاص بهشت منتشبیل با او و اگر بیمار شود عبادتش نکنند و چون بمیرد نمازش
مروید که او بحقیقی از سگان جهنم است قسم بان خدا که مرا بخلق بحق فرستاده به پیغمبری که شراب نخورد مگر ملعون در جهان
گناه چون بنده بار اول شراب بخورد دانش فنا و تکبر و دوم مرتبه دوم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع ملئکه از
او بیزار شوند و در مرتبه سیم جمیع پیغمبران و اوصیا از او بیزار می شوند و در مرتبه چهارم خدای علیم بیزار می شود
و هیچ کس نیست که شب بخوابد مگر آنکه عروس شیطان مدخوله انفاس ملعون است تا صبح چون صبح شود غسل جنابت
بر او واجب است و الا توبه اش قبول نیست و بروایت دیگر غسل بکنید چنانکه از جنابت غسل می کنید و راه بر او دادن
دشمنی است بسوی خدا و جمع نشوند شراب و ایمان در یک دل هرگز با بن مسعود زنا کننده با مادر سهل تر است از خوردن
از یک جرعه از رباء و شراب صنف کننده شدید تر است از ربا زیرا که مفتاح هر شر است و در جهنم میبرد الله یکی از امت من
هفتاد بعد از هفتاد سال خدا امر کند جبرئیل را که بیاید و او را غرق در هفتاد هزار نوع عذاب و شکنجش
رنگ او و لباسش آتش و بر سرش تاج از آتش بر سر زیر پایش عقربها و گردنش مارها بسته و دو کفش باشد با حشاء
تا اینکه چون بازداریدش مقام خطاب خدا فرماید چگونه بود خطاب بد بنا گوید پروردگارا مرا بسوی ... مکن
فرماید بجانب بیتا مگر راستی گوید ترک کردم فرمان تو را و مرتکب شدم نهی ترا پس مست بودم ملتفت نبودم رسید
پس این بود جزای من که از تو کشیدم خدا فرماید برانیدش بسوی جهنم پس گوید خدایا مرا رحم کن پس کجا است رحمت
بود من از امت محمدم قبض روحم شد تشنه مرغوب شدم و معذب شدم بهفتاد رنگ عذاب امیدوار بودم کرم
پیغمبر او دیگر مرا بنگردانی فرماید برانیدش بسوی جهنم آنگاه میکند ندا و فریاد میکند که پروردگارا
بغما شربتی آب بمن دهند فرماید برانیدش گوید پروردگارا بگذارید تا یک حرف بزنم فرماید برانیدش بسوی جهنم
گوید خدایا قطع امید من مکن که از امت محمدم میگفتم اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله و شریکی بتو قرار
نداده ام فرماید بحقیقی که واجب و لازم کرده ام بر تو آتش جهنم را انگاه گوید بحق محمد مرا نجات ده بعد از آن فرماید

که ایمنی که امرزیده باشم او را این با آنجان که مرا بخلق فرستاده که هر که یک جرعه از مسکرها بیاشامد تا چهل روز نمازش مقبول
نیست و اگر در این چهل روز بمیرد کافر مرده باشد و حق تعالی بر او بهشت حرام میشود تا توبه کند و داخل بهشت نخواهد شد
مدمن خمر مثل بت پرست است نزد حق تعالی چنین و دیوث و شرطی و مخنث که کسی در دوزخ ابدی هیچ عمل شرابخوار مقبول نیست تا توبه
نکند و هم چنین عامل و فروشنده و خورنده آن با عملی میکنند و بر شارب خمر ساعی که نمیشناسد ... هر که خود را باعث
زلت خمر نماید برای غیر خدا شراب شود از شربت سر مهر بهشت بر سبد برای غیر خدا بود بلی والله برای حفظ خود تا خدا
باز این اجر ... از امیرالمؤمنین ع منقول است که چیز با عنکر ... مردم میشود محبت زنان و آن شمشیر شیطانست و شراب
که تلۀ شیطانست و محبت زن که تیر شیطانست پس دوستی زنان بباطل نابود از عمر ... و دوست شراب بهشت بر او حرام است و
دوستی سبب دنیا است و از حضرت صادق ع پرسیدند از سفله بن مریم فرمود کسی که شراب میخورد و طنبور میزند
عقوبت و مفاسد دنیوی و اخروی این شوم زیاده از حد بیشمار و بعضی در عین نعمه در سلسله جمعی که بیحساب بدوزخ خواهند
مذکور است هر چه مست کند مثل نبیذ ... و فقاع و غیر اینها حکم شراب دارد و بلکه غذایش حرام است و از رسول خدا
منقولست که هر که بیت خود ... یا خراب کرده باشد کعبه را هفتاد بار و هفتاد پیغمبر مرسل را و هفتاد ملک مقرب کشته
هفتاد مصحف سوخته ... در ذکر احوال عقبه ... که از زنا و فرج حرام است بروایت امیرالمؤمنین ع رسول خدا
میفرماید که زنها ... از زنا که در آن شش عقوبت است سه در دنیا که برطرف ... و قطع ... نور رو دور
و عمر را ... صعوبت حساب و غضب جبار و خلود در آتش حق تعالی ... لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله
علیهم و فی العذاب هم خالدون و بروایت دیگر فرمود هر که زنا کند با زن مسلمه یا غیر مسلمه ... تا بدون
برا و در قبرش سیصد و شصت هزار در ... بوی ... فرمود هر که بحرام
با پسر جماع کند محشور شود ... مردم ... باشند تا بجهنم رود و همه اعمالش حبط شود
و زنا ... از آتش ... در عذاب باشد که اگر ... بوی ... همه بمیرند و از
هر کس عذابش بیشتر باشد و هر که با زن شوهردار زنا کند از فرج ... بشود و ...
راه و جمیع اهل جهنم از گند ایشان متأذی باشند و هر زن بیگانه بفراش شوهر ... لازم است که او را با آتش بسوزاند
بعد از آنکه در قبر عذابش کرده باشند و فرمود که شب معراج ... زنانی که ... بودند زیرا که از زنا
فرزند ... بشوهرهای خود ملحق ساختند ... ایشان ... و منقولست در احادیث که هر که
زنا کند با ... و چنین کنند و از امیرالمؤمنین ع منقولست که روز قیامت ... که اهل محشر متأذی شوند

بی ندا رسد که مبتلا نشد این چه بادی است این باد گند فرج زناکاران است که بی توبه خدا را ملاقات نموده اند لعنت
کنید ایشان را که لعنت خدا بر ایشان است و نمی ماند احدی مگر آنکه لعنت کند ایشان را و فرمود دروغ گفت هر که گمان کرد
که حلال زاده است و حال آنکه دوست میدارد زنا را و هر که گمان کرد که خدا را میشناسد و هر روز و هر شب جای معصیت
او میباید و فرمود حضرت صادق ع از بیست نفر شرکت شیطان است که در اول این هشتم گذشت و فرمود زانی و دزد و شراب
خوار مانند بت پرستند و از رسول خدا ص ذکر فرمودند که چهار چیز است که یکی از آنها داخل هیچ خانه نمی شود مگر آنکه خراب
شود و هرگز برکت ندارد و خیانت در امانت و دزدی و شرب خمر و زنا و فرمود زنا لید زمین هر که بجا مثل نا لراش از
خون حرام و آب غسل زنا که بر آن ریخته شود و خواب میان طلوعین که بر آن گریه میشود و شومی و مفاسد و شاهد زنا
در دنیا عقوبت باده از حد بیشتر است و هفت آیه در آن نازل شده و باید دانست که انزال در قبل زن حرام دیگر است
و عزل واجب است چنانکه منقول است از رسول خدا ص که گناهی نیست بعد از شرک بدتر از وضع نطفه در رحم حرام و حضرت
صادق ع از آن حضرت ذکر فرموده که آدمی هرگز کاری نکرده عظیم تر نزد خدا از قتل پیغمبر یا امامی و هدم کعبه که قبله عالم
است و ریختن منی بحرام در فرج زنی و فرمود که روز قیامت بدترین مردم در عذاب قرار دهند نطفه ریخته در رحم
حرام و فرمود چون روز قیامت شود بیاورند زنانی را که با هم مساحقه کرده اند جامها از آتش بر ایشان و مقنعها
از آتش بر سر و زیر جامهای آتش پوشند و عمودی از آتش در جوفشان و داخل جهنم کنند و از آن حضرت پرسیدند از مساحقه
فرمود نمی گویم تا سوگند یاد کنید که آنچه میشنوید بزنها خبر ندهید بعد از قسم فرمود هر دو داخل جهنم خواهند
شد و هفتاد حله آتش بالای آنها پوستین کنده برایشان میپوشانند و دو کمربند آتش در میان ایشان می بندند
و موزه آتش بر پاهای ایشان میکنند و در جهنم می باشند و فرمود هر دو ملعونند و شرعا حد زنا بر ایشان است
و فرمود اگر مردی بر بالای مردی رود عرش الهی بلرزه در آید و خدا ملوط را بر جسر جهنم حبس نماید تا از حساب خلایق
فارغ شود آنگاه بفرماید که او را بجهنم افکنند و در هر طبقه عذاب کنند تا طبقه زیرین و از آنجا در نیاید هرگز و
فرمود او از بقیه سدوم است که از شهرهای قوم لوط بود و شرعا هر دو را باید کشت مطلقا و فرمود که سه نفرند
که روز قیامت خدا تکلم و نظر رحمت بر ایشان نمی کند و ایشان راست عذاب الیم کسی که موی سفید خود را بکند
و کسی که با خود چنین کند و کسی که دیگری او را چنین کنند و حضرت باقر ع از پیغمبر ص که خدا فرموده بعزت و جلال خودم قسم
که بر استبرق و حریر بهشت نخواهد نشست کسی که دیگری او را وطی کند و امیر المؤمنین ع از پیغمبر ص لواط پائین تر از دبر است
و دبر کفر است بخدا و رسول خدا و فرمود هر که لواط کند روز قیامت جنب محشور شود و آب دنیا او را پاک نکند

و خدا او را غضب و لعنت کند و برای او جهنم را مهیا نماید و بد جای باز گشتی است جهنم و هر که اصرار کند بر زنا مرد زانی بود

و در روایت حضرت صادق ع فرمود که چون قوم لوط ... کردند زمین بخدا نالید تا گریه اش باسمان رسید و آسمان گریه اش

بعرش رسید پس وحی شد باسمان که سنگ بر سر ایشان ببار و بزمین که ایشانرا فرو برد و حضرت صادق ع فرمود که هر که بمیرد

با اصرار بلواطه البته خدا او را بیکی از آن سنگها او را بزنند که مرگش در آن باشد و کسی آن سنگ را نبیند و در حدیث

باین معنی تفسیر شده آیه و ما هی من الظالمین ببعید یعنی عقوبت قوم لوط از ظالمان امت تو که این عمل کنند دور نیست

و در حدیث معتبر منقول است که عمر امر کرد بکشتن غلامی که آقای خود را کشته بود پس حضرت امیر المؤمنین ع او را طلبید و از جهت

قتل پرسید گفت بزور با من لواط کرد و حضرت از ولی مقتول پرسید که او را دفن کردید گفتند آری حالا دفن کرده ایم فرمود

بعد از سه روز نزد من آئید فرمود بعمر که غلام را حبس کن پس بعد از سه روز با عمر بر سر قبر رفتند و قبر را شکافتند کفنی یافتند

حضرت تکبیر گفت و فرمود والله دروغ نگفته ام والله که شنیدم از رسول خدا ص که هر که از امت من عمل قوم لوط کند پس

حالا بعینه بر او ... تا بمیرد از آن ... میدهند که در لحد گذارند سه روز بیشتر نکشد که زمین او را فرو برد تا بقوم

لوط برسانند پس با ایشان محشور شود و حضرت رضا ع فرمود که حد لوطی که او را با آتش میسوزانند باد بوی او بر شهر خراب

می کنند با شمشیر بر او زنند که کشته شود و خواهر و مادر ملوط بر او حرام است و در قیامت او را از حلق میکشند در

کنار جهنم و بعد از حساب خلایق در جهنم می اندازند پس در هر طبقه معذب خواهد بود تا آخر طبقات و لواطه بدتر است از زنا

چه خدا بدان شهرهای چند را خراب کرد و در حدیث نبوی است که بکر بهتر از لواطه و فرمود زنهار حذر کنید از نظر

سادگان که فتنه ایشان بدتر از دختران پرده نشین است در خطبه وداع است که هر که پر کند چشم خود را از زن نامحرم

خدا پر کند روز قیامت چشمهای او را از آتش و میخهای آتش پس بجهنم فرستد و شدید است غضب الهی بر زن شوهر دار

که نظر بغیر شوهر خود کند که محرم نباشد پس حبط عمل خیری که کرده و هر که شوخی کند با زنی که مالکش نباشد بهر کلمه که گفته

هزار سال در آتش محبوس میشود و همین عقوبت بر زنی که اطاعت کند مرد را بر او مرد را در بغل گیرد یا ببوسد

باو برسد یا شوخی کند یا منتهی بعمل او شود و اگر مرد جبر کند وبال زن هم بر او ست هر که بحرام دست بدست زنی رساند

بحشر دست بگردن بسته در آید و هر که پسر را بشهوت ببوسد حق تعالی روز قیامت لجامی از آتش در سر او زند و ...

هزار سال در آتش عذاب کند و در حدیث است که گویا با مادر خود هفتاد بار زنا کرده و فرمود کافر ... از اقسام ...

مساحق و جاروکر و ... و جماع کننده ... بحرام و با حیوان ... و ساعی در فتنه و فساد و فرد ...

و مانع زکوة و تارک ... و فرمود ملعون است هر که با حیوان وطی کند و شرعا گوشت و نسل او حرام میشود و واجبست کشتن

سوختن او و غیر آن تهمت آن و اگر سواری باشد از آن بلد بیرونش میکنند و بدانکه قیادت هم از گناهان کبیره است و بعد

نبوی بهشت بر او حرام است و همیشه خدا بر او خشمناک است تا بمیرد و شرعا بعد از هفتاد و پنج تازیانه اخراج بلدش میکنند

کنند اگر مرد باشد و حضرت صادق ع گفته که نظر در پشت نامحرمان تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است و هر که زن نامحرم را نظر حرامی کند تیر

با و کرامت فرماید که لذت آن را بیابد و نیز مرویست که نظر شهوت در دل میکارد و همین نظر برای فتنه او کافی است

مخفی نماند که نظر باعث عشق مجازی میشود که کفر است و از قبیل بت پرستی است که نا مشروع معشوق بغرمایند

تقاضا می کنند و فرموده بسا بیل از عشق که خدا دلهای فارغ از یاد خود محبت غیر خود را در آن میچشاند بهر که هم مانند حج

سؤال عشره دهم که از غنا و خوانندگی و از سخن حرام است بدانکه این زمزمه شیطان و نوحه شوم اهل خذلان و شغل

ارباب شقاق و از شعبات نفاق باجماع و اتفاق اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم و علماء شیعه اهل وفاق حرام

چنانکه متقدمین و متاخرین نقل کرده اند بلکه بمثل زنا حرام است و حرمت آن از ضروریات مذهب جعفریست و از کبائر گناهان است

که مرتکب آن فاسق و فاجر است و هر که حلال داند ظاهرا مرتد و کافر است و آیات متکاثره و روایات متواتره در حرمت

آن وارد شده و تا حال احدی از علماء قایل بحلیت آن نشده اند مگر جزئی ضعیفی که مانند تصوف از خیالات فاسده بدر

برده اند و از اوهام و اعتبارات میدانند و بنصوص معتبره از راه هر چند خواسته اند ولیکن برای حفظ ظاهر گاه متعذر

بجای که اگر اصل و صحت و اینمعنی هم داشته باشند بجهات شتی ضعیف و استنادشان باطل خواهد بود بنصوص

اصح و اصرح و اکثر از آیات و روایات و اجماع موافقت بر انفت مخالف و غیر ذلک وگاه با دعا و وجد و حال خوش و تقوی

بسماع و حال آنکه آهنگ تار و کمانچه خوش نوا و ضرب عشوه‌های معشوق دل ربا و نغمه با اصول غمزه‌های دلربا

روح افزای بسیار در اینمعنی بعید و چون مقتضای خواهش از این مزخرفات بر میآمد بتجاهل و تغافل مینمایند که غنا

چیست با کدام است و حال آنکه هر عامی میداند که همان سرود و خوانندگی مانند زنا که معلوم است هر که حکم

خدا را تابع خواهش خود خواهد چنین رسوا شود وگاهی تخصیص میدهند غنا را با شعار باطل و حال آنکه کلام حق

و باطل را در حرمت غنا تاثیری نیست با شراکت نص و عموم اخبار از قبیل این است که کسی گوید زنا حرام است مگر

با نو بجز خلال که حلال است حقا که امثال این عذرها ناشی نیست مگر از شیطنت و نفاق که از غنا و آن مایه

شقاق است یا از کوری چشم بصیرت بموجب حبک للشیء یعمی و یصم و شاید موید آن باشد و آنچه از رسول خدا

منقول است محشور خواهند شد صاحب غنا و خوانندگی از قبرش کور و گنگ و کر چون زناکار و سازنده و هیچکس نیست

که بلند کند آواز خود را بغنا مگر آنکه خدا دو شیطان فرستد که بر دوش او سوار شده و بپاشنه پاها خود

بر پستانهای او نیشتر زنند تا دفن کنند و فرمود هر که بگذارد در خانه بربط ساز و دهل و آلت غنا نزد خدا شد بدتر
از زنا با مادر خود هفتاد بار و در حدیث است غنا نوحه ابلیس بود بر فراق بهشت و فرمود نوحه کننده بیاید
روز قیامت مانند سگ و فرمود نوحه و غنا فنون زناست و در حدیث حسن از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که غنا از
گناهانی است که خدا وعید آتش داده پس خواند این آیه و عذاب مهین و خوار کننده در آن مقرر شده و در صحیح حضرت صادق
منقولست خانه که غنا خوانند ایمن نیست از نزول بلاهای دردناک و دعا مستجاب نمی‌شود و ملائکه داخل نمی‌شوند
و فرمود خدا اعراض نموده از اهل آن خانه و دور از رحمت گردانیده و فرمود غنا آشیانه نفاق است و شنیدن لهو
و غنا میرویاند نفاق را چنانکه آب گیاه را و این معنی از اسم مجرب مثل بودن موسیقی‌دان با بی‌رسنکی کار و کرنکی
و قساوت دل و حبس برکت و رحمت و دعا کردن آن ثابت دار شده و فرمود خرید آن کنیزان خواننده حرام است و تعلیم ایشان
کفر و شما خوانند ایشان نفاق است و فرمود خوانندگی باعث نفاق و فقر و پریشانیست و در موثق کسی از حضرت
پرسید که من کاهی در خلا نشستن را طول میدهم برای شنیدن غنا و ساز همسایه حضرت که این شنیدن نهایت
و اهتمام مجدّی فرمود که سایل مضطرب شده گفت برای این نمی‌رفتم بلکه بگوشم میرسید فرمود و الله مگر نشنیده‌ای
قول خدا را که إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا یعنی بتحقیق که گوش و چشم و دل از همه
سؤال خواهد شد گفت بلی و الله گویا این آیه را نشنیده بودم و بکر نخواهم کرد توبه و استغفار کردم فرمود برخیز
و غسل کن و نماز بگذار بتحقیق که در گناه بزرگی بوده و چه بسیار بد بود حال تو اگر بر آن حال میمردی طلب آمرزش
از خدا نمی‌توانستی کرد تو بکن از هر چه او را ناخوش است که او ناخوش ندارد مگر قبیح را و گذار قبیح را با اهلش که
هر کار را اهلی است و فرمود بوقت دم عمر شماتت نمود ابلیس و قابیل با هم بملاهی و غنا و در این محراز ابن مغو
است که مردم مبتلا می‌شوند از جمله و فرمود هر که در پیش ساز بیاورد کفران نعمت نموده و در صحیح هاشم است که گفتم
بآن حضرت سؤال می‌کنم و حیا مانع است آیا در بهشت غنا خواهد بود فرمود درختی هست که نسیم بهشت باذن خدا از
بنغمه چند منزل رسد که هرگز بآن خوشی صدائی شنیده نشده و عوض ثواب کسی است که از ترس الهی غنا شنیده
کرده باشد در دنیا و از حضرت امام رضا بن چنین روایت شده و در تفسیر علی بن ابراهیم از ابن عباس ذکر کرده که گفت
خادم رد حجة الوداع حلقه کعبه گرفته دعا کرده و فرمود با خبر دهم شما را بعلامتهای قیامت سلمان گفت بلی
یا رسول الله فرمود ضایع کردن نمازها و متابعت شهوات و خواهشها تا فرمود قومی بهم خواهند رسید که قرآن را
بغنا خوانند حرمت غنا بخصوص قرآن و آیات ببکر هم دارد با وجودیکه عموم ما یافته در بابها کافی است احترام

در قرآن و مرثیه هم بلکه بحزن و اندوه و خواندن قرآن و مراثی که بطور و غصه خوانند نباشد جایز بلکه ممدوح است
اما سخن حرام که وعید بر این مقام مذکور است بعضی غنا است و بعضی اشعار عشق آمیز است آنکه که مطرب بغنا
مقرون میسازد و خصوصاً اینها که بشرب و فسق حقا نامند که نسبت به پروردگار شانه چیزی چند نسبت میدهند
که اگر بحضرت عباس کسی نسبت دهند از ننگ و عار البته جلای وطن کند عادل روز جزا حکم خواهد نمود مبادا مراد
مواد دارد از اشعار و چون غنا در قرآن تفسیر شده بلهو حدیث که شامل هر سخن است که از ذکر خدا غافل نماید اخبار
کلی دارد که سخن حرام هم عام باشد و از آنجمله است اشعار مذکوره مطلقا بلکه هر کلام شعری اگرچه منظوم نباشد
که مهیج شهوات نفسانی و ملهی و شاغل از یاد الهی یا هجو مؤمنی و غرض مسلمی باشد و اثبات اخبار در مذمت این اشعار
بسیار است و از آنجمله قصص باطله و حکایات دروغ نباشد بقول بعضی علماء چنانکه حضرت جواد از رسول خدا
ذکر میفرماید که ذکر علی عبادت است و از جمله مناقب است رمیدن از ذکر او و اختیار شنیدن قصه های دروغ و افسانه
مجوس و شاهنامه و غیر آن فضایل او و از امیرالمؤمنین منقول است که هر چه از خدا غافل کند میسر است و حضرت صادق
میفرمایند هر مجلسی که ذکر خدا نشود روز قیامت حسرت خواهد بود بر اهلش پس فرمود ذکر ما از ذکر یاد خدا است و یاد
دشمنان ما یاد دشمنان خدا است و از آنجمله سخنی که بسخرگی باشد و تقلید کسی برای مضحکه زده شوخی نادر است کسی که خود را
از همه امور جز نیاورد ابن ابی لیلی شاید بهتر نموده باشد و حال آنکه شکی نیست که تحریمش نیست چنانکه رسول خدا
فرموده باز کسی که سخنی میگوید که جمعی بخندانند پس بسبب آن فرو میرود در طبقات جهنم بقدر میان آسمان و زمین و
بر کسی که دروغ گوید که مردم را بخندانند وای بر او وای بر او و در روایت حضرت صادق آمده که نهی از باطل و دروغ
با این همه از آنکه میتواند بگوید که جرأت و جوش از دهانش بیرون آید میکند پسندد با چه بود این خبر گوید نقل میکند
نمود لیکن سید این هر سخن چنین اعوان فاسد حکایت میکرد و منصه حدیث در مقام عتاب مذکور و میشود و در روایت
دیگر فرمود که استهزاء کنندگان بمردم را دری از بهشت باز کرده خواهند طلبید چون بیایند بتعب و محنت بسیار بر
روی آن می بندند و مکرر چنین کنند تا آنکه مأیوس شود و فرمود هر که سخن به کنند مردم را تا بحقیقت عیب خدا
نمود بخلق او و خدا فرموده قسم بعزت و جلال خود که هر که عیب چیزی از خلق من کند با آنکه ملامت کنند
با جمیع اعمالش قبول نکنم و او را داخل جهنم کنم مگر توبه کند عمرو بیست که نوح تا پیر سالی کند شب و گفت یا نجم
ست با اذن الهی بدون انوشته گفت که اگر راضی نیستی با آنها بنخند ایشان را تغییر ده یا نبی الله حضرت فخیر
و خود را ملامت نمود و نوحه میکرد چهل سالی تا ندا رسید که قبول کردم توبه ات را تا کی گریه کنی و احتمال دارد

که سخن حرام که عمدا از معاصی هم باشد پس از آنجمله خواهد بود و حرف لغوی که باعث برآزردن و دل شکستگی مسلمان باشد
پس کم کسی است که از این بری باشد حتی آنکه رسول خدا صلعم در خطبه وداع فرمود که هر که با خادم خود و مملوک خود
یا هر که باشد بگوید لا لبیک ولا سعدیک محبوس خواهد شد در آتش و فرمود هر که بروی برادرش یا پسر او سخن
سختی بگوید بکند خدا جای او را در ویل که چاهیست در جهنم و از آنجمله لعن بیجاست که متداول است جرأت بآن و حال
آنکه در چند حدیث از حضرت باقر و صادق علیهما السلام منقولست که لعنت از دهان که در آمد میگردد اگر محلش را یافت
فبها و اگر نه اگر بیجا بوده بملاعن بر میگردد و در موثق حضرت باقر ع فرمود هر کس شهادت نداد کسی بکفر مگر
آنکه برگشت بیکی از ایشان اما طعن مزنید بر مؤمنان و فرمود هیچکس نیست که طعن کند در چشم مؤمن یعنی رو برو
مگر آنکه بمیرد بمردن بدترین میسری که خیر نه بیند و در صحیح علی الظاهر حضرت صادق ع فرمود هر گاه کسی برادر
مؤمنش اف گوید از ولایت او بدر میرود و اگر گوید تو دشمن منی کافر میشود و خدا قبول نمیکند از مؤمن عملی
که بدی از برادر مؤمنش بدل گیرد و از آنجمله سخن بغی که از عجب و کبر ناشی میشود و بصحیح آنحضرت نوشت بمعمر که
ملاحظه نما که مبادا تکلم کنی بکلام بغی هرگز هر چند ترا ناخوش آید از خود و از رسول خدا صلعم ذکر فرمود زودترین
شرور در عقوبت بغی است و بروایتی فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که حق گوید یا ساکت باشد
و بو بصیر ابوذر فرمود هر که خواهش کند نجات یافت و احادیث در فضیلت سکوت متواتر است و لیکن نظر بحرف
جز بر خوب حسب چنانکه حضرت سجاد ع فرمود بسایل از افضل سکوت و سخن فرمود هر یکی از اینها هست با سلامتی
تکلم بهتر زیرا که خدا پیغمبران را بخاموشی نفرستاد بلکه بسخن امر فرمود و بهشت بسخن محبت الهی و نجات از آتش
نمیتوان یافت هرگز من ماه را با آفتاب برابر نکنم و امیر المؤمنین ع میفرمود که همه خوبیها جمعند در سه امر نظر و
سکوت و سخن پس هر نظری که بی عبرت لهو است و هر سکوت بی فکری سهو و سخن بی ذکر لغو پس خوشحال
کسی که نظر او عبرت و سکوت او فکر و سخن او ذکر و بر گناهانش گریان و مردم از شر او در امان باشند و فرمود بیشتر
کلام شما باید بیاد خدا باشد و فرمود کلام خود را از اعمال خود حساب کنند تا کم شود مگر در خیر و در صحیح حضرت
کاظم ع گذشت بر مردی که حرف بیجا میزد پس ایستاد و فرمود ای فلان بدرستی که املا میکنی و مینویسانی برای دو ملک
خود نامه بسوی پروردگار خود پس سخنی بگو که بکارت آید و واگذار غیر آنرا و در حدیث است که دلهای پرگویان در غیر
ذکر خدا قساوت دارد و بعد از آن نهر باز هم در غیبت حسبتا عقبه باز هم که از قسم دروغ است و در صحیح باقر
فرمود که در کتاب علی ع است که سه چیز است که صاحب آنها نمیرد تا وبال و جزای آنها را بکشد بغی و قطع رحم و قسم

دروغ و فرمود قسم دروغ و قطع رحم خانه‌ها را خراب کند و از اهل خالی و قطع عمر و نسل میکند و در اینمعنی
احادیث بسیار است و در حدیث قدسی است که بر رحمت خود منع نمایند هر که قسم دروغ یاد میکند و نیز از امام
روایتست که وحی شد بداود علیه السلام که قسم مخور بالقسم من نزد راستی ندروغ که راستش نفرا ورد و بدروغش کور کند
آتش جهنم و در حدیث وارد شده که خدا را ملکی هست که عرض زمین گوشش پانصد سال راهست در تسبیحش گوید
سبحانک من عظیم ما اعظمک خدا به پیغمبر ما باید این را بگو بکسی که بقسم دروغ مرا یاد می کند و رسول خدا پیغمبر ما بود
هر که برای تعظیم و اجلال حق تعالی ترک کند قسم دادن غیر اگر داند بر راست نمی کند روز قیامت خدا راضی نشود بر
او جامه مگر منزل خلیلش ابراهیم علیه السلام بهره دوازدهم در بیان عقوبت ربا و سود خواری قال الله تعالی
الذین یأکلون الربوا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس اینها که سود میخورند روز حشر
چون مانند مخبط کشته از مس شیطان و در آیه دیگر به پیغمبر ما فرمود که اعلام خدا برسید و اگر دست برندارید از مانده
از ربا اگر ایمان آورده اید پس اگر نکنید آماده جنگ خدا و رسول باشید و احادیث در این باب بسیار است و از رسول
خدا صلعم منقولست که شب معراج دیدم جمعی را که هر چند میخواستند که برخیزند نمی توانستند از بزرگی شکم گفتند
ربا خوار بودیم در دنیا و فرمود هر که سود خورد خدا پر کند شکم او را از آتش جهنم بقدری که خورده پس اگر
مال از این ممر کسب کرده هیچ عملی از او قبول نشود و همیشه در لعنت خدا و ملائکه هست تا قیراطی از آن باقیست
و فرمود یا علی گناه ربا هفتاد جزء است سهل‌ترین اجزاء زنا با مادر است در کعبه و در روایتی زنای هفتاد محرم
است در کعبه و فرمود خدا لعنت کرده گیرنده ربا را و دهنده و نویسنده و شاهد را و در روایت دیگر که حکم ربا
خوار در قیامت پیش از مار باشد و از برهنه بدتر او بدتر باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خدا
خواهد قومی را هلاک کند ربا در میان ایشان پیدا شود و گفتند در بیت ربا میخورد و حلال میداند چون شیطان
مادر فرمود اگر خدا مرا بر او مسلط می کرد گردن او را میزدم البته و اخبار در قتل مستحل ربا خوار بسیار است و نیز منقول
فرمود یک درهم ربا عظیم تر است نزد خدا از سی زنا که با همه محرم خود کرده باشد و فرمود اول عارف شوید بعد
از آن تجارت کنید بخدا سوگند که ربا در این دنیا خفی تر است از رفتار مورچه بر سنگ صاف و از حدیث عرف
حبیب ضایع کرده ظاهر میشود که ربا خوار بیحیا بجهنم خواهد رفت و شاید بود این موافق از غیر معصوم سؤال شود و الله
اعلم بهره سیزدهم در عقاب غیبت عقاب و زجر اینکه از شومترین کبائر و فحش سؤال میشود و در صحیح حضرت
صادق علیه السلام منقولست که پیغمبر ما باید که بد زبان و دشمن ترین خلق خدا روز قیامت بنده‌ایست که مردم از زبان او ایمن نباشند

معنی متواتر است که در حدیث صحیح فرمود فحش و بد زبانی از نفاق است و فرمود از علامات شرک شیطان در نطفه کسی که شیطان در آن
نسبت فحاش بودن است که پروا نکند که چه گوید و چه گویند و در صحیح از رسول خدا ص همین را فرموده و بهمین مضمون متواتر است
و در موثق امیر المؤمنین ع از آنحضرت ذکر فرموده که حرام است بهشت و اگر تفتیش کنی نسب ایشان را یا ولد الزنا یا
شیطان در نطفه و در خطبه وداع فرمود هر که دشنام دهد مرد مسلمان و زن محصنه را حبط کند خدا عمل او را و هزار
ضربت تازیانه بزنند او را و هفتاد هزار ملک از پیش رو و پشت سر او را بکشند و بعد از آن بجهنم برند و
اهل جهنم از گند دهان او بفریاد آیند و فرمود یا علی بهشت بر او حرام است و در روایتی فحاش بصورت سگ و در روایت
حضرت صادق ع فرمود دشنام مؤمن مانند مشرف بر هلاکت است و در روایت دیگر دشنام او فسوق است و قتال او کفر و حرمت
مال او مثل خون او است و در صحیح حضرت باقر ع فرمود بجعفی که اگر فحش را صورتی می بود بد صورتی بود و فرمود که خدا دشمن
دارد فحاش و سائل مبرم را و در حدیث فرمود هر که بیاد رود مؤمن فحش گوید خدا برطرف کند برکت روزی او را و واگذارد او را بنفس خود و
فاسد کند بر او معیشت او را و در صحیح حضرت کاظم ع منقول است که ابتدا کننده بدشنام ظالم‌تر و گناه دیگری بر او است
تا تعدی نکرده باشد مظلوم و در صحیح دیگر تا عذر نخواسته از مظلوم و حضرت صادق علیه السلام فرمود چیست میان تو
و شوهرت در تو بنصیحت حذر کن از آنکه فحش گو و فریاد کن و لعنت کننده باشی گفت والله که بر من ظلم کرده فرمود اگر ظلم کرده
باشد که زیاده کرده بر او ببخش بد روشی که این کار از من نیست و نهی فرموده ایم شیعیان خود را استغفار کن و دیگر
این کار مکن و در صحیح فرمود مردی سه سال دعا کرده پسری طلبید چون اثر اجابت ندید گفت خدایا دورم از تو که نمی
شنوی یا نزدیکی بمن و اجابت نمی فرمایی پس در خواب کسی با او گفت که تو بزبان فحش گو و بدل ناپاک خدا را میخوانی و نیت
صاف نداری از فحش و دل متقی کن و نیت خالص بعد از آن دعا کن پس پسری بهم رسانید و روز صدیق آنحضرت که
از او مفارقت نمیکرد به سبب غلام هندی خود را فحش نموده بنا فرمت چهارم گفت کجا بودی یابن الفاعله حضرت
که این را شنیدند دست مبارک خود را بلند کرده بر پیشانی خود زد و گفت سبحان الله دشنام میدهی مادرش را من گمان میکردم
تو مرد پرهیزگاری گفت فدای تو شوم مادرش هندی مشرک است فرمود نمیدانستی که هر امتی را نکاحی هست که از زنا باز دارد
دور شو از من پس هرگز با او در راه رفتن ندیدند **چهاردهم** در ذکر عقوبت شهادت ناحق که اقبح اسباب کفر و نفاق بی
فروغ و اشنع و افضح افراد دروغ است و مفاسد او زیاده از بیان و منقولست از رسول خدا ص که شهادت دهنده
تبلغ او بجنت خواهد شد روز قیامت از زبانش و معذب باشد با منافقین در درک اسفل و بروایتی فرمود که هفت
نفر در قبر از عذاب ... شوند خمر فروش و ... شهادت ناحق دهنده و محتکر و ... عاق والدین

و ای سیدان و مولای من بد کردم و خطا نمودم فرماید که ای بندهٔ من یاد دار این نامه گناهی نوشته‌ام که نگاه

با این حسنات تو چیزی هست که نوشته باشیم گوید نه خدای کریم مرا در دنیا خلق رسوا مکن که در این وقت همه بر

منکر شد و هر گناهی که بر او شمرده گوید بلی آقای من از آتش جهنم بر من کوتاه است از این مجلس پس ندا رسد که فلان

کوشش را بستر کردی خوابم داری و احسانا کردی برادر مؤمن و در دنیا با آن کعبه صدای لبیک در درگاه من بلند کردی

و درود را از بهر عذاب من جوی اینجا سید شما روان کردی شبها از بهر من بعیادت و بید دو درود و دیدها را ز خوف

عذاب من از نامه من بشوید با این همه گناهان امید بدم و حسنات تو تو آنها بیامرزیدم پس بد اعمال در سفید دل

شاد کردند تاج شاهی بر سر و زیورهای بهشت در برش کرده امر شود به جبرئیل که بر بندهٔ مرا و کرامت را باو بنما پس چون

روانه شود نامه خود را گشوده به مؤمنان نماید و از روی افتخار و اسبنشتا گوید هاؤم اقرؤا کتابیه انی ظننت

انی ملاق حسابیه پس در عیشی باشد پسندیده و چون به بهشت رسد ملائکه گویند نامهٔ گذشتن خود را بنما

پس نامه برآورده که بر او نوشته باشد بسم الله الرحمن الرحیم این نامه گذشتن است از خدای عزیز حکیم برای فلان

بن فلان آنگاه ندا رسد که فلان مؤمن سعادتمند است که بعد از آن شقاوت مبدل نشود هرگز و نبی او را نکبر و

بر روایت بقیه شما هر که سعی به مال خود برای رفع حاجت خویش فرستاده باشد نامه‌اش به دست راست دهند و خطا

استانماید برادر خواندن نامه او با لباسهای جنت و تاج کرامت در سرش بعزت و امنیت بنشانند و حضرت صادق

فرماید جاهل سخی بهتر از عابد بخیل است و فرموده از رسول خدا که جوان گنه‌کار سخی دوست‌تر از شیخ عابد بخیل

نزد خدا و سخا درختی است در بهشت شاخهای آن در زمین و بخیل هر که بچسبد بشاخی از آن او را به بهشت کشد

و ابن عباس از آنحضرت روایت نموده که بکنید بدانکه گناه سخی بدرستی که خدای تعالی دست او را بگیرد هر وقت بلغزد و بر روایت

بکر فرموده بحقیقی که بلای امت من داخل بهشت نمی‌شوند بنماز و روزه و لیکن بسخاوت نفس و سلامت سینه و نصیحت

و خیرخواهی مسلمان داخل بهشت خواهند شد و فرموده زمین قیامت همه آفتاب است مگر سایه شخص مؤمن که تصدق دنیا

بر سر او افکنده و شمه از فضایل سخی در صفحات گذشت و بر روایت بقیه والا نامه‌اش را بدست چپش دهند با لباسهای

آتشین با اینها شود در طلب خلق فرمود کسانی که بهم نوشته و نامه عادل روز قیامت چه حکم فرماید و بر روایتی چون

شخص خواهد که نامه‌اش را بگیرد ملکی پشت سرش و بر پشت سر او دست بیرون کشد و دو آورده باشد نموده نامه بدست

چپش داده شود و قرآن با این مشعر است سابقا بر منکوره شد که نظام احادیث ثانیه که در این مقام خوانده

شود همان است که در وقت دادن نامه او نوبت باشد و مرویست که چون نکته کار بدو دانی نامه خواند بگناهی که مرسد

اکنون می‌شود پس خدا پیغمبر را با جبرئیل ساکت شد گویا از شرم تو پروردگار را فرماید جبرئیل در ره پناه شرم نکردی
برید ابن او و برید بسوی جهنم عنوان ششم در بیان میزان و تحقیق معنی و تفصیل مواقف آن قال الله تعالی والوزن
یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم
بما کانوا بآیاتنا یظلمون و فرموده و نضع الموازین القسط لیوم القیمة یعنی نصب خواهیم کرد میزانها عدالت
را در روز قیامت باید دانست که ظاهر معنی آیات و بعضی روایات میزان ترازوی حقیقی است که در دو کفه ترازوی
بسنجند اعمال نیک و بد را که مصور خواهند شد و هر یک را مثالی و لمعی خواهد بود و همچنین صراط بر
روی جهنم معبری است بسوی بهشت هم بمعنی گذار در روز قیامت که هر دو باشند از عدل دین قویم و صراط مستقیم
و ولایت امیر المؤمنین ع و ائمه هدی علیهم السلام و منافاتی نیست و هر دو را شامل میتواند بود چه هر چیزی را
صورتی ظاهر است در این عالم ملک و شهادت و وجودی باطن از عالم غیب و ملکوت و این مضمون عموما و در خصوص نماز
و روزه و صدقه و قرآن و سایر عبادات و غیر ذلک بسیار وارد شده چنانکه منقولست از امیر المؤمنین ع که شخصی
فرمود با ایشان تاویل نماز خود را گفت مگر نماز را تاویلی هست بغیر تنزیل فرمود بلی بحق آنکه خدا محمد را
بپیغمبری فرستاد نماز مگر آنکه تاویلی دارد و تنزیلی که همه افاده دلالت بر توحید میکند پس تاویل نماز را
چنانکه در قصه مذکور است فرمود و حضرت صادق ع میفرماید که قرآن بصورت نیکی محشر شود و جلاد
خود را شفاعت خواهد نمود راوی پرسید آیا قرآن سخن میگوید فرمود خدا رحم کند ضعفا شیعیان ما را که
اینها از ما می‌شنوند تسلیم و اذعان می‌کنند بعد از آن فرمود نماز شخصی است و صورتی دارد و خلق را امر
و نهی میکند راوی گوید که رنگ من متغیر شد گفتم این سخن را نمیتوانم گفت فرمود هر که ما را بنماز
نشناسد حق ما را نشناخته و انکار ما نموده میخواهی سخن قرآن بشنوی گفتم بلی فرمود در قرآن است
ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر چون نماز نهی میکند و سخن میگوید و فحشاء و منکر مردم
چندند و ما ییم ذکر خدا و ما بزرگتریم و تحقیق این معنی بتقدیر علما می‌شود نه بتجربه جهلا نه مثل حشوی با انکار
باطن خود را از درجات بسیار و فواید بیشمار محروم کن و نه بتجربه انکار ظاهر بمعرض الحاد درآید و لیکن
در مخصوص میزان اخبار بسیار صریح است شده اینکه میزان بمنزله خداست از روی مصطلح نیست که معنی آن گویند
و با آیات همچنین تفسیر شده و هم چنین در اخبار معتبره و سکینی و سبکی آن بمعنی اشاره شده و این حسنات
حسنات و سیئات از ابنا هم در دو وزن چنانکه اهل بیت گویند بجلال صراط که هر دو معنی است هم ظاهر و هم باطن

عنقریب خواهی رسید و بروایات بشنا بعد از طی طومارها و نامه‌ها که در راه میکشند خلایق را بسوی میزان که هر کس بر آن با[یستد]
بسنجند پس در این مقام ایستاده خواهند شد نشستها که گذشته فرار سیاه و هر که میزان حسناتش راجح و سنگین باشد
نجات یابد و بهشت بحصول برو و آیت دیگر فرموده که بنده را چون بمقام حساب باز دارند خدا فرماید بسنجید نعمتهای مرا
با عمل او پس نعمتها عملها را فرو گیرند آنگاه فرماید نعمتها را با و بخشیدم خوبیها و بدیهای او را بسنجید پس اگر برابر باشد
بخشش امر فرماید و اگر خیرش بیشتر باشد تفضلها و احسانها یابد و اگر شرش زیاده باشد پس اگر اهل ایمان باشد
محل رحمت الهی هست اگر خواهد می‌آمرزد و از رسول خدا منقول است که در روز قیامت میزان اعمال و بندها و برابر و کفه
میزان باز میدارند و ملکی بر او موکل میکنند پس هر گاه عملش سنگین آمد ندا میکند آن ملک بصدائی که همه خلایق
بشنوند که سعید شد فلان پسر فلان سعادتی که شقاوت نیست بعد از آن هرگز و اگر سبک باشد ندا کند که شقی
و بدبخت شد فلان شخص شقاوتی که دیگر سعادت نیست بعد از آن هرگز و در آن وقت ملائکه غلاظ با گرزهای آتشین
و ریسمان و لباسهای آتشین در بر او می‌پوشانند و او را بسوی آتش میبرند و فرموده است که چون از امت من کسی را حساب کنند
بسوی آتش پس چون بکنار جهنم رسد و مشاهده آن کند ملائکه استغاثه نماید که یا
رب اگر بر کسی برحال خود جواب گوید که سزاوار این بود که در دنیا کاری بعمل آوردی تا فایده و اثر
برای تو مترتب شود گوید من از امت محمدم و طاقت آتش ندارم و این گمان به پروردگار خود نداشتم که مرا
با کافران جمع کند گوید این است محمد نزد پروردگار خود پس باو استغاثه کن و اگر نه بجا و به مبتلا
خواهی شد آنگاه فریاد کند و بلند ترین صداها خود یا محمد بسوی ملتفت شده گوید او را من شناسم باید
دیگر اعمال او را میزان کنم بعد از آن بیرون آورد صحیفه از نور و در کفه حسنات گذاشته راجح آید پس فرماید
که این صحیفه صلوات بر من است فرمان آید که ببهشت برید پس باهمه مباهات آنحضرت ابو سعید گوید اگر نور و صلوات
تو نبودی ملحق بهاویه بودم و در صحیح حضرت مثاقف اسم مییفرماید که هیچ عملی در میزان سنگین تر از صلوات بر محمد
و آل محمد نیست و بتحقیق که میزان عمل آدمی سبک می‌آید و رسول خدا صلوات را میزان او را سنگین میکند
بدانکه فضایل و فواید صلوات زیاده از حد و حصر است و اربعین در رساله در این خصوص نوشته شده و در
اخبار در هشتم روضات در عین یازدهم مذکور است و روایت سابقه آنکه باز داشته خواهند شد در دوازده
درجه موقف مزار سال موقف الحق سؤال از عتق و آزاد نمودن بندگان خواهند شد بدانکه احوالی چند
مبتلا مکلف اگر عتق و آزاد نمودن رقبه بر ذمه او قرار میگیرد نگین بنا در فصل روزه و مباشرت در رمضان و ظهار

باذن خود و قفل جنت و قسم در مصحف که نبشته باشد بلند کند و کسوه بر هیئت بار و خوانده شده باشد و غبار لهما بس می باید ادبی زیر

خود را برای کند بهشت نزد خدا و آزاد کردن بنده ثواب عظیم می دارد و بجهت باقی ع از رسول خدا ص روایت فرموده که هر

عضوی عضوی از آتش جهنم آزاد شود موقوف باز خوانی قرآن مجید سؤال خواهد شد و در حدیث متواتر متفق علیه

کل امت که رسول خدا ص میفرماید که از میان شما میروم و دو چیز عظیم در میان شما می گذارم که اگر با ایشان متمسک شوید

گمراه نخواهید شد و هرگز از هم جدا نمی شوند تا سر حوض کوثر بر من وارد شوند یکی کتاب خدا و در روایتی دیگر آن دو چیز کتاب خداست

که علامت و در اهل بیت من و بجهت از ایشان معنی یکی عزت من تا نظر کنید که بعد از من چگونه سلوک میکنید با ایشان

و فرمود روز قیامت حق تعالی خطاب فرماید بقرآن که قسم بعزت و جلال خودم که امروز گرامی میدارم هر که ترا گرامی داشته

و خوار میدارم هر که ترا خوار نموده و در روایتی حرمت قرآن بر خدا مانند حرمت والد است فرمود هر که او را پیشوا خود

داند او را به بهشت کشاند و هر که به پشت سر اندازد او را به جهنم راند و فرمود یا علی قرآن افضل جمیع اشیاست بعد از جناب

الهی پس هر که توقیر قرآن نموده توقیر خدا نموده و در روایتی فرمود غافل مشوید از قرائت قرآن هر گاه صبح کنی و هر گاه

که شام کنی پس بدرستی که قرآن زنده میکند دلها را که مرده باشد و باز میدارد از فحشا و منکر و فرمود بخوانید

قرآن را و گریه کنید و اگر نتوانید بجهد گریه کنید و در حدیث سلمان میفرماید چون مؤمن قرآن بخواند خدا درهای

رحمت بر او گشاید و بهر حرفی که از دهانش بر آید ملکی آفریند که تا قیامت برای او تسبیح گوید و فرمود جلای

دلها تلاوت قرآن و ذکر موت و فرمود خوبان شما آنها اند که تعلم و تعلیم قرآن کنند و فرمود هر که قرآن را ختم

نماید و بروایت طبرسی بخواند گویا پیغمبری میان دو پهلو او جا داده بی آنکه وحی باو آید و در حدیث است که حسد

نیست مگر در دو نفر یکی آنکه خدا قرآن باو عطا کرده پس قیام میکند با او شب و روز و دیگری آنکه مالی باو داده پس

نفقه میکند برای خدا اوقات شب و روز و در حدیث طولانی حارث همدانی است که گفت بخدمت امیر المؤمنین ع عرض

که گفتم برسول خدا ص پس فرمود چیست از فتنها فرمود کتاب خدا که خبر گذشته و آینده در آنست فصل است نه هزل

میل نمی کند او را هوا و سیر نشوند از او علما و فرمود هر که طلب هدایت کند از غیر کتاب خدا او را گمراه کند و از

ذکر فرمود که هر که قرآن بخواند پس گمان کند که کسی را آن بهتر عطا شده پس بتحقیق که حقیر شمرده چیزی را که

عظیم شمرده و تعظیم کرده چیزی را که خدا حقیر شمرده و فرمود هر که قرآن را یاد گرفته پس فراموش نماید عمدا از روز

بگیرد ناقص بحشر آید و بهر آیه حق تعالی ماری بر او مسلط نماید که در جهنم با او باشد مگر خدا ببخشد او را و هر که

قرآن را یاد گیرد و بعد از آن ترک دهد منقص شده او تا شود بعد از آن نزد مصاحب سلطان شود بطمع فرو رود

گذشتن در مسجد و در رکعت نماز نکردن و بیرون رفتن و از عالم مسئله تعلیم دین نکرفتن و جواب بعض مسائل نمودن و حق
بیران نداشتن و اجابت دعوت را حلال نکردن و سیر خوردن با همسایه گرسنه و پیش از نماز جمعه از شهر بیرون رفتن و حضرت
صادق فرمود که سزاوار نیست مؤمن را که بمیرد و قرآن را یاد نگرفته باشد و فرمود دوست دارم که در خانه مصحف باشد
و بیرکت آن خدا شیاطین را از آنخانه دفع کند و موافق احادیث نظر بقرآن کردن عبادتست و ثواب تلاوت از مصحف
هر چند از بر باشد و فرمود سه چیز است که در قیامت شکوه خواهند کرد از مردم قرآن که بر او غبار نشسته باشد و خوانده
نشود و عالمی که مسائل دین را از او نپرسند و مسجدی که در او نماز نکنند و فرمود که شش چیز است که بعد از موت نفع
میدهد اولاد صالح و مصحف و چاه و درخت برای خدا و صدقه جاریه و سنت نیکو و طبرسی از رسول خدا روایت
کرده که اهل قرآن اهل الله اند و خاصه او یند و افضل عبادات قرائت قرآن است و قرآن غنائیست که غیر آن غنا نیست
و قرآن مائده خداست پس تعلیم کیرید از آن تا توانید و حبل ما بین الله و بندکانست و کهنه نمیشود از تکرار
بخوانید از آنکه بتحقیق که خدا اجر میدهد شمارا بتلاوت آن بهر حرفی ده حسنه آگاه باشید نمیکویم که الم ده حسنه
ولیکن الف ده و لام ده و میم ده و بحدیث علوی بهر حرفی در نماز ایستاده صد حسنه و نشسته پنجاه حسنه و در غیر
نماز با وضو بیست و پنج حسنه و بی وضو ده حسنه و در حدیث حضرت صادق چنین است که در غیر نماز ده حسنه
دارد و از حضرت سجاد منقولست که استماع قرآن بهر حرفی حسنه و محو سیئه و رفع درجه دارد و یاد گرفتن
چنین ثوابی دارد و در نماز صد چنین ثوابی دارد و بحدیث حضرت سجاد بعد از ختم البته دعا مستجاب شود و در حدیث
حضرت سید الشهدا است با این زیادتی هست که اگر شب ختم کند ملائکه کاتبان تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر روز
ختم نماید تا شام و فضائل حفظ قرآن در روضه هشتم عین باندهم مذکور خواهد شد و آداب و عدد آیات
در غیبت طیب تلاوت و خصوصاً در نماز علی الخصوص در نماز شب بسیار است و آداب قرائت و قواعد تجوید
مشتبه که ضروری است البته باید تحصیل نمود و موقوف است از جهاد اکبر و اصغر سؤال کنند که آیا در راه خدا
با دشمنان دین جهاد نموده صبر و ثبات قدم ورزیده تا باحدی الحسنیین ظفر و نصرت یا شهادت نایل کشته باشید
و جهاد اصغر با دشمنان ظاهری دین واجب کفائی است با شرایط و اخلال از کبایر و باعث خواری و رسوائی دنیا و
آخرتست در رتبه هیچ عملی بالاتر از آن نیست در رتبه شهادت نمیباشد که منتهای آرزوی دوستان خداست و جهاد اکبر که
اهم و اعظم و بر هر مکلفی واجب عینی مطلق و مضیق است و جهاد اصغر بمنزله مقدمه و مجادله با نفس اماره
که اعدا عدو انسانست و مفاسدش عظیم تر و مصیبت و ضررش بیشتر و بازماندنش شدید تر است که این دشمن

خانگی همیشه از جهل و مدد شیطان ثابت و در هلاک دین او غرض غضب و انتقام رب العالمین و خلود در جهنم
وراحت ابدی و تاراج کننده لذات و تمتعات سرمدی سعی و جهد نما بدرجهٔ چنانکه حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول لشکری
بلشکری فرستاد چون برگشتند از غزا فرمود مرحبا بقومی که از جهاد کوچک برگشتند و جهاد اکبر بر ایشان ماند پرسیدند از جهاد
اکبر فرمود جهاد با نفس اماره بعد از آن فرمود که بهترین جهادها آنست که در میان دو پهلوی تست و فرمود جهاد کنید با
بگرسنگی و تشنگی که بتحقیق اجر این مثل اجر جهاد است در راه خدا و بدرستیکه هیچ عملی دوست‌تر نیست بسوی خدا از گرسنگی
با اندک چیزی که از آن منتفع باشد تا از نفس خود حساب کشید شد بتحقیق است محاسبه شراب از شر یکی بیرون انداخت
کجاست شراب و خوراکت و از کجاست جهد او و از کجاست لباس او و از حلال است یا از حرام و حضرت امام رضا ع فرمود که حضرت
زنهار ای مردم از نفس خود که بقول و عمل از غافل مباشید پس بدرستیکه او ترغیب خواهد کرد ترا بخطا و قطع مکن روز
خود را باین و آن که بتحقیق که کسی با تو هست که حفظ میکند بر تو عمل ترا و بجا آورید حسنه که ندیدم چیزی بهتر در
زود یافتن و سوختن گناه کهنه از حسنه تازه و حضرت کاظم ع فرمود از ما نیست هر که هر روز حساب نفس خود را
نکند پس اگر حسنه نموده طلب توفیق زیادتی از خدا طلبد و اگر معصیت کرده استغفار و انابه کند بسوی پروردگار
حضرت صادق ع فرمود حضرت پیغمبر ص فرمود که غفلت میکنند که از نفس خود غافل شده ایشان را بحیرت و کاهلی میاندازد
در امر الهی که هر که چنین کند خدا او را اهانت و خواری رساند روز قیامت و فرمود هر که امروزش مساوی دیروزش
باشد مغبون است و اگر بدتر باشد ملعون است و هر که نشناسد نقص در نفس خود بنقصان اقرب خواهد بود و هر که
چنین باشد پس مرگ برای او بهتر از زندگی است حضرت علی ع بهمین مضمون است و موثق فرمود هیچ بندی نیست
از بیخبر نیست نفس شد و در صحیح ابن محبوب فرمود که منع نماید از هواهای نفس مانند دشمنان که بتحقیق هیچ
هیچ چیز دشمن‌تر از متابعت خواهشهای نفس خود و درو کردن زبانش نیست خدا میفرماید و منع نفسانی شیطان
بکم خواهد گفت که مرا بر شما تسلطی نبود جز آنکه شما را خواندم اجابت کردید پس نفس خود را ملامت نمایید
نمی‌نماید انکه هر افقی که با و میرسد بنص قرآن همه از شومی نفس و مطاوعت خواهش نفس و صحیح عباس عظیم
بجنون نافع و شر بیقرار از معارضه و مخالفت نفس نیست و فوز و نیل شیعه محبت الهی که مناط نجات کامل و اعلا
مقاصد انبیا است و اولیاء همین ملکه است چنانکه خدا میفرماید قد افلح من زکیها بتحقیق که رستگار شد هر که پاک
و مجاهده و تذکیه و تطهیر نفس نمود و غرض اصلی و مطلب کلی بلکه کل مطلب از ایجاد و تکلیف انبیا و ارسال رسل
و انزال کتب همین است چند روزه دنیا فانی در نوبه پیکر کثیف خاکی نیست که جوهر قابل خود را از اعراض ذمائم

و کدورات جسمانیه آلایش غش و کثافات نفسانیه که بر اثر تحصیل و تحمیل مجبور شده با بهره شوب مالوف گشته شاید مجاهده
و ریاضات بقوت ایمان و قیام بعبادت و ندامت تقصیر و تمام عبادت و ریاضات و شهباز تیز پرواز عالم ملکوت و لاهوت را
بدان عالم ملکوت بکمال استیجاد باستعداد و بال علم و عمل از این منزل شیاطین و حشرات مبین
بمنزل لست و اسفل السافلین درکات ظلمانی اهل شقاوت و جسمانیات با اوج معارج روحانیات و مقربان بارگاه عزت
و جلالت و اعلی علیین درجات نورانیات اهل کرامت و شعار رسالت و طریقت این مجاهده و ریاضت بعد از استمداد
جناب حضرت ملهم السداد که در حق ارباب عزیمت و دین و الذین جاهدوا فینا ثابت شده بیقین بوفاء وعد
صدق و ظفر و نصرت لنهدینهم سبلنا فوز و ظفر یافت و قلیت همت متعالی او با صدق عزم و اخلاص افراشته
طریق شرع انور برا نصب العین دیده بینا داشته همت والا نهمت بر استیصال احزاب نفس گماشته بجنود تفضل
و تدبر آیات و معنی و تامل و تفکر در عواقب حالات و عبرت از تغیر احوالات سرکشی نفس بغیر تجی خود
خشیت و عناد تازیانه شوق و رجا و ندامت و بکا قطره زنان در مضمار ریاضت و عبادت بتازیند بتدریج
در قلع و قمع جنود متفرقه نفس در مراصد و مخالف بسیف عقل بر آرایی در روز مواخذه و قصاص آنکه موجب
جنون ابدیست تقصیر تا جز غایت نداشته مطیع و منقاد عقل و علمی بلکه شاکر بر تحمل مشتاق و تکالیف شرعی
بشاد و نصرت جانب عقل و تقویت دین که ملک بدنی و السلطنت و راحت فایز ادب باشد تا آنکه روسای
جنود و قوای انفس بهیمی و سبعی و شیطانی که منشا شهوت و غضب و تلبیس است بالتمام تحت تصرف خدام انوار
ملکی و عقلی ببندند و روز بروز آثار قدرت سلطان شرع و انوار عدل و تدبیر عقل به تحمل بر مقر سلطنت
دل بنواحی جوارح تابند و تهذیب اخلاق انسانی و تکمیل ملکات نفسانی و نجات از ظلمت و غرور و میل کل
بسوی عالم نور و سرور و سعادات ابد قرب و محبت پروردگار صمد یابد و الا اگر در این جهاد نعوذ بالله تقصیر
و تاخیر نماید شاهزاده عقل را که تمام اهل آسمان و زمین و کل اهل عالم علوی و سفلی دم از غلامی او میزنند
دیجور کسب ملکات رذیله بر او بابهم تسلط نموده اند ابتشخو ذلیل و اسیر غلامان حبش و اهل سود
تونکش کن که مانند حیز بزبالان اطاعت و تسخیر او دارند حسب الخواهش خود بهر طرف که میل دانند رانند
و همه اوباش بهیمی و سباعات عمر لطیفه اصرف تحصیل مشتهیات خود نمایند اما از یکطرف سگ قوت غضبی مانند
اکثر ابناء دنیا برای تبلغ اغراض خود همیشه با مردم در مقام غوغا و نزاع بازداشته و از طرف دیگر خوک قوت
شهوت شب و روز در تلاش اسباب عیش فرج و شکم سرگردان کرده اند و پیوسته بالباس تلبیس بدام تزویر

ومکر عبد را بسا انداز دو تو تمکین دادمان چاره بر ما باز ده و دست بسینه منتظر در خدمت خود باز دارید که
بهر خدمتی امر فرمایید سر قدم ساخته بکمال اهتمام و استعجال در سر انجام نموده و در آن کوششها بتقدیم رسانید
و شیاطین را چنان سر گرم ملازمت و بندگی خود ساخته که بتوهم اینکه بلکه بر آن همین شغل خدمت ما از ایشان
فوت شود شب و روز بتهیه اسباب انواع لذات و کامرانی ایشان نموده نطلبیده یکی یکی عرض نمایند تا شاید بتو یکی قبول کنند
بلکه بصلح و مشورت و سبیلها سازی در این مهم چارها و حیلها انگیزی پس تا آن بندگی و خدمت
کلاب عداوت و جدال و ختان زیر طول حرص و ملال و شبانه چنین غزوه و دغدغه بر وبال بگردن انداخته بلکه زانو
ادب به پرستش ایشان قیام و تقربها برداری ایشان بتمام اهتمام اقدام نمائید و شب و روز در این خیال که از
جانب ایشان چه اشاره صادر شود تا فوراً خود را بسعادت انجاح و شرف تقدیم آن فایز دانید و بالحقیقه حصر
ایشان بعبادت را که هر چند در مقام اخلاص مکر بخوان مغلوب شده خود بتعرض الم اعهد الیکم یا بنی
آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و توبیخ و تقریع افتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی وهم
لکم عدو بئس للظالمین بدلا هلاک حسرت و ندامت ابدی گردانید نعوذ بالله من الخذلان و طول الغفلة و
بدانکه سعادت الجنین شکر ظفر از این جهاد اکبر شرط بر فتوح توبه نصوح است که بدون آن هر عبادت
در بادیت ضایع و منکوب است والحمد لله ببرکت اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم بر اشیعه مرحومه ایشان
که اگر هزار بار هر روز هزار کبیره نموده شقی ترین اشقیا باشی بیک عزم و مجرد نیت عزم بطریقة العینی از
سعید ترین اولیاء گردی که گویا اصلا گناهی نکرده بلکه بفرموده خدا و رسول بمرتبه علیا حبیب الهی نایل
شوی با اینکه گذشته پشیمان شوی و با خود و خدا تعهد کنی که من بعد نافرمانی ننمایی و اگر قضا یا کفاره
باشی گناه روزه و مهرداری تا توان ادا و قضا کنی و هر چه نتوانی از او بر خدا سنت تا هفت ساعت گناه مؤمن
نمی‌نویسند با انتظار آنکه شاید از مستی معصیت هوش بیاید و از خواب غفلت عاقبت کار بیدار شده توبه
باحسنه تدارک نماید و بعد از نوشتن هم خدا بیکی از ان دو عمل محو شود بر سبیل تدارک حضرت صادق علیه السلام که
چگونه می‌پوشد فرموده محو می‌کند از خاطر دو ملک آنچه را نوشته اند و وحی میکنند باعضا و بقعهای زمین
کتمان اظهار آن بر روز قیامت هیچ چیز بر او گواهی نمیدهند و وهب بن زجاج که زنی بعرض رسول خدا رسانید
که زنی فرزند خود را کشته ام فرمودند بخدائی که جان محمد در ید قدرت اوست که اگر هفتاد پیغمبر کشته
تائب و نادم شود و خدا از نیت او دانه که بر نمیگردد و بمعصیت قبول کند توبه او را و عفو نماید از او پس
تعجب که در توبه گشاده است تا بن مغرب بمشرق و توبه کننده مثل کسی است که گناه نکرده مؤلف گوید که این حدیث

منه

بتحقیق که در شیعهٔ ما نیست با آنکه کشنده مؤمن توفیق توبه نمی‌یابد و همیشه با ساحرها بشمار در جهنم
خواهد بود چنانکه در این حدیث واقع شده و فرمود کفاره پشیمانی نیست فرمود که هیچکس نزد خدا محبوب‌
تر از مرد و زن توبه کننده نیست و حضرت صادق ع فرمود عجب است از ناامید رحمت الهی و حال آنکه محو گناهها
با او هست پرسیدند چه چیز فرمود استغفار و فرمود خود را معطر نمایید باستغفار و در حدیث است که
هر دردی را دوائیست و دوای درد گناهان توبه و استغفار است و آنحضرت میفرماید که فرح و شادی خدای مهربان
از توبه بنده اش زیاده بر خوشحالی کسی است که در شب تار توشه و راحلهٔ خود را گم کرده باشد و بعد آنکه بیابد بعضی
بنهایت سرعت و کمال رضامندی قبول نماید و در وحی داود است   اما اگر رو گردانندگان از من چگونه است
انتظار من برای ایشان و مدارای من با ایشان و شوق من بسوی ترک معصیتشان البته بمیرند از شوق بسوی من و بندهایشان
از هم جدا شود از محبت یا داود و این ارادهٔ من است در آنها که از من رو گردانیده اند پس چگونه خواهد بود
ارادهٔ من در مقبلین که رو بمن آورده اند و در موثق فرمود که هیچ گناهی نیست مگر آنکه مؤمنی بر آن مطبوع
ترک می‌کند مدتی پس مبتلا میشود اما از سلیقه اش نیست و در صحیح فرمود که مؤمن نیست مگر آنکه برای او گناهی هست
که مدتی ترک میکند پس مرتکب آن میشود و در حدیث است که اگر شما ها گناه نمیکردید خدا جمع دیگر پیدا میکرد که
گناه میکردند و می‌آمرزید باظهار عفو و در صحیح فرمود خدا دوست میدارد بسیار توبه کننده را که چون مکرر
عود بگناه کند باز توبه نماید و در صحیح حضرت باقر ع فرمود مرد مؤمن عود بگناه کند باستغفار و توبه
خدا برمیگردد بمغفرت و بتحقیق که غفور رحیم است قبول میکند توبه را و عفو میکند از سیئات پرهیز نماید
مؤمن از رحمت خدا ناامید مکن و در صحیح ابن عمیر فرمود که آدم گفت پروردگارا شیطان را بر من مسلط و جاری
کردی مجری خون از من پس مقرر گردان برای من چیزی فرمود هر که از ذریهٔ تو قصد گناهی کند نوشته نشود پس
اگر بعمل آورد یکی نوشته شود و بقصد حسنه یکی نوشته شود و اگر بعمل آورده ده نوشته شود گفت پروردگارا
زیاد کن فرمود هر که گناهی کند پس استغفار نماید بیامرزم گفت پروردگارا زیاد کن فرمود مقرر گردانیدم
برای ایشان توبه را تا نفس بگلو رسد گفت کافی است و از حضرت کاظم ع پرسید پسر عبدالله که آیا دو ملک
دانند گناه و حسنه را فرمود بلی بابوی گند و خوش میتابیست و در توبه منقولست که یا ابن آدم اگر نه عفو اهم اشیا
البته مبتلا نمی‌ساختم احدیرا بگناه و در صحیح حضرت صادق ع فرمود صغیره نمیباشد با اصرار و کبیره نمیشود و کبیره
نمیماند و توبه نماید و بجو اطرش توبه برسد همینا شد اصرار و در صحیح فرمود بخدا که هیچ چیز از طاعت قبول نمی

زهایند باصرار بر گناه و از رسول خدا ذکر فرمود که از علامت شقاوتست خشکی چشم و قساوت قلب و شدت حرص
دنیا و اصرار بر گناه و حضرت صادق ع فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد و او گناهی کند او را به بلائی مبتلا کند
که استغفار را بیاد او بدهد و توبه کند و الا در نعمت می اندازد و فرمود یا اباذر نفس مؤمن اضطرابش از گناه بیشتر
از اضطراب گنجشک است که در دام افتد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که اشک خشک نمیگردد مگر بعلت قساوت قلب
و قساوت قلب نمیباشد مگر بکثرت گناهان و فرمود خیری و فایده نیست در زندگی مگر دو کس یکی آنکه هر روز کار خیری
زیاد کند و یکی آنکه بتوبه تدارک نوشته‌های خود نماید بدانکه توبه واجب فوری است و تاخیر آن جایز نیست
بلکه حرام است زیرا که معصیت بمنزله زهر قاتل است دین را که اگر بماند ساعت بساعت استفراغ و استغفار رجوع
بتوبه پرهیزکار نشود مشرف بر هلاک شود و بسا تاخیر بعدم قبول منجر گردد که بسبب قساوت و زنگ بسیار دل منکوس
شده بفکر توبه نیفتند و مبادرت بآن نکنند تا موت فرصت که هر چند تضرع و استغاثه کند یکساعت مهلت رجوع نیابد
نیست چنانکه در آیات بسیار و اخبار بی شمار وارد شده و در تفسیر لا تُلهِکُم اموالکم تا آخر سوره منافقون روایت
کرده اند که در وقت جان کندن چون پرده غفلت از روی کار آدمی برخیزد و غبار برداشته شود بر زشتی اعمال
مطلع شود گوید ای ملک الموت چه شود یکروز دیگر مهلت دهی که عذر گناهان خود را از خدا در خواهم و برای چنین
سفر دور پر خطر خود توشه از تصدق و عمل صالح بردارم جواب شنود که ایام عمر تو گذشت و روزی تو فانی شد
مجال مهلت این بتو نمانده پس بعجز و الحاح گوید یکساعت مرا فرصت ده جواب شنود که فنیت الساعات ساعتها
نوبت تو تمام شد و مهلت نمانده نیست پس در توبه بر روی او بسته شود و روح او بسوی دوزخ کشیده شود بسیاری
باشد تا امید شربت حسرت عظیم و ندامت طویل برای او بیهوده باشد و بسا از شدت هول و صعوبتها و کثرت سیئات
و ضعف ایمان و غلبه جنون و شیطان از لرزه در بندبا ایمانها و راه یافتن اصل دین بر جا نماند و ابدالاباد با کفار
اهل عناد در دوزخ بماند نعوذ بالله من شرور انفسنا و در حدیث است که بخواطر ترسیده که در اجل شما تاخیر
خواهند شد چون تا حال نرسیده بود پس گویا که در رسیده و شما را گویا یافته پس از حال صدای دعوت در
گوشها خود دارید تا فایده بخشد پس بر نفس خود نوحه کنید و از حال مهیا شوید و تدارک و مبادرت نمائید
بتوبه و حضرت صادق الامام علیه و علی آبائه صلوات الرحمن فرمود که باید هر یک از شما شیعیان عمل کنید تا بخیر شما را
بهجت ما زینت می کنند و اجتناب نمائید از اینها و دیگر غضب ما زینت می کند پس بحقیقتی که
امر ما بنابراه خواهد رسید و فتنی که توبه او نفعی ندارد و نجات نخواهد داد از عقوبت ما پشیمانی و ندامت او و قطع

نظر

نظر از احتمال کلی این آفات توبه هر قدر بنود ترا بعفو ایزد ثواب بخشد و بحسب قرب و بعد الهی نزدیک تر

دنیا خبر اگر از عهدهٔ تکلیف هم بر آ ندارک نتیجه از مظالم اموال ناچار است هر که نخواهد مگر با انتقام الهی در دنیا

یا عقبی یا نقصان در ثواب یا خجلت و حیرت عظیم یا عفو الهی و حسرت با فوت منزلها بلکه چون گناهها شدید است و شدید

ترین انها از این است که بآن گوشت و خون بروید و داخل بهشت نخواهد شد مگر پاکیزه و در حدیث حسن بن عمیر که

از افاضل علما و اصحاب ائمه معصومین است گوید که بحضرت کاظم عرض کردم که چگونه شفاعت خواهد بود برای

صاحبان گناهان کبیره و حال آنکه خدا میفرماید وَلَا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَی یعنی شفاعت نمیکنند مگر برای کسی که خدا

پسندیده باشد حضرت فرمود یا ابا احمد هیچ مؤمنی نیست که مرتکب گناهی شود مگر آنکه او را غمی پدید آید و

شود و پشیمان گردد و رسول خدا فرمود که کافی است ندامت توبه را و فرمود هر که حسنه اش خوشحال کند و سیئه بد

او مؤمن است و کسی که نادم نشد از گناهی که کرده مؤمن نیست ظالم است و خدا میفرماید که ظالمین را شفاعت کننده

نیست عرض کردم که چون مؤمن نیست کسی که پشیمان نشد از گناهانش فرمود که هیچ کس نیست که گناه کبیره کند و بداند

که بر آن گناهان معاقب خواهد شد مگر آنکه پشیمان شود و نادم خود تایب مستحق شفاعت و هر که پشیمان نشود مصر خواهد بود

و مصر بخشیده نخواهد شد زیرا که ایمان نیاورده به عقوبت گناهانش اگر ایمان داشت بآن البته نادم می شد

و رسول خدا فرمود که کبیره نمی ماند با استغفار بلکه بخشیده می شود و نه صغیره با اصرار بلکه کبیره می شود و فرمود معنی آیه

این است که شفاعت نمیکنند مگر کسی را که مرضی باشد دین او و دین او خدا راست بجزای حسنه و سیئه پس هر که از دین

او خدا راضی باشد پشیمانست از گناهانش چون معرفت دارد به عقوبات گناه در قیامت پس ای بیچاره کسیکه خود را

مؤمن پندارد و ایشان بداند و نادم و تایب نشود و از جمله آفات نفس بر سهولت صعوبت توبه آنکه او را

در معرض عتاب و خطاب در آوری که ای نفس ترا در بازار دنیا سرمایه که وسیله نجات از جهنم و کسب درجات با نعیم تواند شد

سوای این چند روزه عمر باقی نیست هرچه بجا بکند مثل این است که گذشته و خسران عظیم که تدارک نمی توان

داشت برای این سال تو را با غنیمت یک نفس حال که در دست داری و از اجل مهلت یافتی غنیمت شمار و در تدارک دنیا ب

ود آرام باش چه اگر امروز ترا رسالت مردم کان می بودی که مانند تو در خیال بخواب بوده و لیکن ناچار مینمودند البته

بزاری و تضرع و استغفار از خدا می خواستی که برای تدارک بد بسیار کرده ای و تمام عمر را تمام دنیا و آنچه در آن است از مال و اطفال

و عیال میخریدی و آنکه ترا این ساعت است و این همه روز است و ناچار در عمل مکن و بدان ای نفس که حدیث شنوده که

با ابا ذر اگر به بینی سرعت آمدن اجل را و آنچه در تو حادث میشود البته دشمن خواهی کرد و از هر چه ذکر بر تو غافل

میکند رد یا ای اباذر بسیار تاخیر مکن بر خود بطول امل که خواهم بود و خواهم نمود چه بسیار منتظر فردا که بفردا نرسید
ای اباذر احتراز کن که غافل از یاد رائی پس بکر بر گشتن و تدارک محال است ای اباذر تاخیر کنند در توبه بری
چه انتظار میکشد آیا انتظار میبرد عمر تو انگری را که او را طاغی کند یا افلاس را که ترا فراموش کند یا بیماری را که مفسد
یا پیری را که از کار ساقط نماید یا مرگ را که بتعجیل و در رسد و مهلت ندهد یا فتنهای دجال را که بدترین غایبی است که منتظر ظهور
شد یا قیامت را که از همه صعب تر و تلخ تر است ای نفس حدیث شنیدی که هر که در خیری واشود باید غنیمت داند فرصت
را زیرا که نمی داند که این در کی بسته خواهد شد پس چون دیگران تاسف و حسرت خواهند برد انکه تاسف و حسرت تو مضاعف
خواهد بود بتضییع الطاف خفیه و این تنبیهها و اینکه همکس را اتفاق نیفتد و با عراض تو از درگاه خیر که بر روی تو مفتوح
شده البته بسته خواهد شد و حضرت امیر المؤمنین ع بعد از مناجات مشهوره مصطفیه الهی ارحمنی اذا انقطع من الدنیا
اثری با عتاب بنفس خطاب میفرموده که ای مناجات کننده با پروردگار با نواع کلام و طالب مسکن از او در دار
السلام و تاخیر نماینده توبه و رجوع بخدا هر عام منصف عمر بهم زار مهمات انام پس اکر میدانستی که تا بود را
او غافل از بهره دنیا داری بر باشت عصیان و اکتفا و صبر نمائی و بالذت چشیدن از طعام و اجساد نرم
خود را بسوی سجده و بنماز و قیام سزاوار خواهی بود برسیدن اشرف مقام ای نفس بیا من شب روز خود را
بذکر کهند کان شاید ساکن کردی در دنیا مرجنان با شقیا و متشبه مانند جیوانی باش که ضعیف و لاغر گشته
بجوی پهلوهای ایشان و پوست بر استخوان در خلوتها و عبادتگاه ایشان شدت گریه و تضرع زاری ایشان و بکریه در آورده
از ترحم بر او مستمعان را زهاد و ناله و بیقراری ایشان که این جماعت نفوس چند اند که فروختند الله بیت دنیا را
اخیرا نموده اند بسعادت عقبا ایشانند که همه او وارد خواهند شد بکرامت سعادتهای خوش و ربانکاه
خواهند شد بسوی کرامت مرتبهای خود و رسیدند تو آنها بر هد کار خود بخوبی و خوشحالی ارباب تقوی و طاعت
و امثال این کلمات که ارباب القلوب و مستمر مشروح در محاسبة النفس بسیاری شمرده اند باید وادارد نفس را از زمین
تفکر مداومت نمود که شدت خطر تاخیر توبه از زیاد عقوبت و انتقام فهمیده و تاسف بر فوت خیر فواید
عظیمت دنیا و عقبی چه نعمتهای الهی و چه کرامتهای نامتناهی که هر کس بتوبه معصیت و تاخیر توبه خود را از
آنها محروم و بی نصیب کرده و می کند پس سهولت توطین نفس باید بر توبه و حفظ آن لهذا در رفع باب تفکر
اخبار بسیار است و امیر المؤمنین ع میفرمایند بیدار کن دلت را بتفکر و فرمود تفکر باعث خیر و عمل خیر است و در حدیث
حضرت امام رضا ع میفرمایند عبادت بسیار نماز و روزه نیست بلکه تفکر در امر الهی و حضرت صادق ع فرمود تفکر

بکلمه

یکساعت بعد از نماز یکشب و بعد صبح فرموده افضل عبادات دوام تفکر در خدا و قدرت خدا است و در حدیث دیگر
اعظم و معظم عبادات یاد زیاد کردن موت بدانکه توبه در کیفیت هم منقول است فلهذا بیان نموده است
چنانکه حضرت باقر ع فرموده اند که کافی است پشیمانی در توبه و همین معنی در حدیث نبوی گذشت و حضرت
صادق ع فرموده که هیچ بنده نیست که گناهی کند پس پشیمان شود مگر آنکه خدا بیامرزد او را پیش از آنکه
استغفار نماید و باید دانست که عزم بر ترک لازمه پشیمانی است بلکه اصل این است چنانکه از حضرت
امیر المؤمنین ع ذکر فرموده که بتحقیق که پشیمانی بر بدی باعث بر ترک آن میشود و از حضرت علیه السلام روایت
فرمایدکه گذشت بر جمعی که میگریستند پرسیدند گفتند که بر گناهان خود گریه میکنیم فرمود ترک کنید تا
خدا بیامرزد پس معلوم شد که هر که از معصیت باز نه ایستد و توبه نکرده استغفار کند خود را فریب داده است
چنانکه در چند حدیث از حضرت باقر ع و حضرت صادق ع منقول است که استغفار کسی که در گناه باشد مانند
استهزا نمودن خود است امیر المؤمنین ع استغفار شنید فرمود مادرت بر حال تو گریه کند میدانی استغفار
چیست درجه علیین است و بر شش چیز اطلاق میشود اول پشیمانی از گذشته دویم عزم بر اینکه دیگر نکنی
سیم در حق الناس بر صاحبش که چون ملاقات کنی خدا را پاک و بری الذمه باشی چهارم قضا هر فریضه که
فوت نموده بجا آری پنجم آنکه بکوشی که از حرام بهم رسیده باشی بگوشت تازه ششم الم عبادات بچشانی بر نفس بقدر که
لذت معصیت چشانیده و منقول است از رسول خدا ص که هر گاه آثار توبه بر تائب ظاهر نشد پس توبه نکرده
راضی کردن خصمان و قضا نمودن فرایض که ترک نموده یا درست نکرده و شکستگی و تواضع با مخلوقات و پرهیز
نفس از شهوات و باریک کردن بروزه روزها و زردی رنگ از شب بیداری و صفا باطن بکم خوری و خمیدن پشت
از خوف تاریکیهای و گداختن استخوانها از شوق بهشت و رقت قلب از هول ملک الموت و چسبیدن
پوست باستخوان از حذر کردن آخرت و فوت پس چون ببینی بنده را باین صفت او تائب کامل و ناصح نفس
خود است و در روایت با نهم فرمود که با چند چیز توبه قبول نیست حق الناس و غیبت و شرک و جادو و از
جهاد گریختن و دیگر فرموده چند توبه رجوع است از هفت چیز بهفت چیز از جهل بعلم و از معصیت بطاعت
و از ریا باخلاص و از کذب بصدق و از تکبر بتواضع و از حرام بحلال و از خواب بشب بیداری بطاعت و
فرموده اند تائب کیست کسیکه خصمان از او راضی باشند یا در حسنات زیاد نماید و تغییر دهد لباس
و مجلس با هم نشینان و غلی وغیت و عمل خود را و ایثار نماید زیاده بر قوت خود و مراتب توبه کامل بسیار است

تا بیت نیز

از کمال بی‌بضاعتی برسد که حق تعالی گناهان او را بحسنات مبدل میگرداند و بسبب همان گناهان او را بدرجات رضوان میرساند
چنانکه علامات قرآن و حدیث بر این شاهدند موقف چهارم سؤال شود از غیبت مسلمانان که نان خورش
سگان جهنم است بدانکه غیبت و بعد از آن بهتان از اعظم گناهان و اخبار در باب آن فراوان است و باشدت حرمت
این شغل مشغول‌اند اکثر خواص و عوام و نهایت شیوع و عموم دارد و از رسول خدا منقولست که غیبت آمرزیده نمی‌شود
تا صاحبش نه بخشد و در خطبهٔ وداع فرمود هر که بشنود و افشا نماید مثل کسی است که خود آن را کرده باشد
و روایت است از حضرت صادق ع فرمود که فاسد میکند دین مسلمانان را زودتر از آکله خوره در جوف آدمی و روزه را
باطل میکند و وضو را میشکند و در قیامت مبعوث میشود و ظاهر شود بدتر از مرداری که اهل محشر را متأذی کند
و فرمود غیبت مکن که ترا غیبت میکنند و چاه برای برادر مؤمن خود مکن که خود در آن می‌افتی و هر چه بکنی بتو
دهند و فرمود هر که مؤمنی را سرزنش کند بر گناهی نمیرد تا خود مرتکب آن شود و بروایتی خدا او را در دنیا و آخرت رسوا
و ملامت کند و بحدیث دیگر فرمود از صفت منافقانست و چون مخالفان کسی ترا غیبت کند و هر که غیبت
مردی را بشنود بگو با خود عیب بسیار دارد و در حدیث است که نماز و روزهٔ غیبت کننده تا چهل روز مقبول نیست
مگر آنکه توبه کند و بحدیث دیگر غیبت کننده روز قیامت از نامهٔ خود تعجب نماید که این نامهٔ من نیست چون حسنات
خود را نه بیند گویند برطرف شده و حضرت صادق ع منقولست که هر که بقصد خفت مؤمنی روایتی کند خدا او را
از دوستی و ولایت خود بیرون کند بسوی ولایت شیطان پس شیطان نیز او را قبول نکند و فرمود که غیبت
حسنات را محو کند چنانکه آتش هیزم را و در حدیث معتبر فرمود هر که غیبت برادر مؤمن کند بعداوت شیطان در نطفه
او شریک شده و بحدیث معتبر سؤال شد از حضرت که کی شهادت او مقبول است فرمود هر که بر فطرت اسلام
باشد چشم در گناهش نه بیند و دو گواه بر او شهادت نه دهند او از اهل عدالت و گواهیش مقبول است هر چند
در واقع گناهکار باشد و هر که غیبت او کند بخصلتی که در اوست خدا هرگز میان ایشان در بهشت جمع نکند و اگر نهاد در عصمت
ایمان از میان ایشان قطع شود و بدانکه غیبت کننده همیشه در آتش است بلکه جاست جای او شخصی بحضرت سجاد ع عرض
نمود که فلان ترا بگمراهی و ضلالت نسبت میدهد فرمود حق همنشینی او را رعایت نکردی که حرفش را نقل کردی و نه
حق مرا از برادرم ما چیزی که نمیدانستم بمن گفتی بدانکه مرگ همه را درخواهد یافت و در صحرای محشر که وعده گاه همه
است بجا حاضر خواهیم شد و خدا میان ما حکم خواهد فرمود زنهار اعراض کن از غیبت که نان خورش سگان جهنم است
و امیرالمؤمنین ع فرمود بپرهیز از غیبت که نان خورش سگان جهنم است و فرمود که دروغ گفته هر که گمان کند که

که حلال زاده است و گوشت مردار بغیبت خورده و فرموده گوش کننده غیبت مثل غیبت کننده است و اندر هوالحکم این
این مضمون مرویست و فرموده هر که احسان کند برادر مؤمنش را در رد غیبت و رد کند حق تعالی از او هزار نوع بدی را دفع نماید
در آخرت و بحدیث دیگر بهشت را بر او واجب کند البته و اگر رد نکند و منع نکند و تواند هفتاد برابر وزر گناه غیبت کننده
براوست و بحدیث حضرت باقر ع خدا او را خوار کند در دنیا و آخرت و در وعید موسی ع است که غیبت کننده اگر توبه کند
آخر کسیست که به بهشت میرود و الا اول کسی است که بدوزخ میرود موافق خبر طویل مشهور معاذ عبادت مغتاب اگر
چه مانند آفتاب ببرخشد ملک موکل بر آسمان اول رد نموده بر روی صاحبش زند و بعضی افراد غیبت را استثنا
کرده اند و اسلم این است که بغرض صحیح حرفی که بر آن نزنی که اگر بشنود ناخوش دارد تا از مفاسد غیبت سالم مانی
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ترک غیبت نماید برای او بهشت است و در ترک غضب و ترک حسد هم چنین
فرموده و در حدیث معتبر دیگر پیغمبر فرماید که پرسیدند از رسول خدا ص از کفاره غیبت فرمود استغفار برای غیبت
شده و احوط آنست که تا دسترس باشد حلیت از او طلب نماید موقف پنجم از نمیمه و سخن چینی پرسند
که در قرآن مجید بمذبذب تعبیر شده و افسد از کبایر است و رسول خدا ص میفرماید یا اباذر نمام راحت
نمی یابد در آخرت از عذاب الهی و یا اباذر مجالس امانت است و انتشار راز برادر خیانت است و فرمود
هر که بفتنا سعی کند مبادا و نفرین خدا ملک الموت را بفرستد بقبض روح او در حالتی که بر او غضبناک باشد و
در صحیح حضرت صادق ع از آنحضرت ذکر فرموده که بدترین خلق آنهایند که راه روند بسخن چینی و جدائی اندازند
میان دوستان و عیب جویند برای بریان و فرمود چهار نفر داخل بهشت نمیشوند کاهن که خبر میدهد
از جن و انس و منافق و شرابخوار دایمی و سخن چین و بحدیث قتات کسی که خون بریزد یا شراب خوار یا سخن چینی کند
و در صحیح حضرت باقر ع پیغمبر فرماید که بهشت حرامست بر سخن چین و در حدیثی بر بخیل و نمام نهی فرمود
از شنیدن آن موقف ششم سؤال شود از دروغ که شوم ترین گناهانست و اخس مایه منافقان
لجو غشست چنانکه حضرت باقر ع میفرماید که خدای عز و جل بر شر قفلها زده و کلید آنها را شراب
قرار داده و دروغ بدتر از شرابست و خرابی ایمانست و بر اولاد خود فرمود بپرهیزید از دروغ که کوچک
و بزرگ آن در هر جد و شوخی که بسبب کوچک و بزرگ بهم میرسد و در صحیح فرموده اول کسی که تکذیب کاذب میکند
حق تعالی است پس دیگر ملک که همیشه با او میباشند دیگر خود که میداند دروغ گوست و در صحیح دیگر فرموده از
علامت دروغ گوئی که خبر میدهد از آسمان و زمین و مشرق و مغرب اما از مسئله دین که بپرسی خبر ندارد

تلمیع

تنبیه
موقف پنجم

موقف ششم

حالانکه رسول خدا صلعم فرموده است که ذنب مغفور است و مؤمن مجبول بجمیع خصال میباشد مگر دروغ گوئی و خیانت باشد و دروغ گوید
بکنند همین از صلات و روزه اثر کند باید که هر کس میخواهد بوی حلاوت ایمان را بیابد باید ترک دروغ نماید
گناهان را و عذاب شیر از همه و غیبت و دروغ است فرموده بالای دروغ بالاتر از آنها بر همه بنا بدرستی البته
و امیر المؤمنین عم فرموده هر که راست گوید عملش پاک شود و صدیق نیست فرموده که امیر المؤمنین عم صاحب این مرتبه شده
رسول خدا صلعم براستی و اداء امانت و فرموده خدا بار است که با نشد دروغ گو از ایمان دور است و بدترین کبر آنست
که هر بد ترا نیست و دروغ گو برگناه خواهد و فعل آن کند نسبت بعجل مردی دهد و بجز از خود میرسند و فرموده هر دروغی را
خواهند پرسید مگر برای مصلحت جنگ و صلح و وعده اهل خود و رسول خدا صلعم چنین فرموده و در خصوص
دروغها اکثر اخبار و افسد افراد است باید واحادیث وارد شده و بعضی در عقبات شهادت و فحش و خدعه و غش و
انکار حق و قسم بناحق و بهتان و حکم و فتوی بی علم که افترا است بر خدا و رسول بلکه کبر و عجب و ریا مذکور است
صفتی که پیدا است که در کل حال و همه اقوال و اعمال راست گو باشد خصوصا با قاضی الحاجات در عبادات و مناجات
پس با اطاعت شیطان و خلق و سخط خالق ایاک نعبد گفتن عبادت خالی از تصدیق و دروغ و ایاک نستعین
با طلب اعانت از غیر حق محض افترا است و دروغ تا بدانکه اکثر انها که خود را از اولیاء خدا میدانند مفتریان و دروغ
گو باشند و سر کوچه نقل در مواضع بسیار از قرآن و حدیث با انبیا و پیش از شهداء ابا بعیرا از ائمه هدی علیهم
بان ظاهر شود خدا هم از خواب غفلت بیدار نماید و پیش از موت گوش شنوا و چشم بینا کرامت فرماید موفق
هفتم محل سوال از طلب علم و دین و تعلیم مسایل شرع مبین بدانکه باتفاق اهل عقل و نقل خداوند حکیم
عزیز جواد عالم و آدم را بنا فرموده مگر برای غرض عمده سعادت ابدیه عباد که موقوف است بر معرفت و عبادت خود و هر
دو موقوفند بر تحصیل علم پس همین که آدمی خود را شناخت و بعقل خود این را یافت که خدا با کمال حکمت او را از عدم
و عبث بنا فرموده بلکه پیش از خلق مطلب بسیار عظیمی و خطب بسیار جسیمی که باعث و داعی چنین کار عظیم چنان بدیکار
جلیل تواند بود منظور بوده که بالغه خود در آورده بعد از آن عالم او را خلق نموده بر بدیه تا مبادا رب نماید
بتفحص و تجسس این مطلب و هم طریق شکر نعمتها که در خود دید باید و چون حق تعالی مقدس و منزه است از مخالطه و مکالمه
هر کس باید پیغمبری که ذو جهتین و قابل این هر دو باشد برای اعلام و تحقیق این مطلب بفرستد و الا باز خلق عبث خواهد بود
و پیغمبر او فرستاده و چون پیغمبر هم بشر و در دنیا نمیماند البته باید خلیفه معین نماید باذن خدا که باطلاع باطن
هر کس قابل خلافت او و اند و الا باز خلق عبث خواهد بود و نسبت با کثر و خلیفه تعلیم نموده و همچنین هر خلیفه

خلیفه دیگر او چون و صاحب الزمان برای تقیه و مصلحتها بسبب غایبت و کسی باستفاده از او و حشر نهی شود مگر
بندرت و ضرورت اهم نشناختند بایمکانید پس باید البته شیعه و رعیت خود را در ایام غیبت از حیرت نجات داده و راه
براه نجات دلالت نمایند و الا باز فی الجمله عبث و نقض حکمت کامله و اتمام حجت لازم می آید پس همچنانکه اصل وجود حجت
بجهت نظام عالم لازم است همچنین بجهت انتظام امر دین تعلیم و ارشاد مکلفین ضرور است و از راه نجات دانمود
و شیعیان خود را از حیرت در آورده و فرموده که در مسائل حوادث شرعیه که واقع شود رجوع نمایند و بعالمان
عالمان مذهب ما و راویان احادیث ما بحقیقی ایشانند حجت من بر شما و منم حجة الله و این مضمون از احادیث صحاح
ثابت شده و در بعض اخبار چنین است که ما او را حاکم گردانیدیم بر شما پس هرگاه حکمی نماید و قبول نکنید حکم خدا را
خفیف و سبک شمرده اید و حکم ما را رد کرده اید و رد کننده بر ما بر خدا رد کرده و رد حکم خدا در مرتبه شرک است
ایند و حضرت باقر علیه السلام فرموده ما بذکر بعد از غیبت قائم ما علمائی بودند که مردم را بر امام دلالت نمایند و از دامها
مکر شیطان و شبهها نجات دهند هر آینه شیعیان مرتد می شدند و ایشانند بهترین مردم نزد خداوند و رسول خدا
متواتر است که علما امتی مثل پیغمبرانند چنانکه خلفا و علما وارثان پیغمبرانند و علماء امت من مثل پیغمبران بنی
اسرائیل اند و در روایتی سه مرتبه گفت اللهم ارحم اخوانی پرسیدند از اخوان آنحضرت فرمود که ایشان اهل آخر زمان اند که بمن ایمان آورند
و متابعت سنت و طریقه من نمایند و حدیث ما را روایت کنند گفتند ما برادران تو نیستیم فرمود شما اصحاب
منید و ایشان برادران منند و احادیث در این معنی بسیار است و از این تقریر مختصر فواید نامه بسیار ظاهر شد اول
تنبیه بمعرفت الهی و اینکه اصل او بجهت عقل است دویم توقف بر نقل و کسب آن در او و تعطیل لازم آید دویم ظهور فایده
خلق با خبار الهی لزوم استکمال و اثبات معاد از عقل چهارم از اختلال سیم اثبات نبوت باسهل و اکمل از طریق
مشهور لطف و غیر آن پنجم امکان اثبات امامت بنحو هدم اساس مذهب سنی بالزام نص بلکه امر الهی در نصب و تعیین
امام ششم جواب شافی مسکت از شبهه مخالف در فایده امام غایب در حضور تعلیم و هدایت و پیش از ظهور
هفتم نیابت علماء اهل بیت رسالت از ایشان در امر دین بلکه دنیا هم هشتم صفت عالمی که اقتدا و متابعت باو مثل
مثل متابعت خدا و حجج خدا است و تعیین علمی که کمال و باعث نجات از شقاوت مآل و فوز بدرجات رضوان ذی
الجلال است که باید از آنجا منقاد و صادر و استفاده شود و تفصیل هر دو مذکور میشود تتمه اصل ما نحن فیه کلام در
بحث تکلیف که رسیدن از همه واجبات فرض و مهمتر است که فورا بصحبت و ملازمت علما مبادرت نموده علم خدمت
خود را و مسائل مذهب ملت خود را و کیفیت شکر گذاری این نعمت بتفصیل اخذ و بر آن عمل حفظ نماید یا از ایشان

مستغنی شود یا بتقلید و اطاعت ایشان خدا را ملاقات کنند و هم اسباب بدبختی و شقاوت و کفر و نفاق هر که
از عوام و خواص که بر این علما رد و استخفاف کنند و از کبر یا عدم معرفت از امر و اطاعت ایشان سر پیچیده رجوع کند
بحکام عرف که با عدم قابلیت و اجتهاد در احادیث و علوم اهل بیت رسالت بزور در مسند فتوی منصب ادای
احکام و مسمی بشیخ الاسلام شده از جهل حکم خود را بنده‌ها رند یا از شرکت مثل آن شمارند و اصلا بر خود رحم
مرحم رحم ننموده همه را موافق احادیث بعرض لعنت خدا و جمیع ملائکه ارض و سما و ملائکه ائمه عقیبی در آورند
اما فضایل تحصیل معرفت و مذمت ترک آن زیاده بر این است که از آیات و روایات آن هزار یکی از آن بشمار
آید که شمارده شود برای اختصار تذکر آیات از ابتدا و شیوع اله نموده از اخبار هم بنوادر هم اکتفا مینماید بانفاق
موافق و مخالف متواتر است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله که طلب علم فرض است بر هر مرد و زن مسلمان بدرستی که خدا دوست
میدارد طلب کنندگان علم را و فرمود عبادت الهی نشده بچیزی بهتر از تفقه و تعلیم دین و فرمود طلب علم کنید اگرچه باید
بچین روید و فرمود خیری نیست در زندگی مگر دو کس را عالمی که اطاعتش کنند و شنونده که عمل کند و بحدیث
حضرت صادق علیه السلام فرمود که عمل کننده بی علم فسادش زیاده بر صلاح است و مولانا ابن است حدیث مستفیض که علم
بی عمل وبال است و عمل بی علم گمراهیست و ضلال زیرا که گمراه هر چند راه بیشتر رود از مقصد بلکه از راه هم دور
تر میشود و همین تشبیه بیند در حدیث است که در روایتی فرمود که نیست فرقی میان غافل و نماز کننده بی علم و در روایت
منقول فرمود که هر که راهی رود بطلب علم هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و بجز دم ثواب شهیدی دارد و خدا
بغیر راهی بسوی بهشتش گشاید بدرستیکه ملائکه بالهای خود را بر زمین گذارند برای طالب علم از روی خوشنودی
و استغفار کنند برای او و هر که در آسمان و زمین است هر چیز حتی حیتان صحرا و ماهیان دریا و تعلیم برای
خدا صدقه و حسنه است تعلم عبادت و مذاکره علم ثواب تسبیح و نماز و تفکر در آن برابر روزه است زیرا که بعلم
واضح میشود حلال و حرام و بندگی ملک علام و وصل ارحام و راه دار السلام و مونس آدمیست در وحشت و
مصاحبت در غربت و وحدت و همدم است در تنهائی و خلوت و راهنما است در شادی و محنت و حربه است
برای اعدا و زینت است نزد دوستان خدا بعلم جماعتی را بلند خواهند کرد که پیشوایان خیر بوده اند و ملائکه رغبت
مینمایند در دوستی ایشان و بال خود را با ایشان می مالند و برکت میفرستند بایشان هنگام تحصیل نماز بدرستی
که علم حیات دلها و نور دیده‌ها و قوت بدنها است میرساند بنده را بمرتبه برگزیدگان و درجات عالیه در دنیا و
آخرت علما الهام میکنند نیکبختان و محروم میشوند از او شقیان پس خوشا حال کسی که از آن بهره خود را کم ننماید محروم

باشد

باشد و هر طالب کننده علم مثل کسی است که روزها بروزه و شبها بعبادت ایستاده باشد و عبادت کرده نشده بهتر
بهتر از فقه در دین و عالم مثل چراغ است مانند زنده است میان مردگان و طالب علم را شفاعتست مثل شفاعت انبیا و
نظر بروی عالم بلکه بدر خانه او عبادت است هر که علم و علما را دوست دارد گناهانش نوشته نشود ایام حیوة و
بهشت او واجب گردد و صبح و شام می‌کند در خوشنودی خدا هر که عالم را خدمت نماید هفت روز گویا بندگی خدا نموده هفت
هزار سال و بهر روز خدمت ثواب هزار شهید دارد و بهر حرفی که میشنود یا مینویسد شهری در بهشت و هر که
عالم را زیارت کند حق تعالی فرماید که مرا زیارت کرده و هیچ مؤمنی نمی‌نشیند ساعتی نزد عالم مگر آنکه خدا او را ندا کند که
نشستی نزد حبیب من قسم بعزت و جلالم که البته ساکن خواهم کرد ترا در بهشت و بروایتی کم ده ران و بروایتی لقمه با
عالم مثل اطعام جمیع امت محمد است و فرمود یا اباذر یکساعت مجلس عالم بهتر است از هزار جنازه شهید و
عبادت هزار شب و هزار رکعت نماز و هزار جهاد و دوازده ختم قرآن زیرا که دین بعلم دانسته می‌شود یا اباذر
بتحقیق که فضیلت علم بهتر و زیاده تر از فضیلت عبادتست و فرمود هر که یکباب از علم یاد گیرد قطع نظر از عمل بهتر
از هزار رکعت نماز نافله و بروایتی روز قیامت او را بهزار قلاده نور مزین و هزار گناه او را عفو و هزار شهر باو
عطا کنند و امیر المؤمنین فرمود ایها الناس بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل بآنست اما روزی پس عادلی او را
قسمت و ضامن شده که البته وفا کند و علم را نزد اهلش سپرده و امر فرمودند شما را بیاد گرفتن از ایشان پس طلب کنید
تا بیابید و در بعضی احادیث تشبیه شده کسی که نور شعور فطری خود را در امور دنیا ضایع نموده صرف تحصیل ظلمت
جهل و امر آخرت خود نکند بکسی که چراغ را در روز روشن کند و شب تاریکی بماند و فرمود خیری نیست که در دینی
که با علم و مسائل آن بینا نشود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که علم دین یاد بگیرید و هر که فقیه نشود خدا نظر رحمت بسوی او نکند و
هیچ عملی از او مقبول نشود و فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد او را در دین خود دانا میگرداند و لقمان گوید که
که چون شیطان همیشه در فکر گمراهی مؤمنان است برای شغل مهلت خواسته هر قدر آدمی بکمال هدایت
نزدیکتر شود سعی در اضلال آن بیشتر کند از اینجاست که شعائر و اهل معرفت که اتفاق افتد شده
پر از شقاوت و جهالت است پس چون جمعی دیدند که بدوزخ جهال راضی نشده میل بهشت معرفت نمودند شیطان
نتوانست ایشان را در جهل گمراه کرد با تمام تمام اکثر این قبیل را هم در صعبتر از جهل هلاک میکند اما خوش
بی اختیار علوم چند که طلب آنها تضییع عمر است و بتوفیق تحصیل علم دین خصوصا شأن البته زیاد
بر آنها خواهد بود اما عوام این ظلمت و تقلید هر عالمی مرتبه الخطر شراست بی‌تحقیق سوال از او و قبول

اقوال او پس در جدول بر انقضی این دو مطلب بمنت جریان می یزید جلد وایل در بیان علومی
که نافع و منجی در معاد است و ذکر مفاسد غیر علوم نافعه بدانکه نیت صحیح و خلوص شرط لازم است در عموم عبادات اگر نیت
این خصوصا در تحصیل علم که افضل و اقدم و اشرف و اهم انها است و معلوم است که نیت خالص برای خدا میسر نمی
تواند شد بلکه عبادات نمی تواند کرد مگر هر طلب علمی که جنابا اقدس نیت بلکه امر باین فرموده باشد و ان میسر از علمی که از جناب
اقدس صادر شده بحجج نبوی رسیده باشد که کتاب و سنت است غور در غیر انها لغو و مذموم است بلکه موجب نقص در منکور و بد
و باعث حیرت عظمی مگر انکه بعضی ازینها داخل صنادید اند نه داخل علم و عبادات و این معنی متواتر است از ائمه هدی علیهم
که هر علمی که ازما اهل بیت صادر نشده باشد باطل و عاطل است و امیر المؤمنین به بکسی فرمود که اخذ مکن مگر از ما تا از
ما باشی و در وصف فقیه حقیقی فرمود قران را ترک نکند برای عبث بغیر ان تنکر و فرمود بنما عالمی که مردم اتفاق کرده اند
بعلم او و نزد خدا و رسول خدا و اهل بیت و جاهل اند و اکثر از ازدیک خدا و رسول باز نموده اند اخذ علم نکرده
بلکه ان را از راه اخذ کرده و فرمود بعضی بدعتها تصنیف میکنند و حضرت صادق فرمود ما که اخذ دین که از جمیع امر دم کند هم
مردم او را زایل کنند و هر که از کتاب و سنت فرا گیرد زایل شود کوهها و ثابت است فرمود هلاکت شما اهل کوفه
مگر کسی که از ما اخذ کند جمیعه مود از میوهای مکیدن رو میکنند ما به غیر علمیه که رسول خدا سنت و خدا میفرما
که بگو با جماعت خبر دهم شما را بزیان کار ترین مردم در عمل جماعتی اند که گمراه و ضایع شد سعی ایشان در حیات دنیا و حال
انکه ایشان پندارند از کمال احمقی که کار خوب میکنند و فرمود بیائید بخوانید از درجهای انها و در چندین جا
فرموده اند که بادیت ممنوع علم مگر در اینجا و در حدیث است که علم نافع است که موجب غلبه بر هوای نفس باشد
منقول است که حکیمی هشتاد صندوق کتب جمع کرده بود پس وحی شد بسوی پیغمبر ان عصر که بگو بان که اگر مثل این را
هم بان جمع کنی نفعی نخواهد داشت ترا تا عمل بسه چیز نکنی اول اینکه نخواهی دنیا که خوانه مومنان نیست و فرمود
علوم نافع منحصر در چهار یافتم اول انکه خدا خود را بشناسد دویم انکه بدانی چه نعمتها بتو داده سیم انکه بدانی
از تو چه خواسته چهارم انکه چه چیز ترا از دین بیرون میبرد و از لقمان نقل فرمود که به پسر خود گفت عالم را سه
علامت است اول اینکه پروردگار را بشناسد دویم انکه مرا او را داند تا بعمل اورد سیم خلاف خواهش او را
داند تا ترک نماید و حضرت کاظم ع که رسول خدا جمعی را دید که گرد شخصی در امده بودند پرسید این کیست گفتند
علامه فرمود چه میدانند گفتند دانا ترین مردم است بانساب و وقایع و اشعار عرب فرمود که این علمی است که نفع
ندارد و کسی را که نداند و نفعی ندارد کسی را که داند علم همین سه است به ظاهر الدلالة لازم فریضه که خدا بعدل فرموده

نفی الفکر بد

باستنی که باقی است تا فنا است هر چه غیر اینها باشد فضله و زیادتی است که بکار نمی آید و فضیلتی ندارد و تعلیم
آنحضرت بوان بی یمن اعظم که از اهل کتاب حکمت و معانی میتوشت مشهور است فرمود یا اباذر بدترین
مردم نزد خدا روز قیامت عالمی است که بعلمش منتفع نشود و فرمود یا اباذر هر که از علمی اخذ کند که
باعث خوف و گریه او نشود سزاوار است از اهل علمی نباشد که نفع از آن نبرده زیرا که خدا میفرماید انّ
الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا تا یبکون و یزیدهم خشوعا موقوف الف
کو بیک که اشتغال فندادوک این علوم با لذات که بواسطه احداث با شبهها و منع جمیع یا سنن مؤکده
بلکه اخلال باداب و شرایط کمال قبول و اجبات حرام یا مکروه در نهایت شدت و ضررش اکر چه نه
باشد که دلرا از اقبال بمواضبت اعمال موقته و محافظت اوراد مرتبه و حرص بر شبانه روزی با کمال حضور
و فراغ بال مشغول و منصرف میدارد و با فکار دقیقه بحار در خیالات غیبهم چنانکه بر منصفی
ظاهر است کافی است و خواص عرفا که امانت سنن مؤکده را خیانت نموده ضایع و مهمل گذارند و بجا
قیام دیگران چه رتبه میدارد و در حدیث معتبر وارد شده که دلها بدگویان در بغیر ذکر الهی قساوت دارد
وخود شان نمیدانند و این معنی بتجربه رسیده است بهر گاه چند روزی واگذارند متنبه نمیشوند و
لیکن بسیار دشوار است ترک شغلی که عمرها در تکمیل و تشیید مبانی آن ضایع شده باشد و لا حول و لا
قوة الا بالله سابقا عذری برای خود میساختم که بسبب تشعید ذهن معین است بر غوامض علم نافع
و این از تسویلات شیطان بوده که بمصداق حبک للشیء یعمی و یصم چون از عنفوان شباب بتقلید اصحاب
شیفته آن علوم ناصواب بودم متغافلانه این خواهی نخواهی مینمود و با قطع نظر از خطاء اجتهاد در برابر نص
و تسلیم اعانت از جهتی مضر است بجهاتی از احتمال کلی بلکه اهم و اقدم و اعظم آنها حرام است و
حصول شبهات و نفوذ آنهم و تغیر فطرت مستقیمه و فهم جبلی چنانکه از بعض مشایخ حکیم مشرب که دخل
در احادیث میکردند میدیدیم و انجمعی که در اواخر عمر متاسف بودند ملتبس میدیدیم و بدیهی است که هر معین
فی الجمله مطلوب نیست و الاعلم موثقی و بعض انواع قمار و کهانت و شعبده در نفوس فکر بر که از فلسفه
و نحو او کمتر نیست بلی موقوف علیه مطلوب مطلوب است با وجود هر مطلبی که از فلسفه که بزور علما و بعضی
بعقاید بعضی ساینده و در شعلقات اقتضای تقدیر توقف و تنزیل بسنت اکتفا شود بقدر توقف نه هجر و تمهید
بمقدمه و اکتفا بطرقی از کعبه و صرف جمیع ربیع ایام تکلیف تا انتهای خریف بتعلیم آنها بعینه از این قبیل است

ارتفاع و اشجار و مرکز و مدار و دوایر و هر خطوط و سطوح و ابعاد بی‌شمار و طول و عرض و محیط سماوات و تاریخ و زایچه
طالع منحوس و مسعود موارد هر یک را در حفظ و راسخ نمودی و مقبول خطوط و اشکال و ساعات معوجه و مقابله تا
عواشر لیل و نهار پرداخته کمال شعف داشته باشی که هیچ کس بعنایت و دقت من تحصیل الدرجات اوج بام سما
نکرده و اکوهم در ضلال این احوال بتقریب شیخ موت و فوت فرصت بخواطر ابد دلخوش کنی که در مقدمات
خبر مردن هم خبر خواهد بود پس بعد از محنت و مشقت بسیار و قطع بوادی پر خوار و طی ممالک بی‌شمار و اقتحام
بحار کثیر الاخطار هرگاه زنده برگشته حال داشته باشی جمعی بحیرا و با ستفادهٔ آنچه در این سفر عجیب از
سوانح طریقه و وقایع غریبه متحقق شده معطل و غبار سبیل مراتب ناگاه با سبب تنوع از بیراه تا شدن
ملال و فقدان جمال راه بالا نیافته از عروج اوج سماوات محروم و در اسفل السافلین با حشرات الارض
و شیاطین مطرود و محشور گردی و بر فرض که از همهٔ آفات نامحسوس سالم بدر روی مطلوب بی‌معنی مشاهد
جمعی که عمر خود هر ساعتی از فرقها که تو تلف کرده‌ای خراب مثوبات و نفریات الهی و ذخایر درجات سامیه تا منتهای
برخوانده و خنده‌اند در حسرت و غبن ابدی و ندامت و خسرات سرمدیه بمانی و حال آنکه از اول امر با بدایت جهد از
اندامی که شارع واضح نموده بمامن رسیده بنصرت و توفیق و رحمت تائید الهی که بسبب اطاعت از هر اطراف
دستگیری تو میکرد البته با علا مدارج عزت و سعادات ابدیه و اقصا معارج رضوان سرمدی میرسیدی و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم کسی نه پندارد که بموجب المرء عدو لما جهله این کلام معلوم بخلاف
سلیقهٔ اعلام و نحول بعلت عدم وقوف بفواید این علوم حقیقی و تصور عوض و خوض در این بحار
این فنون تحقیقی است نه بخدای عزیز بلکه با طلاع و اتقان مغاصی این بتوهم اینکه حکمت فلسفه اشرف و انفس
معارف یقینی است تا شرف اوقات عمر را صرف استفاده و افاده و تعلیق مراتب عالیهٔ آن نموده آخر بالهامات
غیبیه و تنبیهات لاریبی متنبه و متذکر و متفکر شده بهیچ عیوب این اعتقاد در نظر انصاف ببشر نموده از جملهٔ منها
در ورق یا صفحهٔ لیست لطیفه از دست بعض افاضل که اهتمام تمام در استفادهٔ این علوم داشت گرفتم
از کمال دقت و لطافت چیزی بنظر نیامد تا عینکی که او داشت از چشم خود برداشته بچشم من گذاشت پس
صفحه دیدم زره افشان و مرایا جوهر نشان با کمال صفا و جلا ساخته و با الوان تکلف و تصنع پرداخته مشتمل
بود و اشعار منظوره و افادات شعریه همه جلیه مرقوم که اصلا هیچ معنا و حاصل نمی‌شد و کسی بمطلوب
معنوی از آن واصل نمی‌شد و نیز گویا در شبی دیوار مسجدی راه می‌رفتم دیدم در بعضی از درها آن نوشته که ای آنکه

شفا میخواهی بجهت ما داخل میشود و الحق اگر در این مرتبه هدایت و اشاره بشفا علمای جهال و نجات از ضلالت می بود
مصنفین و مؤسسین قواعد اینها اولی و بان احری بودند و حال انکه اکثر اهل ایشان کرویدند و در اسلام بدع عاطله
و مذاهب باطله تصوف و الحاد و غیر ذلک از ایشان ظاهر شد چنانکه نقل کرده اند بوعلی خود در پیش اهل دنیا
فاجر و فاسق و وزیر ملوک اسمعیلیه اشقیا کافر بود و اعتقاد بر حجتها الهی و معراج و حدوث عالم و علم الهی بجزئیات
و از شاگرد انش عمر خیام جبری و زنادقی و محمود ... شاگرد بهمن یار ارشد تلامذه بوعلی بود گویند که
او از غیب دعوی نبوت مینمود و حسن صباح از دلایل فلسفه ترویج مذهب اسمعیلیه و ملاحده کرده و در مجالس
روایت نموده که اسحق کندی فیلسوف عراق بود شروع نموده بتالیف تناقض القرآن که حضرت امام حسن عسکری
همه ابیات کلمه باطل کرده و اهل کلام هم اصول چند از فلاسفه که ذم اینها در ضمن صوفیه مذکور میشود اخذ و مثل
نقض الهیه مسلم نموده اند از قبیل انکه تا چیزی بحد وجوب نرسد محال است که موجود شود و چون علتش تمام شد ممتنع
است که موجود نشود و التزام همین مقدمه منافی امور شرع مخالفست از اختیار شرعی و تکلیف و عتاب و ثواب و عقاب
بلکه ذات الهی لعنهم ... شان انداز رد و گوهری که در راه خدا از ملامت باک نداشته از در دین این هدایت را
گوید که این مقدمه را مسلم ندارم و جمعی از محققین ایشان مصادیق ندارند از قدم زمانی عالم صراحة قران و سنت
بحدوث زمانی و دارای انکه خدا عین وجود قایم بذات باشد یا حکم عقل با امتناع انقلاب قایم بذات بودن
از اعتبارات و عکس ان و بعض معتمد در انکه هیچ چیز خصوصا ذات خدا عین وجود نمیتواند بود و اگر اجل ... گشته
از سر کینه نشسته بجهت حفظ شرع گوید که ای یاران اصل اساس این همه تحقیقات دور و دراز شما بر خلاف
ضروریات دین مبین و معارض قول خدا و رسول امین و مخالف اجماع اهل شرع مبین است این همه طول
کلام و تردد در این مرام ترا چیست از عالم کوی که مرتکب ثلث عظمی شده باشد تشنیع سطحی کند که مسند افاده
عقل را چه مجال معارضه نقل است و حال انکه خود شان با تسلیم ان مقدمات در جاهها در مانده اعتراف بعجز
فهم مینمایند پس بهتر از هدم قواعد شرع این مانع مبادا رد بعض تعصب جاهل حق نمی حکم خواهد کرد مبانی
ایشان در روع جز از اینجاست که در احادیث متواتره طعن و ذم اهل کلام شده چنانکه گذشت و
این شیخ مفید ره از ابن سنان روایت میکند که مؤمن الطاق که از متکلمین شیعه است زمن سؤال از اذن
دخول کرده بر حضرت صادق ع این محضرت بعد از سخن بسیار فرمود اذن مده او را بر من بتحقیق که کلام و
خصومت فاسد و برطرف میکنند این را و برمیآید دیگر فرمود متکلمین این طایفه شیعه بدترین ایشانند

دوزهو

و فرمود بدست بر شما که قایل شوید بجبر تا از ما نشوید و فرمود هلاک شدند اهل کلام و نجات
یابند مسلمون که ملتفت مجادله اهل کلام نشوند کسی بآنحضرت عرض کرد که برای الزام خصم احتیاج بآن میشود
فرمود مخاصمه کنید با ایشان بآنچه رسیده از علوم ما پس اگر بر شما غلبه کرده اند و ابن بابویه بسند صحیح از ابن
عیسی نقل روایت کرده که خواندم در کتاب علی بن هلال بحضرت کاظم که اصحاب ما از آباء کرام تو علیهم السلام نقل
کرده اند که ایشان نهی فرموده اند از کلام در امر دین پس شیعیان تو که متکلم‌اند تاویل کنند که نهی مخصوص کسی است که
نمیتواند حرف زد اما چنین است حضرت نوشتند که آنکه خوب میداند و آنکه نمیداند هیچکدام تکلم ننمایند که گناه
بیش از نفع است و بسند این روایت شیخ حرّ میفرماید که اخبار بسیار در این معنی متواتر است و در صحیح در تفسیر آیه
اِنَّ الی ربّک المنتهی وارد شده که هرگاه سخن بخدا منتهی شد ساکت شوید و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید که از
حذر کن و خصومت مکن که مورث شکست و حبط عمل و هلاکت است و شاید کسی بچیزی تکلم نماید که آمرزیده
نشود بتحقیق که بودند در زمانهای گذشته قومی که ترک کردند تحصیل علمی را که مامور و مکلف بآن بودند و طلب
علمی مینمودند که بعهده ایشان نشده بود تا آنکه کشید ایشان را کلام بسوی خدا پس متحیر شدند بحدی که گر مردی را
از پیش رو میطلبیدند از پشت سر جواب میداد و در صحیح فرموده بپرهیزید از اصحاب کلام و خصومتها و از همنشینی
ایشان که ترک کردند آن چیزی را که مامور بدانستن آن هستند و بتکلیف مشقت انداختند خود را بر تحصیل
علمی که مامور بدانستن آن نشده اند و حضرت امیرالمؤمنین ع میفرماید بپرهیزید از جدال که باعث شک
میشود و خود را بر سبب تشکیک مدارید تا شک و شبهه بهم رسانید در دین خدا و مجاهده کنید برای نهی از کلام
و جدال و تفکر در خدا بسببها است که باعث نفاق و حیرت و کینه و شغل قلب از ذکر خدا و افتراها میکردد و در بصائر
بسند دار ابن عباس مرویست که قومی در ذات صانع تفکر میکردند رسول خدا ایشان را منع کرد و فرمود
تفکروا فی خلق الله ولا تفکروا فی الله **مترجم گوید** سابقا گاهی توهم میشد که علم کلام واجب کفائی
باشد برای دفع شبهها اما حق انصاف این است که اگر دفع همه شبهها وظیفه عبدا هم باشد عالم بکتب اخبار
و اصول از عهده آنها بر می‌آید و این کتب مشتمل است بجوابهای شافیه متعدده از شبهها معاندین و مخالفین
که ائمه ما ع فرموده اند و علما اخبار کافی است برای هر شبهه تا زمانی که رود هدایت انکار احتیاج بکتب و اصطلاحات
علماء سنی اند و حضرت بن اظهر کل معانی و فضلا ابن شهر متعهدم که احادیث مشکله و مطالب غامضه صعبه
را بعون الهی بعنوان نثر شرح نمایم که اصلا باصطلاح منطق و کلام هم احتیاج نشود والحمد لله وحده تمّ جلد اول

در زمرهٔ عالمی که امثال او و سؤال او و اطاعت و تقلید اقوال و اعمال او مانند طاعت خدا و رسول است بلکه خواص را
هم باعث سعادت و نجات ابدی و موجب کرامت بلکه اعلام نشر علوم و لذات و درجات سرمدی میتوانند شد بدانکه
تقوی و ورع شرط معتبر است باجماع جمیع علمای دین آنکه عالم بعلوم اهل بیت رسالت بودن چنانکه گذشت و دویم
عمل بمقتضای تعلیم نمودن چنانکه رسول خدا ص فرمود که علما امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا تا اختلاط
دنیا و سلطان نکنند چون کردند خیانت به پیغمبران کرده اند پس ایشان را معزول دانید و حذر نمائید و امیر
المؤمنین ع از عیسی ع روایت نموده که دنیا درد دین است و عالم طبیب دین پس چون ببینید که طبیب درد را
بسوی خود میکشد او را متهم دارید که چون خیر خود را نخواهد خیر دیگران نخواهد بود و حضرت صادق ع
فرمود که چون عالمی را ببینید که دنیا را دوست دارد او را متهم دارید بر دین خود که هر کس محبوب خود را
میطلبد شاید دین شما را بدنیای خود ضایع نماید بتحقیق که وحی شد بداود ع که میان من و خود واسطه
قرار مده عالمی را که فریفتهٔ دنیای خود باشد که ترا از محبت من دور میگرداند بدرستیکه ایشان راه زنان بندگان
منند مگر عقوبتی که ایشان را میکنم این است که لذت و حلاوت مناجات خود را از ایشان سلب میکنم و از
رسول خدا ص ذکر نموده که دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان باعث صلاح جمیع امت من است و
فساد ایشان باعث فساد جمیع امت من فقها و امرا و حضرت امام حسن عسکری ع از حضرت سجاد ع ذکر میفرماید که بحسب ظاهر
فریب مخورید که بسیار است که دین را دام دنیا کرده اند و چون بمال حرام دسترس نمیکنند ترک میکنند و اگر هم
ضبط خود نمود فریب او را مخورید که شهوتها مختلف میباشد بسا از حرامی عفت میورزد و حرام دیگر از مشتبهات
نفس مرتکب میشود و اگر از همه عفت دارد باز زود فریب مخورید تا ملاحظهٔ عقل و عمل او کنید و بسیار اند
که همه بنای فاسد میکنند زیاده بر اینست که بعقل اصلاح میکنند و عقلش را که متین یافتید باز زود
فریب مخورید تا هنگام غلبهٔ خواهشهای نفس ببینید تابع هوای نفس میشود یا تابع عقل و ببینید چون است محبت
او بریاستهای باطل و مطاع بودن و زهدش در دین زیرا که میباشند بعضی که خاسر دنیا و آخرت اند دنیا
برای دنیا و ریاست اعتبار زینت میدانند پس حضرت این آیه را خواند باین معنی که چون باو گویند از خدا بترس
تکبر و حمیت جاهلیتش بر دارد بانکه مرتکب آن شود که منع کرده اند و لجاج زیاده کند پس بس است او را جهنم
پس خبطهای کنند بنهایت خسارت میرسد آنگاه خدا منع لطف از او نمود در طغیان اند پس حلال میکند
حرام را و حرام میکند حلال را او پروا ندارد از هر چه دینش فوت شود چون ریاست دنیوی او سالم ماند که

برای آن تقوی را اظهار مینماید ولیکن مرد تمام کسی است که خواهش خود را تابع امر خدا نمود و خود را صرف
رضای خدا کند و بداند که با خواری و راستی که خوار باشد شرف ابدی دارد و عزت باطل زود زوال و نیست دهد آنکه
اندک مشقت دنیا برای تابع حق بنفع بسیار است و آنکه هرگز زوال و کهنگی ندارد و بدانند همه در بسیار مینمایند
میکشاند او را ابدا که انتها ندارد و همچنین مرد تمام مردها است پس باید متمسک شوید و برکنار و
بخدا متوسل شوید که روز بشوی دعا او و حاجتش روا است رسول خدا میفرماید با ابا ذر چون ببینی
برادر خود را از امور دنیا پس بشنو از او بحقیقتی که حکمت بتو القا کند کفت کیست زاهدترین مردم فرمود
کسی که فراموش نکند قبرها و پوسیده را و ترک کند زیادتی زینت دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی و فردا را
از عمر خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد یا ابا ذر بحقیقتی که بدترین مردم در منزلت نزد خدا عالمی است
که بعلم خود منتفع نشود و قومی از بهشت بقومی از جهنم مطلع شده گویند چه چیز شما را بجهنم برد که ما ببرکت شما ببهشت
آمدیم گویند ما میگفتیم و نمیکردیم یا ابا ذر هرکه موافق نبود قولش فعلش پس او کسی است که بهره خود را
والا غیر او نیست که توبیخ خود خواهد کرد و فرمود وای بر عالمی که بخواهش نفس تکلم نماید و هیچکس عذابش شدیدتر
از او نخواهد بود و بروایتی هیچ عالمی بدرگاه سلطان نمی آید با اختیار مگر شریک او باشد در آتش دوزخ و احادیث
منع اقتدا و پیروی عالم بی عمل در مسئله دین و مذهب بسیار است و در حدیث عیسی ع واعظ غیر متعظ تشبیه شده
که شمع خود بسوزد برای نفع غیر و بغربالی که هرچه رقیق و لطیف است بیرون میکند و نخاله درشت را برای خود نگه
میدارد و خدا در قرآن میفرماید یَا أَیُّهَا الَّذِینَ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا
تَفْعَلُونَ و ترک موعظه هم بحال او فایده ندارد بلکه بترک اعظم واجبات جرات کرده بلکه ابتدا بموعظه نفس خود
نموده بارشاد مردم پردازد و عمل مقدم بر قولست چنانکه در وصیت بوذر اشعار بعضی بان گذشت و بسند صحیح
حضرت صادق ع منقولست که شدیدترین و عظیم ترین مردم در عذاب روز قیامت کسی است که حرف عدلی گوید و خود
نکند و آنحضرت این علامت عاری بودن از ایمان است که پیش مردن شیطان سلب خواهد نمود نعوذ بالله الرحیم و فرمود
خدا عملی را قبول نمی کند مگر با معرفت و نه معرفتی را مگر با عملی پس دانستی که اجزای ایمان از هم حاصل و بهم مربوطند
و فرمود علم مقرونست بعمل پس هرکه دانست کار میکند و هرکه کار کرد دانا میشود و علم می طلبد عمل را اگر
اجابت نمود میماند والا علم هم میرود و در حدیث است که هرکه عمل کند بانچه داند حق تعالی علم آنچه را نداند باو تعلیم نماید
مؤلف گوید که بتجربه رسیده همچنانکه از یاد معرفت باحوال مبدأ و مآل زیاده میشود شوق عبادات

نه باشد و مال را مال خدا داند نه مال خود و بجز در موده مصرف کند دیگر اینکه خود را مدبر خود نسازد و دیگر آنکه شغل
خود را در انچه خدا امر و نهی نموده مصروف دارد پس چون خود را مالک چیزی نداند آسان شود بر او خرج در مصرفی
که خدا امر نموده و چون تدبیر خود را تفویض بخدا نمود آسان شود بر او مصیبتهای دنیا و چون مشغول امر و نهی الهی
شد فرصت نزاع و مباهات با مردم ندارد پس هرگاه خدا گرامی داشت بنده را باین سه کرامت سهل شود بر او دنیا و
شیطان و مردم و طلب دنیا نمیکند برای تکاثر و تفاخر و طلب چیزی که نزد مردم است نمیکند برای عزت و دفع ایام
باطل را نمیکند در غفلت و بطالت پس این اول درجه تقوی است و فرمود حق تعالی تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ
لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ گفتم او را موعظه و نصیحتی کن فرمود ترا بنه چیز وصیت
میکنم که انها وصیت من است بمریدان راه بسوی خدا و سؤال میکنم از خدا که ترا توفیق دهد باستعمال آنها بدانکه سه در
ریاضت نفس و سه در حلم و سه در علم پس حفظ کن آنها را و زنهار تهاون مکن در آنها اما آنها که در ریاضت است
پس حذر کن از خوردن آنچه اشتها نداری بدرستیکه موجب بلاهت و حماقت است و مخور مگر هنگام گرسنگی و حلال بخور و نام خدا ببر
و بیاد آر حدیث رسول خدا که پر نکرد آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکم خود باشد اگر ناچار باشد ثلثی برای طعام قرار
داده و ثلثی برای شراب و ثلثی برای نفس خود و اما آنها که در حلم است پس هر که بتو گوید اگر یکی گوئی ده تا شنوی
بگو اگر ده تا بگوئی یکی نشنوی و هر که ترا دشنام دهد بگو راست گوئی خدا مرا بیامرزد و اگر دروغ گوئی خدا ترا
بیامرزد و هر که ترا وعده ناسزا کند تو با او وعده نصیحت و دعا کن و اما آنها که در علم است پس سؤال کن از علما
هر چه ندانی و زنهار بپرهیز از اینکه از ایشان بقصد امتحان و تجربه سؤال کنی از علمی برای اخذ چیزی و اخذ کن باحتیاط در جمیع آنچه رای
ابوی آن باو بگریز از فتوای مانند گریختن از شیر و گردن خود را جسر برای مردم مکن و فرمود طالبان علم سه فرقه اند یکی
طلب میکنند علم را برای جدل و مجادله و یکی برای کبر و زیادتی و فریب مردم و یکی برای عمل اول مردم آزار است و مشغول
گفتگو میشود در مجالس و علم خود را بیان یاد میکند و خوشی برای خود میبندد و خدا دماغ و بینی
بکوبد و پشت او را بشکند دویم صاحب مکر و حیله است با امثال خود از علما اگر رسد بالا دستی و زبان
و گردن کشی و با غنیا شکستگی و فروتنی مینماید و حلوای ایشان را خورده و دین خود را برای ایشان ضایع کند خدا
بینائی او را کور و اثر او را از میان علما بر طرف و دور گرداند و سیم سوسته مکین و محزون است و شبها بعبادت بیدار است
تحت الحنک میبندد و بر کلاهی که بر سر دارد و در تاریکی شبها بعبادت می ایستد و با صباح در بیم و ترس است
از قبول نشدن عبادت و عضوت و پیوسته مشغول دعا و تضرع است اقبال و تدبیر کار خود کرده متوجه اصلاح

خودرا است اهل زمانه خود را بشناسد و از وثوق دوستان و برادران خود در حذر باشد که مبادا بدبختی را فاش کنند
بپسندند ارکان او را محکم کرده باشند و از موثقها قیامت در حفظ و حمایت او ما خودش نگاه دارد مؤلف گوید که اطلاع
عوام بصفات عالم شرعی در علم و عمل کما ینبغی و بما ینبغی موقوف بر این است حاصل میشود بمعاشرت و اطلاع
بر احوال او در حالات مختلفه از رضا و شدت و غضب و غفلت و شهوت و خلوت و مشاهده اوضاع و اخلاق
و تواضع و زهد در دنیا و ملاحظه عقل و انصاف و قول و فعل و احتیاط او در امر دین و فتوی و نقل حدیث و محافظت
آداب فرایض خصوصا از نماز از کمال وقت و حضور قلب و عدم وسواس و مواظبت سنن مؤکده و عدم ریا که
و هم چنین بشهرت میان خلق خصوصا عوام که از بواطن امور مطلع نبوده باشد که ارباب غرض نباشد که علما را
بیشتر حسد میبرند و در این مقام اقدام عوام از هر دو طرف افراط و تفریط بسیار مبالغه دارد اما از طرف افراط
پس هر عالمی بلکه صاحب سوادی را دیدند که در عبارت فصاحت حرف بسیار میزند نقلهای غریبه و طرح مسائل
عجیبه و حل اخبار مشکله و قصص علماء اعصار و سیر فقهاء هر دیار گویند این است افضل مجتهدین و همین است
پیشوای اهل دین هر چند فساق و جهال باطن او و از او گرفته باشند و همین افراط اخوی مخصوص تفریط و باعث اغفال
بعلماء متقی و این هم از شومی علماء سوء و ضرر ایشان است بر دین و امیر المؤمنین ع میفرماید دو نفر پشت مرا
شکستند در این دنیا آنکه زبان آور و فاسق و نادان عابد و زبان آور مردم را از راه حق در میبرد بسبب فجور
و این از راه عبادتی که مینماید مردم را از راه حق باز میدارد بسبب جهل پس بپرهیزید از علماء فاسق و جاهلان متعبد
که شنیدم از رسول خدا ص که عذاب امت من بر دست هر منافق زبان دار است و بروایت دیگر فرمود که نوزده
نه چیز کلمه تمام شد که دوست دارم هر صبح مطالعه کنم عالم بیعمل با ابلیس برابر است و سلطان بی عدل با فرعون برابر است
و غنی که بنقص مالش را بزد با مزدور برابر است و فقیری که تملق غنی گوید بطمع مال با سگ برابر است و زنی
که بی ضرورت از خانه در آید با کنیز برابر است اما در طرف تفریط پس بمحض شنیدن یا دیدن امری
که از علما بد نماید هر چند محامل جمیله تواند داشت یا مکروه و ترک اولی باشد و مع عصمت هم نیست
با بعض گناهها که اصرار ننموده و فورا توبه کرده باز اعرضند مبادرت نمایند که شاعد الله نیست کمال تامل
و تحقیق ننموده بوسوسه شیطان از روی طعن بر ایشان زنند و بر مر غفلت و تقول بنا دین و امر
خود را بالمره فاسد کنند و حال آنکه اینها نه بشر نه گناه از ایشان بعید نه بدیع نیست که نبلند در امور معاش
و معاملات مردم که لازمه زندگی است ببعض امور نالایق باتفاق میافتند تا مرتبه اصرار و بعضی مبالاة در امر دین

نرسیده مانع اقتدا و متابعت ایشان نمیشود بلکه موافق احادیث طلاب حق و بحق وجود بر ایشان نمیتواند کرد
هرچند کبیره و اصرار بر کبائر ایشان معلوم نکنند اگرچه در صورت اخیر متابعت و تقلید ایشان نمیتوان کرد تا توبه او معلوم
نشود مگر در صورتی که استفاده محض تقلید نباشد چنانکه در حدیث از رسول خدا است که اخذ کنید از علماء ابرار و فجار
ثقات است هو کذا ابدا ایشان ثقات است و بتحقیق که خدا برای عالم مرتبه میبخشند روز قیامت هفتاد گناه قبل از آنکه
که نبخشند باشد بر جاهل یک گناه مجملا هر کسی که حسن ظنی برو باشد جمیع اعمال او را باید بر محمل خوب
حمل کرده هرچند بعید باشد و دیگر همین که بعض علماء با اکثر و اشهر ایشان از خالی از عمل باشند تا غالبه علما
بد اعتقاد شده باین بدگمان میکنند که تکلیف که مدار آن در این زمان بوجود عزیز علما ست از ایشان ساقط
شده و عمر ایشان از دین اسلام بری شده پس دست از طلب علم و علم بر داشته خود را از سخنان معذور پنداشتند
غافل از اینکه تکلیف بدین اسلام که تا قیامت مستمر است لابد بوجود علما صورت ندارد باید تجسس و
تجسس پیدا کنند هرچند در ظلمات و لیکن ابجوه باشد والا بی شک سپید بی خواهند بود خود شنیدم
از عارف علمای عصر در عذر ترک طلب علم که کو عالمی که عمل بقول او توان نمود فلان و فلان که اعرف
و اشهر و افضل علمای عصر اند حال ایشان معلوم که بچه مرتبه ارشد شد عوض صلاح و فیض فلاح در سهل اند تا از اثر
علم ایشان ابناء و متعلمان ایشان چه رسد تا انکه بعد از تهذیب و تعدیل از این رای کفر امیز انابه نموده عدول
خواست و الحق این عقیده جمعی است که از دین بیگانه اند والا بغیر بی که در ابتداء این موقف گذشت
بابت بفکر این افتاده باشد که همچنانکه بترک هجرت بسوی اهل بیت رسالت و تحصیل علم از ایشان عوض
از ایشان تحصیل مینماید همچنین در این زمان بترک هجرت بسوی علما طریقه ایشان و تحصیل علم از ایشان عوض تحصیل
دیون مشود و اگرچه در این اوقات بعلت هجوم حوادث ایام و غلبه تمکین فرمانفرمایان اثام و سعی ائمه
آخر الزمان علماء موصوفین در کنج خمول پیوسته اند اما خدا طالبان را وعده فرموده که برهاند و بدانکه چون
اسباب ملت کور و شدت هرج و مرج و فتور اهل بدعت و ضلالت در این زمانها در لباس علما شهرت و کثرت بهم
رسانیده باضلال جهال مشغول اند برای هدایت با اتمام حجت اهل غفلت در این خطی هدایت که برای تنبیه غافلان باید
بمثل ابن جعفر بغدادی در مبشرات اشاره خاتم الانبیاء شود و فرمان خاتم الاوصیاء رسد فصلی مشتمل بر حال
اهل بدعت و طعن ایشان عموما و خصوصا می پردازد لِیَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ
باید دانست که هر عملی بغیر سنت احمدی و طریقه محمدی بدعت است و هر بدعتی ضلالت و بازگشت آن بسوی

ملمع

آتش دوزخ است بحدیث متواتر نبوی که بطرق خواص و عوام ورود نموده تو بترسید صاحب بدعت قبول نمی شود زیرا که هر
ملتی محبت آنجا کرده بود و غیر بود و در صحیح حضرت صادق ع منقولست صاحب بدعتی پشیمان و زنجیر بعد کردن توبه و قرار داد
تکشاید تا خدا توبه او را قبول فرماید بعد از شهرت بدعتی که بکوید که جلال خودم که اگر او بعد از آن توبه کند
بلکه ما نواهم بیاشد مستحقا میکنم دعای او قبول نفرمایم توبه را تا ننده که آنها را که گمراه کرده و غیر بود که من
چیزی که بنده از ایمان بعد بیرون انست که بر خلاف خود بیان شود و بران بماند و این معنی در صحاح متواتر است و در بعضی
اهل منبر ها که او ناصبی و دشمن ما است بمجلس لهو کافر شده بنا در آن و در حدیث آن بدعت نفس منبر بیان صفت خدا تعالی
و رسول خدا ص منقولست که هر که بین بصفا بدعتی رود و او را تعظیم نماید سعی کرده در خراب اسلام و از اشنع
اشیع بدع تحصیل علوم نمی بوجه شرعیست چنانکه گذشت و از آنجمله فتوی دادن جمعی است که قابلیت آن ندارند
بلکه شروط آن را همه ندانند و در این زمان بجائی رسیده که هر که بتلاش با اقبال جهال او باش متمکن از فتوی در
مسائل اسلام و اجرای احکام کرده و بعقل و بفهم با بعض بینکه کناد بده باشنده بجز این حکم نموده و ا
شد سوال هویند و بکبر و تعصب استنکاف از اعتراف بجهل بودن از رسوائی روز جزا نمیترسند و در حدیث متواتر
از این بعد لعنتی شده بکفر ظالم و فسق و در بعضی خبار بعضا و معاضدی جبارا و حضرت رسول خدا ص منقولست
با ایمان هر گاه علمای تو پرسند که عملی ایمن بکو عمل آنرا با نجات با از عقوبت و فتوی مده بچیزی که عمل آن را تا عمل
نه نه قبا منها نجات با بی و فرموده که فتوی ندهد مگر ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را داند خود و دیگرانرا
هلاک کرده و این معنی متواتر است که مراد در این اسلام است حدیث این است که جرئت ها بر شما بر آتش عقوبت جری
ترین شما است بر فتوی و حضرت باقر ع منقولست که هر که فتوی دهد مردم را بی علم و هدایت لعنت کنند و را
ملائکه رحمت و ملائکه عذاب و باو رسد گناه هر که بحرف او عمل کند و در صحیح حضرت صادق ع منقولست
که منع میکنم شما را از دو خصلت که در آنها هلاک شده هر که هلاک شده زینهار که فتوی ندهی
بر آن چه نمیدانی که دین ما بر آن است بانه و همیشه احتیاط شده بعضی ملی بن بوده
و اما میث کثرت و شدت لعن و طعن مفتی بغیر علم بر نسبت انست که بعض علما قابلیت احتیاط در فتوی و نقل
مسئله شرعیه و تعلیم مردم نمی کنند اگر چه این هم بد لا بل بسیار خطاست بلکه غالب و فتنه عامه بر بدعت
مذکور است و سر این متوالی که اشاره بان شده باحتمال لکلی بد این شبو مهم بکنند و حضرت باقر ع
فرمود که حق خدا بر خلق این است که بگویند آنچه دانند و نگویند آنچه ندانند توقف و سکوت نمایند و از آنجمله الحاد

و معروف است که بعض صحیح علماء اهل بیت عصمت در اعانت سلاطین خوش اعتقاد بر طرف شده بودند تا در ایام
ارتفاع ایشان فتور و اختلال و تشویش اوضاع و احوال ایشان و غلبهٔ مخالفان دین که زندیقه و مغویه صوفیه
و ملحدین بودند با اعانت شیاطین جن و انس از نو با خمول و خذلان پیدا شده و اصل این مذهب در معنی
له اصطلاح صوفیه کیست که گویند ما کنه ذات حق تعالی و کیفیت خلق او را شناخته‌ایم که او عین وجود است و هر
موجود بشرط ظهور و هیمنا بدین مواد فاسده و مظاهر موجودات بعینه مانند تشکل شمع با شکال و اجسام و صور
غیر متناهیه و مظهرها و قالبها مختلفه از کبیر و صغیر و طویل و قصیر و غلیظ و دقیق و غیر ذلک از جماد و نبات
و انسان و حیوانات متصور شده است صورت کائنات و حقیقت هیچ نیست بغیر خدا باقی اعتبار محض خیال و پندار
است پس هر چیز هست عین خدا است حتی سگ و خوک بلکه خود ایشانهم و خطا امثال فرعون که دعوی الوهیت
بوده‌اند همین تخصیص خدائی بخود بوده و شیطان را رئیس الموحدین دانند چون خود را موحد پندارند الله
و هر که غیر این گوید نفهمیده اند با بعض صوفیه شیخ ابا نموده و چون بنای این بدعت را بر کشف و خیال
سخیف گذاشته اند فرق متفرقه و آراء مختلفه دارند و اصل این بدعت از مجوس و کفرهٔ نصاری منکوس و
فلاسفهٔ منحوس بوده و در عهد جمیع ائمه اهل ضلال بر خلاف فرموده ائمه هدی علیهم السلام بجد بدان نموده
بعضی متشیعه بوالهوس بجلط عجائب اطوار ایشانها با تحفه بخشش گمراهان مسلک ایشان بیهوده اند و
با کفر و مفاسد ظاهر است عقیده اعتباری بحقیقت مفاسد که مضمر است از ظهور و تعین ذات و
بطلان تکلیف شرایع و ثواب و عقاب و غیر ذلک و مذهب این مذهب حق قباحتی که شیطان بجز اظهار آن
دست برداشته [illegible] هر جو شقی عاصی را رعنا عشقباز و وصل امرد خدایان خود و شب با زن و سرود
و [illegible] و مفاسد و قبایح و فضایح و مغالطه که هرگز نبیند و نشنیده و احادیث متواتره
در کفر و لعن ایشان و مذمت ایشان عموماً و خصوصاً [illegible] هر آیه و حدیث [illegible] که در مذهب [illegible]
واقعی اجداد رسول واقع شده در طعن ایشان صریح [illegible] و در کتاب حدیقة الشیعه منسوب به مولانا احمد اردبیلی
از چند جا نقل که یکی دو از آنها مصنف نوشته شد و [illegible] بسند صحیح از حضرت امام رضا که هر که
صوفیه نزد او مذکور شود و انکار و طعن ایشان نکند بزبان و دل او از ما نیست و هر که انکار و طعن ایشان
نماید گویا با کفار جهاد کرده پیش روی رسول خدا و بسند صحیح امام حسن عسکری [illegible] میفرماید که خواهد آمد زمانی
بر مردم که [illegible] و دل سیاه باشند [illegible] ایشان سنت و بدعت [illegible] طریقه پیغمبر [illegible] خواهد شد

دلیل و محقر باشد و فاسق و غریب و موقر امراء ایشان جاهل و جور کننده و علماء ایشان در درگاه ظالمان سیر کننده
و اغنیاء ایشان دزد و توشه فقیران کوچک ایشان تقدم جویند بر بزرگان و هر نادانی نزد ایشان دانا تمیز نکنند میان
مخلص و مشکوک و نشناسند میش را از گرگ علماء ایشان بدترین خلقند بر روی زمین که میل میکنند بسوی فلسفه
و تصوف بخدا سوگند که ایشانند از حق برگشته و منحرف مبالغه نمایند در محبت مخالفان ما و گمراه کنند
شیعیان و دوستان ما اگر بمنصبی رسند از رشوه سیر نشوند و اگر معزول شوند بریا بندگی خدا کنند بتحقیق
که ایشان راه زن مؤمنانند و دعوت کننده بشیوه ملحدین پس هر که با ایشان برخورد باید حذر نماید و البته دین
خود را از ایشان نگاه دارد پس فرمود یا ابا هاشم این حدیثیست که خبر داد مرا پدرم از پدران خود از جعفر بن محمد
و این حدیث از اسرار ماست مگر با اهلش مده و در صحیح از آنحضرت سؤال شد از جعفر بن محمد از حال ابو هاشم
کوفی فرمود بسیار فاسد العقیده بود و او کسی بود که بدعتی اختراع نمود مذهبی را که تصوف گویند و آنرا
وسیله و مفر عقیده خبیثه خود ساخت و بعد از روایتی مقر نفس خبیثه خود و اکثر ملاحده و پناه عقاید باطله
خود ساخت و این حدیث از قرب الاسناد که در واسطه با آنحضرت دارد نقل نموده و فرموده که این کتاب
شریف بخط مصنف بدست این فقیر افتاده و در صحیح بزنطی که یکی از اصحاب ماست گفت بحضرت صادق گفتم که ظاهر شد
در این زمان قومی که ایشان را صوفیه گویند چه میفرمائی در باب ایشان فرمود بتحقیق که ایشان دشمنان مایند پس
هر که میل کند بایشان از ایشانست و با ایشان محشور میشود و زود باشد که قومی دعوای محبت ما نمایند و مایل
بایشان و مشتبه بایشان شوند و خود را بلقب ایشان و صوفیه ملقب سازند و عز خرافات و اباطیل ایشان را تاویل نمایند
آگاه باش که هر که با ایشان میل نماید از ما نیست بتحقیق که از ایشان بریم و بیزاریم و هر که انکار و رد و طعن ایشان
کند مانند کسی است که در پیش رسول خدا با کفار جهاد نموده و شیخ مفید نقل از محمد بن حسین که از خواص خدم
معصوم است ذکر نموده که بودم در خدمت حضرت هادی ع در مسجد مدینه که جماعتی از اصحاب آنحضرت مذکور از جمله
ابو هاشم جعفری که مرد بلیغی و منزله عظیمی نزد آنحضرت داشت بعد از آن جمعی از صوفیه بمسجد درآمده بگوشه
نشستند و شروع بذکر لا اله الا الله نمودند پس حضرت فرمود ملتفت نشوید باین خدعه کنندگان که ایشان
بتحقیق که خلیفه شیاطین و خراب کنندگان ادیانند زهد مینمایند برای تنبلی و شب بیداری کنند برای شکار
[illegible] اوراد ایشان رقص و دست زدنست و اذکار ایشان غنا و زمزمه کردن متابعت ایشان نمیکنند مگر سفیهان
و اعتقاد بایشان نمیکنند مگر احمقان پس هر که بدیدن یکی از ایشان زنده رود گویا بدیدن شیطان رفته و عبادت بتان

متواتر که در مسکر من همیشه منع شده اند و درویشان اکثر مشایخ طریقه به پیران حق نسبت مذکور دانسته
با این همه بر ایشان دیدن نشاکه مبتلا و اثرها بعجز از جواب این نادرویش بوده ملزم و خجل بر گردیدند ولا حول ولا قوة الا بالله
موعظه ششم در بیان سوال از عجب نازش بعجب از حال و اعمال ها مانند صوفی مزاج خود خرابی حال که ناشی میشود از نفاق
جهال رشد نشوی غفلت است اینکه هر صنفی با عمل خیری که بتوفیق الهی موجب تنزل است نمیخود بینی منزل الی واکو
نافذ بصیرت نفسانی عبادات ما نمایند و قطع نظر از سبب ابتداء بهار استوجب غضب و عقوبت باید با حادثه باید
مومن هرچند متعبد باشد خود را از همه نخست تکلیف در مرتبه تقصیر داند و این نمیشود مگر به فکر صفات ربی
و نسبت خود با الطاف فانی و نعمتهای الهی و دعا و تضرع چنانکه در احادیث وارد شده است که بسیار بگو اللهم لا تجعلنی
من المعارین ولا تخرجنی من حد التقصیر و بسند صحیح حضرت امام از رسول خدا ذکر فرمود که حق تعالی میفرماید که عمل
نکنند عمل کنندگان بر عبادت خود بجهت تحقیق که اگر عمرهای خود را بجهد صرف کنند در عبادت من مقصر باشند در طلب
اینچه نزد من است از کرامت و نعیم بهشت و درجات رفیعه لیکن برحمت من اعتماد نمایند و بفضل من امیدوار و بحسن ظن
بمن مطمئن باشند که در این حال رحمت من دریابد ایشان را منم الله رحمن رحیم و این نام من است پس حضرت
فرمود هیچکس از شما بسبب عمل خود داخل بهشت نخواهد شد مگر بفضل الهی گفتند تو هم یا رسول الله فرمود من
هم یا ابا ذر بتحقیق که حقوق خدا از آن عظیم تر است که بعبادت بازجنان تو آن کرد و نعمتهای خدا زیاده از آن است
که توان شمرد ولیکن هر صبح و شام توبه کنید یا ابا ذر بدرستیکه بنده حسنه میکند و بر آن اعتماد میکند و گناهان حقیر
شمرده و هر روز غضبناک داخل میشود بر خدا و بر او غضبناک است و بنده گناه میکند و از آن در حذر
میبود تا فیامت بر خدا ابد و باک ندارد و بروایتی فرمود عابدی چهارصد سال عبادت کرد و سوال کرد
که ... شد روز قیامت فرماید که ببرید بنده مرا بهشت برحمت من پس گوید بعمل من گویند
... پس عبادت ... داخل بهشت کنید او را و حضرت ... عابدی بعد از چهل سال ... قبولی نشد که ...
پس خود را ملامت و توبیخ نمود که تقصیر از نفس کنا خود است ...
... است از عبادت چهل ساله است در احادیث بسیار است که خوف کند ... عجب ... حال عابد
حضرت ... صبر ... که خدا دانا است که گناه برای مومن بهتر است از عجب الا هیچ مومن را نمیگذارد که
مبتلا شود هر که ... عجب ... شد ... عملی که بعجب اعتماد بر عمل

خود نکنند که هیچ بنده نیست که باز دارم او را از آن مگر آنکه هلاک شود و از رسول خدا منقول است که روزی موسی
با ابلیس گفت که خبر ده مرا بگناهی که چون آدمی کند بر او غالب و مسلط شوی گفت وقتی که عجب کند بنفس خود و عملش را بسیار بداند
و گناهانش را کوچک شمارد و در حدیث دیگر منقول است که چون شیطان از اغوای خواص محروم شود از زاهدان و عباد و از اخلاص عاجز ماند
در کمین کار عقیده عجب در سینه‌های ایشان است تا اعمال ایشان که بدترین عجبها خوب پنداشتن کارهای بد است چنانکه حق
تعالی در خصوص همین اشاره میفرماید قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا یعنی بگو آیا خبر دهم شما را به زیانکار
ترین مردم الذین کمراه و ضایع شد سعی ایشان در دنیا و پندارند که خوب کاری میکنند و بدانکه عجب در غیر عبادات
نیز مذموم است چنانکه در باب کبر و ریا بیاید و در حدیث حسن از عقبه مرویست که گفتم بحضرت امام صادق ع مردمان
با حسب کنند فرمود چه منتی بر ما میگذاری بحسب خود بچیزی که خدا بلند کرده اند آیا نمیدانی که مردم بسیار را مانند
پست کرده بکفر کسی که شریف باشد و گرامی دارد کسی را مگر بتقوی و در احادیث بسیار وارد شده که از جمله
موبقات عجب است و از کبر بپرهیزید که خوار و خوار کننده ترین صفات ذمیمه اول خطاها و منشاء اکثر گناهان کبر است
موجب رسوائی و شقاوت دنیا و آخرت است بخلاف تواضع چنانکه حضرت صادق ع میفرماید که وحی شد بداود ع که
چنانکه نزدیکترین مردم بسوی من متواضعانند همچنین دورترین مردم از من متکبرانند و در صحیح فرمود
که خدا دو ملک کماشته که هرکه تواضع کند بلندش کنند و عزیز گردانند و هرکه تکبر نماید پستش کنند و ذلیلش نمایند و این متواتر
است و مجرب در موثق فرمود در جهنم وادی هست برای متکبران نامش سقر شکوه نمود بخدا از شدت گرمی تا اذن
یافت و نفسی زد که جهنم سوخت و در صحیح حضرت سجاد ع میفرماید عجب است متکبر فخر کننده که دیروز نطفه بوده و فردا
جیفه خواهد بود و در حدیث حضرت صادق ع که از بن زیاد ... مردی نمایند که حالی نمایند که چه بر او مبتلی و رسول خدا
گذشت بر جمعی گفتند دیوانه است از صرع و جنون حرکتها کند فرمود مبتلا نیست و جنون کسی است
که بتبختر راه میرود بهشت بکند از خدا با معصیت و مردم از شرش ایمن نباشند و امید بخیرش نداشته باشند این است
دیوانه و در احادیث بسیار است که کبر و بزرگی ردای خداست هر که با او منازعه نماید بنفس ابدا او را مکر بسر در
خواهد برو در جهنم اندازد و هرکه در دلش مثقال ذره از کبر باشد داخل بهشت نمیشود مگر آنکه توبه کند
و بحدیث بسوی هر که بقدر خردلی کبر در دل دارد خدا او را برو در دوزخ اندازد و فرمود متکبران محشور خواهند
شد بقدر مور و پامال میکنند ایشان را مردم تا خدا از حساب مردم فارغ شود و فرمود متکبر تجبر میکنند هیچکس مگر
آنکه ذلتی در نفس خود می یابد و میبینند از ادنی مرتبه ... فرمود تکبر باینکه ... ابن عصمت شود

بسیار است و از جمله بعضی مردم خصوصاً فقرا که خود را و عرض و خون خود را هیچ دانند چنانکه در حدیث نبوی
واقع شده دیگر قبول نکردن حق و طعن با اهل آن در مسئله و حکم و فتوی غلط هر چند از ضعیفی باشد و با حادیث بسیار
این دو فرد اعظم افراد کبر است و زینت خانه و جامه و اسباب بقصد تفوق و تفرد و توهم دنو اضع و تواضع از
مردم و خرامیدن و طلب بالا نشینی بقصد عزت و کراهت اعمال خیر که منشأ توفیق خود پندارد و احادیث بسیار
مضامین روایت شده و علامات دیگر هم بسیار است که اخفی و اشد آنها غضب است و بیقراری بدان که اکثر ناس بلکه
خواص که از اعتراف بآن استنکاف دارند هم کبر و تعصب است و در صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا ذکر فرمود که هر که
تعصب نماید با دیگری برای او تعصب نمایند و ربقه ایمان از گردنش در آمده و هم از آنحضرت ذکر فرمود
که هر که بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد خدا او را با اعراب جاهلیت محشور فرماید و حضرت سجاد فرمود از عصبیت
که آدمی قوم خود را بر ظلم یاری کند نه آنکه قوم خود را دوست دارد و در حدیث نبوی است که متواضعان را تواضع کنید و متکبران را
تکبر و بجا بیاورید [illegible] و عبادات علامات تواضع که بجهت علو که عزت عبادات رضا بدون مرتبه خود
و ابتدا بسلام هر که بینی که بجهت سر تواضع است و ترک جدال اگرچه محق باشی و ادای حقوق مردم بقدر تواضع از
از ایشان و بر تقوی و زهد و عجب خواهش مدح نداشتن و علم و ادب و حمل اسباب و بضاعت خود و پینه کردن کفش
خود چنانکه در اخبار بتمثیل واقع شده و بجهت نبوی که پشم پوشد و بر الاغ سوار شود و با مساکین نشیند از
کبر نجات یابد و امام حسن عسکری فرمود که تواضع برای برادران مؤمن نزد خدا از صدیقین و خواص شیعه است
و عظیم ترین ایشان نزد خدا کسی است که بحق برادران مؤمن داناتر باشد و حرمت ایشان را بیشتر دارد بدانکه از قوی
کبر حب ریاست بهر وسیله که باشد خصوصاً با آخرت که بدتر است و بجهت مشهور هر که طلب ریاست کند بعمل آخرت
هیچ بهره در آخرت نخواهد داشت مانند تدریس و قضاء و امامت و واعظی و قرائت تعزیه ریاست لهذا حضرت صادق
فرمود ملعونست هر که ریاست پیروی خواهد کرد ملعونست هر که اراده آن نماید و ملعونست هر که از ابتدا
کند رانده [illegible] سو کند که پشت سر هیچ کس صدای کفشها بر نخواست که هلاک شد و در صحیح محمد بن مسلم فرمود بند
نمیشناسیم خوب و بد شما را بلی والله که بدترین شما کسی است که میخواهد زنبار و راه روند و حضرت باقر فرمود
طلب ریاست مکن و تابع هر کس هم مباش و خود بواسطه ما که نقیر شوی و مگو در چیزی که خود نمیگوئیم که بتحقیق
روز قیامت باز داشته و سؤال کرده خواهی شد ناچار و حضرت رضا فرمود ضرر دو گرگ درنده در گله بی شبان
بیشتر نیست از ضرر ریاست در دین مسلمانان و در چند حدیث از جمال و شرف از رسول خدا منقول است که

باشند و هر که خواهد مردم از برای او برپا ایستند باید که جای خود را در جهنم مهیا داند و فرمود چون روز قیامت شود از جانب
خدا منادی ندا کند که کجایند ظالمان و اعوان ظالمان و هر که لیقه در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه برای ایشان بسته یا مرکبی
برای ایشان داده همه را با ظالمان محشور کنند و فرمود هر که نان بازوی حاکمی یا ظالمی بخورد [illegible] خدا از او یاد کرده اند [illegible]
مقادی که مسلط کرده اند بر ایشان و فرمود هر که ملازم سلطان شود مفتون گردد و بقدر قرب پادشاه از خدا
دور گردد و فرمود نزدیک نشد به سلطان هیچ کس مگر آنکه از خدا دور شد و بسیار نشد مالش مگر آنکه حسابش زیاد
شد و بسیار نشد فرزندانش مگر آنکه زیاد شد شیاطینش و فرمود بپرهیزید از درگاه سلطان و نایبان
که نزدیک به شما است و هر که اختیار کند سلطان را بر خدا برطرف کند خدا از او ورع را و حیران گرداند و فرمود امیر
نشود کسی بر ده نفر یا زیاده مگر آنکه روز قیامت او را دستها بگردن بسته بیاورند پس اگر ظلم نکرده باشد بگشایند و الا غل
برای او افزایند و بجهنم اندازند [illegible] حکومت [illegible] صاحبش نمایند و فرمود اول کسی که وارد جهنم شود
امیر سلطانیست و غنی که مال خود را ندهد و فقیری که فخر و کبر کند و در حدیث معتبر حضرت صادق ع فرمود هیچ
جباری نیست مگر مومنی با او میباشد و خدا با او دفع شر او از شیعیان میکند و بهره آن مومن در آخرت از همه مومنان کمتر
بود بعلت مصاحبت جبابره و فرمود اعوان ظالمان در قیامت در سراپرده های آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق
فارغ شود و حضرت امیرالمومنین عم فرمود بنوف که وصیت مرا قبول کن و نقیب و عریف و سرکرده و حاکم و عشار [illegible]
مباش که پیغمبر ص شبی نظر کرد باسمان و فرمود که این ساعتیست که دعا رد نمی شود مگر دعای اینها و حضرت کاظم ع فرمود
که چهار چیز دل را فاسد و نفاق میرویاند چنانکه آب درخت را [illegible] شنیدن و فحش گفتن و بخانه
پادشاه رفتن و شکار و در خصوص علما که ورع نورزند حدیث وارد شده که بسیاری از ایشان بعقوبت مبتلا شوند
صحبت حکام و سلاطین و جوانان [illegible] انداز خود [illegible] سوال کنند و ایات
و روایات در شدت و عقوبت این عمل شوم زیاده از حد و حصر است و هر که با شرکت بخدا [illegible]
[illegible] این معنی بسیار است و هر غرض غیر الهی که اندک دخلی در عملی می نماید آن عمل شرک است خدا قرار داده
و اجماع علما و عقلا است و هر عملی که برای خدا خالص نباشد مقبول نمیکنند بلکه مراتبی از عهده تکلیف
بیرون نیامده و آنچه بعمل آورده مامور به و مطلوب خدا نبوده چنانکه میفرماید و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین
بلکه عبادت چنین موجب عقاب عظیم خواهد بود چنانکه حضرت [illegible] که [illegible] کنند با کراه ان شرکت
[illegible] نام خوانند با کافر یا فاجر یا [illegible] طرف شده و در صحیح

ملح

حضرت کاظم از آنحضرت ذکر فرموده که حق تعالی روز قیامت جمعی را بسوی جهنم امر کند و بمالک خازن میفرماید که بگو
که بسوزانند پاهای ایشان را که بمسجدها میرفتند و روهای ایشان را که وضوی کامل میساختند و شکمهای ایشان را که
بدیها بر میبستند و نیز زبان ایشان را که قرآن بسیار میخواندند پس مالک گوید ای شقیها با این اعمال چه کرده اید که
مستوجب و زجر شایسته اید گویند اعمال خود را برای غیر خدا میکردیم امروز بما گفتند که مزد خود را از کسی بگیرید که از
برای او کار میکردید و حضرت باقر از آنحضرت ذکر فرمود که هر که برای مردم نماز کند مشرکست و در روز قیامت و مرائی
الهی چنین فرموده در حدیث قدسی مذکور است که فرموده تا نمی شود کسی تا مردم را بعد جنب عظمت الهی عبادت شمرد و
جهت آنکه در عبادات خوف و رجا نظر بمردم دارد یا از ملامت کسی پروا ندارد دین بر کرده و بنفس خود و
او هر چه بر خود شمارد بهانه گمراهی و اعلام منها است که باید هر کس خود را بان بیازماید که در باطن بیابان حق
مبدار و در حدیث است که ریا خفی تر از اثر مور بر سنگ سخت در شب تار است بجهت آنکه در ریا عابد بلکه عارف کند با
در زیرک ریا بلکه تبری ریا مثل احادیث است که هر که باطن و نیت خود را نیکو و خالص کند نکند ریا چند روز
که خدا خوبی او را بر خلق ظاهر کند و الا بدی او را ظاهر کند و اینکه عملی که برای خدا زیاده از آن بر خلق ظاهر شود
نفعش بسیار و بیداریش هابر باد در نظر جمعی که منظور بوده سهل نماید و آیات و اخبار در این معنی بیشمار است پس
کسیکه بر طمع اول یا خوف ثانی بگمان خود ترک ریا کند ریا کرده و داعی بر ترک ریا که افضل عبادات است غیر خدا
بوده و در نیت همان داعی است که از دل طمع او و نه آنکه از خارج تکلیف کند ریا و بدلیل عجب از عالم کسی که بطمع مالی
نماز کند و بزبان گوید اصلی قربة الی الله یا این را بدل کند ریا اندکی نیکو بلکه امثال این احادیث برای حجب زبان
که قابل این ها ترک ریا است نه تبری غیر خدا مثل اخبار سابقه و بدانکه ریا در غیر عبادات هم مذموم بلکه گناه
اکبر کبایر است چنانکه در خطبه الوداع است که هر که بنای ساد بنای ریا و سمعه شهرت روز قیامت تا هفت
طبقه آن زمین طوقی شود در گردن او از آتش که شعله کشد پس انداخته شود در جهنم پرسیدند از بنا زیاده از قوت
زیاده بر کفاف یا برای مباهات و فخر و هر که اطعام کند ریا بجهت شهرت الله بخوراند خدا مثل آن از چرک اهل جهنم و آن طعام را
آتشی گرداند در شکم او تا از محاکمه مردم میبرد و هر که لباسی بپوشد و تجمل نماید در آن فخر و برخدا او را در جهنم
و فرعون و قارون باشد که او چنین کرد و هر که زن خواهد حلال بمال حلال اما بقصد فخر و ریا بنفرستد خدا او را
با این سبب مکر و مذلت و خواری و بار دارد بقدر بهشتی که از و برده بر لب جهنم تا هفتاد سال بعد از آن فرو میبرد در جهنم
و بروایت امیر المؤمنین ع میفرماید هر که هر کار کند بر مفاخرت خدا او را روسیاه محشور کند و فوق باد کفنش هم و مدار

موجب سلب ایمان یاس از رحمت خداست و ایمن از عذاب الهی که هر دو بر طرف ثانی منکرند و بر طبق روایات عفو از هم اکبر کبائر
و موجب عقوبت جاودانی و فاسد و مفسد ظاهر است هر یک باعث شده و ترک عمل میشود چنانچه فرموده انه لا ییاس من روح الله
الا القوم الکافرون افامنوا مکر الله فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون و باید خوف و رجا هر یک در اعلا
مرتبه باشند پس البته مساوی خواهند بود و این مانند سایر حالات نفسانیه کسبی میشود به تفکر و به کمال تفکر در الطاف عمیمه متناهی
و دوام تفکر در آیات وسعت رحمت و فضل و رحمت الهی و تامل و تدبر در عقوبات و ناسپاسیهای خود و شدت انتقام جباری
و صعوبت عقوبتهای او و تضرع و مواظبت آیات و احادیث شوق و ترهیب و کتابهای عبرت و رغبت و در مقدمه نقل
چند مذکور شد که در بیان فایده خوف و رجا است بیان رجا از زیر و خوف از امر کامل است خبر صادق مشهور که اصرار
بر گناه ایمن شدن از مکر الهی گناه است و عفو محل اهلا کردن و تاخیر توبه محض غرور است و طول التسویف
توبه و تدارک و امر خیر حیرت و سرگردانیست و ذکر فرمود از حضرت امام بر من خود که از خدا چنان بترس که اگر ثواب
و اهل ثقلین باشی ترا عذاب خواهد کرد و چنان امیدوار باش که اگر با گناه جن و انس بدرگاه او روی ترا رحم خواهد کرد پس
فرمود پدرم که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در دل او دو نور است نور خوف و نور رجا که هم سنجند برابر باشند و فرمود مومن
با ایمان نمیشود تا خائف و امیدوار نباشد و خائف و امیدوار نمیشود مگر آنکه البته کار میکند برای آنچه باو
امیدوار است و فرمود هر که خدا را شناسد از او میترسد و نفسش بسیار غیبت میکند و فرمود از خدا چنان امیدوار باش که
ترا بر نافرمانیها او جرات ندهد و چنان بترس که از رحمتش مایوس نکند و فرمود در حکمت آل داود است که یا ابن آدم چه
گونه سخن هدایت گوئی که از مستی گناهها هوشیار نشده دلت با قساوت و فراموش کرده عظمت پروردگار خود را
اگر با وجود خبر گوئی او را نابوده بسیار از اوزنها و بوعدها او امیدوار بوده بیچاره میرزند آدم چه انچه طرف او
لیکن خود را و تنها خود را در آن مکان و در صحبت او فرا است که خدا فرموده جمع نمیکنم بر بنده دو خوف و
دو امن پس اگر در دنیا از من ترسید ترسانم او را روز قیامت و اگر از من ترسان نشد ایمن گردانم او را در قیامت
یا اباذر بحقیقت که بر بنده عرض شود گناهانش روز قیامت پس گوید من ترسان بودم از اینها پس بیامرزد او را
ای اباذر بدرستیکه گاه بنده گناهی میکند و بسبب آن داخل بهشت میشود و فرمود آن گناه را پیش چشم خود
میدارد و از آن توبه میکند و بپناه خدا عزوجل میگریزد تا آن سبب داخل بهشت میشود و بروایتی فرمود خدا
در حسنات یکمرتبه کار عتاب نماید که آیا از من شرم نداشتی که معصیت من نمودی پس اورا ببخشد اثر لبی جنبانند
آنکه خدا او را امر فرماید و از حیرت سوال نماید که پروردگارا گفتم تا کی این جفا ادب نماید این جفا کرد بار

صحیح نموده

پرسیدم از حضرت صادق ع از صراط مستقیم فرمود آن راهیست بسوی معرفت الهی و صراط دو صراط است یکی در دنیا
و یکی در آخرت و اما صراط در دنیا امام مفترض الطاعه است هر که او را شناسد در دنیا و پیروی هدایت او نماید
بگذرد بر صراطی که جسر جهنم است در آخرت و الا قدمش بلغزد و در بیوفتد در آتش جهنم و قریب باین معنی از حضرت امام حسن
عسکری ع روایت نموده و الله اعلم و بروایت ابن مسعود از امیر المؤمنین ع بعد از سنجیدن اعمال بمیزان امر میشود بروان
شدن بسوی پل صراط که کشیده میشود بر بالای دوزخ تا بجانب بهشت که بجای آسمانها است از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر
و فرمودند جهنم بقدر چهل هزار ساله و زبانه آتش بدو طرف کشیده و هفت جسر است در هر کدام عقبه است سه هزار
ساله راه هزار ساله بالا و هزار ساله راست و هزار ساله نشیب این است قول حق تعالی اِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَاد بتحقیق پروردگار
تو یا محمد ص در کمین گاه گنه کاران است یعنی کمین گاهی که فرمود کمین گاه صراط است حضرت باقر ع منقولست که چون نازل شد
این وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ تغیرها از رسول خدا پرسیدند فرمود خبر داد مرا جبرئیل که چون خداوند جلیل اولین و
آخرین را در محشر جمع نماید امر فرماید تا جهنم را بمحشر در آورند و آنرا بکشند بهزار مهار و هر مهار را صد هزار ملائکه
غلاظ و شداد گرفته و جهنم فریاد کند از خشم بر گنه کاران و حمله کند چون باد صرصر و اینقدر زفیر کشد که اگر خدا حفظ
نکند همه از شدت آن هلاک شوند آنگاه گردنی کشد که جمیع اهل محشر را فرو گیرد در آنحال هیچ بنده نماند نه ملک مقرب
و نه پیغمبر مرسل مگر همه فریاد بر آورند نفسی نفسی و تو یا محمد ص فریاد بر آوری که امتی امتی پس صراط را بر روی جهنم گذارند
از دم شمشیر نازکتر و در آن سه قنطره باشد یکی صله رحم و امانت دوم نماز سیم عدل خدا در مظالم بندگان آنگاه
ایشان را تکلیف نمایند که از صراط بگذرند پاره را رحم نگه دارد اگر قطع رحم یا امانتها و پیمانهای الهی را شکسته باشند
آنجا بمانند و هر که از آنجا نجات یابد نماز ایشان را نگه دارد و هر که در نماز تقصیری نکرده باشد بگذرد و در مقام
مظالم عتاب باز میدارند و سؤال میکنند چنانکه میفرماید اِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَاد و مردم بر صراط میروند بعضی چسپیده اند
و پای بعضی میلغزد و ملائکه دور ایشان فریاد میکنند ای خداوند بردبار ببخش ایشان را و در گذر از گناهان ایشان
و بفضل خود با ایشان برکت و بسلامت بگذران ایشان را و مردم میریزند از صراط بر جهنم مثل پروانه پس چون کسی
برحمت الهی نجات یابد و بگذرد گوید الحمد لله که مرا نجات داد بعد از آنکه مایوس شده بودم بفضل و احسان خود
بتحقیق که پروردگار ما آمرزنده و جزا دهنده است و حضرت صادق ع منقولست که عبور مردم بر صراط متفاوتست بعضی
چون برق جهنده و بعضی چون اسب تند رو و بعضی چون پیاده که راه رود و پاره بدست و پا چون طفل که خود را بر زمین
میکشد و جمعی آویخته که آتش پاره ایشان را بگیرد و در یابد بعضی بدنها و بعضی بروی در افتاده در میان آتش جهنم نعوذ بالله

این نموده باشند داشته بکند رد ایمان عبادت از عقد بی یقین و اذعان قلبی با نهج خدا نهاده و
پیغمبر آورده از اصول و فروع دین و اخلاص و شوق نساختن بعضا بد فاسد و اعمال صحیح کاسد
لعم صبر مجادر ان فرموده بلکه قسم یاد نموده که جمیع مردم داخل جهنم خواهند شد سوای مخلصین چنانکه ذکر
نموده از شیطان که گفت فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین یعنی سوگند بعزت تو که
گمراه خواهم کرد همه را مگر بندگان مخلص ترا قال فالحق خدای عز و جل در جوابش فرموده است سوگند که
این را خواهی کرد والحق اقول منهم راست سوگند لاملان جهنم منک وممن تبعک منهم اجمعین البته
پر خواهم کرد جهنم را از تو و از هر که پیروی تو نماید و این کلام پر وحشت چنانکه می بینم صریح است در اینکه
بغیر از مخلصین همه مردم بجهنم خواهند رفت و من اصدق من الله قیلا کیست راستگوتر از خدا شیطان
گمان خود راست کرد گمان داشت خدای تعالی قسم خود را خلف خواهد نمود پس کسی که اعتقاد بقول خدا و رسول
دارد و خلاصی از جهنم خواهد باید تحصیل اخلاص نماید و بخدا سوگند که ممکن نیست مگر علما متعلمانرا
و در خطبه وداع است که هر که ملاقات نماید خدا را با شهادت ان لا اله الا الله باخلاص و مخلوط نکرده باشد
بان چیز دیگر را داخل بهشت خواهد شد پس پرسید از امیرالمؤمنین ع و از اخلاص استفسار نمود فرمود بلی حرص
بر دنیا و جمع آن از غیر حلال و طمع در دنیا و رضا بان و قومی که قول خوب را گویند و عمل بدان کنند پس هر که
ملاقات کند خدا را و از این خصال نداشته باشد لا اله الا الله گوید پس برای اوست بهشت برای کسی که
اخذ و ترک آخرت کند آتش جهنم است و بروایت امیرالمؤمنین ع نفعی نخواهد داد گفتار مگر با کردار و هر دو
فایده است مگر باخلاص و هر سه فایده است مگر با موافقت سنت و طریقه پیغمبر ع و حضرت رضا ع فرمود خوشا
حال کسی که خالص کند برای خدا عبادت و دعا را و مشغول نسازد دل خود را بچیزی که بیند چشم او و فراموش کند
یاد خدا را بچیزی که بشنود گوش او محزون نشود سینه او بچیزی که بدیگری عطا شده و آنحضرت اول بر عمرو عاص
ظفر یافت و نکشت بعلت آنکه فحش و آب دهن بر آنحضرت انداخت از توهم شوب غضب صبر نموده باخلاص
قتل او پرداخت و در حدیث داود ع که چون دید صراط باریک تر از موی و برنده تر از شمشیر با خارها تیره و
تاریک مناجات کرد گفت کدام قدم بر این ثابت خواهد بود وحی شد بدرستی که من حکم و قضا کرده ام که ثابت
نشود بر این مگر پای کسی که بیاید با لا اله الا الله خالص بسبب از اخلاص فرمود عمل بطاعت من و فرمان من
پس داود بیمار شد از خوف گریه و ضجه ... در بنا سبب خلاصی از عقوبت عقبه دوم که از نماز خواهند پرسید

پس اگر درست عمل آورده فائز و ناجی خواهد بود بدانکه بفرمودهٔ خدا و رسول و اتفاق اهل وفاق و ارباب عقول
نماز بهترین اعمالست و مناط قبول باقی اعمال در حال و مآل که بی قبول آن هیچ عملی مقبول نیست و نور چشم پیغمبران و آخر
وصیتهای ایشان و کفارهٔ گناهان و وجه سفید دین و معراج مؤمن بعالم نور و یقین و موصل عارفین بقرب
محبت رب العالمین که حقا و بعزت الله ارباب قلوب سلیمه را رتبه و لذتی در دنیا و عقبی بالاتر از این درجهٔ علیا
متصور نیست و توهم نشود که حدیث مشهور خیر الاعمال بالنیات با مقتضای عقل با این معنی منافات دارد بلکه هر دو
مؤید این است زیرا که نماز با آداب حضور قلب و طهارت باطن که با آیات و احادیث متواتره و اجماع بدون اینها
نماز مقبول نیست البته دشوارترین اعمال است بلکه نماز عوام هم لااقل صحت بفقهی منظور هست استبعادی
ندارد که مشکلترین عملها باشد زیرا که از جملهٔ شروط اجماعی نماز علم بمسائل آن است از مقدمات و کیفیت طهارت
هر یک از نجاسات و مقارنات و مخارج حروف و احکام سهو بعضی علما و معلوم است که از منقطعین باینها و سایر مردم
همگی از این محروم‌اند و از آنجمله است حلیت طهور و زمین و جامه و کسی که تحصیل اینها کند یعنی که حقوق خدا و رسول
دفع او شان و سایر مردم در آن باشد چگونه نمازش صحیح و جزم برائت الذمه نموده خاطرش جمع میشود که این
حسنا که اول آن نماز خواهد شد البته او را نجات خواهد داد و حال آنکه می بینید در دنیا او را از فحشاء و منکر
باز نمیدارد و خدا میفرماید إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ پس این نماز نیست که خدا فرموده خدا همه را از
خواب غفلت بیدار کند و از مستی غرور دنیا هشیار کند تا بدانند همان نماز که شد نیست مثل آن مثل با
نمک حق علی خیر العمل را او آن انداخته که چیزها سلطنت شومش قوی شود و در صحیح معویه از حضرت امام جعفر صلوات
پرسیدم از محبوب‌ترین اعمال و نزدیکتر بن عبادتها بسوی خدا فرمود بعد از معرفت عملی را بهتر از نماز نمیدانم نمی‌بینی
که عیسی علیه السلام گفت وَأَوْصٰنِي بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ مَا دُمْتُ حَيًّا و فرمود والله که بسیار از عمر شما پنجاه سال میگذرد و خدا
یک نماز از ایشان قبول نمیکند آیا کدام چیز از این بدتر است از همهٔ شما و مصاحبت خود جمعی آیا که اگر با یکی از شما نمازی بکند
قبول نخواهید کرد پس خدا قبول نمیکند مگر نیکو را پس چگونه قبول می‌کند چیزی را که سبک شمارند و فرمود چون
بندهٔ نماز را سبک کند سخط شود ملائکه که با او میبینند بندهٔ مرا که با پند او که قضا حاجت او بدست من است
یعنی تعجیل میکند که از پی کار خود برود و ابو بصیر از آنحضرت پرسید که آیا حور العین از خلفها دنیا است یا آخرت
فرمود از چکار است الحور العین بر شما دیدنا که آخر چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت و تحریص با آن فرموده نماز بود که
بنهار هیچ یک از شما سبک نکند و سهل نشمارد از او این را بدانکه نه در جواب از اتمام و کمال خواهد کرد و نه در بزرگی

والله که شما ... شما سیدهم

بر کمال او فوت خواهد داشت و هیچ دزدی بدتر از دزد نماز خود نیست بلکه باید در قبله راست بایستد و در وقت ایستادن با
و در رکوع خم شده از اطمینان پیش نکند و همچنین در سجود و در سر برداشتن نیکو راست شود و در سجده اعضا را
از هم دور دارد و فرمود عبادت و بندگی خدا اینست که خدمت و ثنای در زمین و هیچ خدمتی مانند نماز نیست
از این جهت ملائکه ذکر را در مرا این نداکردند و با حادیث بسیار نماز کنند را بسیار فضیلت است چون بنده بنماز ایستد ملائکه
با و احاطه میکنند از محل قدم تا آسمان و نیکوئیها نثار او میکنند از آسمانها تا او و ملکی موکل است که ندا میکند
که اگر این مصلی بداند که با که مناجات میکند و از میگوید هرگز از نماز فارغ نمیشود و منقولست از رسول خدا که
چون آدم نافرمانی نمود خدا ندا فرمود که بیرون رو از جوار من که در جوار من کسی نمیباشد که نافرمانی من کند آدم گریست
پس حق تعالی جبرئیل را بسوی او فرستاد تا او را از زمین برداشت و او از سر تا پا سیاه شد ملائکه بر حال او گریستند و ناله
صداهاشان بلند شد که خدایا خلقی از بهر دادی روح خود با و دمیدی و سجود ملائکه فرمودی بیک گناه سفیدی
را بسیاهی مبدل نمودی پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهر یک از پنج نماز سیاهی از آنحضرت برطرف شد پس جبرئیل گفت که
مثل تو مثل اولاد تست که به پنج نماز لوث سیاهی و گناهان پاک میشود و مرویست از رسول خدا که جبرئیل گفت حق تعالی
بعد از هیجده هزار سال از خلق من یکبار با من تکلم فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک ربی فرمود تو کیستی من کیستم
گفتم تو خدائی و من بنده توام دیگر هیچ نفرمود تا هیجده هزار سال دیگر با این عبارت فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک
فرمود پیش آی یکقدم و از کرامت و دوستی تو با محمد شبانه روزی پنج مرتبه با امت تو مکالمه مینمایم یا محمد اگر
مصلی داند که با که راز گوید و در چه مقام می‌ایستد هرگز برنخیزد و همیشه در رکوع و سجود باشد
و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت بنده را در مقام حساب باز میدارند اول چیزی که از او میپرسند از نماز است اگر تمام
بجا آورده نجات خواهد یافت و الا در آتش فرو برده میشود و با حادیث دیگر هیچ چیز دیگر از او قبول نکنند و بسند صحیح از زراره
از حضرت باقر منقولست که تارک نماز بعضی کافر است و در صحیح از رسول خدا مرویست که نیست در میان مسلمان و کفر او مگر ترک
نماز فریضه عمدا یا آنکه سهل انگاری کند پس نکند از او فرمود که آنحضرت بنده کسی را که رکوع و سجود نماز را کامل نمیکرد فرمود
مثل منقار بر زمین زدن کلاغ میکند اگر با این نماز بمیرد بر غیر دین من مرده فرمود که آنحضرت در هنگام رحلت می
فرمود از ما نیست کسی که نماز را سبک کند بر من حوض کوثر نخواهد آمد نه والله و بروایت حضرت صادق علیه السلام فرمود نخواهد
رسید شفاعت من کسی را که تاخیر کند فریضه را تا وقتش بگذرد و احتیاطا از وقت فضیلت تاخیر نباید کرد
البته و بعضی علما وقت شب نماز هما قدر بسبب آنست پس بر هر تقدیر با بناز وقت مذکور تاخیر نکرد و بعضی آنها دیگر فرمود

اخبار بسیار در این باب مذکور است و از جمله حضور و اقبال دل بجناب اقدس الهی که روح نماز است در احادیث وارد شده
که قبول نمی‌شود از نماز مگر آنچه با حضور قلب باشد نصف آن یا ثلثش یا ربعش و در حدیث نبوی است که یا ابن زیاد در احد
که بعضی نماز را هیچ حضور قلب در آن نیست مانند رخت کهنه برهم پیچیده بر روی صاحبش میزنند و فرموده اند نماز مکن
در سستی و نه بیباکی و نه بکسالت و خواب آلوده و نه با استعجال بلکه با آرام تن و وقار و خشوع دل با اقبال بعبادت
چنانکه در حدیث نبوی واقع شده جمیع اعضا و جوارح ساکن باشد مگر چشم و لب فرمود یا اباذر دو رکعت مختصر
با تفکر بهتر است از نماز یک شب که دل بی حضور باشد و در حدیث حضرت صادق ع میفرماید بحق که هیچ مؤمنی نیست که
بدل خود اقبال کند بخدای عز و جل در نماز و دعای خود مگر آنکه بر او اقبال کند خدا و اقبال فرماید دلهای مؤمنان را بسوی او
و تأیید و تقویت نماید بمودت ایشان او را به بهشت و از امیرالمؤمنین ع ذکر فرموده که مگذار آن گوشه چشم خود را از
موضع سجود و در حدیث حضرت صادق ع این زیادتی هست که اگر دانی در طرف راست و چپ تو کیست البته نماز منکر
نکرده و این را بدان که در برابر کسی ایستاده که می‌بیند ترا و فرمود چون بنده در نماز ملتفت شود یعنی بچشم یا بدل ندا
کند خدای عز و جل که ای بنده من بسوی که التفات میکنی آیا بکسی که بهتر از من است برگرد بسوی من و چون سه مرتبه مرتکب چنین
التفات شود برمیگرداند حق تعالی از او اقبال و نظر رحمت را و نمی‌نگرد بسوی او و عکس و از رسول خدا ذکر شده
که نماز مکن و حال آنکه چیزی از بول و غایط در خود یابی و اخبار در این باب بسیار است و در صحیحی که از مثل پیچیدن
نجاست است بر خود و فرموده که کو بنده نماز روشنی چشم است بخدا سوگند مرا یاد کن از دان و فضایل کرستن و
مذمت تفاوت قلب در هشتم روضات در بعد اهل نجات مذکور است و از رسول خدا منقول است که نماز
نیست برای کسی که تمام نماید رکوع و سجود را با علی حیثیت ترین دزدها آن است که از نماز خود دزدی نماید که ارکانش را
ناقص کند و باسانید معتبره از حضرت صادق ع منقول است که دو رکعت نماز متاهل بهتر است از هفتاد رکعت و در روایت
دیگر بهتر از عبادت یکشبانه روز عزب است و از رسول خدا منقول است فرمود که بهتر از عبادت عزب که شبها بعبادت بایستد
و روزها بروزه باشد و فرمود خوابش بهتر از عبادت عزب است و فرمود پیغمبر هیچ نیست که واگذارد تزویج که عبادت
خدا کنند مگر برای او مثل اجر ایشان باشد تا قیامت و بحدیث نبوی ارازل پس مردان عزب باشند و برروایت فرمود بمال
دارکه کدخدا شود و الا از برادران شیاطین هستی و از حضرت رضا ع منقول است که یکنماز با بوی خوش بهتر از هفتاد
نماز بی آن و از حضرت رسول ص در مسواک و عمامه همچنین وارد شده و وارد در نماز بعضی احادیث هم از عامه مرست
بعضی آداب ضروریه نماز از حضور مسجد و جماعت در عین هفتم و روضه هشتم مذکور است و صفحه ستم در ذکر

عریضه بیاورند به تمامیه مذکور است و از اثر مخلّه حضور و اقبال دل بجناب اقدس الهی که روح نماز است در احادیث وارد شده
که قبول نمی‌شود از نماز مگر آنچه با حضور قلب باشد نصف آن یا ثلث آن یا ربع آن و در حدیث نبوی است که بالا نرود از بعضی
که بعضی نماز را هیچ حضور قلب در آن نیست مانند رخنه کهنه بر هم پیچیده برروی صاحبش میزنند و فرموده اند نماز مکن
در سستی و نه با پینکی و نه بکسالت و خواب آلوده و نه با سبکی حال بلکه با آرام تن رو بنماز و خشوع دل بنماز بایستد
چنانکه در حدیث نبوی واقع شده جمیع اعضا و جوارح ساکن باشد مگر چشم و لب فرمود که یا اباذر دو رکعت مختصر
با تفکر بهتر است از نماز یک شب که دل بی حضور باشد و در حدیث حضرت صادق ع منقول است که هیچ مؤمنی نیست که
بدل خود اقبال کند بسوی خدا عز و جل در نماز و دعای خود مگر آنکه برو اقبال کند خدا و اقبال فرماید دلهای مؤمنان را
بسوی او و تقویت نماید با محبت ایشان او را بسوی بهشت و از امیرالمؤمنین ع ذکر فرمود که مگردان گوشه چشم خود را
بموضع سجود و در حدیث حضرت صادق ع این زیادتی هست که اگر دانی که در طرف راست و چپ تو کسیست البته نماز نیکو
نکرده و این را بدان که در برابر کسی ایستاده که او می‌بیند ترا و فرمود چون بنده در نماز ملتفت شود یعنی بچشم باید ندا
کند خدای عز و جل که ای بنده من بسوی که التفات میکنی یا بکسی که بهتر از من است برای تو و چون سه مرتبه ملتفت
بی ادب شود برمیگرداند حق تعالی از او اقبال و نظر و رحمت را و نمیکند بسوی او عمل او و از رسول خدا ذکر فرمود
که نماز مکن و حال آنکه چیزی از بول و غایط در خود داری و اخبار در این باب بسیار است در صحیحی که آن مثل پیچیدن
نجاست است بر خود و فرمود که کرد بند نماز روشنی چشم است بحبا سوگند مرا یاد کن نزد آن و فضایل کردستن و
مذمت تفاوت قلب در هشتم روضات در بعد اهل نجات مذکور است و از رسول خدا ص منقول است که نماز
نیست برای کسی که تمام ننماید رکوع و سجود را یا علی جنبش ترین دزدها آنست که از نماز خود دزدی نیست که ارکانش را
ناقص کند و باسانید معتبره از حضرت صادق ع منقول است که دو رکعت نماز متاهل به از هفتاد رکعت و در روایت
دیگر بهتر از عبادت یکشبانه روز عزب است و از رسول خدا ص منقول است فرمود که بهتر از عبادت عزب که شبها بعبادت باشد
و روزها بش روزه باشد و فرمود خوابش بهتر از عبادت عزب است و فرمود هیچ عملی نیست که واگذارد ترسه که عباد
خدا کنند مگر برای او و مثل اجر ایشان باشد یا فتنت بحدیث نبوی ارازل ترین مردان عزب باشند و برو ما فرمود نماز
دارد که خدا شود و الا از برادران شیاطین هست و از حضرت رضا ع منقول است که یکنماز با بوی خوش بهتر از هفتاد
نماز بی آن و از حضرت رسول ص در مسواک و عمامه همچنین وارد شده و در آداب نماز بعضی اخبار اهم از عمامه است
بعضی از بعضی رد نماز از حضور مسجد و جماعت در عین هفتم روضه هشتم مذکور است و در فصل سیم در ذکر

نجات از عقوبت جهنم عقبات که در روایت سابقه از زکوة و خمس سؤال خواهند کرد و از کمال اهتمام همه جا در کلام ملک علام
بالی اولی ارکان اسلام ذکر شده که بعد از نماز اعظم ارکان و اهم پایهای ایمانست و بسبب ترک در خصوص زکوة شمرده اند
و آیات در مبالغه کبد زکوة و کفر و شقاوت و مفاسد و شامت ترک و تاخیر این بسیار است در روضهٔ دوم گذشت
که تارک هر بهیمه کافر است و در صحیح حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که نگه دارد یک قیراط از زکوة را مؤمن نیست و مسلمان
هم نیست و هنگام ترک سؤال خواهند کرد رجوع بدنیا را و این کلام خداست حَتّٰی اِذا جاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ که ترجمهٔ ظاهرش
این است که چون یکی از ایشان را مرگ دریابد گوید پروردگارا مرا برگردان بدنیا شاید عمل صالحی بجا آورم در آنچه برای وارث
گذاشتم و زکوة خود را بدهم و فرمود که نمازش مقبول نیست و فرمود خواه بمیرد یهودی و خواه بمیرد نصرانی یعنی از مسلمانی
بهره ندارد و از آنحضرت منقول است که بتحقیق مانع زکوة در آتش است اگر چه طاعت خدا کرده باشد هزار سال و بروایتی
عبادت عیسی بجا آورده باشد و هر وقت گوید یا رب یعنی در دنیا دعا کند یا در جهنم استغاثه نماید بحق تعالی فرماید
اسکت یا عاصی و در بعضی احادیث فرماید که مانع زکوة بمنزلهٔ یهود است و بمنزلهٔ ابلیس است و دور است از خدا و از بهشت و در صحیح
فرمود که اگر خدا میدانست که این قدر که مقرر فرموده کافی نیست البته زیاد میکرد و هر فقیر و محتاجی که هست فقیر است
بعلت حبس حقوق ایشانست و فقرا محتاج نمیشوند و گرسنه و برهنه نمیمانند مگر بسبب گناه و تقصیر اغنیاء
و حق تعالی نیست بر خدا که منع کند رحمت خود را از هر که منع حق خدا نموده در مالش و در صحیح فرمود دو خون است
در اسلام که حلال است از جانب خدا که حکم نمیکنند در آنها کسی تا خدا قایم ما را مبعوث نماید و او بحکم خدا اجرای
نماید زانی محصن که سنگسارش خواهد کرد و مانع زکوة که گردنش را خواهند زد و در صحیح فرمود نیست
صاحب نقدی که زکوة آنرا حبس کند مگر آنکه حق تعالی او را حبس کند در قیامت در زمین لغزنده و اژدهائی را بر او مسلط کند
که موی سرش از شدت زهر ریخته باشد و او از آن گریزان شود و چون ببیند که خلاصی
نمی‌یابد دست خود را بدم او دهد پس بدندان دست او را مانند ترب بشکند و در گردن او چون طوقی واندازد بعد
و این است معنی قول خدا سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ و نیست صاحب حیوانی که از آن ندهد زکوة را مگر
آنکه باز دارد حق تعالی او را روز قیامت در زمین صاف لغزنده و او را پامال کنند هر حیوانی صاحب سم و از هم بدرد هر
صاحب دندانی و نیست صاحب باغ و زراعتی که منع زکوة کند مگر آنکه حق تعالی طوق سازد در گردنش هفت طبقه از زمین
تا روز قیامت و فرمود که مانع زکوة را ماری که موی سر نداشته باشد طوق او شده از دماغ او خواهد خورد
و بروایت حضرت باقر علیه السلام اژدهائی از آتش طوق او شده میگزد گوشت او را تا خدا از حساب خلایق فارغ شود

ملع

که شیطان بسبب آن دور شود از شما بقدر دوری مشرق از مغرب گفتند بلی فرمود روزه و فرمود جاری میشود شیطان از مجاری
اکل و شرب آدمی پس تنگ کنید اعضا را بگرسنگی و تشنگی حضرت فرمود خواب روزه دار عبادتست و سکوتش تسبیح و عملش
مقبول و دعایش مستجاب و در حدیثی نفسش تسبیح و کلامش صدقه و در تفسیر و استعینوا بالصبر والصلوة فرمود
چون شدت و نازله روی نماید باید روزه بگیرد و صبر روزه است و فرمود با خبر دهم ترا بابواب خیر که روزه است که
سپر آتش است و فرمود هر که روزه خود را پنهان کند حق تعالی میفرماید بملائکه که بنده من پناه آورده بمن از عذاب من پس
داخل کنید او را و ملائکه موکل کرده اند بدعای روزه داران و میفرماید ملائکه را بدعا کسی مگر آنکه مستجاب میکنند و فرمود
که یک روز در شدت گرمای از برای خدا روزه بگیرد پس تشنگی باو رسد حق تعالی هزار ملک براو موکل کرده اند که مسح روی او
کنند روی او را و بشارت دهند تا وقت افطار خدا فرماید چه بسیار پاکیزه است بوی تو و روح تو ای ملائکه من شاهد
باشید بتحقیق که آمرزیدم او را و از رسول خدا ص مرویست که هر که یک روزه سنت بگیرد خدا او را داخل بهشت کرداند
و در روایتی دیگر واجب شود برای او مغفرت و هر که یک روزه پنهان بگیرد از ثبت ثوابش ملائکه عاجز شوند و حق
تعالی او را با والدینش بیامرزد و حضرت صادق ع فرمود قیلوله کنید بدرستی که خدا طعام و شراب میدهد روزه
داران را در خوابش و فضایل احادیث روزه عموما و خصوصا در کتب عمل مسطور است در روایت شیخ مفید حضرت باقر
میفرمایند مومن هرگاه شب بقیام و روز را بصیام بگذراند گناهی برای او نوشته نمیشود و گامی برنمیدارد در ظلمه
نگوید مگر حسنه برای او ثبت میشود و اگر از روزه بمیرد روز حشر او را با علیین بالا برند و اگر زنده باشد تا افطار کند
اوراد و زمره او بین مقبول باشند و بحدیث نبوی فرمود از جمله خطاء روزه است که داخل کوشت حرام و ...
الهی کفاره گناهان آدم و سهولت موت و گرسنگی و تشنگی روز قیامت و برائت از جهنم و طعام بهشت باشد
و فرمود خوشا حال کسی که تشنه یا گرسنه باشد در راه خدا ایشانند که روز قیامت سیر شوند و در روایت صدوق حضرت
امام رضا ع میفرماید که قلم بر صائم جاری نمیشود تا افطار نماید مخفی نماند که اجماع اهل عقل و ارباب قلوب بر طبق
آیات و بر وفق روایات متفق است بر اینکه جوع و صبر و گرسنگی و تشنگی که یکی از فواید روزه است در جمیع فضایل
است شبع و منشاء و ریشه کل نوایل است زیرا که اسباب جهان و دواعی عونات و سیئات و طرق شهوات و غفلات و مکاید
شیطان و آفات و موانع خیرات و قبول طاعات و اجابت دعوات بالتمام منحصر است در قساوت دل که در ثمرات خاطر و
و غلظت و ظلمت و قساوت دل بلکه پرخوری و شبع باعث اینها است بالبدیهه چنانکه منقول است از جناب
رسول خدا ص که هر که مالک شکم خود باشد پس بتحقیق که صاحب جمیع اعمال ... کشته و فرمود مجاهده

ملح

ملح

نمایند با نفسهای خود بجوع و عطش که بتحقیق که ثواب آن مثل اجر جهاد فی سبیل الله است و بتحقیق که هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر
نیست از گرسنگی و تشنگی و خاضع‌ترین شما و برگزیده‌ترین شما نزد خدا روز قیامت کسی است که گرسنگی و تفکر
او بیشتر باشد و دشمن‌ترین شما بسوی خدا هر پرخوار پرخواب است و فرمود که بتحقیق حق تعالی با ملائکه مباهات میکند بکسی
که کم است خوراک او در دنیا میفرماید ببینید بنده مرا که مبتلا و امتحان کردم او را به آب و طعام در دنیا پس ترک کرده
از برای من ای ملائکه گواه باشید که هیچ خوردنی و آشامیدنی ترک نکرده است مگر آنکه عوض آن در جات بهشت باو کرامت شود و باین احادیث
بسیار است و در حدیث طولانی است که ای احمد روزه و جوع و خاموشی مانند تکلیف سبکی سباع بر حفظ و بقا
بر حلقه منبر الله اگر بدانی که چه قدر راحت باید با شکم گرسنه و جگر تشنه پس بتحقیق که ادراک خواهی کرد بآن شرف
منازل را و جوار من بود با پیغمبران شاد کنند و فخر و مدح تو ملائکه از برای تو صلوات بفرستند بر نور پروردگار
جبار و حضرت صادق ع فرمود که نزدیکترین احوال بنده بخدا وقتی است که در مجلس باشد که گرسنه باشد و نور
سید عمل گرسنگی است و اصل همه عبادات گرسنگی است و بسند صحیح ذکر فرموده از رسول خدا ع که مؤمن در یک معا
میخورد و کافر در هفت معا و در حکمت مشهور است که اجساد چون گرسنه شوند ارواح زنده گردند و ارواح چون سیر شوند
اجساد میگردند و اسباب ایشان از ملکیت بحیوانیت پس صبر بر گرسنگی حیوانیت و ملکیت میگردد و تشبیع
ملکیت حیوانیت میگردد و احادیث از رسول خدا و اهل بیت او بسیار است که شبع علامت نفاق است بلکه موجب
و منقول است از آنحضرت که داخل ملکوت آسمانها نمیشود کسی که شکم پر باشد و سؤال شد از امام که مؤمن و منافق
فرمود بتحقیق که مؤمن همیشه در نماز و بندگی است و همت منافق در طعام و شراب مانند بهایم و فرمود
هر که همتش در چیزی باشد که داخل شکم او شود قیمت او چیزی است که از شکم او خارج و فرمود نور حکمت
گرسنگی است و دوری از خدا سیری است و فرمود که سه چیز است که فراموش میکند نور معرفت را از دلهای شما و فرمود
که حکمت داخل نمیشود شکمی که پر از طعام باشد و فرمود سه چیز باعث غضب الهی شود خواب بی بیداری و خنده بی عجب
و اکل بر سیری و محبت دنیا و سه چیز باعث قساوت قلب میشود محبت دنیا و محبت خوراک و محبت بکر و فرمود هیچ دشمن
بدتر نیست از شکم پر و فرمود گرسنگی بدهید نفسهای خود را و تشنگی دهید جگرهای خود را و برهنه شوید
لباس حزن را شاید بپوشید و نعم را و شکم را دشمن دارید مشهور است که وحی الهی که با عیسی گرسنگی ده خود را تا ببینی مرا
و ورع و اجتناب کن از نافرمانی من تا ببینی مرا و بدانکه من کن تا ببینی مرا و مجرد شو از علایق و منفرد باش از غیر من
میشود و در حدیث قدسی است که یا احمد بتحقیق که چون شکم گرسنه شد بیاموزم باو حکمت را اگر کافر باشد

حکمت

حکمتش و بال و حجت بر او خواهد بود و اگر مؤمن باشد حکمتش نور و برهان و شفا و رحمت است پس باید مبتکبر با عیبهای دیگران را نمی‌بیند
اینهم بد بدی نمی‌بیند عیبهای خود را تا از غیر مشغول دنیا میشود و در دقایق علم تا شیطان راه داخل نشود و هیچ جا و
راهی بر او نیابد باید احمد بن شمعون در دنیا و اهل او دوست دارد آخرت و اهل او را گفته پروردگارا کیست اهل دنیا فرمود
هر که بسیار باشد خوراک و خنده و غضب او و بقیه حدیث علامات مؤمن در مفتاح الجنان مذکور است و از توریت منقولست
یا بن آدم چگونه طمع میداری در عبادت با شبع و در جلاء قلب با کثرت خواب و در خوف خدا با جوع فقر و در زهد با لوم من دنیا و ذم
خدا با حب دنیا و در جنت خدا با تحقیر فقراء و حضرت سلمان از اهبالغه میکردند بر طعامی گفت کافی است بدرستیکه شنیدم
از رسول خدا که هر که سیرتر بود در دنیا گرسنگی او بیشتر است در آخرت با سلمان بتحقیق که دنیا زندان مؤمن است و
بهشت کافر و در صحیح حضرت کاظم ع چنین است که دنیا زندان مؤمن است و قبر حصن او و بهشت ماوای او و دنیا
بهشت کافر است و قبر زندانش و دوزخ ماوایش و در صحیفة الرضا از امیر المؤمنین ع ذکر فرموده که ابو جحیفه بخدمت
رسول خدا آمد و گفت من حاشا می کنم بعضی از دوق ... فرموده باز دار رهشاء خود را که بتحقیق که هر کس در دنیا
سیرتر او بیشتر است گرسنگی او در قیامت بیشتر است پس ابو جحیفه دیگر شکم خود را پر نکرد از طعام تا بخدا ملحق
شد و بروایت دیگر فرمود گرسنگی یک نعمت است با هفتاد راحت و سیری یک راحت است با هفتاد نعمت و فرمود
شبع عفونت دل است و مرض بدن و بر طرف شدن بها و نور سیما و صلاح شیطان و کوری دل و فراموشی خدا و آخرت
دین و بر طرف شدن یقین و مخرج حکمت و مزرعه ابلیس و ... از در کتاب مصباح و از حضرت عیسی ع منقول است
که بحواریین فرمود که هر که سیر شود هفت آفت داخل او شود عجز از حفظ حکمت و دور رفتن خوف الهی و رحمت بفقراء
از دل و سنگینی عبادت و زیادتی شهوات و کند مانند بر او طوف ... در مزابل هنگام کشتن مسلمانان در مساجد
و مصاحف و این است ننگ و عار ایشان در دنیا و وبال ایشان در آخرت و مفاسد و شامت شبع ... ابل ...
و گرسنگی و قناعت در دنیا و آخرت فوق حد حصر است از عقل و نقل و تجربه هر عاقل معلوم است هر که را هوشی است
بهر عضو او گوشتی است برای شنیدن هر چیزی روضه پنجم در ذکر خلاصی و نجات از عقبات پنجم عقبات اگر روایت سابقه
سؤال میکنند از حج بیت الله الحرام که چهارم ارکان و پایه‌های اسلام است و حق تعالی تعبیر فرموده از ترک آن بفرار الی الله و
از تارک آن بکفر و باید و حدیث هنگام مردن با و گفته میشود که بمیر یهودی یا نصرانی و مثل مانع زکوة از دو
وجوع بدنیا خواهد کرد و روز قیامت کور محشور خواهد شد و حضرت صادق ع فرمود هر که توفیق حج بیابد از سال ...
او از دیدن گناهانش البته گناه او صادر شد و در حسن فرموده که اگر مردم ترک حج کنند بر والی واجب است جبر ایشان

بوازده و براتها است نیز در کعبه و همچنین در زیارت نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام زیاده بر آنحضرت و اگر طاقت نداشته باشند از بیت المال مسلمانان یاری

برسانند و اگر بیت الله خانه کعبه را معطل گذارند مهلت نمی‌یابند از عذاب الهی و احادیث در ثواب حج و عمره بسیار است

عفو گناهان بسیار و در فضایل و فواید حج و زیارت نبوی بیشمار است باحادیث حضرت سید انام علیه السلام باعث نهایت

دنیا و آخرت و غنا و دولت میگردد و حضرت رسالت پناه فرمود حج جهاد ضعفاست و زنان حج جهاد زنان است و فرمود شریک الاسلام

پیر ضعیف که باز کرده و اگر درست ... گویی از آتش و از جهنم نجات یابد و هر که حج بجا آورد ده هزار درجه

تا بمیرد و هر که سه حج پی هم بعمل آورد بعد از آن حج هر که بکند بمنزله کسی است که دائما حج میکند و فرمود یک درهم در حج

بهتر است از هزار درهم که در غیر حج خرج شود و برابر است با ده هزار درهم در راه خدا و فرمود یک نماز در مسجد بهتر است

از بیست و پنج حج بهتر است از خانه پر از طلا که تصدق نمایند تا تمام شود و برابر است با ... حج بهتر است از هفتاد

... فرمود که دو رکعت نماز ... آنها که در قبرها تمنا کنند که کاش حج داشتند در تمام دنیا و فرمود

رکن یمانی دریست از درهای بهشت هرگز بسته نشده تا واشده و در حق ... آن همین خداست در زمین که آن مصافحه

میکنند بان خلقش و حضرت باقر فرمود هیچ کس نیست که کار ... مانع شده مگر آنکه نظر نماید بحاج که برگشته

باشند و آن حاجت روا نشده و فرمود حج و عمره دو بازار است از بازارهای آخرت و ملازم اهتمام هر دو خداست

اگر زنده دارد و بیگناه باشند و اگر بمیرند داخل بهشت کرداند و فرمود هر که محرم بمیرد مبعوث شود با لبیک گویان

وامرزیده شود و رسول خدا بکسی که از حاج مانده بود حجی که از مال خود ... رسید فرمود نگاه کن باین

کوه بوقبیس که اگر مثل این کوه طلا در راه خدا خرج کنی اجر حجی نمی‌یابد برابر نیست و فرمود حاج سواره را هر گامی

هفتاد حسنه است و پیاده را صد هزار حسنه و فرمود حج مقبول را ثوابی نیست مگر بهشت و فرمود حق

تعالی بسبب یک حج ... را ثواب در بهشت داخل کند وصیت کننده و امضا کننده و حج کننده و حضرت رضا فرمود هر که

سه مؤمن را بحج فرستد سؤال کرده نشود روز حساب که از کجا مال کسب کرده روضهٔ ششم در اسرار سؤال عقبهٔ ششم

که از طهارات ثلثه است یعنی وضو و غسل و تیمم بظاهر روایات ابن مسعود از امیر المؤمنین احتمال دارد رفع حدث

و رفع خبث طهارت باطن باشد و رفع حدث وضو و غسل و تیمم است که شرط افضل صحت ارکان ایمانست

و سایر عبادات و همچنین در رفع خبث و نجاسات ظاهر به است و تفصیل آنها و کیفیت ازاله هر یک که علم آنها بر

کل واجب است عینی در فقه مسطور است که طهارت باطن که شرط قبول است در نماز بلکه شرط صحت نماز باطن است عبارت

است از تطهیر و تصفیه دل از لوث معاصی و از کثافت قوای ... خلاف ... که در عقبهٔ ... گذشت

و رضیه یافته‌اند در ذکر آخرت شد اینجا آخرت و سعت بن عقبات عظیم العقوبات دوزخ جهانه و روز قیامت که از مظالم
عباد سؤال خواهد شد و اکثر معلوم شده که از عقبات حقوق الهی نجات یافته باشند اینجا موقوف خواهند ماند بسبب
حق الناس که با یکدیگر داشته‌اند چنانکه حضرت صادق ع در تفسیر آیه ان ربک لبالمرصاد فرموده‌اند مرصاد قنطره و پلی است بر صراط
که نمیگذرد از آن هیچکس با مظلمه و در حدیث صحیح از جناب قدس الهی نقل فرموده که بتحقیق هرگز وانخواهم گذاشت
مظلمه‌های بندگان را هرچند کافر باشند و در حدیث صحیح از رسول خدا ص روایت فرموده که حذر نمائید از ظلم
که ظلمات روز قیامت است و از امیرالمؤمنین ع روایت فرموده که هر که از قصاص می‌ترسد باید که باز ایستد
از ظلم مردم و فرمود آدمی هرچه کارد همان را درود نه از تلخ شیرین و نه بر عکس و در حدیث صحیح فرمود هر که نگذارد
حق مؤمنی را حق تعالی او را نگاه دارد در روز قیامت بر سر دو پا پانصد سال تا جاری شود از او رودخانه‌ها و
ندا شود از جانب خدا که این ظالمیست که حبس کرده حق مؤمنی را آنگاه او را سرزنش میکنند تا چهل سال پس امر
میشود بسوی جهنم و فرمود هر که چیزی از مال برادر مؤمنش را بظلم تصرف کند پاره از آتش روز قیامت
برای خود کسب کرده است و بسند صحیح حضرت باقر ع از رسول خدا روایت کرده است که پیوسته خدا از او در
غضب کرده است و اعمال او را دشمن دارد و بر کارهای خیر او ثواب نمیدهد تا توبه بکند و مالش را رد نماید
و در صحیح فرمود هیچ مظلمه بدتر نیست از مظلمه بکسی که یاوری ندارد بغیر از خدا و حضرت باقر ع فرمود
که پدرم هنگام رحلت مرا بسینه خود چسبانید و فرمود وصیت میکنم ترا بآنچه پدرم مرا وقت وفات
وصیت نموده و فرمود که پدرش همچنین باو وصیت فرموده که زنهار و حذر باش از ظلم کسی که بغیر خدا
یاوری ندارد و فرمود هر که ظلمی بکسی کند البته خدا او را بگیرد در جانش یا مالش و فرمود ظلم بر سه قسم است
ظلمی که نمی‌بخشد خدا و آن شرک است و ظلمی که می‌بخشد و آن ظلمی است که کسی بخود کند میان خود و خدا و ظلمی که را
نمیگذارد از او و آن مظالم عباد است با هم و حضرت امیرالمؤمنین ع در خطبه فرمودند ایها الناس بتحقیق
که گناهان بر سه قسم است مغفور و غیر مغفور و میان خوف و رجا اما مغفور گناه کسی است که مبتلا شده
بآن در دنیا و خدا بزرگتر از آنست که دو بار عقاب کند بنده خود را و گناهی که نمی‌بخشد مظالم عباد است
بدرستیکه حق تعالی چون آشکار و ظاهر گردد بر خلقش یعنی برای قیامت بکلام الهی ذات برتر خود قسم یاد
کند بعزت و جلال خودم سوگند که نخواهد گذشت از من هیچ ظالمی اگرچه مسح کفی بکفی باشد و
قصاص خواهد کرد از جنبوا شاخ دار بی شاخ را تا باقی نماند کسی را بر کسی حقی و مظلمه بعد از این برمی‌انگیزاند

اینها را از برای حسنات و ستم گناهی است که خدا بپوشد بر خلقش و توبه بر آن روزی نموده پس هلاک شدند زنهار از گناهان
خود و امیدوار بر حسنه بودن کار است و فرمود بد توشه ایست برای روز قیامت تعدی و ظلم بر مردم
و فرمود امام محمد باقر ع شیعیان ما از خدا بترسید و حذر کنید که مبادا هیزم این آتش جهنم شوید بدرستی فرمود بتحقیق
که هیچ مؤمنی نیست که ظلم کند برادر مؤمن خود را که شریک باشد در ولایت ما مگر آنکه سنگین کرداند خدا
در این آتش غلها و زنجیرها و او را رها و خلاص نخواهد فرمود مگر بشفاعت ما و بسوی خدا شفاعت او
نخواهیم کرد بعد از آنکه شفاعت و عنایتم بسوی برادر مؤمنش پس اگر عفو کرد از او شفاعتش خواهیم کرد
والا طول خواهد کشید مکث او در آتش و فرمود در وحی عیسی ع است که بدا بند هیچیک از شما را استجابت
نمیکنم که تا مظلمه احدی در نزد او هست و در حدیثی است که طالب این است شیطان بمال اغوی کند و رسول خدا
ابا فرمود از نماز بر میتی که دو درهم مشغول الذمه بوده تا ستید و صیا بر ذمه او الا هر خود کردنت و در حدیث
معتبر فرمود چهار کسند که آزار باهل جهنم میرسانند بازاری که خود دارند و از حمیم جهنم بخوردانیدن شان هند
و فریاد واویلا واثبورا میکنند یکی در تابوتی از آتش و مجنه و یکی بوده هابش را میکشند و دیکری چرک
و ریم و خون از دهانش بیرون میاید و دیکری گوشت خود را میخورد از حال هر یک را میپرسند که عمل
این بدبختان دور از خیر چه بوده که این همه آزار ما میکنند اول را گویند که مرده و مال مردم در گردنش مانده
و چیزی هم نگذاشته که حق مردم را ادا کنند دویم پروا از بول نکرده سیم سخن بدی که از مردم می شنید حکایت
با نقل میمنود چهارم گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمود هر که حق مسلمانی را حبس کند خدا برکت از
روزی او ببرد و هر که تاخیر کند در دادن حق کسی هر روز گناه عشاری برای او نوشته شود و در روایت دیگر فرمود
پنج نفر در دوزخ در خانه باشند که در شرا بکرنه و داهی ندارند که او از هم را بشنوند امیری که از رعایا مال
گرفته انصاف ندهد و مطاع قومی که حرف او را بشنوند و میان قوی و ضعیف تفاوت دهد و کسی که اهل
خود را کار زنا اموزد و بطاعت الهی نفرماید و حبس کننده مزد اجیر و مراد بت حضرت باقر ع فرمود عظیم ترین
خطاها غصب مال مسلمانان است و فرمود که گناه کارترین مردم نزد خدا کسیست که بنا حق کسی را بکشد یا
بزند و فرمود هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند بنا حق در روز قیامت استخوانهای او را از هم بپاشد و آتش را بر او
مسلط کرداند و او را غل کرده بجهنم اندازد و فرمود شما را امر ونکند حال کسی که دست بخون مسلمانان کشوده
بتحقیق که او را کشنده لیست که هر که نه بمیرد آن آتش جهنم است و فرمود هر که دست بمؤمنی زند که او را ذلیل کند

با چیزی بایدو واقع سازد که کراهت از آن داشته باشد بلکه بر او امنیت کنند تا او را راضی نماید و توبه کند و
حق تعالی فرموده که هرکه بندهٔ مؤمن مرا ذلیل کند گو با علانیه با من مبارزت و محاربه نموده و فرمود هرکه نظر بکند
بمؤمنی که او را بترساند خدا او را بترساند روزی که پناهی بغیر سایهٔ رحمت او نباشد و فرمود بحق خدائی که مرا
بحق فرستاده که اگر جمیع اهل آسمانها و زمینها راضی یا شریک باشند بخون مسلمانی حق تعالی همه را بآتش اندازد
و فرمود هرکه قاتلی را جا دهد بر اوست لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق و هیچ عملش مقبول نشود و حضرت
باقر علیه السلام فرمود که اول چیزی که خدا در آن حکم خواهد فرمود روز قیامت خون مسلمانانست از هابیل گرفته
تا آخر بعد از آن حکمهای دیگر میشود و مقتول خون خود را بر روی قاتل میریزد پس انکار نتوانند کرد و مؤید این
است بخبر بد عقبهٔ اولی که گذشت و فرمود هرکه مؤمنی را بکشد جمیع گناهان مقتول بر او نوشته شود و مقتول
از گناهان پاک میشود و در روایت وارد است که زنهار اجتناب کنید از کشتن بناحق که هرکه کسی را بکشد صد هزار
بار در جهنم او را بکشند مثل آن کشتن و با بعضی حدیث خبر کشنده مؤمن عمدا خلود در جهنم و ناامیدی از رحمت الهی
است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آدمی در دین خود هست تا خون حرامی نکرده چون عمدا مؤمنی را بکشد توفیق توبه
نمی‌یابد و هنگام مردن با او خواهند گفت بمیر یهودی یا نصرانی یا مجوسی و در حدیث است که گروهی را روز قیامت
بسوی آتش میکنند و ایشان صداها بلند کنند که وا محمدا آنحضرت گوید پروردگارا ایشان از امت منند حق تعالی
فرماید بدرستی که ایشان خونهای حرام ریخته اند و در صحیح حضرت صادق علیه السلام فرمودند که هرکه اعانت کند بر قتل مؤمنی
بنصف کلمه روز قیامت بیاید در حالتی که میان دو چشمش نوشته آیس من رحمة الله و فرمود در قیامت مقتول
آید کسی را که خون آلوده نماید او گوید خدایا با تو چه کار بوده او گوید کلمهٔ گفتی تا سری فاش کردی و اعانت بر قتل من
نمودی و فرمود ظلم کننده و معین و راضی هر سه بآن شریکند در ظلم و احادیث باین مضمون متواتر است که
راضی بهر عملی خیر یا شر شریک است در اجزاء آن تا بعین و مبشر رسد و در حدیث حسن از ابن ابی یعفور است که یکی
بآنحضرت گفت که گاهی یکی از ما از تنگی در معاش زده باید برای تحصیل روزی متوجه کار حکام شود که بنائی
یا سدی یا نهری برای ایشان اصلاح کنیم چه میفرمائی فرمود نمیخواهم که گرهی برای ایشان بزنی یا سر چکی ببندی مرا از
این تمام مدینه از کمال رحم و شفقت بر شیعهٔ خود اینهم راضی نیستم و در صحیح یونس فرمود اعانت ایشان
مکن و بنای مسجد را احادیث در رشوه و مفاسد صحبت و یاری ظلمه گذشت و بعضی آیه را در این ابواب گذشت و لا ترکنوا الی
الذین ظلموا فتمسکم النار یا ندک میل بایشان عقوبت آتش جهنم مرتب میشود که از رکون مظلمه است که انقدر حیات

فاطمه و حسن و حسین گفتم پس محبان ما فرمود پشت سرها و فرمود شکوه کردم با آنحضرت از حسد مردم فرمود ایا راضی
نیستی که اول کسی که به بهشت داخل شود منم و تو و حسن و حسین و زنان ما از راست و چپ ما از پس زنان ما و شیعیان ما
پس سر ذریه ما و فرمود که شخصی با آنحضرت گفت که من تاب مفارقت تو ندارم میخواهم که [illegible] تو نزد [illegible]
بحضرت نوح ایم به بهشت ترا از عشق بیرون روز قیامت که با علا علیین روی ترا کجا یابم پس این آیه نازل شد و من یطع
الله و رسوله فاولئک مع الذین انعم الله الآیه یعنی پس مر المطیعین بشارت باد و حضرت صادق ع بعمر بن
یزید فرمود که تو از ما اهل بیتی گفت فدای تو شوم از آل محمد فرمود والله از نفس ایشان آیا نخوانده کتاب
عز و جل ان اولی الناس بابراهیم را آیا نخوانده کلام خدا را فمن تبعنی فانه منی یعنی هر که متابعت من کند پس
بحقیقت که او از من است و السلام علی من اتبع الهدی و از جمله بشارات فنور بر نور ایشان است و صلوات
بر ارواح طیبات و اجساد ایشان [illegible] ایشان و کرامت بر احوال بر بشارات ایشان در این مضمون باب اسباب و
احادیث متواتره از طرفین دوست و دشمن عدد بی شمار است شمه مذکور شد و در صحیح حضرت صادق ع از
رسول خدا ص نقل کرده فرماید [illegible] که در [illegible] آنحضرت و نظر [illegible] سایر پیغمبران مانند ماه است و ستارهها
که فرمود روز قیامت برای علما [illegible] برایم و علی [illegible] درجه بعد از من برآید و جمیع انبیا گویند خوشا حال
این دو بنده که چه گرامی اند نزد خدا پس ندا رسد که این حبیب من محمد مصطفی ص و این ولی من علی است خوشا حال
او را دوست دارد و وای بر حال کسی که دشمن دارد و این هیچ مؤمنی نباشد که ترا دوست دارد مگر از این ندا راحت
یابد و روسفید و خوشدل گردد و هر که دشمن و منکر حق تو دو شما و پاهای او بلرزد در این حال رضوان با کلیدهای بهشت
و مالک با کلیدهای دوزخ از جانب الهی آمده بر من سلام کنند گویم برادرم علی بده پس کلیدها را روانه
شود بکنار جهنم ایستد در حالتی که شررهای او بر قرار است بفریاد و خروش زبانه میکشد علی ع مهارش اگر فته
او گوید بگذار یا علی نور تو نار مرا خاموش کرد فرماید قرار گیر ای جهنم و بشنو آنچه میگویم این را بگیر که دشمن
من است و این را بگذار که دوست من است الله که از قهر جهنم اطاعت علی ع زیاده بر غلامان شما میکند و فرمان
او زیاده بر همه خلق نخواهد کرد در هر چه بفرماید و فهم نمیشود [illegible] بودن از طرفین خالف هم متواتر است
و فرمود وحی شد بر رسول ص که حوض کوثر را با اختیار علی گذارم و جهنم را بر او سپرده گردانم تا داخل شدن بر دن آنها
هر که در محبت او در دلش باشد و زیارت کنندگان او و دو پسرش نزد آیند و تو الله و بر من لازم که زائرین خود را
اکرام و عطا کنم هر چه خواهم در دنیا مثل حسنات ایشان کنم که از سیئات ایشان کنند هر که مطلع شود و بروایت حضرت باقر ع

فرموده یا علی محبت تو بر دل هر که قرار گرفت اگر یکقدم او بر صراط بلغزد البته قدم دیگرش ثابت میماند تا خدا او را
بسبب دوستی تو داخل بهشت گرداند و هم از آنحضرت ذکر فرموده که حضرت فاطمه ع در قیامت از ظالمان شکوه نموده ندا رسد
که امروز ظلم هیچ ظالمی از من نخواهد گذشت تو شفاعت کن هر که را خواهی آنگاه شفاعت نماید ذریه و شیعیان خود را
پس ملائکه باذن خدا همه را جمع نموده با آنحضرت به بهشت برند و بروایت امیر المؤمنین ع فرموده فاطمه و شیعیانش بر صراط
مانند برق جهنده و بجهتی فرزندانش پیش رو و دوستانش از راست و چپ حضرت باقر ع فرموده بجابر آنحضرت که
از روز بخدا سوگند که شیعیان و محبان خود را از صحرای محشر بربایند چنانکه مرغ دانه خوب را از بد جدا کند آنگاه دوستانش
باذن خدا دسته هر که را دید بنار غایت از او دیده اند گرفته به بهشت برند و اخبار در این خصوص بسیار است و
در تعزیه ایشان گریستن در مصیبتها و رجال بر ایشان احادیث بسیار است که خدا روی او را بر آتش حرام کرده اند
و او را به بهشت ابد الآباد جا دهد و منزل نیکو کرامت نماید و با ما باشد و فرجاد در درجات ما و در صحیح حضرت
معاویه بن عمار آمد که حسن مجتبی از رسول خدا ص پرسید از ثواب زیارت و فرمود هر که بیاید بزیارت من بعد از وفات
من برای او است بهشت و در زیارت پدر و برادر و خودش همچنین فرمود و فرموده هر که امیر المؤمنین را با معرفت بحق
زیارت کند خدا بهر گامی حج و عمره مقبوله برای او مینویسد بخدا سوگند که آتش نمیخورد قدمیرا که گرد آلوده شود
در زیارتش در پیاده یا سواره بنویسی بابن مار زیاد بخدا تر ایا باطل احادیث این معنی و مستلزم آن منوالی در
حد حصر نیست او را است خصوصا در زیارت سید الشهداء و حبیب غرباء و در زیارت مشهوره عاشورا یا مصیبت
از دور و نزدیک ثوابهای عظیم وارد شده از آنجمله هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه با ثواب
مصیبت هر پیغمبر و صدیق و شهید از اول دنیا تا آخر و ثواب هر پیغمبر و رسولی و هر که زیارت آن مظلوم کرده
خواهد کرد تا قیامت و هزار هزار حسنه محسوب و بلند و رفع درجه و از جمله شهداء باشد با او و شریک در درجه
ایشان که او را نشناسد مگر از ایشان و در حدیث امام محمد باقر ع دو هزار حج و دو هزار عمره و هزار هزار جهاد با امام
خیبر باشد که آنحضرت ضامن شده این ثواب برای او و هم چنین حضرت صادق ضامن شده و در صحیح صفوان
و فرموده ببین ضامنی دارم از پدرم از پدرش و او از پدرانش از رسول خدا ص از جبرئیل که خدای
جلیل بذات اقدس خود قسم یاد کرده که همه حاجات او را برآورده و شاد گردانم بقا بر شدن بهشت و آزادی از
جهنم و قبول شفاعت او برای هر که خواهد غیر ناصبی و گواه گرفته ما را برآنچه گواه گرفته بود ملائکه ملکوت را
و مرا هم بهره تو فرستاد با بشارت محمد علی فاطمه و حسن و حسین و ائمه تا قیامت ای صفوان زیارت کن البته که خدا

بلیغ

خلف وعده خود نمیکند پس خوشا حال سعادتمندی که خود را فارغ دارد برای این کسب سعادت عظمی و اکثار چنین
کرامت کبری برای خود فرموده از زیارت باد و در اللهم وفقنا لهذا ببرکة الحسین ع و حضرت امام رضا ع میفرماید
که هر که ما را با معرفت زیارت کند در عرش اجر صد هزار شهید دارد و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد
هزار عمره و صد هزار غزوه و در روز قیامت در زمره ما محشور بود و در درجات عالیه ما رفیق باشد و فرمود من روز
من شفاعت او کنم و هر که را ما شفیعان باشیم البته نجات می یابد هر چند گناه جن و انس داشته باشد و فرمود
هر که زیارت من کند با دوری قبر من در روز قیامت سه جا بداد او رسم خالص کنم وقت پریدن نامه‌های اعمال از راست
و چپ و نزد پل صراط و میزان و حضرت صادق ع از رسول خدا ذکر فرمود که البته بهشت او را واجب کردم
و جهنم بر او حرام و فرمود دست او را گرفته داخل بهشت کردانم اگر چه از اهل کبایر باشد و در موثق خراسانی
با انحضرت عرض کرد که رسول خدا ص در خواب بمن گفت چگونه خواهید بود هرگاه مدفون شود در زمین شما پاره تن
و جگر گوشه من و فرمود در حالت شما ستاره من حضرت فرمود بجهت فکرمندم آن ستاره و روی با آنحضرت
راست مثل بیدار و در صحیح از داود بن قسم که شنیدم از حضرت جواد ع که میان دو کوه طوس پاره ایست
از بهشت هر که داخل آن شود ایمن است روز قیامت از آتش و بحدیث متعهدا و بخدا قسم که روضه ایست از
بهشت محل زیارت ملائکه بوده بیشتر فوج فوج نازل و فوج فوج بالا روند تا نفخ صور و حضرت صادق ع میفرماید که رسول
خدا فرمود یا ابا الحسن خدا قبر ترا و اولاد ترا بقعه از بقعه‌ها و عرصه از عرصه‌های بهشت و دلهای نجبای خلق و اصفیای بندگان
خود را مایل شما کردانیده که تحمل اذیت و مذلت میشوند در باره شما پس تعمیر و زیارت قبور شما بسیار میکنند
برای تقرب بخدا و محبت رسول او ایشانند یا علی مخصوص بشفاعت من و وارد بر حوض من و ایشانند همسایگان
و زیارت کنندگان من فردا در بهشت پس بشارت باد ترا یا علی و اولاد و محبان ترا از نعیم بهشت و روشنی دیده
چیزی که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته و حضرت هادی ع میفرماید که [illegible] بود
در طوفان نوح ع منحرف شد و ترتیب یکیست و حضرت صادق ع میفرماید که کربلا خلق شد بیست و چهار هزار سال پیش از کعبه
و حق تعالی او را افضل زمین بهشت کردانیده اللهم ارزقنا الدفن بحرمة محمد و آله المصطفین صلوات الله علیه و
علیهم اجمعین   اما در ثواب صلوات و باعث نجات شدن آن از حسابها و عقاب روز حساب و شفاعت و رفع
درجات و نور در ظلمات و رفع امراض و بلیات و کفایت مهمات و کفاره سیئات و استجابت دعوات و قضای کل حاجات
احادیث فوق حد احصاست در اینمقام اکتفا باهم نوادر میشود بسند معتبر از رسول خدا ص منقول است

بتنها
بلح

کند بدم مردی از امت خود بر صراط افتان و خیزان پس صلوات او بر من فرستاده بود آمده و هر دو قدم او را ثابت داشت
تا گذشت از صراط و در صحیح ابن عمیر فرموده هر که گوید صلی الله علی محمد و آل محمد خدای عز و جل فرماید صلی الله علیک
پس باید بسیار نمود از این خبر و بروایتی اجر هفتاد و دو شهید با و دهند و بیرون آید از گناه مانند روز تولد
و فرمود هیچکس از امت من با اخلاص و صدق دل و حسن نیت یک صلوات بر من نمی فرستد مگر آنکه خدا ده صلوات بر او فرستد
و ده حسنه و ده محو سیئه و ده درجه بلند کرامت فرماید و بروایت دیگر با این زیادتی هم هست که دو ملک با و موکلند
مشایعت نمایند در تبلیغ سلام او بروح من و هر دو بشارت دهند که بشارت محمد مصطفی ص که هر که صلوات بر من فرستد
مرغ مبارکی است که در اصل دنیا عظیم بود و ختم نتیجه خود را بدریا افکند از در آن خود را بیفشارد حق تعالی
از هر قطره ملکی آفریند که استغفار کنند برای او و هر که هر صبح و شام ده صلوات بر من فرستد او و والدینش را بیامرزد
و هر که بعد از خفتن ده صلوات بر من فرستد ثواب نماز گذارندگان دارد و مهمات او و حاجاتش برآید و هر که دو بار
ابروی خود شانه کند و هفت صلوات بر من فرستد چشمش هرگز درد نکند و هر که یکبار صلوات بر من فرستد ملکی
موکل بر آسمان و زمین رعد نام صد بار صلوات بر او فرستد و ملائکه آسمان دوم که این را بشنود دویست بار سیم
هزار بار چهارم دو هزار بار پنجم پنج هزار بار و ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار و آنگاه خدا فرماید با ملائکه
من واگذارید او را که تعظیم رسول من نموده ثواب او با من است و بروایتی حضرت صادق ع فرمود که هر که صلوات
بر من فرستد خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا هر وقت که او صلوات فرستد کم یا بسیار و هر که صلوات بر
تو بنویسد همیشه ملائکه برای او استغفار کنند و بروایتی صلوات بفرستند تا نام تو در آن نوشته باشد
ع و بروایتی اگر یک بار بر تو صلوات بفرستند مگر هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند و بسند صحیح حضرت صادق ع
فرمود صلوات بر من و اهل بیت من نفاق را بر طرف میکند و بروایت دیگر صداهای خود را بلند کنید بر صلوات
بر من که نفاق را میبرد و فرمود که هر که صلوات بر من فراموش کند و بروایتی اسم مرا بشنود و صلوات نفرستد خطا کرده
راه بهشت را و حضرت صادق ع فرمود که چون نام آنحضرت مذکور شود بسیار صلوات فرستید بر او و هر که
یک صلوات بر او فرستد خدا بر او هزار صلوات فرستد در هزار صف از ملائکه و هیچ خلقی نماند مگر به سبب صلوات
خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند پس هر که بچنین رحمتی رغبت نکند جاهل و غافل است و خدا و رسول و
اهل بیتش از او بیزارند و در صحیح مصباح فرمود میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که حق تعالی بسبب آن روی ترا از آتش جهنم
حفظ نماید بگو بعد از نماز صبح صد بار اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرمود هر که بعد از نماز صبح و ظهر صد بار

بگوید

بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم نمیرد تا قایم را ادراک نماید و فرمود که هر که صد بار بگوید یا رب صل
علی محمد وآل محمد صد حاجت او روا شود که سی از آن در دنیا باشد و فرمود که هر که صلوات بر محمد وآل او فرستد خدا و ملائکه
بر او صلوات فرستند آیا نمی‌شنوی قول خدای عز وجل را هو الذی یصلی علیکم وملائکته الی آخره و در صحیح فرمود صلوات
میان ظهر و عصر برابر هفتاد رکعت است و به صحیح دیگر هفتاد و در صحیح فرمود که در نماز بر رکوع و سجود مثل تسبیح است
ده حسنه دارد هیچ ملائکه نماند که کدام از ارواح بنی الله … و در صحیح فرمود که رسول خدا به علی فرمود
آیا بشارت ندهم ترا که خبر داد مرا جبرئیل یعنی که هر که از امت من صلوات فرستد بر من و اهل بیت من گشوده شود
برای او درهای آسمان و ملائکه بر او هفتاد صلوات فرستند و اگر گناهکار باشد پس بریزد از او گناهان مانند برگ از درخت
و حق تعالی فرماید لبیک ای بنده من و سعدیک ای ملائکه من شما هفتاد صلوات بر او فرستید و من هفتصد
و اگر بعد از صلوات من بر اهل بیت من صلوات نفرستد هفتاد حجاب میان او و آسمان حایل شود و خدا فرماید لا لبیک و لا
سعدیک ای ملائکه من بالا نبرید دعای او را تا ملحق نماید به پیغمبر من عترت او را [illegible] صاحب
مستطرفات ربیعین در این باب کتاب ملحق نموده خلاصه بعضی آن این است که رسول خدا فرمود هر که صلوات
بر من فرستد ملائکه بر او صلوات فرستند و هر که ملائکه بر او صلوات فرستند خدا صلوات فرستد و هر که را خدا
صلوات فرستد نماند چیزی در آسمانها و زمین مگر بر او صلوات فرستند و بر من آنکه بر او داخل بهشت شود و بر آبی شفیع
او بوده باشم و هر که بر من صلوات نفرستد من بیزارم از او و نزدیکترین شما بر من در روز قیامت
اکثر شما است در صلوات بر من و هر که جمیع عبادات خود را صلوات کرد اند خدا حاجت دنیا و آخرت او را بر آورد و خدا
را در هوا ملائکه چند هست کاغذها و قلمهای نور در دست نمی‌نویسند مگر صلوات بر من و اهل بیت مرا و خدا را
ملائکه چند هست که سیاحت میکنند در زمین و صلوات امت مرا به من میرسانند پس استغفار میکنم برای ایشان
خدا ملکی بر قبر من موکل کرده و نامهای همه خلایق را با او داده پس تا قیامت احدی بر من صلوات نمی‌فرستد مگر گوید
این صلوات فلان است صلوات بر تو فرستاده بنده تو و … که اگر خواهی من شو نزدیکتر باشم از کلام
تو زبان و بریدن از جا پس به سبب صلوات بفرست بر … خدا ملکی را به سبب تقصیر او در قلع مدینه مغضوب غضب
فرموده بالهای او را شکست پس به شفاعت جبرئیل مرتبه به صلوات بر من و بر کسان امر نبید شد هیچ کس سلام بر من
نفرستد مگر آنکه خدا رد کند بر من روح مرا تا رد کنم بر او … خود را مانند … صلوات فرستد
بر من که به من میرسد هر جا که باشد هر که خواهد که عمل … کند تا خدا و خدا از او راضی باشد پس بسیار صلوات فرستد

بر مؤمن که بتحقیق هرکه هر روز پانصد بار صلوات فرستد بر من هرگز محتاج نشود و گناهانش برطرف شود
و سر و رویش با سفیدی بود دعایش مستجاب و آرزوهایش آماده باشد و یاری بر دشمن و اسباب خیر یابد و از جمعی باشد که رفیق
خدا باشند در بهشت هرکه روزی صد بار صلوات فرستد بر من خدا از وی صد حاجت روا کند و در دو بر وی
هفتاد از آخرت او و سی در دنیای او و هرکه هر صبح ده صلوات بر من فرستد گناه چهل سالهاش محو شود روزی
جبرئیل بشارت آورد که خدا میفرماید هرکه از امت تو سه بار صلوات فرستد بر تو بیامرزم او را اگر ایستاده
پیش از نشستن و اگر نشسته باشد پیش از ایستادن او پس بسجدهٔ شکر در افتادم هر مؤمنی که بگوید صلوات فرستد
بر من خدا دو ملک را فرماید که تا سه روز گناهی بر او ننویسند و بروایت دیگر خدا ده صلوات بر او فرستد و هرکه
ده صلوات فرستد خدا صد صلوات فرستد و هرکه صد صلوات فرستد خدا هزار صلوات بر او فرستد و هرکه هزار صلوات
بر من فرستد خدا او را از جهنم آتش نگرداند و بروایت دیگر پیش از مرگش او را به بهشت بشارت دهند هرکه یکبار
صلوات فرستد بر من و بر اهلبیت برای تعظیم حق من خدا ملکی آفریند که یکبال او در مشرق و یکی در مغرب
سر و گردنش زیر عرش و بروایتی پاهایش در زمین پایین زمین هفتم باشد و گوید خدایا صلوات بفرست بر بندهٔ
خود مادامی که صلوات میفرستد بر پیغمبر تو و بروایت صحیح خدا فرمود صلوات بفرست بر بندهٔ من چنانکه او صلوات
بر پیغمبر من بجا آورد صلوات میفرستند تا قیامت صلوات فرستید بر من که باعث پاکی و پاکیزگی خود شماست
و از برای من وسیله را طلب کنید که بدرستیکه روز قیامت جمیع حسنات اهل دنیا با ثواب هر دعا با آنها صلوات نباشد همه رد کرده
میشود و بهشت که بر آنکه صلوات بر پیغمبر خدا نفرستد دعا بعد از صلوات رد نمیشود و صلوات فرستید بر من و جهد کنید
در دعا و بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد مؤلف بنده گوید که موافق احادیث خواصه هم صلوات بر آل
آنحضرت جزو صلوات بر آنحضرتست و از بعضی این مفهوم میشود و مؤید آنست تعبیر آنحضرت از صلوات بتعبیر
مسطوره و نیز که اصحاب از تفسیر آن سؤال کردند و بطرف خاص طعن تارک آل آنحضرت در صلوات بیان کرده‌اند
و بدانکه منتهای صلوات بقدر معرفت و محبت و اطاعت ایشانست و احادیث در این خصوص بعض از ثواب و
عبادات صلوات را از کتب عبادات مطلب خصوصاً سر آل محمد را که باعث دوام سرور و قرب عالم نور و قبول اعمال
بسیار اعمال و محو سیئات و انواع خیرات دنیا و غیره و رفاقت رسول خدا و در اعلا درجات جنات میشود و سر کثرت فضایل
و وسعت ثواب صلوات را اجمال ذکر نمیشود و از جمله اشتغال بتعلم و تعلیم علوم اهلبیت است و جلوه
آنها در زمان غیبت امام و شفا ضعفا شیعه و اهل ولایت و ند کرا محمد در عین هفتم مذکور شد در این مقام کافیست

و از آنجمله حفظ قرآن که باعث بلندی درجات است بکثرت مواظبت و مداومت محافظت آن چنانکه از رسول
خدا منقولست که فرمود بخوانید قرآن را و از حفظ و بر کنید از این جهت که حق تعالی عذاب نمیکند دلی که ظرف
قرآن باشد و بروایت طبرسی از عاصم از امیر المؤمنین ع فرمود هر که بخواند قرآن را و حفظ نماید خدا او را داخل
بهشت نماید و در ده نفر از اهل بیتش که همه مستوجب جهنم باشند شفاعتش را قبول فرماید و فرمود هر که قرآن را
از بر کند پس گویا درج و جا داده شده است نبوت میان دو پهلوی او بغیر آنکه وحی باو برسد و فرمود حاملان قرآن
بزرگان اهل بهشتند و فرمود اهل قرآن در اعلا درجات بهشتند بعد از پیغمبران و در حدیث معتبر فرمود خدا عذاب
نخواهد کرد دلی را که قرآن حفظ نموده باشد و فرمود اگر این قرآن را در پوستی پیچیده آتش باو مس ننمود و فرمود که
حافظ قرآن را خواهند گفت که بخوان و بالا رو بترتیل و تأنی بخوان چنانکه در دنیا میکردی که جای تو نزد آخر آیه
است که میخوانی هر که از بر کند قرآن را تخفیف عذاب شود از والدینش اگرچه کافر باشند و فرمود هر که قرآن را
یاد گیرد و بعد از آن فراموش کند بعلت بی پروائی بکند رحمت او پست شود و بیاید در روز قیامت در حالتی که مخصوم باشد
و فرمود هر که در کبر سن تعلیم قرآن کند اجرش مضاعف گردد و فرمود منزل قرآن سه پنهان دهنده صدقه است
و جهر کننده بآن مثل آشکار دهنده صدقه است و در حدیث وارد شده است که حامل قرآن و حافظ کلام و پیام
رحمن روز قیامت بر منبرها نشسته و مردم در حساب باشند پس ملائکه سوار شده بسوی بهشت روان شوند و بر صحیح
عالی حضرت حق تعالی آمده فرماید حافظ حامل قرآن با ملائکه سفره کرام برره باشد و فرمود هر مؤمنی که جوان قرآن
بخواند قرآن بگوشت و خون او آمیخته شود خدا او را با رسولان برره یعنی نیکوکاران از ملائکه محشور گرداند
و قرآن از جانب او حجت نماید که خدایا هر عمل کننده مزد خود را یافت غیر من قاری خود را مبعوث کن پس حق تع
دو حله بهشت و تاج کرامت باو بدهند و بقرآن گویند آیا راضی شدی گوید زیاده از این میخواهم پس برات امنی بدست
راستش و خلد بدست چپش داده داخل بهشتش نماید و گوید بیا بخوان و یک درجه بالا رو
آنگاه بقرآن فرماید راضی شدی گوید بلی و کسی که حفظ قرآن بر او دشوار باشد مکرر بخواند تا حفظ نماید
خدا این ثواب مضاعف باو کرامت فرماید و در حدیث معتبر دیگر فرمود هر که حافظه اش کم باشد و قرآن را با مشقت
حفظ کند حق تعالی دو برابر اجر باو دهد و فرمود هر که باسلام در آید با رغبت قرآن را از بر یا ظاهر با شکل بخواند
ثابت باشد برای او هر سال دویست اشرفی از بیت المال مسلمین اگر در دنیا ندهند در آخرت خواهد گرفت و بروایت
طبرسی این حدیث گذشت بدانکه حفظ قرآن نسبتا اعظم است ثواب و اعمالی که بسبب حصول و بقای بن نفل اکبر

از مواظبت و دوام تلاوت در تهجد و تهجد شبها بان سبب تا جز بل و جبهه مستی غفلت دوران خصوصاً از خواص
با حقیقت تفکر عجایب و تفهم و تدبر خواستن و غرایب قرآن تنها بسبب غیر تهجد بل سببی است بلکه حافظی از کل علما
معاصرین معلوم نیست که با حفظ قرآن کار رب سواد آن پیدا شده اکثر با قصر سور اقتضا و اوفا از صرف علوم
می نمایند که بآخرت با شی اصند مانند خدایا مکر حسرت و ندامت حسبنا انها بر علوم قرآن و الله لا یستحیی
من الحق و فضایل تلاوت تدعین دهم در موقف سؤال از قرآن مذکور شد و اهم سور مداومت و اثبت
با این مقام سوره حمد و سوره مبین و طاات و لیس تبارک زمر و جاثیه و فتح و رحمن و تغابن و مدثر و لا اقسم و عم
و نازعات است تشریح که در محل خود تفصیل یافته و از انجمله مداومت بر نوافل بوصیه که اعظم نتیج علامت کمال
ایمان و جبر کسر قوایض مؤمنان و تهجد و آگاهی و بیداری شبها بعبادت و گریستن از خشیت الهی که اقرب فوز فیوضات
نامتناهی و اسهل سبیل تحصیل محبت خدائی و ایمن خلوتگاه بارگاه کبریائی و حصول اقوی اسباب نجات
و ادراک لذت مناجات و وصول بر نتیج حاجات اعلی درجات و محو سیئات و دفع امراض و آفات و مزید برکات
و معدن ابتهاج و مکین فیض عالم نور و سرور سیر ملک و طریق پیغمبران و امامان و شیوع منیره صدیقان
و صالحان و اکمل علامات ایمان و اعظم موجبات نور ایقان است همین در عجز از ذکر فضایل تهجد کافی که توصیف
الهی از لمی این طریق عدول نموده میفرماید فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ هیچکس نمیداند چه ثواب
جمیل و چه اجر جزیلی در مکمن غیب که باعث روشنی دیدها خواهد بود برای ایشان مهیا و آماده شده و سوره
مزمل و آیات بسیار و روایات بیشمار در ترغیب این سعادت عظمی بمبالغه و تاکید در تحصیل این عزت و
شرف دنیا و عقبی نازل و وارد شده و رسول خدا میفرمایند که چون بنده مبا شب دیده برخیزد و بار و پروردگار
خود خلوت و مناجات کند حق تعالی نور محبت در دل او ثابت کرداند و هر گاه کوید یا رب یا رب فرماید لبیک
ای بنده من سؤال کن تا عطا کنم و بر من توکل کن تا امور ترا کفایت کنم ابدا نکر نظر کنید بسوی بنده من که
با من خلوت کرده و تنها بدرگاه من آمده شبها تا در هنگامی که بطالان از من غافل و در خوابند گواه باشید
که او را آمرزیدم و فرمود جبرئیل پیوسته مرا بنماز شب وصیت می نمود بحدی که پنداشتم خوبان امت من نمی
خواهند خوابید از ترس فوت نماز شب جبرئیل فرمود موعظه کن مرا عرض کردم که عیش کن که بتحقیق خواهی
مرد و بخواه هر که را خواهی که بدرستیکه مفارقت او خواهی کرد و بکن هر چه خواهی که بتحقیق که ملاقات جزای آنرا
خواهی نمود شرف مؤمن بنماز شب است و عزتش باز داشتن اذیت از مردم و برطرفی استغنای او از مردم

و باحادیث صحیحه فرمود یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند از من حفظ کن پس گفت خداوندا یاری کن علی را
بر حفظ آنها اول راستی که اول مبادا بیرون رود از دهانت دروغ هرگز دوم پرهیز که جرات منما بر گناه
هرگز سوم ترس خدا که گویا میبینی او را چهارم آنکه بسیار گریه از خشیت الهی که بنا میشود برای تو بهر قطره هزار خانه
در بهشت پنجم دادن مال و جان خود در راه دین است ششم ملازمت سنت طریقه من در نماز پنجاه رکعت
و در روزه هر ماه سه روز پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط و در صدقه تا توانی که گویند اسراف کرده و
نکرده باشی پس بجهت کمال تاکید سه بار فرمود که بر تو باد بنماز شب همچنین نماز زوال سه بار و بخواندن قران
بهر حال و به بلند کردن دستها در نماز و گردانیدن آنها و بمسواک نزد هر وضو و بمحاسن اخلاق که از کارها
نمائی و از بدخصلتها اجتناب کنید پس اگر نکنی اینها را پس ملامت مکن هنگام پشیمانی مگر خود را فرمود
یا علی سه چیز شادی روح مؤمن است در دنیا ملاقات برادران مؤمن و افطار روزه و نماز شب فرمود خدا ابرهیم
را خلیل خود نگردانید مگر باطعام ایشان و نماز شب که مردم در خواب بودند و از حق تعالی ذکر فرمود که مستجاب
میکنم در دل شب اگر چه دعای عشاها باشد و فرمود دو رکعت بعضی از آخر شب دوستتر دارم از دنیا و آنچه در اوست اگر
نه شاق میداشتم برامت خود آنها را واجب کردم بر ایشان و فرمود هر که را خدا توفیق نماز دهد مرد باید در
تامل و اخلاص و خشوع و نیت صادق و دل سالم از بیماریهای چشم که باز بدارد در عقب آن نه صبح تا انکه از
مشرق تا مغرب که عدد هر صفی غیر خدا نتواند شمرد پس چون فارغ شود بعدد آنها درجات برای او نویسند و
فرمود اشرف بزرگان امت من حاملان قرآن و شب عبادت کنندگانند و فرمود با ایمان زخدا بترسید
بتحقیق که دوستترین بندگان بسوی من برادران مؤمنند که بمال حلال با هم دوستی کنند و بجهت تشییع مجلس
نشیند و استغفار کنند کان درستیها ایشانند که عقوبت اهل زمین را بسبب ایشان بر میدارم و در صحیح
سیف صادق هر که ایمان بخدا و قیامت دارد شب بیهوده و بنماز و در صحیح حضرت صادق منقولست که در وتر
ایستاده هفتاد بار بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و تا یکسال مواظبت نماید خدا او را در استغفار کنندگان بالاسحار
نویسد و مغفرت از جانب الهی او را واجب شود و فرمود از شیعه ما نیست کسیکه نماز شب نکند و فرمود که مکرر
خواستن شب اگر بتحقیق مغبون کسیست که محروم شود از نماز شب و فرمود که میباید شب برخیزد و خود
را براست و چپ میل میدهد و نظر بسینه میجنبد پس حق تعالی امر میفرماید که درهای آسمان را بگشایند و
ملائکه گوید نظر نمائید بسوی بنده من که چه زحمتی بخود میرساند در تقرب جستن بمن در چیزی که واجب نکرده ام

از من امید یکی از صد چیز دارد و امرزش گناهانشرا با تجدید توبه و وسعت روزی شما را گواه میگیرم که هر سه را
باو کرامت کردم و فرمود زمستان بهار مؤمنست شبها بطول قیام در روزها با سایش صیام و در صحیح مفضل
منقولست از حضرت صادق ع که خدا بموسی گفت که یا ابن عمران دروغ گفت هر که گمان کرد که مرا دوست میدارد پس فرصت شب و را فرو گرفت
بخواب غافل باشد از من آیا نه چنین است که هر حبیبی دوست میدارد خلوت نمودن خود را با حبیب خود ای پسر عمران
اینک منم مطلع بر دوستان خود چون خلوت شب دریابند مایل شود دیده دلهای ایشان بسوی من
متمثل گردد عقوبت من در برابر ایشان خطاب میکنند با من از روی مشاهده و مکالمه مینمایند با من از روی حضور
ای پسر عمران ببخش بر آمن از دل خود حضور خود و خشوع و از بدنت تواضع و خضوع و از دیدها اشکها در تاریکی
شبها دعا کن و بخوان مرا که بتحقیق خواهی یافت نزدیک و اجابت کننده دعای خود و ندای الهی هر شب تا صبح در عین
گذشت و شخصی با میر المؤمنین ع گفت محروم شدم از نماز شب فرمود مردی هستی که بتحقیق گناهانت را مقید کرده
و حضرت باقر ع منقولست شیطانرا شب نیست تازیانها پس هر گاه بنده بیدار شد و خواست برخیزد گوید این ساعت
برخواستن نیست و بعد از ان بار دیگر بیدار می شود و گوید وقت برخواستن نیست تا شد پس همچنین او را حبس
کند تا صبح پس چون مغلوب او شد تا صبح طلوع کرده میشاشد بگوش او و بعد از ان متبختر آمده دم جنباند دم خود را
از فخر و شادی و فریاد نشاط میکند از حبس و محروم کردن او از چنین سعادت عظمی تا بدانکه اهل در صحیح حضرت صادق
منقولست که شیطان پاهای خود را فراخ کند تا شیر بگوش او و بول کند آیا نمی بینی او را که مچراست سنگینی و کسلان
رسول فواید کلیه نماز شب از رضای الهی و تعرض رحمتهای نامتناهی و نجات از اهوال قیامت و عفو از عقوبات آن
هنگامه هر حرف و ندامت و ایمنی از فزع اکبر روز هشت و نعمت و خلاصی از نار جحیم و فوز درجات عالیه جنات نعیم
از جمله فواید جزئیه آن که در احادیث متفرقه صحیحه معتبره وارد شده جلای چشم و وسعت روزی و دفع امراض و عمرها
دافع امراض و قرض و گناهان روز و سبب سفیدی و نیکو و خوشبو و خوشخو بودن و نور اهل آسمان چون ستاره
با اهل زمین و هر هشتیاکه بکتبا خود را بتکلیف نماز شب ادعیه و ادابی رد میدانند که گویا تا ان وقت هر گز عبادت
نکرده بود و از چنین کرامتهای نامتناهی و موجبات انس و لذت قرب الهی و دولت دنیا و عقبی خود را محروم ساختن و نقد
عمر را بعبث و لهو باختن انگاه بکشف عفونت نماید انشاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله بدانکه موافق
احادیث متواتره است که بهترین در هر عبادات و تلاوت و دعا مطلوبست خصوصا در نماز شب چنانکه دانستی
و رسول خدا ص منقولست که هر که دیدها او پر اشک شود از خشیت خوف الهی بازاء هر قطره اشک قصری در بهشت

اینقدر بده از گریه آن عاصی از ترس او پس بیامرزد حق تعالی برحمت و بخشش مدد او را و باید که این از ذکر خدا
بود و فرمود چه بسیار کسی که بلهو خنده اش در دنیا بسیار باشد و در قیامت گریه او بسیار باشد و چه بسیار
کسی که بسیار بر گناهان گریان و ترسان باشد و روز قیامت شادی و خنده او بسیار باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله
احتراز کنند از بسیاری خنده که دل را میمیراند و در حدیث دیگر که دین را میبرد و میفرمود ایمان را محو
میکند بسیار مزاح و آبرو را میبرد و روایتی بود در امی بر و مروت انسانیت را سبک میکند و فرمود عجب دارم
بکسی که یقین بآتش جهنم دارد چرا میخندد و در دیگر گذشت بجماعتی که دهانرا از خنده پر میکردند فرمود اگر
شما هر که را طول امل مغرور ساخته و در خبر عملش ناقص باشد باید نظر کند بقبرها و از حشر قیامت عبرت بگیرد و مرگ را
یاد کند که شکننده لذتها است و فرمود تعجب دارم از کسی که پر میسازد دهن خود را از خنده و حال آنکه نمیداند که حق تعالی
از او راضی است یا نه و فرمود اگر میدانستید آنچه من میدانم البته که خنده کم مینمودید و بسیار میگریستید در روایتی
فرمود هر که کلمه گوید که هم نشینانش بخندند خدا او را برو در آتش اندازد و باید دانست که تبسم و خنده رو
بودن در غیر اوقات خشیت و موعظه و مزاح با برادران مؤمن مطلوب است چنانکه حضرت صادق علیه السلام فرمود
که هر که شوخی کند با یکی او را مسرور سازد حق تعالی او را مسرور سازد و فرمود هیچ مؤمنی بی خوش طبعی و
مزاح نیست و پرسید از یونس که چونست مداعبه و مطایبه شما شیعیان با هم گفت کمست چنین میکنند که خوش
طبعی و مداعبه از حسن خلق است و ادخال سرور در دل مؤمن است و رسول خدا بسیار بود که با کسی خوش طبعی
میفرمودند که او را مسرور نماید و حضرت کاظم گفت یحیی بسیار میگریست و نمیخندید و عیسی گاه میگریست و گاه
خندید و بهتر از یحیی میکرد و مذموم قهقهه را فرموده اند من احسن شوخی شد چنانکه در احادیث نبویه واقع شده که
قهقهه از شیطان و خنده شیطان است و هر که بقهقهه خندد لعن کنند او را جبار در بالای عرش جلال و فرمود
زنده و پاکیزه را باید که خود را بکم خندیدن و خوردن و خوابیدن و خنده آنحضرت تبسم بود و امیرالمؤمنین
فرمود زینهار بسیار مزاح مکنید که باعث حسد و کینه میشود و دشنام گوییست و از جمله فضلاء حوائج و
سرور ساختن مؤمنان و دوستی برادری ایشان و خدمت علما و عمل بر از ایشان باشد چنانکه مکرر مذکور شد
و در حدیث صحیح حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وحی موسی است که بد دوستی مراهند کار چند هست که مباح کنم برای ایشان
بهشت خود را و حاکم کردانم در اینجا کعبه بر هر که کار کنند ایشان فرمود هر که داخل کند سروری بر مؤمن
بصحیح دیگر هر که راه رود با برادر مؤمن خود در حاجت و در واشود با نه پس فرمود مؤمنی از جیبا که بهشت

بیند مرا که دو کلمه بگوید و شاد شود باز گردم تا ببینم که ساکن نمیکند او را هیچ حادثه مگر آنکه را

کرم او پس برای او بهشت و از آن جمله اذان گفتن است و منقولست در صحیح حضرت صادق ع که سه نفرند که در بهشت بر مشک

باشند مؤذن و پیشنماز شوده قومی و مملوکی مطیع خدا و آقای خود و در صحیح از رسول خدا ص ذکر فرموده که هر که

در شهری از شهرهای مسلمانان یکسال اذان گوید واجب شود برای او بهشت و ببندد و فرموده هر نمازی که بعد اذان

کرده شود حسنه دارد و در وصف امیرالمؤمنین گفت که پس از زمان نزاع خواهند نمود فرموده چنین

بلکه بگردن ضعیف تر بر خود خواهند انداخت و ایشان کوششی چند که خدا حرام کرده برایشان و از امیرالمؤمنین

که او روی منبر مکرر مؤذن را شهری که مؤذن بانگ نماز گوید شیاطین سرپل از او دور شود در حدیث بسیار حکایت

اذان و ثواب مؤذن وارد و هر که اجابت مؤذن نکند نماز چهل ساله اش حبط شود و در صحیح حضرت صادق

از آبا کرام خود از آن حضرت ذکر فرموده یا اباذر هر که قرآن بخواند و مسجد خوانه او باشد حق تعالی خانه

در بهشت برای او بنا کند و در وصف حضرت رضا ع وارد شده که همه کلام و جواب و تمثیل او با قرآن بود

هر سه روز ختمی مینمود و فرموده یا اباذر با خبر کنم ترا با هل بهشت هر ژولیده گرد آلوده با دو جامه کهنه که او را

مردم حقیر شمارند بخدا اگر قسم دهد او را البته روا کند و در وعده الهی است یا احمد بعزت خود قسم که

هیچ بنده نیست که ضامن شود برای من چهار چیز مگر آنکه داخل بهشت سازم بستن زبان از لا یعنی حفظ

دل از هواجس یعنی حدیث نفس را نیز در حفظ علم و نظر من با او بردن نور چشمش در رجوع گفت پروردگارا

... که چیست فرمود حکمت و حفظ دل و نفرت ... من و حزن دایم و خفتن ... در دنیا مردم و در

احادیث وارد شده است که ... بالها ... که از قبور خود بسوی جنات پرواز کنند ملائکه

ایشان ... که چه بود اعمال شما گویند دو خصلت حیا از معصیت الهی در خلوت و رضا بقسمت

ما ... گویند این مرتبه شما را و برای ... در خلوت و تنها عبادت خدا میکردیم پس تنها داخل بهشت

شدیم و حضرت کاظم ع از رسول خدا ص ذکر فرموده هر که حاجت کسی را که خود نمیتواند بپادشاه سلطنتی برساند

خدا قدمش را بر صراط ثابت دارد و حضرت باقر ع منقولست هر که ضبط نماید خود را در سه حال خواهش و ترس و

غضب خدا بدنش را بر آتش حرام گرداند و از رسول خدا ص منقولست که هر که در مصیبت فرزند صبر ... جزع کند

آتش جهنم برای او حرامست و فرموده هر کار ... علم نماند روز قیامت ... حامل او خواهد بود از آتش

بهر حسنه شهری گشاده ... بار باذکرام ... کسی گفت ... داخل بهشت کند فرمود تحقیق از

صحیح

مانی کرد و حبیب پیغمبر را بذل طعام است و افشاء سلام و حسن کلام و اعمال خیریه در این باب بسیار است

حضرت صادق ع فرمود هر که خواهد خدا او را در شمار رحمت خود بدارد روزی که غیر از پناه او پناهی نیست تا سه بار پس مر او

حضرت مانع شد از سؤال آنگاه فرمود پس باید مهلت دهد معسر را و چیزی از حق خود برای او واگذارد و باید دانست

صاحب این اعمال احسان کرده حق نعم با وجود گناهان بسیار از دوزخ ایمن خواهد فرمود صاحب اعمالی چند هم با وجود مسلمانی

بسیاری از نور بهشت محروم شده از شومی کردار خود البته مستحق جهنم خواهند بود از جمله اعظم آنها اهانت

و سهل انگاری با داب نماز است رسول خدا فرمود هر که محافظت بر نمازها ننماید نیست در [illegible] او را [illegible]

و سعی ننمائید و در این اخبار گذشته در احادیث از آنحضرت و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السلام این معنی منقول

شده که هر که تأخیر کند نماز عصر را تا آفتاب زرد یا غائب شود روز قیامت خواهد آمد [illegible] از اهل و

و در تفسیر این حضرت صادق ع فرموده باید که بی اهل و مال خواهد بود و داخل بهشت هم اگر باشد مهمان اهل بهشت

بود و خود سنی نخواهد داشت و هنگام وفات جمیع اقارب خود را جمع نموده فرمود که نمیرسد شفاعت ما

نمیرسد کسی را که نماز را خفیف شمارد و سبک بجا آرد و از بدترین افعال و سبک داشتن نماز این است که بعمل

علم کند بآداب و مقدمات و مقارنات با دانسته محافظت بر آنها ننماید و گذشت حدیث حضرت باقر که رسول خدا

[illegible] که سجده نماز را سبک و بی تأنی میکرد فرمود مثل دانه برچیدن کلاغ سجده میکند اگر بر این حال بمیرد بر

غیر دین من مرده و باحادیث بسیار نماز بی دل مقبول نیست و در صحیح حضرت صادق ع فرماید که چون نماز بدر

قبول نرسد بلکه بالا میبرد حق تعالی [illegible] باید رد کرد از آن برنگردد پس او را در روی میزنند [illegible]

[illegible] از علی که همیشه مرا ضایع میداری و در صحیح حضرت باقر ع فرمود که نمازی نیست کسی

[illegible] نماید و در صحیح حضرت صادق ع از آبای کرام خود از رسول خدا که بهم سایگان مسجد فرمود

[illegible] مفارقت جماعت را و الا امر میکنم علی را که آتش زند با ثبات و خانهای ایشان و از آنحضرت ذکر فرمود

[illegible] هر که اذان جماعت را بشنود و از مسجد بیرون رود بی عذر منافق است مگر بعزم رجوع و بروایت ابن [illegible]

[illegible] هاشم بحرانی منقولست فرمود ما منزد من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با هفتاد

هزار ملک پس گفتند [illegible] با محمد ص پروردگار تو [illegible] که هر که [illegible] با مفارقت جماعت [illegible] بوی بهشت

و اگر بیش از عمل اهل زمین دارد که هیچ عمل خیری و توبه او قبول نکنیم یا محمد تارک جماعت صبح و شام می کند

در لعنت و غضب الهی باشد یا محمد دعای تارک جماعت را مستجاب نمیکنیم و نمی‌شنویم رحمتی و ثنای [illegible]

و بهشتی نباشد و رحمت و اگر مریض شوند عیادت ایشان مکنید و اگر بمیرند بجنازهٔ ایشان حاضر مشوید فرمود تارک
جماعت ملعونست در تورات و انجیل و زبور و فرقان و هرچه در زمین است ورا لعنت میکنند و بعضی اخبار عقوبات
ترک جماعت در اواخر عین هفتم تعقیب فضائل جماعت مذکور شد و از امیر المؤمنین ع مرویست که هنگام رحلت ام
فرمود باثبات ده امر که مستمر ماند تا قیامت تا خلایق اول عالم محله و اخر بنیر وضع کنند تا مردم را علم امور دانند
بخانهٔ تارک جماعت نبند و هر که حرفه بیان بند در مسجد بیرونش کنند و طبیب صلاح جنگ را اذن ندهد و شارب
خمر ادر مرتبهٔ سیم و چهارم بسوزانند و مال بخیل را فروخته در وجوه لازمه صرف نمایند و با هر که اول نماز صبح
از قرائت بخواند مجانست نمایند و زنی اگر بی رخصت شوهر بیرون رود و تادیبش بد کنند و همچنین فرزندها
و جوانی اگر کاری کند بمشاورت پیری و جمعی دیگر در احادیث متواتره و معتبره وارد شده که بهشت بلکه بوی بهشت که از
پانصد ساله راه میرسد حرام است بر ایشان قاتل مؤمن و منکر و فخر کننده و حبس کنندهٔ مهر زنان با حق و مؤمن تا ماه
نیم با اجرت مزدور و عاق پدر با مادر و قاطع رحم و نخاس و حریص و بدخو و غیر اینها چنانکه تعقیبها مذکور
شد عَیْنٌ دُونَ زُهَیْرٍ در اجزاء اینجه بر حمد و دل و زبان نفاسة صدقی نام جاری شود از رشحه از طوفان
عقوبات و عذاب نیران جهنم و رشحه از عذب فرات مثوبات و لذات جنات نعیم و از این عین چون چشم اهل
بصیرت و دل ارباب بر بحر سمت جریان یزیر وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا
مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً بحر اول در اینجه منفجر گردد از جانب سینه
قلم سیبره قسم از نبعه از اهوال پر ملال اهل جهنم و کرده از کدورت اهوال معصیت و ضلال و شدت نکال
روسیاهان در آتش دوزخ پر ظلمت و وحشت والله تعالی العادل الجبار يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ
وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ
مَا يُؤْمَرُونَ یعنی ای مؤمنان حفظ نمائید نفسهای خود و اهل اصحاب خود را و منعیشت و موعظه خود را از آتشی که هیزم
آن از مردم و سنگ کبریت موکلند بر آن ملائکه درشت شد بد که نافرمانی خدا نمی کنند هرچه بفرمایند
در بعد بیاهل دوزخ که نافرمانها کردند حضرت باقر ع میفرماید اهل جهنم فریاد کنند مانند سگان و گرگان از شدت
عذاب چرکهان داری بکرو که مرتبه ندارند تا خلاص شوند و عذابشان سبک نشود و در میان آتش تشنه و گرسنه
کر و کنگ و کور باشند روسیاه و محروم و نادم و غضب کرده پروردگار خود ترحم بر ایشان نکنند و آتش بر ایشان
افروزند و از حمیم جوشان و زقوم عوض آب و طعام بر ایشان بخورانند و با عمودها آتشین ایشان را بزنند و

کرزهای آتش بر سر ایشان میکوبند و ملئکه لیسا غلیظ و شدید که نافرمانی خدا و رحم نمیکنند ایشان
شکنجه دارند و بر روی در آتش کشند و با شیاطین با غل و بندها مقید سازند اگر دعا کنند مستجاب
نشود و هر کاه حاجت بطلبند روا نشود این است حال جهنمیان وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم
مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا و روز قیامت ببینند گناهکاران مقابل آتش دوزخ را و جزم نمایند
با فتادن در آن و مفرّی نیابند و حضرت با مرء پیغمبر صلی الله علیه وسلم گر آتش شما جزئیست از هفتاد جزو آتش دوزخ که
هفتاد بار از آب خواموش کرده اند بازافروخته و الا هیچکس طاقت نزدیکی آن نداشت بلکه جهنم
بعضی آتش خواهند او زدنا ص لحظ برو آن بکذارند پس جهنم فریاد کند منتشر و گرد که جمیع ملائکه مقرب
و انبیا مرسلین از هول و بیم آن بزانو در افتند و استغاثه کنند تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا
وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ خواهی دید با محمد ظلم کنندگان را دیکر ترسان از جزای آنچه کسب کرده اند و آن واقع شدنیست
بایشان پس نفع بحال خود نخواهند داشت و درد نیا که نفع دارد ترس ندارند و آنها که ایمان و عمل صالح دارند
در باغهای بهشت برای ایشان مهیا آنچه خواهش نمایند نزد پروردگار خود این است دولت کبری و سعادت
عظمی که خدا بشارت میدهد چنان بندگان خود را که ایمان در عمل صالح داشته باشند كُلُّ نَفْسٍ بِمَا
كَسَبَتْ رَهِينَةٌ تا آخر آیات یعنی هر کس رهن آن عملی است که کسب کرده تا از عهده کار خود در نیاید آزاد
نمی آید مگر مؤمنان در بهشت سؤال خواهند کرد از گنهکاران که چه چیز شما را بجهنم برد گویند نماز نمی
گزاردیم و اطعام مساکین نمینمودیم و در باطل غوص و غلو میکردیم و بروز جزا تصدیق نمینمودیم الَّذِينَ
يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ تا آخر یعنی آنها که طلا و نقره را ذخیره میکردند و خرج نمیکنند در راه خدا
پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه آن مالها را در آتش جهنم گرم و داغ میکنند با آنها روها و
پهلوها و پشتهای ایشانرا این است آنچه ذخیره کرده اید پس بچشید آنها را وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ تا آخر یعنی
وای بر حال هر که طعن و تحقیر نماید بفقرا که جمع و جا میکنند مال را که مکرر میشمارد پندارد که همیشه مال او
را باقی دارد نه چنین است انداخته خواهد شد در حطمه و چه میدانی چیست با محمد حطمه آتش الهی است
افروخته بجهت آنکه میرسد بدلها و آنها را سوخته بعد رسیدگان بر اینها خالطه بوده محبوس شوند در عمودها
کشیده و بعد از حکایت نمودند شیطان گمراهی یعنی آدم را بار و وعده باطل میفرماید وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ تا آخر یعنی
هر که دوست خود را اطاعت کند شیطان را که چنین عمل در گمراهی او نموده پس بتحقیق که خسران عظیم و زیان پایان

رد که فریب او را خورد و گمان او را در حق خود راست نمود چنانچه گفتا جهنم است که خلاصی از آن نمی یابند و

اما که ایمان و عمل صالح دارند نمود باشد که ایشان را داخل کنیم به بهشتهای چند که از زیر عمارات و اشجار آنها نهرهای

آب روانست همیشه متنعم و در نعیم باشند و در آنجا ابدالآباد و وعده الهیست که خلاف نمیدارد که نیست که از خدا راست

گوتر است این است کار بهشت و دوزخ بار دیگر یکی هر کس عمل بد کند جزا بد یابد اِنَّ الْمُجْرِمِیْنَ فِیْ عَذَابِ جَهَنَّمَ تا آخر

آیات یعنی بتحقیق که صاحبان جرم و گناه در عذاب جهنم خواهند بود همیشه با مدتهای مدید تخفیف داده نخواهد شد

عذاب ایشان و مأیوس شوند وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ ما ظلم نکردیم بر ایشان بلکه خود بر خود ظلم کردند که با این همه آیات و مواعظ

خداوند مشفق خیرخواه و پیغمبر غمخوار و مهلت بسیار آگاه نشدند خیر خود قبول نکردند وَنَادَوْا یَا مَالِکُ

استغاثه کنند بمالک که عرض کن خدا ما را بمیراند گوید بدرستی که شما در این عذاب بسیار مکث خواهید نمود و بعضی

احادیث فاصله جواب مالک از عجز و استغاثه ایشان هزار سال خواهد بود پس گوید پروردگار خود را بخوانید

که از خدا رحیم تر نیست گویند پروردگارا شقاوت بر ما غالب شد ما را بیرون آر اگر باز بکنیم البته ستمکار باشیم

جواب رسد که ساکت شوید ذلیل باشند و بروایت ابن طاوس چهل سال فاصله این جواب را خواهد گفت و سید رضی الله

عنه و عنا برحمته بعد از این دو آیه فرموده که پس در این هنگام مأیوس شوند از پروردگار عالمیان که در دنیا که از همه

چیز کمتر و پستر بود نزد ایشان و مدت العمر خواهش خود را ترجیح میدادند بر حق تعالی و بعقل و نقل راه رشد و هدایت

را با ایشان نموده بود و گفته بود که چنین بلاها ابله و نکال و احوال عظیمه خواهید افتاد و بجز در زدن نوبه

وعمل ثمر بیشه خواهد شد ابدالآباد و در اوقات تند که بنا بایشان نموده بود بزبان حال فصیح که بر فرضی که

شما نمیدیدید کتابها و پیغمبران و مؤمنان و حجتها نکنند در این مقال با احتمال هم نمی دهید که راست

باشد پس چگونه از آن اعراض نمودند و لذات اعراض مینمائید و خواطر جمع مشغول لهو و لعب میباشید خدا همه را

از خواب غفلت بیدار کند بحق محمد و آله الطاهرین بر اهل معصیت نفیها نموده اند

دستهای ایشان را غل و زنجیر کرده و بر بدنهای ایشان پیراهنها از مس گداخته و جبهها از آتش بر بدن و بسته اند در

عذاب گرفتار که گرمای آن بنهایت رسیده و در همه جهنم را بسته اند هرگز نسیمی داخل نشود و غمی از ایشان برطرف نشود

و عذاب ایشان پیوسته شدید و عقاب ایشان هموار جدید نه خونابه ایشان فانی شود و نه عمر ایشان برابر تا نمایند استغاثه کنند

که از خدا بطلبند تا بمیراند گویند شما در این عذاب باید خواهید ماند و از رسول خدا منقول است که گریه کنید اگر نیابید

بتکلف گریه کنید که اهل جهنم چندان گریه کنند که اشکشان فانی شود بعد از آن خون بگریند تا در رخسارهاشان شکافها

بلغ

بر روی ایشان

بهم رسد پس اگر کشتیها انداخته شود در اشکهای ایشان هر آینه جاری گردد بعد از آن فرمود ساکنان اهل دوزخ هر تشنه آب

طلبند ایشان مرگ طلبند و هر چند رخصت خواهد مگر ایشان که مرگ خواهند و هرگز چون خواهند ایشان مرگ خواهند

بروایت اول بخازن جهنم استغاثه نمایند بتفصیلی که در آیه دیگر مذکور است که جلابید انحذا که بگرهند عذاب ما را یخفف

فرشتها گویند آیا در دنیا پیغمبر شما موعظه و آیات بشما نیاورده گویند بلی ملائکه گویند پس خود دعا کنید و عرض قطع

توقع ایشان نند ... لقد جئناکم بالحق آنچه خبر خواهی و لازم مصلحت بود بشما رسانیدیم اما اکثر شما خود را

ناخوش داشتید ام ابرموا امرا فانا مبرمون آیا ابرام و اصرار میکنند در معصیت و نافرمانی و تقصیر و تاخیر توبه

و پشیمانی و بازگشت بجناب اقدس رحمان پس ما هم ابرام میکنیم در عذاب هر چند جزع نمایند و بروایتی بعد از هزار سال

جزع میکنند صبر باعث فرج میشود در دنیا پس صبر نمایند هزار سال و تخفیف نه بینند گویند سواء علینا اجزعنا

ام صبرنا ما لنا من محیص صبر کنیم یا جزع کنیم خلاصی نداریم پس نومید شده تشنگی و غذا استغاثه و عجز نمایند هزار سال

انگاه ابری سیاه دیده باران پندارند پس ببارد بر ایشان عقربها بقدر استرها که درد گزیدن آنها تا هزار سال

ساکن نگردد و بعد از آن باز تضرع و استغاثه کنند هزار سال تا ابرها بر سر ایشان ببارد ماران مانند گردن

شترها که وجع زهر آنها هزار سال بماند و این است معنی کلام الهی زدناهم عذابا فوق العذاب و بروایت دیگر که

بزرگی بر سر ایشان ببارد که کلها ایشان کوبیده از زبرها مدرود ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لکل

باب منهم جزء مقسوم یعنی بتحقیق که جهنم البته وعدگاه جمیع گمراهان و کینه کاران است از هفت در است برای هر دری

حصه از ایشان مقرر و قسمت شده مرویست که چون این آیه نازل شد رسول خدا بجبرئیل فرمود که وصف کن

برای من احوال جهنم و اهل هر باب را گفت از هر دری تا دری دیگر هفتاد ساله راه است و هر دری هفتاد گرم تر شدید

هفتاد بار از در بالا است اول هاویه جای منافقین و کفار و فراعنه دوم جحیم مسکن مشرکین

سیوم سقر مقر صابئین چهارم لظی مکان ابلیس و اتباعش و مجوس پنجم حطمه منزل یهود ششم

سعیر مکان نصاری و چون بهفتم رسید جبرئیل ساکت شد حضرت فرمود خبر ده مرا از هفتم یا جبرئیل

عرض کرد که در آنجا اهل گناهان کبیره از امت تو خواهند بود که بی توبه بمیرند در حال آن حضرت بیفتاد بر رو

افتاده بیهوش شد پس جبرئیل سر مبارک آن حضرت را در کنار گرفت تا آنکه بهوش آمد فرمود

یا جبرئیل عظیم کردی مصیبت و اندوه مرا آیا احدی از امت من داخل جهنم خواهند شد و گریست بسیار گریستن شدید و جبرئیل هم

گریان کرد بعد حضرت تا چند روز کسی را پیش خود راه نمیداد و بیرون نمی آمد مگر برای نماز و با هیچکس تکلم نمیفرمود

بتحقیق

و چون شروع بنماز میکرد گریه و تضرع مینمود و اصحاب بر حال آنحضرت میگریستند و نمیدانستند چه نازل شده و علی علیه السلام
غایب بود تا ملتجی شدند بحضرت زهرا صلوات الله علیها که هر وقت او را میدید شاد میشد پس بدر خانهٔ آنحضرت آمدند
در حالتی که جو آسیا مینمود و میفرمود و ما عند الله خیر و ابقی چون قصه را شنید چادر مبارک بر سر کشید که دوازده جا
از لیف خرما بهم پیوسته داشت و گریست بر حال قصه آنجناب بعضی اصحاب و چون وارد آنحضرت شد عرض کرد که یا نبی
فلان زاکه تعجب میکنند از لباس من بخدائی که ترا بحق فرستاده که پنج سال است که نیست من و علی را مگر پوست میشی
که روز شتر خود را بر آن علف میدهیم و شب فرش میکنیم و بالش ما از پوستی است پر از لیف خرما این سخن پیغمبر
و مفتخر با فتخار الفقر فخری لنفسها بان شخص نمود و فرمود واگذار دختر مرا تا شاید بسبب داخل خیل سابقین گردد چون
بعد آن پدر بزرگوار خود رسید دید که از بسیاری گریه و شدت اندوه رنگ مبارکش متغیر و زرد گشته و گوشت
رخسار شریفش گداخته و روایت است که اشک از بسیاری گریه که در سجده نموده زمین گل شده که بریان شد و گفت جانم فدای تو باد
چه چیز ترا بگریه آورده فرمود چون گریه نکنم که جبرئیل آمد و گفت خبر ده مرا از بلیات آن فرمود در آن هفتاد
هزار کوه از آتش است و در هر کوهی هفتاد هزار وادی آتش و در هر وادی هفتاد هزار شکاف از آتش و در
هر شکافی هفتاد هزار هزار قصر از آتش و در هر قصری هفتاد هزار خانه از آتش و در هر خانه هفتاد هزار
هزار تابوت و در هر تابوتی هفتاد هزار هزار نوع از عذابها که در اینحال فاطمه صلوات الله علیها مدهوش
و بیخود در افتاده و میگفت وای وای بر کسی که داخل آتش شود و چون بهوش آمد پرسید ای بهترین خلق خدا
برای کیست این نوع عذابها فرمود برای هر که نماز را ضایع گذارد و متابعت شهوات و خواهشهای نفس شوم نماید
و بدانکه این نکته در رکات جهنم است پس اصحاب بیرون رفتند هر یکی نوحه میکردند و بعضی میگفتند کاش از
مادر زائیده نمیشدیم و ذکر جهنم نمیشنیدیم عمار میگفت کاش در بیابانها مرغی بودم و بر من حساب و عقابی نبود
سلمان به بقیع رفت چون اهل قبور را دید سر بسنگی بلند نوحه و زاری میکرد که آه از دوری سفر و کمی توشه
در سفر قیامت با آن حساب و عقابی که در پیش است پس بلال باو برخورده پرسید چرا سبب گفت وای بر من
تو با بلال هرگاه بهشتیان باز گشت ما بعد از لباس پنبه و کتان بجامه‌های آتشین باشد وای بر من و تو ای
بلال که بعد از مصاحبت زنان و تن شیاطین باشیم در غلها وای بر من و تو ای بلال هرگاه بهشتیان
بمار از حمیم و زقوم جهنم پس فاطمه صلوات الله علیها پرسید که چگونه داخل آتش جهنم خواهند شد فرمود ملئکه
ایشان را میزنند بسوی آتش و مثل کفار رو سیاه و کبود چشم نبیند و در زنجیرها زنند گفت چگونه میکشند ایشان را

فرمو

فرمود مردان اند بیشتر ایشان و زنان از گیسوی موهای پیشانی ایشان با صاحب موی سفید از امت من که بکشندش
بسوی جهنم وا و فریاد کنند که وا شیبا و اضعفا و بروایت ابن عباس اول کسی که داخل بهشت میشود بعد از پیغمبران امت منند
و اول کسی که داخل آتش شود از این امت من نخواهد بود و چون رسول خدا امت مبتلا که دست و پا سفید اند از اثر وضو
خدا تعالی فرماید غایب کنید ایشان را در روز قیامت چون آنحضرت داخل بهشت شود خدا فرماید که ببرید ایشان را
بسوی مالک دوزخ و چون مالک ایشان را ببیند که بصورت کفا منح و بصورت شیاطین بوده بر آتش کشید صفوف
شد تعجب نموده خطاب کند که شما چرا مبتلا ایشان از صولت مالک هراسان و سراسیمه شد از هیبت او نام محمد را
فراموش کنند گویند که ما از امتی بودیم که بر ایشان نازل شد قرآن و روزه ماه رمضان مالک گوید قرآن نازل شد
مگر بر محمد الیم در قرآن چیزی نبود از موعظه که منع کند شما را از نافرمانی و معصیت الهی پس ندا رسد بمالک که
اینها را از بالای زبن در دهای جهنم داخل کن و چون نظر کنند بسوی آتش که زبانه میکشد جزع و التماس کنند بمالک که
ما را این قدر مهلت ده که ساعتی بر حال خود گریه کنیم آنگاه فوج فوج زار زار نوحه کنند که چه گونه صبر کنیم در آتش
و حال آنکه بر گرمی آفتاب صبر نداشتیم پس چندان گریه کنند که فانی شود اشکهای ایشان و بعد از آن خون گریه
کنند و در این حال مالک گوید چه نیکو بود که این گریهها در دنیا میکردید که فایده میبود پس اگر از
خشیت الهی گریه در آنجا میبود اصلا ایشان آتش نمیرسید و ایشان در نوحه و گریه باشند که باز ندا رسد که یا مالک
داخل آتش کن ایشان را از بالای ابواب جهنم پس ملائکه گویند ببینید اینها را در آتش ناگاه پیر از پیشتر و
جوانان از ریش و زنان از پشت سر آمدند نعوذ بالله بآتش انداختند هر چند همگی فریاد یا محمداه یا احمداه یا ابا
القاسما بر آورند کسی نشنود و بروایتی چون بدوزخ افتند یکبار گویند لا اله الا الله آتش دور شود باز نند
بآتش زنند آتش گوید چگونه ترکنم لا اله الا الله میگویند گوید بگیرید روی ایشان مسوز که سجده الله میکردند فرمان
ایشان را که در ماه رمضان تشنگی و گرسنگی کشیده اند و نه جگر که بداغ اولاد صبر نموده پس در دوزخ بمانند تا وقتی
که خدا خواهد پاک شوند و قابل هم نشینی پاکان و نیکان گردند و با حادیث متفرقه رسول خدا صلعم در شرح
احوال بعضی از اهل دوزخ که مبادا و شما او سر زنو بروایتی چهل روز را هشت وند اینها یک کوه
احد گیرند که پوستش چهل و دو گز نشیمنش بمسافت مکه تا مدینه و زبانش کشیده یک فرسخ و دو فرسخ پا ما
مردم و کباب کند از آتش جهنم و لب بالا تا میان سر کشیده و لب زیر تا ناف کشیده سر شان مانند کوه بزرگ و
چشم گربه مثل چاههای معطله و مو مانند نیزهها درشت صدای فریاد شان مانند نعره خران در هر انگشتی دو

از آتش نفس او است بالحمیم عیشها و بالمهل یجلی به و تجرجر حولی من زقومها ملبثهم بن کرامتی هشتم فقد
ندمت لکم بالوعید چهارم ما یبدل القول لدی و ما انا بظلام للعبید و این هم مضمون قرآن
پنجم طعامکم الزقوم و شرابکم الصدید ششم ابعدکم ابلیس فغرکم الشیطان هفتم لا مرحبا
لکم و لا امرا هشتم سحقا لاهل النار و بعدا لهم من الملک الجبار لهم اسودت وجوهکم و غبرت سنکم
دهم حرام علیکم زیارتی و استماع کلامی و فرمود اگر در این مسجد هزار نفر باشند و اثر نفس یکی از اهل
جهنم با ایشان رسد هر آینه مسجد و هر که در آنست بسوزد و در جهنم مارها هست بکلفتی گردن شترها که در گزیدن
آنها چهل سالی ماند و همچنین عقربها و بروایت مجاهد در جهنم عقربهاست مانند استران که گزند بگیرند آتش
و بروایت ابن عباس طول هر ماری سه روز راه است بانیشها چون نخل میگزند اهل جهنم را و آب جمیع پوست و گوشت را از
استخوان میکشند و چون میگزد می افتند در هر نهری از نهرهای جهنم که چهل سال فرو میروند و بروایت دیگر فرمود
که جبرئیل بزمین لرزان از بیم الهی گفتم یا جبرئیل این چه خوف عظیم است گفت ای محمد آن خدائی که ترا
به پیغمبری فرستاده که نخندیده ام از وقتی که خدا جهنم را آفریده و سزاوار نیست کسی که بداند جهنم چیست
و عذاب الهی شدید است که دیده او روشن شود تا وقتی که از آن ایمن شود گفتم وصف کن گفت یا محمد زمین
آن از سرب و سقفش از مس و دیوارهای آن از گوگرد است و بروایتی چنین یاد کرد که هر گاه از حلقهای جهنم مثل
سوراخ سوزنی بسوی مشرق باشد دماغ آنکه در مغربست سیلان کند و اگر یکی از اهل جهنم را بدنیا بیارند
همه اهل دنیا بمیرند از رؤیت زشتی او و ابو بصیر گوید عرض کردم بحضرت صادق که بترسان مرا از عذاب الهی
که دلم بسبب قساوت گرفته فرمود یا ابا محمد مستعد شو برای زندگی دراز که آخر
ندارد و فکر و تهیه زاد در سفر نما بدرستی که جبرئیل آمد روزی بخدمت رسول خدا ترش رو
و آثار حزن و اندوه از او ظاهر و پیشتر همیشه خوشحال می آمد حضرت سبب پرسیدند گفت امروز دمهای
آتش ساکن شدند فرمود دمهای آتش چیست گفت یا محمد حق تعالی فرمود میدمیدند بر آتش جهنم هزار سال
تا سفید شد و هزار سال دیگر تا سرخ شد پس هزار سال دیگر تا سیاه شد اکنون سیاه و تاریک است و
اگر قطره از ضریع که عرق اهل جهنم و چرک فرج زناکارانست و در دیگهای جهنم جوشانیده بجای آب بخورد
گنه کاران میدهند و اگر قطره از آن بدریاهای دنیا بچکد همه اهل دنیا بگندند و اگر حلقه از اهل آتش
را بر زمین گذارند اهل دنیا از گرمی آن هلاک شوند پس حضرت و جبرئیل هر دو بگریه افتادند از خشیت

و بکر بیدرا صد هند تا ملکی نازل شد که پروردگار شما را سلام میرساند و میفرماید که من شما را بخشیدم اینها

موجب عذاب میشند پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که آن روز اهل آتش عظمت جهنم و عذاب الهی را خواهند دانست

و اهل بهشت عظمت بهشت و نعیم از او چون کفار را از داخل جهنم میکنند هفتاد سال سرنگون میکنند تا خود را

بپایان جهنم میرسانند پس ملائکه گرزهای آهنی بر کلهای ایشان میکوبند تا بقعر جهنم بر میگردند پس پوستهای تازه بر ایشان

میپوشانند تا اثر کند پس ابو بصیر فرمود آیا کافی است مرا گفت بلی و در صحیح دیگر فرموده از آنحضرت که شب معراج در راه

صدای مهیبی شنیدم که ترسیدم جبرئیل فرمود این سنگی بود که از هفتاد سال پیش از این از کنار جهنم انداخته بودند

حالا بته رسید پس بعد آنحضرت خندان ندیدند تا رحلت و فرمود چون داخل آسمان هفتم شدم ملکی دیدم

از او عظیم‌تر ملکی ندیده بودم با هیبت منکر غضبناک پس متعجب شدم که ملائکه بشاشت بمن نمودند او ننمود

ولیکن نمیخندید از جبرئیل پرسیدم این کیست که اندیده این بیبات هیبتم گفت بجا است که از او بترسی ما

از او میترسیم این است مالک خازن دوزخ از روزی که خدا او را والی جهنم کرده هر روز خشمش بر دشمنان

خدا و اهل معصیت زیاده میشود برای انتقام از کفار آنحق تعالی از ایشان پس فرمود پس برای سلام کردم و مرا

بهشت بشارت داد گفتم ای جبرئیل چون همه اهل آسمانها او را اطاعت میکنند بفرما دوزخ را بمن بنماید پس

پرده بر گرفت و دری از درهای جهنم را گشود ناگاه زبانه آتش بلند شد و ساطع گردید و چنان بخروش آمد که هراسان

و ترسان شدم پس گفتم بجبرئیل که بگو پرده را ببندد و فرمود سلسله زنجیر اهل جهنم در هر ذراعی جمعیت کرده اند

دو نعل آتش در پای او باشد که از شدت حرارتش مغز دماغش مانند دیگ در جوش باشد پندارد که از

جمیع اهل جهنم عذابش سخت‌تر است و قریب باین معنی حدیث نبوی وارد شده است و فرموده تلوثی در

در جهنم کنده اند هفتاد هزار خوابه است در هر خانه هفتاد هزار حجره و در هر حجره هفتاد هزار مار سیاه

و در شکم هر ماری هفتاد هزار سبوی زهر و جمیع اهل جهنم را کنار بر این درها خواهند نمود و ابانت و روایات

در شدت و عقوبات اهل جهنم بسیار است چون صریح و ظاهر در باب کفار بود بهمین اکتفا نمود و بحدیث

طولانی سابق پس چون حکم الهی بپاک کردن اهل نجات از آتش جاری گردد فرماید با جبرئیل بدریچه کارند

عاصیان امت محمد که بدالهی نوبت آنها نرسیده فرماید بر حال ایشان نظر کن پس مالک دوزخ بر منبری در وسط

جهنم نشسته باشد که ناگاه برخیزد بتعظیم جبرئیل و از سبب آمدنش سؤال کند جبرئیل گوید چه کردی با گنه‌کاران

امت محمد گوید چه بسیار بد است حال ایشان و تنگ است مکانهای ایشان سوختند تن جهنم جسدهای ایشان عمر

و دلهای ایشان که نور ایمانی در آنها میدرخشد پس سرپوش جهنم را بردارد نظر شان بجمال جبرئیل افتد و دانند
که از ملائکه عذاب نیست بپرسند از مالک که این کیست گوید جبرئیل وحی آورنده بمحمد مصطفی ص چون نام محمد را بشنوند
همگی فریاد بر آورند که یا جبرائیل محمد مصطفی از ما سلام برسان و بگو که گناهان ما ما را جدا انداخت و محروم ساخت
از خدمت تو و خبر کن آنحضرت را باین بدحالی ما پس چون جبرئیل بمقام عرض میکند فرمان رسد که برو پیغام ایشان را
برسان و بروایتی از بعضی ناله کنند و فریاد یا محمداه یا ابا القاسماه ای پناه بیوه زنان وای فریادرس ضعیفان
و بیچارگان یا فخر قیامت یا شفیع منت ما ضعفاء امت تو ایم بفریاد برس ای مالک ما امت محمد ایم خانه صبر ما اثر
ویران شد و تاب طاقت بما نماند پس چون مالک شدت استغاثه و شدت عذاب ایشان بیند که
بنهایت رسیده ترحم بدلش افتاده متوجه جنابگردد پس دستهای خود را بگوش نهاده مانند مؤذن
بلند فریاد کند که یا محمد تو در بهشت بتنعم و تعیش و کامرانی مشغولی و ضعفاء امت تو در جهنم بتو استغاثه
و بتو تشفع میجویند برس بفریاد ایشان چون صرصر این خبر محنت اثر گل گوش گلش رسالت وا شد تا چون
مقام محمودی شفاعت افسرده سازد با دل حزین پر خار غنچه وار بهزار نوحه و زاری خود را از گلبن بهر عزت
و کامگاری در پای عرش باری بحالت سجده و خاکساری اندازد پس طوطی ناطقه را مشغول ثنا و ستایش فرمایند
که در آینه خیال احدی مثال آن نقش نبسته باشد آنگاه نسیم لطف الهی و روح رحمت با حکمت نامتناهی جبین آن گل
عزت بخاک مذلت امت بر شقاوت افتاده را چنین از خاک بردارد و بلطف این روح آن سرور را بر اعز افزاید
فرماید که سر بردار و سؤال کن تا عطا کند غفار و شفاعت کن تا قبول نماید پروردگار پس بعد از شفا
از کمال الاهتمام خود بنفس نفیس بسوی مالک دوزخ روان شود و چون ابر رحمت سایه مرحمتش عرصه دوزخ
را رشک باغ فردوس سازد و نظر ظلمت منظر امت جفا کار بنور جمال آن مشفق وفادار منور گردد با
سینه صد چاک و دل دردناک همه یکبار صداها بلند کردند و فریاد یا محمداه از حضیض دل دوزخ شرار
باوج دار السلام سمع سید ابرار رسانند و مانند نامه سیاه خود سرها با زبان گسسته شکوه حال شان
نمایند پس آنگاه بدست شفقت و مهر همه را از جهنم بیرون آورد و حال آنکه از تاب آتش انتقام برشته و از
وبال اعمال بد خود زغال گشته باشند پس بنهر در بهشت حیوان که از عرفها اهل بهشت بیرون می آید غسل
نموده و چون ماه در آیند و گوشت و خون و مو بر آرند و نوشته باشد بر پیشانیهای ایشان که از جهنمیهاست
آزاد کردهای رحمن از آتش آنگاه داخل بهشت شوند در این حال سایر اهل دوزخ گویند کاش ما هم مسلمان

بوده‌ام و اینست معنی کلام الهی ربما یود الذین کفروا لو کانوا مسلمین یعنی بسی آرزوها کنند کفار کاش مسلمان
میبودند تا آخر بعد از پاک شدن از جهنم در آمده و داخل بهشت میشوند و منقولست که رسول خدا صلعم بعض
اصحاب خود را وصیت میفرمود که مهیا شوید برای روز قیامت پس شروع کرد در شمردن عقبات از روز و گریه شدیدی
کرد پرسیدند که یا خدا امت را بآتش عذاب خواهد کرد فرمود بآن خدائی که غیر او خدائی نیست اگر میدانستم
که حق تعالی امت مرا عذاب نخواهد کرد قطره اشک از چشم من بیرون نمی‌آمد بلکه چرا غم داشتم بتحقیق که آخر
ملتی که امت من در آن خواهند ماند هفتاد هزار سال است تا آنکه زغال گشته باشند بعد از آن بیرون خواهند
آمد آنگاه درگاه جهنم بسته میشود بر اهلش و بصحیح حضرت باقر ع میفرماید که آخر کسی که از جهنم بیرون می‌آید مردیست
همام نام عمری فریاد کند در جهنم که یا حنان یا منان و بروایت ابن عباس آخر کسی که بیرون می‌آید از این امت بعد
از هفت هزار سال است بعد از چهار هزار سال فریاد زنند یا الله یا الله یا حنان یا منان هزار سال با حق
بانیوم هزار سال بعد از آن حق تعالی میفرماید یا مالک بنده من میخواند در جهنم بیار او را بسوی من پس مالک
همی میزند بر آتش که از هیبت مالک بخورد بعضی بعضی را و او را جستجو کند بگوید ای شقی میطلبد ترا جبار او
تضرع نماید که بگذار مرا که بیچاره بدست و بپا زده او را بحالتی که از بیم بمشابه ماهی میلرزیده باشد پس حق
میفرماید ای بنده من آیا بیاد نداری برای تو گوش و چشم و فلان و فلان اشتها دادم و از شهوتهای دنیا دادم
گوید پروردگارا آتش از این خجالت بهتر بود فرماید برگردانید بآتش آن بیچاره بحضرت ملتفت شده گوید
ای پروردگار من این گمان را نداشتم بلکه گمان کردم که بعد از بیرون آوردن باز دیگر واپس بدوزخ نخواهی
فرستاد آنگاه او را داخل بهشت گرداند و حضرت باقر ع میفرماید مکث کند در آتش هفتاد سال بعد از
آن سؤال نماید که بحق محمد و اهل بیت او که مرا ترحم کن پس وحی رسد بجبرئیل که بیرون آر بنده مرا پس بیاید او را
درحالیکه برو در افتاده باشد و بیرون آرد آنگاه حق تعالی فرماید ای بنده من چه قدر مکث کردی در آتش عرض
کند سوگند میدهی گوید احصا نکرده‌ام فرماید قسم بعزت خودم که اگر نه این بود که از من سؤال میکردی البته
طول میدادم خواری ترا در آتش ولیکن حکم کرده‌ام بر خود که سؤال نکند بنده از من بحق محمد و اهل بیت او
مگر آنکه بیامرزم او را و آنچه میان من و او هست مؤلف تبه کار گوید که ظاهر آیات بسیار و روایات بیشمار
دلالت دارد بر اینکه بعضی اهل نجات بآتش دوزخ معذب خواهند شد و استبعاد بعضی جهال ناشی
از غفلت معرفت بعظمت الهی و نافهمی شدت قباحت مخالفت و نافرمانی و بابی نعمتهای نامتناهی هر که از الطاف

تا هزار سال صح

ابدی و مثوبات غیر متناهی مر ذات کبریا استبعاد ندارد از مبین قیاس کن که اگر پادشاهی گدائی را از خاک راه برداشته
زینتش کرده باشد و غرضش آنکه از دولت او بکمال جاه و عزت و جلال رسیده باشد ناگاه بناموس آن پادشاه
خیانت نماید البته اگر پادشاه بقتل او فرمان دهد هیچ عاقلی بعید نشمارد بلکه از اغماض پادشاه تعجب و طعن نماید
با آنکه پادشاه نه خالق او است و نه رازق او پس چه گمان داری بجبار آسمان و زمین و مالک ملک و ملوک دنیا
و دین که از محض قدرت تو را از ظلمت عدم بنور ایجاد منور کرده و خلعت اصطفا و کرامت
بتو پوشانیده و تو را از جمیع مخلوقات برای خود برگزیده و کل ذرات کائنات را از ثری تا ثریا بخدمت تو بازداشته
و بسیاری از ملائکه و بندگان خود را بمحافظت و حراست تو گماشته و بر هیچ حال در اسباب و انواع راحت و
رعایت تو دقیقهٔ فرو نگذاشته و روز بروز بلکه دم بدم در کمال رأفت و داد احسانهای تازه و نعمتهای
بی اندازه بتو داده و تعلیم تو و تمیز دوست از دشمن و تکمیل هدایت و خیرخواهی و عزت و راحت دنیا و آخرت تو
حکمت و قرآن و رسول و کتابها و برهانها بسوی تو فرستاده و در همه احوال شامل بدی که چون پرستار و تربیت و غمخواری
یک فرزند شغلی نداشته باشد بنهایت لطف و شفقت در پی اقبال و رحمت تو و جمیع مرحمت بسوی تو کرده اند
پس چنانکه از هیچ رشد و کمال رسانید دانسته در جزاء این همه احسانها با دشمنان او همداستان شده از کمال
بد شرمی شروع بمخالفت و هتک پرده ناموس محارم او نمودی و بعصیان کوشی و بای جفا و بی نوری راه کدورت
نمودی و صدباره پیمودی هر چند که مدد مزید و رعایت و تجدید ملاطفت نمود و عفو و تماشا و ملایمت فرمود
و صلح و مناجات بسوی تو فرستاده و دعوتهای آشتی و استمالت بر هدایت تو کرده قبول نکردی و باصرار بر ابرام از غایت
بی مروتی چون معاندان در مخالفت و نافرمانی چنان پیمودی که از رحمن کوشیدی و تغافل و تناهی بدین و فهمیده
چشم بصیرت و آگاهی از جمیع لطافت ناشناسی پوشیدی آخر تو بیرون نامی هم از تو راضی و قانع شد تو راضی نشد
حالا خود انصاف ده که با چنین ناپاکی متمرد مزمن را بغیر حدت آتش غضب الهی چه چیز پاک میتواند نمود
و ناهمواری صاحب این دل شد بد رشتی و در سخن چون حد بلند رشت راسوائی شدی سوختها نند خلق
میزان چه سود و بکر گناه مانند زهر است و عذاب چون هلاکت لازم است بعد از آنکه طبیب مهربان
حاذق از تناول زهر بحد تمام منع بلیغ فرماید و آگاه نماید که موجب هلاکت است و تو دانسته و فهمیده
و دیده و شنیده بشربت سهل یافتن زهر بیغم شده بمخالفت طبیب جرأت اقدام نمائی و باغواء موثقت
نفس و دشمنان او و خود بخوردن زهر قاتل قیام و اهتمام نمائی طبیب چه کند و استبعاد از این چه سود دهد

و انواع مؤبدا بانفعال و عذابهای شامل کل حال اینکه بعد از اهتمام کتاب این عبد بتقریب
شهنشاها ضایع کردید چنانکه کرده مسوده هم از آن بر صفحه خیال بماند بعد از تاسف عظیم و حزن بسیار ام کلهی
بتخیل شیطان توهم میشد که شاید باز از خوف مؤمنان که غرض بالذات از تالیف تذکر ایشان است جمعی
باین شدت راضی نبوده لهذا بتحریر ثانیاً سوال با آن جناب اقدس اعلا استشارت نموده بهمین آیه عبرت آیه
اشاره فرموده وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا تا آخر آیه
یعنی بگو حقست از جانب پروردگار شما هر که خواهد قبول کند و هر که خواهد کافر شود که بتحقیق ما مهیا کرده ایم
برای ستمکاران آتشی که احاطه کرده با ایشان سراپردهای آن آتش و هرگاه استغاثه کنند و از شدت عطش آب
طلبند با ایشان دهند چون مس گداخته که بریان کند روهای ایشان را بد آبیست و بد آرامگاهی بدرستی که
آنهائیکه ایمان و عمل صالح دارند ما ضایع نخواهیم کرد مزد کسیکه عمل نیکو نموده باشد و از توریه منقولست که
ای پسر آدم چگونه نافرمانی من میکنید و حال آنکه جزع میکنید از تاب فنا و بتحقیق که دوزخ را هفت طبقه است
و در آن آتشهاست که بعضی میخورد بعضی را از شدت و در هر طبقه هفتاد هزار وادی از آتش نافرمود که پس
ذات اقدس خود سوگند که بنا گزیدم این آتشها را مگر برای کافر و بخیل و سخن چینی و عاق والدین و مرائی
و سودخوار و مانع زکوة و زانی و جمع کننده حرام و فراموش کننده قرآن و آزار کننده همسایگان مگر توبه
کنند با ایمان عمل صالح نمایند پس بر خود ترحم کنید که بدنهای شما ضعیف و سفر دور و بار شما سنگین و مراحل
باریک و منادی اسرافیل است و آتش زبانه میکشد و حاکم پروردگار عالمیانست **مؤلف گوید**
اتفاق بلکه ضروری مذهب شیعه است که جهنم و همچنین بهشت بالفعل موجودند و آیات و احادیث بر این
مضمون بسیار است و شب معراج رسول خدا داخل بهشت و مطلع بر دوزخ شدند و انکار آن از معتزله کفر است
بلی الحال از ماده و بنا مسطور است و روز جزا نزدیک و آشکار خواهد شد و تجدید حضرت امام رضا ع
شد که بعضی میگویند داخل بهشت و دوزخ را مقدر فرموده که خلق خواهد نمود فرمود ایشان از ما نیستند
و ما از ایشان نیستیم و هر که منکر خلق شدن بهشت و دوزخ است تکذیب پیغمبر ما کرده و هیچ بهره از ولایت
ما ندارد و همیشه در جهنم خواهد بود پس استدلال فرمود بآیات و احادیث و بروایت ابن عباس در
از امیرالمؤمنین ع پرسیدند کجاست بهشت و دوزخ فرمود بهشت در آسمان و جهنم در زمین و بروایتی کدام
آسمان و کدام زمین گنجایش بهشت دارد بلکه بالای آسمان هفتم زیر عرش است حضرت باقر ع میفرمایند بخدا سوگند

که بهشت خالی نیست از ازواج مؤمنان از زنان که خدا از او آفریده و رسول خدا فرمود چون حق تعالی جبرئیل را فرستاد
بسوی بهشت که به بیند چیزی برای اهل آن ساخته پس برگشت و گفت قسم بعزت تو که هیچ کس نشنود خبر آن مگر داخل آن
میشود پس محفوف شد بمکاره یعنی مکاره گشته و حکم شد که برگرد بسوی آن چون برگشت گفت بعزت تو سوگند که میترسم
احدی داخل آن نشود پس فرستاد بسوی جهنم گفت بعزت تو سوگند که داخل آن نخواهد شد هر که بشنود خبر آن را پس محفوف و
بشهوتها و خواهشها کردید و امر شد که برگرد بسوی آن چون دید گفت بعزت تو قسم که میترسم کسی نماند که داخل
آن نشود و منقول است که چون جهنم آفریده شد ملائکه ملا اعلی از بیم بسیار مضطرب گردیدند چون بنی آدم مخلوق
شدند شدت و اضطراب ایشان زایل شد پس وای بر حال بنی آدم غافل که چیزی برای او مهیا آمده شاید خدا
شیعیان را از خواب غفلت بیدار کند و توفیق تحصیل نجات کرامت فرماید بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله
علیه و علیهم الی یوم الدین بحر دویم در جواهر برجد و ل خامه مسرت خامه جاری شود از رشحه یعنی آن
روایح طیبات لذات بهجت مؤمنات و مومنات اهل جنات قال الرحمن وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ یعنی وعده فرموده خدای تعالی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بهشتها چند که از پای آنها نهرها روانست
همیشه در آنجا متنعم و مسکنها پاکیزه در بهشتهای عدن و رضوان الهی که شامل حال مؤمنان خواهد
شد بزرگتر از اینها این است فوز و رستگاری عظیم که لذتها و بهجتهای دیگر نظر با این حقیر است وَالَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تا آخر آیه و آنها که ایمان و عمل صالح دارند البته جا
دهیم ایشان را از بهشت در قصرها بلند و غرفهای چند که جاری میشود از پای نهرها همیشه در آنجا متنعمند
بی زوال و ملال است خوشا حال کارکنندگان که صبر کنند بر مشقت عبادت و از معصیت الهی توکل
نمایند بر پروردگار خود و در حدیث معراج است که دیدم خازن بهشت را که هیچ کس مثل آن ندیده هفتاد
هزار ملک در برابرش ایستاده هر کدام هفتاد هزار خادم پرسیدم از منازل امت خود گفت بتحقیق که
حق تعالی بهشت را سه قسمت نموده دو ثلث از امت تو است و یکی از سایر امتها پرسیدم از کلیدها یا محبوب
که پیش بود گفت چون یکی از امت تو تهلیل کنند بنا کند خدا برای او قصری از نور برای او قفلی از نور و کلید
آن بمن سپرده شده تا روز که انجمن وا بند تسلیم او نمایم و ملائکه را دیدم که در بهشت بناها میساختند خشتی
از طلا و خشتی از نقره و گاه گاه دست میداشتند سبب پرسیدم گفتند تا مصالح برسد که قول مؤمنانست در

دنیا سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ تا میگویند بنا میکنیم چون ترک کنند ما هم ترک
کنیم و چون کسی بر من کند شنید بر وی من تبسمی نمود و گفت یا رسول الله امر کن با من خود مسواک و بسجود روزه
و صدقه و گریه که زیاد میشود بمسواک شان صفا دندان ما و بسجود جمال رخسار ما و بروزه فربهی ما و بگریه
ایشان از خشیت الهی شادی ما و انوار ما منقول است با بنی آدم چگونه رغبت میکنند بدنیا فانی و نعیم زایل
نشد که منقطع پس بدرستی نزد من است برای مطیعان بهشتها هشت کانه در هر بهشتی هفتاد هزار روضه از
زعفران در هر روضه هفتاد هزار شهر از مروارید و مرجان و در هر شهری هفتاد هزار قصر از یاقوت و در
قصری هفتاد هزار خانه از زبرجد در هر خانه هفتاد هزار حجره از طلا در هر حجره هفتاد هزار صفه از نقره
و در هر صفه هفتاد هزار مایده و در هر مایده هفتاد هزار کاسه و در هر کاسه هفتاد هزار رنگ طعام
و بر هر صفه هفتاد هزار تخت از طلای احمر و بر هر تختی هفتاد هزار فراش از حریر و دیبا و استبرق و در
هر بهشتی هفتاد هزار نهر از آب حیوان و شیر و شراب و عسل میباشد هر نهری هفتاد هزار رنگ میوه و هر بهشتی
در هر حجره هفتاد هزار خیمه ارغوان و در هر خیمه هفتاد هزار فرش و در هر فراشی حوری از حور العین با
بر هر هفتاد هزار کنیز و بر سر هر قصری هفتاد هزار قبه کافور و در هر قبه هفتاد هزار هدیه که چشمی ندیده
و گوشی نشنیده و بر خاطر هیچ بشری نگذشته مگر آنکه عمل کرده اند نه ترک کرده و نه ریب و نه خوف و نه عبادت و نه
از آن و هر که از دنیا قانع باشند و در قیامت بکرامت و جوار رحمت من باشد بنی آدم مطلب بصدق و خواهد داشت
دنیا و قناعت باید کرد و در قرآن بعد از ذکر بعض مثوبات اهل جنات میفرماید لِمِثْلِ هٰذَا فَلْیَعْمَلِ الْعَامِلُوْنَ اَذٰلِكَ
خَیْرٌ نُزُلًا اَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّوْمِ یعنی برای چنین ثواب عظیمی باید عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است در جزاء
یا درخت زقوم در جهنم که محنت و عقوبت ستمکاران است بعد از ذکر بعض حالات اهل جهنم میفرماید قُلْ اَذٰلِكَ
خَیْرٌ اَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِیْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ بگو یا محمد آیا این بهتر است یا بهشت خلد که وعده داده شده
پرهیزکاران که جزای عملهای ایشانست در آنجا مهیاست هرچه خواهند همیشه این وعده ایست
لازم الوفا بر خداوند پروردگار لٰکِنِ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِیَّةٌ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا
الْاَنْهٰرُ وَعْدَ اللّٰهِ لَا یُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِیْعَادَ برای آنها که پرهیزکار از مناهی میباشند در بهشت غرفها بالای
بسیار عالی محکم از پای آنها نهرها جاری وعده خداست که تخلف نخواهد بود و بحدیث حضرت با فرم
در تفسیر این آیه رسول خدا میفرماید اعلی این غرفها بنا شده برای دوستان خدا بمروارید و یاقوت و زبرجد

سقف

ملع

اینها از طلا و نقره مزین و منقش و هر غرفه هزار در دارد از طلا و فرشهای عالی از زبرجد و دیبای ملون پر از
عنبر و مشک و کافور و بر هر دری ملکی دربان است پس چون مؤمنان را باین منازل درآورند تاج پادشاهی
و کرامت بر سر و حلقهای مطرز بطلا و نقره و مرصع بمروارید و یاقوت سرخ در بر و بر تخت خود نشینند
از شادی بر خود ببالد پس حضرت بطلبد ملک موکل بباغهای او که بر همنشینش آید خدمه از کنیزان و غلامان
مؤمن گویند دوست خدا بر تخت خود تکیه فرموده و حور مهیای ملاقات او شده صبر کن تا از شغل خود فارغ
شود پس حوری بیرون از خیمه در آمده و بر تخت مؤمن خرامان و کنیزانش بدور او و صفت آن و هفتاد حله مکلل
بیاقوت و مروارید و زبرجد در بر دارد رنگین بمشک و عنبر و تاج کرامت بر سر و نعلین طلا پندشان از یاقوت
سرخ در پا چون نزدیک دوست خدا رسد گوید امروز بعد بتعب نیست بر خبر که من برای تو آمده ام و تو برای
من و چون بهم رسند معانقه کنند پانصد سال بهمین حال آنگاه نظر بگردن حور بر و طوقی مشاهده نماید از
یاقوت سرخ بر لوح وسطش نوشته که ای دوست خدا محبوب منی و من محبوب تو تمام شوق من برای تو بنهایت
رسیده پس حق تعالی هزار ملک فرستند که او را تهنیت بهشت گویند چون در اول بهشت رسند از ملک
دربان رخصت طلبند گوید باشید تا بحاجب بگویم که عرض کند بمؤمن چون بنزد حاجب آید که سر حد بقصر
تا صله دارند گوید بر من بسیار دشوار است که در این حال رخصت طلبم که با زوجه خود خلوت کرده و
در باغ میان حاجب و مؤمن فاصله است پس حاجب بنزد قیم و قیم نزد خادم خواص آید چون ایشان بولی
خدا عرض کنند فرماید داخل شوند پس هر ملکی در یکی از هزار غرفه که بان موکل است گشوده هر یک از ملائکه
را از [illegible] و هر کدام رسالت پروردگار خود را برسانند و اشاره باین است قول خدا وَالْمَلٰئِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِم مِن كُلِّ بابٍ سَلامٌ عَلَيْكُم بِما صَبَرْتُم فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ و ابحر فرموده وَإِذا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيماً وَمُلْكاً كَبيراً
این نعیم و پادشاهیست که حق تعالی بدوست خود کرامت فرموده که رسولان خدا باذن داخل میشوند بعد
از بنا نهرها و میوها و سبزه ها باهم و زن بود هر مؤمنی را هفتاد حور بر وجهها او بیند هند و گاه بر تخت
خود تکیه داده باشد که ناگاه شعاع نوری او را فرا میگیرد بخادمه گوید از کجا بود این نور تابان گوید
از حوریه ایست که هنوز ملاقات نکرده از خیمه در آمده بسوی تو نظر کرد از شوق لقاء علیه و محبت تو چون
ترا دید که بر تخت عزت تکیه فرموده از کثرت شوق و فرح تبسم نمود و آن شعاع از سفیدی و صفای
دندانهای او بود دوست خدا گوید او را رخصت دهید که از منزل خود بنزد من آید چون دوست خدا این را فرمود

هزار غلام و هزار کنیز مهیا در خدمت این بشارت را بجود بدن ستایند و او از خیمه فرود آید بدست مشتاق الهی آراسته
به هفتاد حله مطرز بطلا و نقره مزین بمروارید و یاقوت و زبرجد ملون بمشک و عنبر بالوان مختلف پیراسته
از لطافت بحدی باشد که مغز ساقش از زیر هفتاد حله نمایان و قامتش هفتاد ذرع و عرض دو ده و شهاش ده
ذرع باشد و چون نزدیک دوست خدا رسد خادمان طبقهای جواهر نثار او پیش دستی کرده بیکدیگر را دادند
و مدتها ایشان را ملال حاصل نشود بعد از ذکر این حدیث حضرت باقر فرمود که بهشتها که حق تعالی در قرآن
فرموده جنة العدن است و جنة الفردوس و جنة النعیم و جنة المأوی و در میان اینها بهشتهای دیگر هست و
مؤمن از بهشتها و باغستانها آنقدر رسید هد که خواهد و در آنها متنعم کند بهر نحو که خواهد و هر چه خواهد
کردنش همین که گوید سبحانک اللهم که خدمت مبادرت و آنچه خواهد طلب حاضر سازند چنانکه حق تعالی میفرماید
دعویهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام فرمود تحیت خدام بر ایشان سلام است و آخر دعویهم
ان الحمد لله رب العالمین فرمود مراد این است که بعد از حصول وصول لذت آنچه خواستند از جماع و اکل
و شرب حمد الهی بجا آورند و فرمود که آن نیکو پروردگار خود بدارید که بهشت را هشت در است عرض هر دری
چهل ساله است و حق تعالی در شان جمعی که ایمان و عمل صالح دارند میفرماید اولئک لهم جزاء الضعف یعنی
مزد ایشان همین بقدر کار ایشان نیست بلکه مضاعف است بسبب عملی که کرده اند و ایشان در غرفه‌ها جنان
ایمنانند از هر هولی و نیز ان المتقین فی ظلال و عیون تا آخر آیات یعنی بتحقیق که پرهیزکاران
از معصیت الهی در سایه‌ها و چشمه‌ها و میوه‌های بهشت انچه میل دارند متنعمند بخورید و بپوشید گوارا
باد شما را بسبب عملها که در دنیا میکردید بتحقیق که ما نیکوکاران را چنین مزد میدهیم انهم کانوا
قبل ذلک محسنین تا آخر آیات یعنی بیجا نیست عطای این نعمتها بمتقیان زیرا که ایشان پیش از این
یعنی در دنیا نیکوکار بودند کم شبی بوده که بتهجد و نماز شب قیام نمینمودند و در سحرها در روز هفتاد
استغفار مینمودند و در مالهای خود حقی برای سایل و فقرا مقرر بود و بعد از ذکر شهوات دنیا که در نظر
اهل تکالیف و امتحان مزین شده میفرماید قل اؤنبئکم بخیر من ذلکم تا آخر یعنی آیا خبر کنم شما را به بهتر
از این از برای پرهیزکاران نزد پروردگار ایشان بهشتها که نهرها از پای درختها و عمارتهای آن
روانست همیشه در آنها متنعم و مخلدند و زنان چند که پاکیزه اند از هر بدی و کثافتی و رضوان از جانب الهی
که از همه لذتها و کرامتها بالاتر و بزرگتر است و حق تعالی بیناست به بندگان خود میدانند عمل و مزد عمل هر

اما اگر طلب مرتبه و خلاصی از دوزخ مینمایند با صبر و صدق و دعا و تصدیق و استغفار در سحرها مُتَّكِئِينَ عَلَى
سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ تکیه زده نشستند بر مسندها و کرسیهای بهشت که مقابل و یکدیگر چیده
و تزویج کنیم ایشان را با حوران خوش چشم بهشت يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ بر دور مؤمنان گردند غلامان و خدمت
کاران با کاسههای طلا و کوزهها در آنها است نعمتها بخواطر ایشان میل نمایند و هر چه دیدهای ایشان از آن
لذت یابد همیشه لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ هرگز الم مرگ دیگر نچشند و محفوظ مانند از عذاب دوزخ که کسی که از
غافل بُد از خود مهیا کرده‌اند و اینها برای مؤمنان از جانب حق تعالی با محبت احسان عطا است این است فوز کریم
عظیم پس ما اینها را آسان کردیم قرآن را بر زبان تو که شاید مردم از غفلت متنبه شوند در این آخر زمان قلیله فرصت که نباشد
البته فوت خواهد شد هر کس بخیر خوش دار ما در آخر راحت لذات نعیم ابدی با حرمت و عفو با جمیع اشیاها از آن را
خود مهیا کرده‌اند و خود را وارد هما بخیر پیش ببینند دانند اِنَّ الْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ أَفَنَجْعَلُ
الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ یعنی بتحقیق برای پرهیزکاران نزد پروردگار خود که برای و پرهیزکار
و طاعت بوده اند بهشتهای پر نعمت و لذت و راحت و عشرت مهیا اما هرگاه چنین ثواب ایشان باشد هم پس
ایشان را مثل کسی کاران خواهم کرد چیست شما را چگونه حکم میکنید و همین کلام در خوف و رجا تمام است أَفَمَنْ
كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ تا آخر آیه یعنی آیا پس کسی که مؤمن باشد مثل کسی است که فاسق باشد
از طاعت خارج باشند مساوی نخواهند شد اما آنها که ایمان و عمل صالح دارند پس برای ایشان است بهشتها
دائمی و اعطیه و مهربه بسبب عملی که در دنیا میکردند و اما آنها که فاسق بودند پس مأوی و محل بازگشت ایشان آتش
دوزخ است هر بار که خواهند بیرون آیند از جهنم باز ایشان را بر گردانند و بعلاوه از قدمه لهو و لعب و زینت چون
شکوفه در روزه دنیا که خانه فریب بود موجب عذاب شدید است مبعوثاید سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ
عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا یعنی بشتابید با فرصتی زیاد مثل شتاب جمعی که
بکرو بهم پیشی گیرند بتعجیل و توبه و تدارک بسوی مغفرت پروردگار خود و بهشتی که عرض وسیع و فضای
فسیح آن مثل عرض و وسعت آسمان و زمین است حاضر و مهیا شده برای مؤمنان جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي
وَعَدَ الرَّحْمَنُ یعنی هر که توبه و تدارک کند گذشته‌ها با داخل شود بهشتهای عدن که وعده فرموده
خدای بسیار مهربان بندگان خود را غائبانه بتحقیق که وعده الهی آمد نیست میشوند در اینجا سخن لغوی بلکه
سلام از جانب هم با ملائکه کرام با از جانب خالق جلا و اکرام این بهشتی است که عطا خواهم فرمود کسی

بندگان خود که پرهیز نماید از معصیت ما و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یکفر عنه سیئاته و یدخله
جنات هر که را ایمان و عمل صالح داده می آمرزد گناهان او را و داخل بهشت میکند او را به بهشتی چند که
زیر اشجار و عمارات آنها نهرها روانست همیشه متنعمند در آنجا ابد الآباد و حضرت امیر المؤمنین [illegible]
مؤمنان گنهکار که عقاب او را بتوبه مرتفع شده باشد میفرماید که چون داخل بهشت شوند بدرختی رسند که
سایهای با و بارهای روان و میوهای فراوان دارد ساق آن دو چشمه جاری باشد پس بیکی غسل کنند که حسن و نضارت
بهشت بر او ظاهر شود چنانکه میفرماید تعرف فی وجوههم نضرة النعیم و از دیگر جرعه بنوشند که از
جمیع بلیات و کثافات و کدورات پاک شود چنانکه فرموده و سقاهم ربهم شرابا طهورا یعنی ملائکه باستقبال
او شتافته گویند خوش آمدی داخل بهشت شو پس بیرون آمده در جای که از دو طرف درختان صف کشیده که
شاخهای برگ آنها از زمرد باشد و فروع آنها حلها و زیور باشد و میوه آنها مانند پستان دختران
بکر پس ملائکه با ناقها و اسبهای نور و زیورهای بهشت باستقبال او شتافته گویند ای دوست خدا هر
که خواهی سوار شو و هر حله خواهی بپوش و هر سو خواهی بتاز پس با زینت تمام سوار شده در سرای نور
بیرون آمده و از هر جانب ملائکه و خدم از نور باشند و نور او چندان در بهشت ساطع شود که ملائکه متحیر شده
با هم گویند آمدند مهمانهای خدای حلیم غفور پس چون بقصر اول خود رسد که از نقره باشد با کنگرهای مروارید
و یاقوت و زنانش از حوران در آن قصر مشرف شده مرحبا گویند و چون خواهد در آن قصر نزول نماید
که گویند سیر نما که قصرهای دیگر هم ترا نو مهیا شده پس چون بقصر دیگر رسد که از طلا باشد مکلل بمروارید
زنانش از غرفهها نظر جلوه نموده او را مرحبا و تکلیف نزول نماید چون اراده نزول نماید ملائکه گویند
ای ولی خدا سیر نما که دیگر قصرها برای تو مهیا پس بیکی رسد بقصری که اصلش از یاقوت سرخ باشد مکلل بمروارید
والوان [illegible] خواهد [illegible] ابد الآباد نماید ملائکه بگذارند تا بهر بعضی که از صفا و لطافت اندرون
آنها از بیرون نماید و از جمیع قصور ببیند چشم زدن بر در و فرماید در آخر قصرها سر بر افکند ملائکه گویند
نشود تا گویند از دور نور و ضیای حور و قصور بر دیده ام از قصور منزل هم گویند ای دوست خدا در بهشت
و دیگری هم بیا شد پس بقصری رسد که از بیرون باندرون آن نمایان باشد خشتی از طلا و خشتی از نقره و خشتی
از مروارید و خشتی از یاقوت و میان خشتها مشک و کنگرهها نور درخشان و بهر جانب که نظر نماید عکس خود در
[illegible] دیوار ببیند پس فرمود روزی ام سلمه از رسول خدا ص پرسید که آیا ما زنان دنیا زینتی بود از ایشان

برحمت تو امید داشتم فرمود بلی بسبب آنکه نماز و روزه و عبادات که بر شما فرض بود خواهید یافت منزلت
اینها را بسبب سجده‌های شب بود آنگاه کسی که از اهل نجات که از صراط میگذرد بگشایند در بهشت را و چشمها بایشان رسد
بعضی ایشان خدا روی او را بسوی ایشان بگردانند آنگاه از کمال رضا گوید چه بسیار رحمت خدا که مرا از تو نجات داد
بعد از مکث بسیار گوید پروردگارا روی مرا از دوزخ بگردان که بوی آن مرا آزار کرده و دود آن مرا سوخت فرماید
اما بعد از آن سوال دیگر خواهی کرد گوید نه پس از عهد روی او را از آتش بر تابد آنگاه بدرختی برد که در بهشت
نظر نموده گوید مرا نزدیک آن برسان فرماید عهد کردی گوید پروردگارا نخواهم طلبید غیر این پس بعد از نزدیک آنها
با آنجا که رسید او را شمیم بوی بهشت را شوقش غلبه نموده سوال دخول کند خدا فرماید چه بسیار عذرها کردی
قسم یاد کند که دیگر سوال نکنم چون داخل بهشت شود ساکت شود خدا فرماید چرا نمی‌طلبی گوید شرم
کنم ای پروردگار من فرماید راضی میشوی باینکه از اول دنیا تا فنا از برایت باشد مثل آن و برابر آن خدا ده مثل
آن گوید آیا بمن سخریه میفرمائی پروردگار عالمیان پس حضرت تبسم فرمود که خدا فرماید نه و لیکن میتوانم
بطلبت تا عطا کنم بتو انقدر که اگر ده برابر اهل دنیا بر تو وارد شوند همه را طعام و شربت دهی و خدمه و کسوت
عطا کنی از مال من هیچ چیز کم نشود پس گوید این چیست پس حکایت است آنچه عطا فرموده باول کسی که داخل
بهشت نموده فرماید همه آنها مینمایند کسی قدر آن را از او بپرسید ابو بصیر گوید عرض کردم بحضرت صادق ع که از او
بهشت بفرما که مرا مشتاق کرده‌ای فرمود یا ابا محمد بتحقیق که بوی بهشت را از هزار ساله راه میشنوند
و پست ترین اهل بهشت را انقدر رسید هند که اگر جمیع انس و جن بمنزل آیند و تناول نمایند همه را کافی
باشد چیزی از او کم نشود و سهل ترین اهل بهشت چون داخل بهشت شود سه باغ بدیند چون داخل
شود زنان و خدمتکاران و انهار و اثمار انقدر مشاهده کند که خدا خواهد بعد از شکر الهی گویند باو
ببالا نظر کن و در آنجا کرامتی چند مشاهده کند که در باغ اول ندیده گوید پروردگارا این را نیز بمن کرامت
فرما خطاب رسد که شاید باز غیر از این طلبی گوید نه همین مرا کافی است بغیر از این نمیخواهم چون بآن داخل
در آید سرورش زیاده و عظیم شود شکر الهی بجا آورد آنگاه خطاب رسد که در جنت را برو او بگشایند چون
اضعاف آنچه دیده بود مشاهده نماید فرح و خوشحالیش مضاعف گردد گوید پروردگارا از است چون که احصا
نتوان کرد که منت نهادی بر من بهشتها و نجات از آتش ابو بصیر گفت چون این بشارتها شنیدم گریستم و گفتم
فدای تو گردم زیاده کن شوقم را فرمود نهری هست در بهشت که در هر جانب آن کنیزان روئیده چون مؤمنی بیکی

از انها بیرون اید و خوشتر اید از او و او را از زمین بکند حق تعالی عوض ان بروباند گفتم فدای تو شوم دیگر بفرمائید فرمود مؤمن را
در بهشت هشتصد باکره و چهار هزار ثیبه و دو حور العین کرامت کنند که از زینت نورانی بهشت مخلوق شده اند گفتم
ساقهای ایشان از زیر هفتاد حله پیدا است و جگر مؤمن اینه حور العین است و جگر این اینه او گفتم ایا حور العین را
سخنی هست پس فرمود بلی سخنی که هرگز خلایق باین خوشی سخن نشنیده اند گفت سخن ایشان چیست فرمود
میگویند ماییم خالدات که هرگز نمیریم و ماییم متنعم کنندگان و شادیم ما که هرگز بائده نباشیم ماییم در خلد مقیم
پیوسته مقیم که هرگز بیرون نمیرویم ماییم همیشه شاد و خوشنود که هیچ غم نخشم و غضب هرگز نمیرسیم خوشا
حال کسی که برای ما خلق شده و ما برای او مخلوق شده ایم که بکنار زلف ما را بمیان اسمان اگر بیاویزند نور
ان دیدها را خیره نماید و در صحیح فرموده در تفسیر این ایه فیهن خیرات حسان ایشان زنان عارفه شیعه اند که در بهشت
بمؤمنان تزویج میکنند و در این ایه حور مقصورات فی الخیام فرمود مراد حوران بهشتند با کمال سفیدی و کرامت در
خیمهای در و یاقوت و مرجان نشسته اند هر خیمه را چهار در و هر در برابر هفتاد دختر باکره رسیده دربانند و هر روز
کرامتی از خدا میرسد تا بشارت مؤمنان ایشان را پیشتر خلق نموده و در صحیح فرمود بتحقیق که حق تعالی در بهشت
برای بندگان مؤمن خود در هر جمعه کرامتی مقرر فرموده چون روز جمعه شود ملکی نزد مؤمن میفرستد با دو حله
چون بدر بهشت ان مؤمن میرسد بدربانان میگوید از مؤمن رخصت بطلبید چون خبر بمؤمن رسد بزنان خود
گوید مرا چه باید کرد گویند ای سید و بزرگوار ما ان خدائی که بهشت را بتصرف تو داده کرامتی برای تو فرستاده که بر دست
رسول بنزد تو فرستاده و انگاه ملک در اید و مؤمن یکی از ان دو حله را بر کمر بسته و یکی را بر دوش افکنده و
با پیک روانه شود و بر هر چیز که بگذرد از نور او روشن شود و بیاید بوعدگاه چون کرامت پس چون همه
مؤمنان مجتمع شوند حق تعالی بنوری از انوار جلال و معرفت خود بر ایشان تجلی فرماید پس بسجده در ایند
خطاب رسد که ای بندگان من سر بردارید که امروز روز سجده و عبادت نیست مشقت تکلیف و طاعت را
از شما برداشته ایم گویند ای پروردگار ما چه چیز از این بهتر میباشد که بما کرامت کرده بهشت را بما عطا
فرموده فرماید عطا کردم بشما هفتاد برابر انچه حالا دارید از جمیع نعمتها و تمامی کرامتها پس در هر جمعه مؤمن
بر میگردد با هفتاد مقابل انچه پیش داشته اند اینست قول خدا ولدینا مزید یعنی نزد ما زیادتیها هست از رحمت و
کرامتها و نور مزید نور جمعه است و روزش و شبش بسیار سفید و نورانی است پس در این شب و روز ذکر خدا
و صلوات بر محمد و ال محمد بسیار بعمل اورید پس چون مؤمن تا بوعدگاه بر میگردد و بر هر چیز که بگذرد از نور خود

روشن میکرده‌اند تا زنان خود که میرسد گویند ای به حق محمد که بهشت را با مباح جوهر و یاقوت بصر لشکر از حسن

و جمال امروز ندیده‌ایم گویند از تجلی نور جلال پروردگار خود بوده‌ایم با فتراتیم و زنان بهشت را رشک و حسد

و بدخوئی نمی‌باشد راوی پرسید که در بهشت غنا می‌باشد فرمود بحقی که در بهشت درختیست که بار او خلخال‌ها و

از حرکت و زیر او اوراد میچیند از او ناشی میشود که هرگز خلایق بآن خوبی نشنیده‌اند و آن جزای کسی است که در دنیا

ترک غنا از خوف الهی کرده باشد راوی گفت فدای تو گردم بیشتر بفرما حق تعالی بهشتی بیافرید بدست خود از برای که مخلوقی

بر آن مطلع نشده هر صبح از اکشوده فرماید شمیم بوی خوش خود را با اهل بهشت زیاده فرحت این است قول خدا که فلا

تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء بما کانوا یعملون که در ثواب عبادت شب میفرماید که هیچ کس نمیداند ای حرب

امت پنهان خفی و مهیا شده از آن بهره‌ها که موجب روشنی چشم ایشان خواهد شد بجزای عملهای ایشان که در دنیا میکرده‌اند

و بسند صحیح فرمود طوبی درختیست در بهشت در خانه امیرالمؤمنین ع و یک برگ آن [illegible] افکنده و در هر خانه شعبه

شاخی از آن هست بجهت شیعیان امیرالمؤمنین خواهش هر چیزی که بخاطرش میرسد آن شاخ حاضر میسازد و صد سال

سوار تند تاز از سایه آن نتواند در رفت و کلاغ بلند پرواز ببالای آن نرسد هر چند که تند [illegible] جستن سعادتی

و سعی نماید در حدیث حسن بلکه صحیح کرامتی فرموده در بهشت درختی هست که از بالای آن حله‌ها میروید و از پایینش

اسپان ابلق زین و لجام کرده می‌آید که بالها دارند و سرگین و بول ندارند پس دوستان خدا را بر داشته پرواز کنند هر جا

که ایشان خواهند پس جماعتی که در مرتبه پستتر باشند گویند پروردگارا چه کار ایشان را باین کرامتی رسانیده فرماید ایشان

شبها نمیخوابیدند بعبادت و شما میخوابیدید و روزها میداشتند و شما چیز میخوردید و جهاد میکردند و شما میترسیدید

و تصدق میکردند و شما بخل [illegible] و باخانه‌ای [illegible] مروارید و زخنه از طلا است و اهل بهشت را بول و

غایط نمی‌باشد بلکه بعرق مبدل میشود بعرق خوشبوتر از مشک و اهل بهشت را هر روز حسن و جمال و صفا و طراوت

زیاده میشود چنانکه اهل دنیا را هر روز پیری و [illegible] فرموده پستترین اهل بهشت را ده هزار خادم

و نود و دو مرتبه از مرتبه‌ای بهشت [illegible] و برای هر یک مؤمنی از پنج [illegible] حله عطا شود و قامت آدم شصت

ذراع [illegible] حسن یوسف [illegible] ایشان زیاد و مانند میشود و صورت [illegible] خلق محمد و دل

او [illegible] حلم ابراهیم دل سالم و صبر ایوب پس رسند کرامت [illegible] کرده باشند با خود [illegible] که نور [illegible] از بالا

بر او تابد [illegible] شنود که ای [illegible] با شما میرسد دولت و رضا تو گوید تو کیستی گوید از زنان تو [illegible]

میکنند [illegible] جبه دیگر که عدد [illegible] اند بعد از آن [illegible] پیش او [illegible] شود دیگر

یکی هفتصد طشت در هر طشتی هفتصد طاس هر طاسی صد هزار رنگ طعام از هر لقمه هزار لذت یابد و خدمه
در برابر ایستاده باشند تا هر چه طلب کند آنچه اشتها و خواهش دارد و مرغ را مثل شتر خواهش میکند فورا بریان شده خود حاضر میباشد
بریان پس چون دست کشند پرواز کنند چهل سال بر مائده نشینند و مشغول اکل مرغ و چون بانجام آشامند
هضم شود و جام چون خاشوعات اند پر شود و آید رسول پروردگار عالم برای بهشتیان و از هفتاد حاجب
گذشته بر او سلام کنند و گویند سلام و پیام رساند که خانه خانه شما است پروردگار هم سایه شما است بخورید
بجنبانید و بنوشید میفرمائید آنگاه طبقی از نور پیش او نهند چون سرپوش از بردارد [illegible] ببیند که بر او از
آن حوریه نقاب دارد که وصف حسنش نتوان کرد چون اراده کشف نقاب او نماید گوید اول نامه پروردگار
مرا بخوان آنگاه روی مرا باز کن در عنوان نامه نوشته باشد که از جانب پادشاه عزیز حکیم که ملکش زوال
ندارد و چون مهر نامه را بردارد بانواع تلطف نوشته باشد که از لذت حور و قصور بسوی بارگاه من ای بندۀ
من مشتاق لقایم پس از آن لذات اعراض نموده متوجه گردد ببارگاه جلال و لذت تجلی نور ذات ذو الجلال و استماع
سلام و کلام ذو الجلال و الاکرام که از وصف دار السلام زبان بتحریر و تقریر قاصر است و بحدیثی چون اهل
بهشت در منازل خود قرار گیرند روز شنبه ندا شود بدعوت اهل بهشت بضیافت حضرت آدم در جنة الخلد و یکشنبه
بضیافت نوح در جنة النعیم و دوشنبه بضیافت ابرهیم در جنة المأوی و سه شنبه بضیافت موسی در دار السلام و چهارشنبه
بضیافت عیسی در جنة العدن آنگاه ندا کنند در پنجشنبه بوعده اهل بهشت بسوی ضیافت سید انبیاء در ظل سدرة
المنتهی جبرئیل و میکائیل خدمت نمایند در قبه آنحضرت که آن یکدانه مروارید است و هزار در دارد و وسعت
هر دری پانصد ساله و بروایتی در سر مائده سیصد هزار ساله مینوشند از شراب مختوم که در [illegible] نوشته است
این است شراب طهور از پروردگار طاهر بسوی بندۀ طاهر و بروایت ولی چون اراده رجوع از ضیافت رسول خدا نمایند
ندا رسد از جانب رب العزة که فردا در دنیا جمعه و عید مؤمنان بوده و روز مزید است حاضر شوند در دار الجلال
بوعده گاه و مشاهده تجلی نور جمال و حدیث طول دارد و ضیافت الهی بانواع لذتها یابند از اکل و شرب
ده قسم که اسم آنها در قرآن مذکور است و از اقسام فاکهه و نعمت که کمان [illegible] لذتها نمی داشتند بوی خلعتها
پوشند هر کدام هفتاد نوع و بروایتی درختی جنبانند از او ریزان هفتاد حله موافق بپوشند آنگاه ابر رحمت
طیب بر ایشان ببارد و بروایت ابن عباس از رسول خدا هر روز آخر هزار ساله دیدار است پس ایشان را حاجت
سیصد ساله و بیدار روز مثل صحبت حوران کنند سیصد سال و سیصد ساله دیگر در بیابان جنان بتفرج و شکار خود اشتغال

نمایند وسلسلۀ جود و تجرّد سرحد بارش جلوه گاه ومحل بارگاه قرب جناب اقدس اله نمایند ومعنی ابدالابدین
صوفی لعنت علیٰ کو که ابو هاشم است از مسائل متشابهات الهیه که بر تو مهیا فرموده اگر اطلاع نمائی پس ای عزیز
مثابحسب بین نظر کن که ... و شرب بر مشتعلف دور در زه فانی ابا فا بل این است که بر او خود را از فوق
چنین سفلت عملی ... شفا و حیرت کبرا گرفتار گردانی با بهشت ابدی و جوار رحمت بردت و رضوان
در منزلت بارگاه احدیت و بخلاف از دوزخ حسرت سرابک انفند بیفد سوخته است که بر او خود با بها از لوث پرنیش
منجر شده گذشتن تو لکن بر ثم بدانکه چنانکه بدون گذشتن از این ممکن نیست که بان برسی همچنین با وجود
گذشتن از این محال است که بان برسی هیچ درجه از مراتب عالیه جنتا ممکن باشد که جواد مطلق تعالیٰ شانه راههای
مشعله واضح آسان از آن بتو نموده با وجود تو ابدالعمر که بر او راهها بخلاف از ان راه دلالت و هدایت
فرمود چنانکه در عیون سابقه مکرر بیان که پس از روزها عاطل عمر خود را که سرمایه کسب سعادت است ...
در باطل بنگردان و بر راهها اعتماد ... و تلبیس و تدبیر ابلیس مردود در دام راه بر روی دل خدا مکشا و یقین بدانکه
هر منزلی را راهی است و راه بهشت منحصر است بر طریق طاعت که عبادات از تحصیل معرفت و عبادات الهی است پس راه
چپ ... رسول بمنزل راست بودن خود را استهزا نمودن نیست و کار ... طمع مزد داشتن تخم سفل
در شوره زار خام طمع ... گذشتن در روح الجنت با موسیٰ چه سببا کم است شرم و حیا کسی که طمع می دارد
بهشت مر این عمل چگونه بود و عطا خواهم فرمود کسی که بخل می ورزد در طاعت ... نایل بیک بافرما
از بهشت ... با وجود چندین نافرمانی و عدم توبه و پشیمانی به بهشت خواهی رفت و در قرآن مبین فرمایند
أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ یعنی آیا طمع میدارد کسی که او را داخل بهشت
خواهند نمود نه چنین است ... که ما آفریدیم ایشان را از چیزی که خود میدانند یعنی از کثیف ناپاکی که اهلیت
بهشت و لیاقت حضر پاکان ندارد مگر بتحصیل پاکیزگی اعمال بمعرفت و عبادت و تکمیل و تهذیب اخلاق نفسانی
بصبر بر ریاضت بجبر و ناپاک ترک کردن ... مخالفت و کثافات ذمایم و معصیت و میفرماید أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا
الْجَنَّةَ تا آخر آیه یعنی آیا پنداشتید که داخل بهشت خواهید شد بی مجاهده و ریاضت و بدون صبر از معصیت و بر
بر طاعت و میفرماید تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا یعنی این بهشتی است که از بندگان خود
بکسی خواهیم داد که پرهیزگار باشد و همین معنی میفرماید ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ و میفرماید تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ
نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ و میفرماید ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ

ثمّ نعرّج

ومنفعت از اعضا بسته بود پس فرمود ایها الناس نزدیک شده که از دنیا شما بروم ... و دینی ابرین
باشد خبر کنید ای گروه مردم بنجبنو که بنیست میانه خدا و کسی وسیله که بسبب آن خیری رسانند یا شری که برکرد ابد اطاعت
وطلب خوشنودی از حق تعالی شانه ایها الناس دعوی نکنند و ارزو کنند که بدون اطاعت الهی برضای او میرسم بحق
خدا که مرا بحق فرستاده که نجات نخواهد داد از عذاب الهی مگر عمل نیکو با رحمت خدا و اگر معصیت خدا کنم البته بجهنم
میروم و فرمود که ندیده ام مانند آتش دوزخ که راهب و گریزان از آن در خواب غفلت باشد و نه مثل بهشتی که طالب وخواهان
آن در خواب غفلت و حسرت ماند که بهشت سعی و جد و جهد که مفید باشد و نجات از آن فوز یابی در این دو روز
مهلت بعمل بیلوری و حال آنکه دانند که فرصت نه درست که ترا مهلت باو داده اند البته دفعه بناگاه او خواهد
خواهد شد و از او عنبه سجاد بر سنت واجْزِنِیْ مِنَ الْمَنِّ لِمَنَازِلِ الْمُتَّقِیْنَ بِمَا یَسْخَطُکَ مِنَ الْعَمَلِ یعنی منع کن مرا
از آن روز جای پرهیزان بعملی که تو را ناخوش آید و حضرت صادق ع از حضرت عیسی ع ذکر فرمود که بر گرد نیا کار میکنند که
بی عمل در آن روزی داده شده اید و برای آخرت کار نمیکنید که بدون عمل در آن عطا کرده نخواهید شد از عالم کسی که شبهه
دارد در زمین بوراو و شب ظلمت شما و امیرالمؤمنین ع شخصی موعظه طلبید فرمود لاتکن ممن یرجوا الجنة بغیر
عمل و یؤخر التوبة بطول الامل یعنی مباش از جمله کسانیکه ارزوی بهشت میدارد بی عمل و تاخیر توبه و ندارک اخرت
خود مینماید از طول امل دیگری مواعظه خواسته فرمود اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِیْ نَعِیْمٍ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِیْ جَحِیْمٍ و فرمود که
بسیار نزدیک است راحت و زود از آخرت یا از نعمت چند روز دنیا فانی و سهل نعمت که بعد از آن بهشت باشد
راحتی است که بعد از آن آتش جهنم باشد و حضرت نبوی صلعم خواهند بود منعم ترین اهل دنیا از اهل دوزخ و در آتش
فرو برند تا آنکه عرض برینند آنگاه گوئید ای پسر آدم اصلا هرگز خیری و راحتی در دنیا دیده گوید نه بخدا سوگند وی از شدت
پریشانی نزیه اهل دنیا را از اهل بهشت و ببرند در نعیم بهشت بکدفعه و بپرسند ایا هیچ پریشانی و شدتی
گذشته گوید نه بخدا سوگند ای پروردگار من و از توریته منقولست که ای فرزند آدم هرگاه داخل دوزخ شوند
ملوک بجور و عرب بتعصب علما بحسد و فقراء بدروغ و بیعثان و زارع بجهالت و عبا بریا و اغنیا بکبر پس
که طالب بهشت ای پسر آدم من ام ملک پادشاه که هرگز زوال ندارم عمل و اطاعت کن بفرموده من تا بکردانم تو را زنده
که هرگز نمیرد و در قرآن بعد از وصف بهشت میفرماید وَفِیْ ذٰلِکَ فَلْیَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُوْنَ یعنی در چنین نعمتی و لذتی
و راحتی باید رغبت نمایند رغبت کنندگان یعنی عملی که باعث فوز بابن سعادت عظمی گردد بجا آرند و الاهر خاص
طمع تذیلی در راحت نفس ابدی میل و رغبت نسبتا میدارد حیا اختیار بن غضب الهی است پس هرکه اشتیاق بهشت را برای